



مرکز تحقیقات رولیندرافقیه اسلام

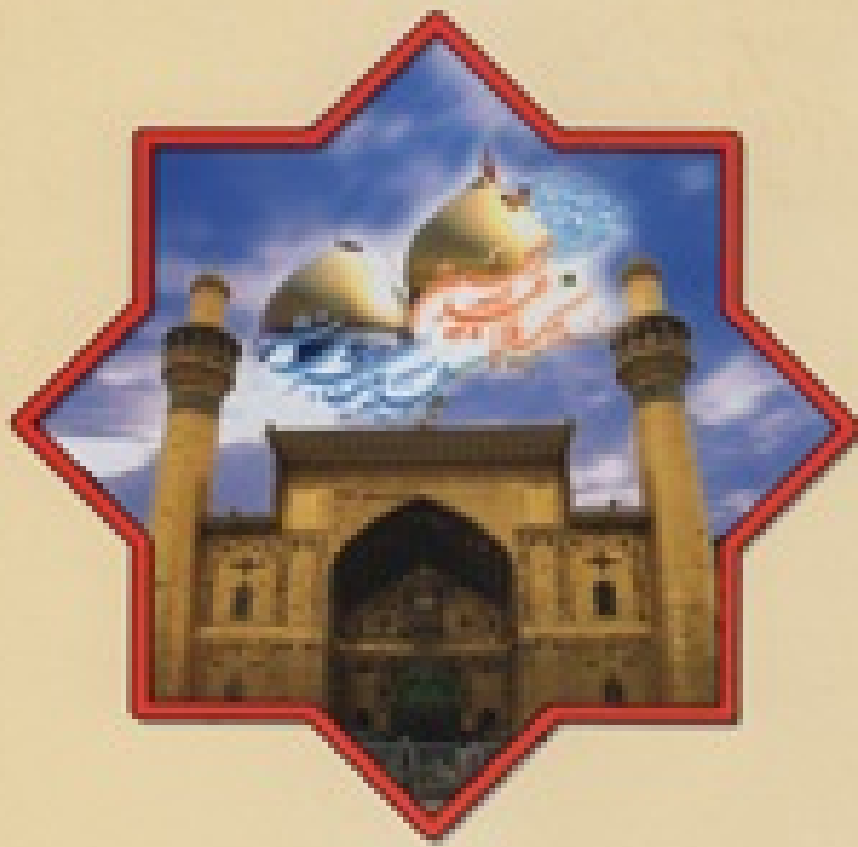
حوزه نمایندگی ولی فقیه امور حج و زیارت (پ)

www.Ghaemiyeh.com

www.Hajj.ir

راه‌نمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

دوره کارکنان حج و زیارت



تألیف: دکتر احسان مقدس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

نویسنده:

احسان مقدس

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۱	راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق
۲۱	مشخصات کتاب
۲۱	اشاره
۲۲	مقدمه
۲۴	فصل اول عراق در یک نگاه
۲۴	اشاره
۲۵	پیشگفتار
۲۵	موقعیت جغرافیایی عراق:
۲۶	آب وهوا:
۲۶	منابع آب عراق:
۲۷	دریاچه‌های عراق:
۲۸	اقوام ساکن در عراق
۳۰	تاریخ عراق:
۴۷	استانهای عراق:
۶۶	خلاصه درس فصل اول:
۶۷	فصل دوم
۶۷	شهر مقدس نجف
۶۷	اشاره
۷۰	تاریخچه نجف
۷۸	محلله‌های شهرنجف
۷۸	الف محلله‌های قدیمی:
۷۸	اشاره

- محله العلاء: ۷۸
- محله العماره: ۷۸
- محله الحویش: ۷۹
- محله البراق: ۷۹
- ب محله‌های جدید: ۷۹
- مساجد معروف نجف: ۷۹
- اشاره ۷۹
- مسجد شیخ طوسی: ۷۹
- مسجد شیخ انصاری: ۷۹
- مسجد هندی: ۸۰
- مسجد خضراء: ۸۰
- مسجد جواهری ۸۰
- مسجد صافی الصفا: ۸۰
- مدارس دینی نجف: ۸۰
- اشاره ۸۰
۱. مدرسه مقداد سیوری: ۸۱
۲. مدرسه صدر: ۸۱
۳. مدرسه معتمد: ۸۱
۴. مدرسه شیخ مهدی: ۸۱
۵. مدرسه قوام: ۸۱
۶. مدرسه سلیمیه: ۸۱
۷. مدرسه ایروانی: ۸۱
۸. مدرسه قزوینی: ۸۱
۹. مدرسه بادکوب ۸۱

۱۰. مدرسه شریانی: ۸۱
۱۱. مدارس خلیلی: ۸۱
۱۲. مدارس آخوند: ۸۲
۱۳. مدرسه هندی: ۸۲
۱۴. مدرسه بخاری: ۸۲
۱۵. مدارس سید محمد کاظم رشتی: ۸۲
۱۶. مدرسه مجدد شیرازی: ۸۲
۱۷. مدرسه بروجردی: ۸۲
۱۸. مدرسه عبدالعزیز بغدادی: ۸۲
۱۹. مدرسه دار الحکمه: ۸۲
۲۰. جامعه النجف الدینیہ: ۸۳
۲۱. مدرسه لبنانیہ: ۸۳
۲۲. مدرسه أزریہ: ۸۳
۲۳. مدرسه دار العلم: ۸۳
- کتابخانه‌های نجف: ۸۳
- اشاره ۸۳
۱. کتابخانه حسینیه: ۸۳
۲. کتابخانه شیخ محمد رضا آل فرج ۸۳
۳. کتابخانه عمومی آل حنوش: ۸۴
۴. کتابخانه عمومی نجف: ۸۴
۵. کتابخانه امیرالمؤمنین (ع): ۸۴
۶. کتابخانه عمومی حکیم: ۸۴
۷. کتابخانه العلمین: ۸۴
۸. کتابخانه حیدریه: ۸۴

۸۵	چاپخانه‌های معروف نجف:
۸۵	شخصیت های مهم مدفون در شهر نجف:
۸۵	اشاره
۸۸	مدفن یاران خاص حضرت علی (ع):
۸۹	شهر نجف از دید جهانگردان
۹۴	اماکن زیارتی شهر نجف
۹۴	۱. حرم مطهر حضرت علی (ع):
۹۴	اشاره
۹۵	الف توصیف حرم مطهر:
۹۵	اشاره
۹۵	اعجاز هندسی حرم:
۹۵	روضه شریف:
۹۸	صحن شریف:
۹۸	اشاره
۹۹	۱. باب الکبیر یا دربزرگ:
۹۹	۲. باب مسلم بن عقیل:
۹۹	۳. باب الطوسی:
۹۹	۴. باب القبله
۹۹	۵. باب السلطانی:
۹۹	گلدسته‌ها:
۱۰۰	رواق حرم مطهر:
۱۰۱	ایوان طلای بزرگ:
۱۰۲	ب تاریخچه حرم مطهر حضرت علی (ع):
۱۰۶	ج. موزه یا گنجینه حرم مطهر:

- د. شخصیت‌های مهم مدفون در حرم مطهر حضرت علی (ع): ۱۰۸
- اشاره ۱۰۸
- قبور موجود در روضه شریف: ۱۰۸
- قبور موجود در رواق زیر گنبد: ۱۰۸
۲. مقام امام زین العابدین (ع): ۱۱۲
۳. مقام حضرت مهدی (عج): ۱۱۲
۴. مرقد هود و صالح: ۱۱۳
۵. مرقد آدم و نوح: ۱۱۴
۶. مسجد حنانه: ۱۱۴
۷. مرقد کمیل بن زیاد: ۱۱۵
۸. مسجد عمران بن شاهین: ۱۱۷
۹. مسجد الخضر: ۱۱۸
۱۰. مسجد الرأس (بالاسر): ۱۱۹
۱۱. مسجد شیخ طوسی: ۱۱۹
۱۲. تکیه بکتاشیه: ۱۲۰
۱۳. وادی السلام: ۱۲۰
- شهر کوفه ۱۲۲
- اشاره ۱۲۲
- اماکن زیارتی در شهر کوفه ۱۲۵
۱. مسجد کوفه: ۱۲۵
۲. حرم مسلم بن عقیل: ۱۲۹
- اشاره ۱۲۹
- تاریخچه مرقد مسلم بن عقیل: ۱۳۲
۳. مرقد هانی بن عروه: ۱۳۴

۴. مرقد مختار ثقفی: ۱۳۷
۵. مرقد میثم تمار: ۱۳۹
۶. مسجد سهله: ۱۴۱
۷. مسجد صعصعه بن صوحان: ۱۴۳
۸. مسجد زید بن صوحان: ۱۴۷
۹. خانه امام علی (ع): ۱۴۸
۱۰. مرقد خدیجه دختر حضرت علی (ع): ۱۴۹
۱۱. مرقد اولاد الحسن (ع): ۱۴۹
۱۲. مرقد سید ابراهیم غمر: ۱۴۹
۱۳. قصر دار الاماره: ۱۴۹
۱۴. مسجد و مقام یونس (ع): ۱۵۰
- اشاره ۱۵۰
- شهر کفل: ۱۵۱
- خلاصه درس فصل دوم: ۱۵۳
- فصل سوم مسیر حرکت امام حسین (ع) به کربلا ۱۵۵
- اشاره ۱۵۵
- ۱. التنعیم: ۱۵۶
- ۲. الصفاح: ۱۵۶
- ۳. وادی عقیق: ۱۵۷
- ۴. وادی صفرا: ۱۵۷
- ۵. ذات العرق: ۱۵۸
- ۶. حاجر بطن ارمه: ۱۵۸
- ۷. فید: ۱۵۸
- ۸. احفر: ۱۵۹

۱۵۹	۹. خُزَیمیه:
۱۶۰	۱۰. شقوق:
۱۶۱	۱۱. زرود:
۱۶۳	۱۲. ثعلبیه:
۱۶۶	۱۴. ذی القاع:
۱۶۷	۱۵. بطن العقبه:
۱۶۸	۱۶. شراف:
۱۶۹	۱۷. ذوحسمی:
۱۷۱	۱۸. البیضه:
۱۷۱	۱۹. عذیب الهجانات:
۱۷۳	۲۰. القطقطانیه:
۱۷۳	۲۱. قصر بنی مقاتل:
۱۷۵	۲۲. ورود به کربلا:
۱۷۸	خلاصه درس فصل سوم:
۱۷۹	فصل چهارم شهر مقدس کربلا
۱۷۹	اشاره
۱۸۲	تاریخچه شهر کربلا
۱۹۱	شهرستانهای تابعه کربلا:
۱۹۱	محلله های کربلا:
۱۹۲	خیابانهای کربلا:
۱۹۲	زیارتگاه های کربلا:
۱۹۲	اماکن سیاحتی کربلا:
۱۹۲	اماکن سیاحتی کربلا عبارتند از:
۱۹۳	مساجد کربلا:

- ۱۹۳ حسینیه‌های کربلا:
- ۱۹۳ مدارس دینی کربلا:
- ۱۹۵ کتابخانه‌های کربلا:
- ۱۹۵ ۱ کتابخانه‌های عمومی:
- ۱۹۵ ۲ کتابخانه‌های خصوصی:
- ۱۹۶ گورستان‌های کربلا:
- ۱۹۶ بازارهای قدیمی و جدید کربلا:
- ۱۹۶ کاروانسراهای قدیمی و معروف کربلا:
- ۱۹۷ ب توصیف حرم مطهر امام حسین:
- ۱۹۷ روضه الشریف:
- ۱۹۸ رواق‌ها:
- ۱۹۸ اشاره
- ۱۹۸ رواق جنوبی
- ۱۹۹ رواق شرقی
- ۲۰۰ رواق غربی
- ۲۰۵ ایوان ناصری:
- ۲۰۶ سقاخانه‌ها:
- ۲۰۶ گنبد مطهر:
- ۲۰۷ گلدسته‌ها
- ۲۰۹ درهای صحن مطهر:
- ۲۰۹ اشاره
- ۲۰۹ ۱. باب القبله:
- ۲۱۰ ۲. باب الرجاء:
- ۲۱۰ ۳. باب قاضی الحاجات:

۲۱۱	۴. باب الشهداء:
۲۱۱	۵. باب الكرامه:
۲۱۲	۶. باب السلام:
۲۱۳	۷. باب السدره:
۲۱۳	۸. باب السلطانيه:
۲۱۴	۹. باب الرأس الشريف:
۲۱۵	۱۰. باب الزينبيه:
۲۱۵	ج موزه يا گنجينه حرم مطهر امام حسين (ع)
۲۱۹	د كتابخانه حرم مطهر امام حسين (ع):
۲۲۲	ه شخصيت‌هاى مهم مدفون در حرم مطهر امام حسين (ع):
۲۲۵	حرم مطهر حضرت عباس (ع)
۲۲۵	اشاره
۲۲۵	الف. تاريخچه حرم مطهر ابوالفضل (ع):
۲۲۷	ب. توصيف حرم مطهر ابوالفضل (ع):
۲۲۷	روضه شريف:
۲۲۸	رواق‌ها:
۲۲۸	اشاره
۲۲۸	رواق شمالي:
۲۲۸	رواق غربى:
۲۲۹	رواق شرقى:
۲۲۹	رواق جنوبى:
۲۲۹	ايوان طلا:
۲۳۰	صحن شريف:
۲۳۰	اشاره

- ۲۳۱ ایوان شرقی:
- ۲۳۱ ایوان شمالی:
- ۲۳۱ ایوان قبله:
- ۲۳۱ درب های صحن شریف:
- ۲۳۱ اشاره
- ۲۳۱ ۱. باب الحسن (ع):
- ۲۳۲ ۲. باب الحسین (ع):
- ۲۳۲ ۴. باب موسی بن جعفر (ع):
- ۲۳۳ ۵. باب امیر المومنین (ع):
- ۲۳۳ ۶. باب علی الهادی (ع):
- ۲۳۳ ۷. باب الجواد (ع):
- ۲۳۳ ۸. باب الرسول (ص) یا باب القبله:
- ۲۳۴ ۹. باب العلقم یا باب الرضا (ع):
- ۲۳۴ ۱۰. باب الفرات:
- ۲۳۴ سقا خانه ها:
- ۲۳۵ گنبد مطهر:
- ۲۳۵ گلدسته ها:
- ۲۳۶ ج. موزه و گنجینه حرم مطهر:
- ۲۳۷ د کتابخانه حرم مطهر:
- ۲۳۷ ه بزرگان مدفون در حرم مطهر ابوالفضل (ع):
- ۲۳۸ سایر اماکن زیارتی در کربلا
- ۲۳۸ ۱. مرقد سید ابراهیم مجاب
- ۲۳۹ ۲. مرقد حبیب بن مظاهر اسدی
- ۲۴۰ ۳. مرقد حر بن یزید ریاحی

۴. مرقد عون بن عبدالله ۲۴۱
۵. خیمه‌گاه حسینی ۲۴۲
۶. تل زینبیه ۲۴۳
۷. مقام کف دست راست و کف دست چپ ابوالفضل (ع) ۲۴۴
۸. مقام امام الزمان (ع) ۲۴۵
۹. مقام أم البنین ۲۴۵
۱۰. مرقد آخرس ابن الکاظم ۲۴۶
۱۱. مرقد ابن حمزه ۲۴۶
۱۲. مرقد احمد بن هاشم ۲۴۷
- شهر کربلا از دید جهانگردان ۲۴۷
- خلاصه درس فصل چهارم: ۲۵۶
- فصل پنجم شهر مقدس کاظمین ۲۵۸
- اشاره ۲۵۸
- اماکن زیارتی در شهر کاظمین ۲۶۵
- اشاره ۲۶۵
- ۱ مرقد مطهر کاظمین: ۲۶۵
- الف تاریخچه حرم مطهر کاظمین: ۲۶۵
- ب. بزرگان مدفون در حرم مطهر کاظمین: ۲۷۱
۲. مسجد براتا: ۲۷۲
- ۳ مسجد المنطقه: ۲۷۴
۴. آرامگاه شیخ مفید: ۲۷۴
۵. آرامگاه ابن قولویه: ۲۷۴
۶. آرامگاه خواجه نصیرالدین طوسی: ۲۷۵
۷. مرقد امامزاده موسی بن ابراهیم: ۲۷۵

- ۲۷۵ ۸. آرامگاه سید رضی و سید مرتضی:
- ۲۷۶ ۹. آرامگاه ابو یوسف قاضی: -
- ۲۷۶ شهر کاظمین از دید جهانگردان
- ۲۸۴ شهر بغداد
- ۲۸۴ اشاره
- ۲۸۵ اماکن زیارتی و دیدنی بغداد
- ۲۸۵ ۱. مرقد نواب اربعه امام زمان (ع):
- ۲۸۵ ۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمری اسدی
- ۲۸۵ ۲. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید معروف به شیخ خلاتی
- ۲۸۵ ۳. شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (متوفای ۳۲۶ ه ق)
- ۲۸۵ ۴. شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمد سمري
- ۲۸۶ ۲. مرقد شیخ کلینی:
- ۲۸۶ ۳. مرقد ادريس حسنی:
- ۲۸۶ ۴. آرامگاه بشر حافی:
- ۲۸۶ ۵. آرامگاه بهلول:
- ۲۸۶ ۶. قبر سید سلطان علی:
- ۲۸۷ ۷. قبر قنبر علی:
- ۲۸۷ ۸. مدرسه مستنصریه:
- ۲۸۷ ۹. مسجد صفویه:
- ۲۸۸ ۱۰. قصر عباسی:
- ۲۸۸ ۱۱. مسجد خفافین:
- ۲۸۸ ۱۲. مسجد الخلفاء:
- ۲۸۸ ۱۳. قبر ابوحنیفه:
- ۲۸۹ ۱۴. قبر عبدالقادر گیلانی:

۱۵. قبر شیخ عمر سهروردی: ۲۸۹
۱۶. قبر زبیده خاتون: ۲۹۰
۱۷. قبر شیخ معروف کرخی: ۲۹۰
۱۸. باب الطلسم: ۲۹۰
۱۹. آرامگاه احمد بن حنبل: ۲۹۰
۲۰. قبور برخی از بزرگان صوفیه: ۲۹۰
- خلاصه درس فصل پنجم: ۲۹۱
- فصل ششم شهر مقدس سامرا ۲۹۳
- اشاره ۲۹۳
- شهرستانهای استان صلاح الدین (سامرا): ۲۹۵
- تاریخچه شهر سامرا ۲۹۵
- محلله‌های شهر سامرا: ۲۹۹
- خیابانهای شهر سامرا: ۲۹۹
- مساجد شهر سامرا: ۲۹۹
- آثار باستانی سامرا: ۳۰۰
- مدارس دینی سامرا: ۳۰۰
- کتابخانه‌های سامرا: ۳۰۰
- شخصیت‌های مهم تاریخی سامرا: ۳۰۰
- اماکن زیارتی سامرا ۳۰۱
۱. مرقد مطهر عسکریین: ۳۰۱
۲. مرقد مطهر نرجس خاتون: ۳۰۲
۳. مرقد حکیمه خاتون: ۳۰۳
۴. قبر مطهر حسین بن علی الهادی (ع): ۳۰۳
۵. سرداب غیبت: ۳۰۳

- ۳۰۴ ۶. مرقد سید محمد (ع)
- ۳۰۵ ۷. قبر امامزاده محمد دری
- ۳۰۶ خلاصه درس فصل ششم:
- ۳۰۷ فصل هفتم
- ۳۰۷ اشاره
- ۳۰۸ شهر حله
- ۳۰۸ اشاره
- ۳۰۸ اماکن زیارتی و تاریخی حله
- ۳۰۸ ۱. مرقد امامزاده حمزه:
- ۳۰۹ ۲. مرقد امامزاده قاسم:
- ۳۰۹ ۳. مسجد رد الشمس:
- ۳۰۹ ۴. تپه حراقه:
- ۳۱۰ ۵. آرامگاه ابراهیم احمر العینین:
- ۳۱۰ ۶. آرامگاه ابو دمیعه:
- ۳۱۰ ۷. آرامگاه حسن الاسمر:
- ۳۱۰ ۸. آرامگاه محمد الادرع:
- ۳۱۱ ۹. آرامگاه اسماء بنت عمیس:
- ۳۱۱ ۱۰. آرامگاه اسماعیل طباطبا:
- ۳۱۱ ۱۱. مرقد حضرت ایوب:
- ۳۱۱ ۱۲. مرقد بکر بن علی:
- ۳۱۳ ۱۳. قبر ابوالعباس سفاح:
- ۳۱۳ ۱۴. آرامگاه عبدالله المحض:
- ۳۱۳ ۱۵. آرامگاه عبدالله بن زید:
- ۳۱۳ ۱۶. آرامگاه عمران بن علی (ع):

۱۷. آرامگاه عون بن علی: ۳۱۳
۱۸. آرامگاه قاسم بن موسی الکاظم (ع): ۳۱۴
۱۹. آرامگاه محمد الدیباج: ۳۱۴
۲۰. آرامگاه ابن ادريس حلی: ۳۱۴
۲۱. آرامگاه ابن حماد واسطی: ۳۱۴
۲۲. آرامگاه ابن سعید حلی: ۳۱۴
۲۱. آرامگاه محقق حلی: ۳۱۴
- شهر بصره ۳۱۵
- اشاره ۳۱۵
- اماکن دیدنی بصره ۳۱۵
۱. مسجد جامع بصره: ۳۱۵
۲. آرامگاه زید بن صوحان: ۳۱۵
۳. قبر حسن بصری: ۳۱۶
۴. آرامگاه ملاصدرا: ۳۱۶
۵. قبر زبیر بن عوام: ۳۱۶
- خلاصه درس فصل هفتم: ۳۱۷
- فصل هشتم دیگر اماکن زیارتی و سیاحتی عراق ۳۱۹
- اشاره ۳۱۹
- دیگر اماکن زیارتی در عراق ۳۲۰
۱. مرقد سلمان فارسی ۳۲۰
۲. مرقد حذیفه یمانی ۳۲۰
۳. مرقد ابراهیم اشتر ۳۲۰
۴. مرقد دو طفلان مسلم بن عقیل ۳۲۳
- آثار باستانی مهم عراق ۳۲۷

- ۳۲۷ اشاره
- ۳۲۷ ۱. مسجد جامع سامرا (المتوکل):
- ۳۲۸ ۲. قصر اخيضر:
- ۳۲۹ ۳. شهر اور:
- ۳۳۲ ۴. قلعه اربيل:
- ۳۳۳ ۵. طاق كسرى:
- ۳۳۵ ۶. شهر باستانی بابل:
- ۳۳۶ ۷. شهر باستانی متوكليه:
- ۳۳۷ ۸. قصر عاشق و معشوق
- ۳۳۸ ۹. شهر حيره:
- ۳۳۸ ۱۰. شهر آشور:
- ۳۳۹ ۱۱. شهر كالج:
- ۳۳۹ ۱۲. شهر نینوا:
- ۳۳۹ ۱۳. شهر حضر:
- ۳۴۱ ۱۴. شهر بوریسیا:
- ۳۴۲ خلاصه درس فصل هشتم:
- ۳۴۳ مجموعه سؤالات كتاب:
- ۳۴۷ فهرست منابع و مأخذ
- ۳۵۰ درباره مركز

راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

مشخصات کتاب

نام کتاب: راهنمای اماکن زیارتی و سیاحتی در عراق

نویسنده: دکتر احسان مقدس

موضوع: عتبات عالیات و سوریه

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: زمستان ۱۳۸۸

نوبت چاپ: ۳

ص: ۱

اشاره

مقدمه

ص: ۱۷

آموزش پرسنل یکی از ابزارهای اصلی ارتقای کیفی برنامه های مذهبی، فرهنگی و توریستی می باشد و بدیهی است در سازمانهای متولی امور فوق این امر می تواند نقشی سازنده و موثر ایفا نماید.

وظایف سازمان حج و زیارت علاوه بر تامین شرایط مناسب برگزاری تورهای مذهبی، در حقیقت شامل آموزش، بستر سازی فرهنگی و ارتقای اطلاعات مذهبی زائران نیز می باشد و اصولاً بدون آموزش زائران، اهداف فرهنگی و مذهبی این سازمان تحقق نمی یابد. از این رو بایسته بود که اداره آموزش سازمان حج و زیارت بر خلاف روند گذشته، تحولی در امر آموزش ایجاد نموده و برنامه ای جامع، شامل و کامل در راستای اهداف آموزشی سازمان تهیه و تدوین نماید.

این برنامه در دو راستا تهیه و تدوین و به مرحله اجرا در می آید و این دو راستا عبارتند از:

۱ آموزش پرسنل: شامل آموزش رده های مختلف، نظیر مدیران کاروان ها، راهنماها و سایر پرسنل شاغل در گروه های اعزامی می باشد که این آموزش به صورت مستقیم و از طرف اداره آموزش سازمان حج و زیارت صورت می گیرد.

۲ آموزش زائران: این آموزش به صورت غیر مستقیم صورت گرفته و برنامه ریزی آموزش در طول سفر بر عهده بعثه مقام معظم رهبری در حج و زیارت بوده و دروس و مطالب آموزش تهیه شده و به آموزش دهندگان تحویل داده می شود، از سوی دیگر جزوات و کتب آموزشی در همین راستا بوسیله انتشارات سازمان حج و زیارت (نشر مشعر) تهیه و در اختیار زوار قرار داده می شود تا علاوه بر بهره گیری از جلسات آموزش سازمان در طول سفر چنانچه به اطلاعات بیشتری نیاز داشته باشند می توانند اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق مطالعه شخصی ارتقا بخشند.

هدف اولیه از تهیه کتاب حاضر تامین نیازهای آموزشی پرسنل شاغل در زیارت عتبات عالیات در عراق است و سعی شده است که تمامی اطلاعات مورد نیاز

ص: ۱۸

پرسنل تهیه و تدوین و در یک جلد گردآوری گردد و مطالب آن در هشت فصل تهیه شود و طی یک دوره آموزشی ۱۶ ساعته به مدیران و پرسنل گروه های زیارتی تدریس گردد و در پایان هر فصل خلاصه درس تعبیه شده و در آخر کتاب سوالاتی درباره محتویات کتاب آمده است تا دانش آموختگان با خواندن نمونه سوالات مذکور با نحوه طرح سوال های امتحانی دوره آشنا شده و بتوانند به راحتی در امتحان آخر دوره شرکت نموده و مدرک گذراندن دوره را دریافت نمایند.

ص: ۲۰

فصل اول عراق در یک نگاه

اشاره

ص: ۲۲

پیشگفتار

بسیاری از کارشناسان معتقدند که واژه عراق عربی بوده و به معنی ساحل است، این واژه در لهجه اهالی حجاز به معنی دامنه کوه است. برخی نیز اصل این واژه را برگرفته از زبان فارسی می‌دانند و خوارزمی معتقد است که اصل کلمه عراق (ایراک) است و از همین ریشه دو اسم ایران و عراق مشتق شده است و معنی این واژه در زبان فارسی (سرزمین پایین دست) است. برخی نیز معتقدند که این واژه از دوران سومری ها و یا قبل از آن وجود داشته و در حقیقت تغییر شکل یافته (اوروک) یا (اونوک) است که به معنی (زادگاه) است. تاریخ نویسی به نام (اومسند) معتقد است که کلمه (اریگا) در اسناد تاریخی برجای مانده از قرن دوازدهم قبل از میلاد دیده می‌شود و کلمه (عراق) در روزگار ساسانیان و در حوالی قرن ششم و پنجم قبل از میلاد به تدریج در شعر جاهلی عرب ظاهر شده است.

در ماده دوم قانون اساسی عراق که در سال ۱۹۵۹ در روزنامه (الوقائع العراقية) منتشر گردید گفته شده است که کلمه عراق از کلمه قدیمی (أراکی) گرفته شده است که بمعنی سرزمین آفتاب است.

موقعیت جغرافیایی عراق:

عراق در محدوده طول جغرافیایی ۳۸۴۵ و ۴۸۴۵ شرقی و عرض جغرافیایی ۲۹۵ و ۳۷۱۵ شمالی قرار دارد و این موقعیت جغرافیایی آن را در منطقه معتدله شمالی قرار می‌دهد. این کشور از شمال به ترکیه و از شرق به ایران و از غرب به سوریه و اردن و از جنوب به عربستان سعودی و کویت و خلیج فارس محدود می‌شود که در این میان طول مرز آن با سوریه ۶۰۰ کیلومتر و با

ص: ۲۳

اردن ۱۴۰ کیلومتر و با عربستان سعودی ۸۱۲ کیلومتر و با کویت ۱۹۵ کیلومتر و با ترکیه ۳۷۷ کیلومتر و با ایران ۱۳۰۰ کیلومتر می‌باشد.

مساحت عراق بالغ بر ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع است و تعداد جمعیت آن برحسب آمار گیری سال ۱۹۹۷ در حدود ۲۲۰۱۷۹۸۳ نفر است، پایتخت آن شهر بغداد است که در وسط کشور و در دو طرف رودخانه دجله قرار گرفته است.

آب وهوا:

آب وهوای عراق قاره‌ای است زیرا که از اقیانوس ها و دریاها به دور است و از مشخصات این نوع آب و هوا خشکی و گرمای هوا در تابستان و سرد و بارانی بودن آن در زمستان است. در بیشتر مواقع سال عراق تحت تأثیر توده پرفشاری از بادهای گرم و خشک طبقات بالای جو قرار دارد و حرکت این توده هوا در تابستان ها از شمال و شمال غربی می‌باشد، اما در فصل زمستان به علت وزش بادهای دیگر حرکت آن متغیر است. در مورد میزان بارندگی آن به طور کلی هرچه به سمت شمال شرقی عراق برویم بیشتر می‌شود و میزان آن از ۵۰ میلی متر در زاویه جنوب غربی عراق تا ۱۰۰ میلی متر در مناطق شرقی آن متغیر است و میانگین دمای سالیانه آن ۲۲/۰۵ درجه سانتی گراد است.

عراق از لحاظ منابع زیر زمینی کشوری ثروتمند است و دارای منابع سرشاری از نفت، گاز، گوگرد، فسفات و سایر معادن با ارزش است.

منابع آب عراق:

دو رودخانه مهم دجله و فرات برای این کشور ارزش حیاتی دارند و آب مورد نیاز شرب و کشاورزی این کشور را تأمین می‌کنند، رودخانه دجله از زمین های ترکیه سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از سوریه و عراق به

ص: ۲۴

خلیج فارس می‌ریزد. میزان میانگین آبدهی آن ۱/۲۵ میلیون لیتر در ثانیه است و مساحت آن در حدود ۱۱۱ هزار کیلومتر مربع است و منابع اصلی این رودخانه عبارتند از: رودخانه‌های (زاب بزرگ)، (زاب کوچک) و (دیاله) که رودخانه زاب بزرگ از ترکیه سرچشمه می‌گیرد و رودخانه‌های زاب کوچک و دیاله از ایران سرچشمه می‌گیرند. رودخانه دجله در منطقه (القرنه) در جنوب عراق به رودخانه الفرات می‌پیوندد و اروند رود را تشکیل می‌دهد. در دهه پنجاه میلادی سدی به نام نرثار در نزدیکی سامرا بر روی رودخانه دجله بسته شد که توانست تا حدودی جلوی سیلاب‌های فصلی این رودخانه را بگیرد. رودخانه دجله در گذشته‌های دور رسوباتی را با خود آورده و دلتای حاصلخیزی را در نزدیکی خلیج فارس به وجود آورده است.

رودخانه فرات دومین رودخانه مهم عراق است که از خاک ترکیه سرچشمه می‌گیرد و بعد از عبور از خاک سوریه و عراق به خلیج فارس می‌ریزد. طول این رودخانه ۲۷۳۵ کیلومتر است و میزان آبدهی آن ۸۸۷ هزار لیتر در ثانیه و مساحت آن در حدود ۴۴۴ هزار کیلومتر مربع است منابع اصلی این رودخانه عبارتند از رودخانه‌های (قره سو) و (مراد) و تعدادی دیگر از رودها که تمامی آنها در خاک ترکیه جریان دارند سپس این رودخانه وارد سوریه می‌شود و در فاصله ۱۲۰ کیلومتری شمال شرق حلب به رودخانه خابور می‌پیوندد و سپس وارد عراق شده و سمت غربی عراق را آبیاری می‌کند.

دریاچه‌های عراق:

عراق سه دریاچه دارد که عبارتند از: حبانیه، دوکان، دربندی خان، که در این میان دریاچه حبانیه در فاصله ۸۴ کیلومتری بغداد قرار دارد و از

ص: ۲۵

اماکن توریستی مهم عراق به شمار می‌رود، اما دریاچه دوکان در فاصله ۷۱ کیلومتری سلیمانیه و ۱۴۱ کیلومتری کرکوک واقع شده است و دریاچه دربندی خان در فاصله ۶۵ کیلومتری سلیمانیه و ۲۶۸ کیلومتری بغداد قرار دارد.

اقوام ساکن در عراق

: کشور عراق اقوام و نژادهای مختلفی دارد، اکثریت ساکنان عراق را اعراب تشکیل می‌دهند که اینان خود را از نواده‌های اقوام سامی دوران باستان می‌دانند اما حقیقت امر این است که هرچند قبل از ظهور اسلام تمدن‌های عربی منذریان و غسانیان در این منطقه ساکن بوده‌اند، اما پس از فتح اسلامی، بسیاری از قبایل شبه جزیره عربستان و برخی از قبایل یمن به این منطقه کوچ کردند و در کنار سواحل پر آب رودخانه‌های دجله و فرات سکنی گزیدند.

کردها از اقوام بسیار مهم عراق هستند که از جهت تعداد در رتبه دوم قرار دارند، کردها از نژاد آریایی بوده و زبان آنان کردی است اکثریت کردهای عراق سنی مذهب بوده و در استان‌های شمالی عراق سکونت دارند و در دوران حکومت بعث ظلم و ستم فراوانی بر آنان رفت. قبایلی از کردها نیز شیعه هستند که این قبایل به کردهای فیلی معروف اند.

سومین نژاد مهم عراق ترکمان‌ها هستند که اصل و ریشه آنها به سرزمین ترکمنستان باز می‌گردد و در دوره‌های مختلف تاریخی در زمان اموی‌ها و عباسی‌ها و سپس مغول‌ها و تاتارها به این سرزمین مهاجرت کردند و در آن مستقر شدند تعداد آنان بین یک و نیم تا دو میلیون نفر تخمین زده می‌شود و از شهر تلعفر در شمال عراق تا شهر مندلی در جنوب این کشور پراکنده شده‌اند و مرکز آنان شهر کرکوک به

ص: ۲۶

شمار می‌رود. زبان آنان ترکمنی است و تعداد حروف آنان ۳۲ حرف است. تمامی ترکمان‌ها مسلمان بوده و در حدود ۵۰٪ آنها شیعه و ۵۰٪ باقیمانده سنی حنفی و شافعی هستند.

از دیگر اقوام عراق سریانی‌ها و کلدانی‌ها هستند که از ساکنان قدیمی این سرزمین بوده و در قرن اول میلادی پس از این که آرامی‌ها به دین مسیحیت گرویدند، نام سریان را به جای نام آرامی بر خود نهادند و زبان آنها که زبان آرامی بود زبان رسمی کلیسای سریان گردید و در قرون اولیه اسلامی کتاب‌های زیادی از این زبان به زبان عربی ترجمه شد و بسیاری از افراد این طائفه در روزگار عباسی‌ها به کار طبابت و تعلیم و تدریس و کار دیوانی مشغول بودند اکثر سریان‌ها در شهر موصل ساکن هستند و اکنون یکی از فرقه‌های ارتودکس به شمار می‌روند و اما کلدانی‌ها که از اقوام باستانی عراق هستند، مسیحی بوده و بیشتر در شهرهای موصل و بغداد و بصره و روستاهای متفرقه‌ای از استان موصل زندگی می‌کنند.

صائبه یکی دیگر از اقوام ساکن در عراق هستند که در کنار تالاب‌های جنوبی عراق سکونت دارند، آنان پیروان حضرت یحیی (ع) هستند و تعدادی از آنها در خوزستان ایران نیز ساکن هستند. نام این طایفه در قرآن آمده است. کتاب مقدس آنان (کنز اربا) نام دارد. آنان معمولاً در کنار رودخانه‌ها سکنی می‌گزینند، زیرا که بسیاری از آداب و رسوم مذهبی آنان مرتبط با آب جاری است که از آن جمله می‌توان غسل تعمید در رودخانه را ذکر نمود.

ص: ۲۷

تاریخ عراق:

عراق یکی از قدیمی ترین و باستانی ترین کشورهای خاورمیانه است که تاریخ تمدن آن به هزاره پنجم قبل از میلاد بازمی گردد. این سرزمین به علت عبور دو رودخانه دجله و فرات به سرزمین بین النهرین معروف است و تا کنون شاهد تمدن های کهن و درخشانی نظیر: سومری ها، آشوری ها، بابلی ها، آکدی ها، کلدانی ها و غیره بوده است که ما در این جا به صورت بسیار مختصر و گذرا به بررسی تاریخ کهن این سرزمین می پردازیم.

سومری ها) ۴۵۰۰ ۲۳۰۰ ق. م (:

در آغاز هزاره پنجم قبل از میلاد منطقه بین النهرین شاهد جهشی بزرگ در تمدن بشری بود، و آن جهش انتقال آدمی از روستاهای کوچک زراعی به زندگی شهر نشینی بود و در همین هنگام بود که شهرهای اولیه مانند اُریدو، اُور و وُرکاء به وجود آمدند و در همین شهرها بود که آدمی برای اولین بار برای جلوگیری از سیل

ص: ۲۸

و ساختن سد و کندن کانال های آبیاری تلاش های با ارزشی را آغاز نمود، به گونه ای که پس از مدتی با ساختن کانال های و وسیع آبیاری توانستند یکی از معجزه های بشری در زمینه آب رسانی به مناطق کشاورزی را از خود به یادگار بگذارند. بسیاری از باستان شناسان جهان معتقدند که سومری ها بنیانگذار قدیمی ترین تمدن بشری هستند و این تصور نتیجه مطالعات باستان شناسی متعددی بوده که در این منطقه صورت گرفته است.

در حوالی سال ۳۲۰۰ قبل از میلاد، سومری ها حروف الفبا را ابداع کردند و بدین وسیله اولین ملتی بودند که آثار مکتوب از خود برجای گذاشتند. آنان همچنین تلاش کردند که این حروف را در بین سایر ملت های جهان منتشر سازند و بدین گونه بود که اولین مدارس در تاریخ بشریت به وجود آمد. سومری ها بر اثر حملات آکدی ها از بین رفتند.

آکدی ها (۲۱۵۹۲۳۵۰) ق. م.:

آکدی ها یکی از کهن ترین اقوام سامی بودند که در سرزمین بین النهرین سکونت گزیدند. آنان از دیر باز در کنار سومری ها ساکن بودند و عاقبت در سال ۲۳۵۰ قبل از میلاد موفق شدند که به وسیله سرگون آکدی قدرت را به دست آورده و امپراتوری وسیع خود را پایه گذاری کنند. سرگون آکدی در آغاز تمامی شهرهای عراق را تصرف کرد و سپس نفوذ خود را بر سرزمین های عیلام، سوریه و آناتولی گسترش داد و بدین گونه بود که اولین امپراتوری شناخته شده در جهان را به وجود آورد.

ص: ۲۹

بر اساس داستان های تاریخی، مادر سرگون اُکدی یکی از زنان معبد الهه عشتار بود و پس از اینکه او را به دنیا آورد، او را در سبدی گذاشت و به رودخانه فرات سپرد تا آنکه عاقبت کشاورزی او را از آب گرفته و پرورش داد و چون سرگون برومند شد مورد توجه الهه عشتار قرار گرفت و بدین گونه او توانست قدرت را در دست گرفته و امپراتوری نیرومند خود را به وجود آورد. در این دوره تاریخی سرزمین بین النهرین به علت توسعه روابط تجاری با همسایگان شاهد رشد اقتصادی چشمگیری بود. لذا مسیرهای کاروان روزیادی از شهر (اُکد) پایتخت امپراتوری به سوی سایر مناطق جهان کشیده شد و از جمله آنها جاده ای بود که به معادن مس در سرزمین آناتول کشیده شده بود و از تولیدات آن برای ساخت اسلحه استفاده می شد.

عیلامی ها (۱۸۹۴ ۲۱۵۹ ۱۸۹۴ ق. م):

عیلامی ها یکی از اقوام باستانی ساکن در کوهستان های شمال خوزستان بودند که پایتخت آنها شهر شوش دانیال بود (۱). آنان مردمی دلیر و جنگجو بودند و بر اثر شجاعت و دلاوری های خود توانستند بر اُکدی ها پیروز شده و شهرهای بین النهرین را به تصرف خود در آورند. عیلامی ها آثار باستانی متعددی در مناطقی از ایران و عراق از خود برجای نهادند.

ص: ۳۰

بابلی‌ها (۱۵۹۴-۱۸۹۴)

تعداد پادشاهان بابلی که به سلسله (آموری‌ها) یا (عموری‌ها) معروفند یازده پادشاه بودند که توانستند مدت سه قرن پادشاهی کنند. در این دوره سرزمین بین النهرین به اوج تمدن و شکوفایی خود رسید و زبان بابلی از دو جهت گفتاری و نوشتاری بر منطقه حاکم شد و علوم و معارف بشری به شدت توسعه یافت و تجارت به نحو چشمگیر و بی‌همانندی رشد نمود. حکومت مرکزی در این دوره بر اساس قوانینی که حمورابی پایه‌گذاری کرده بود اداره می‌شد. حمورابی پادشاه بزرگ بابلی در طی سال ۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ قبل از میلاد می‌زیست. وقتی که او به قدرت رسید کشور دچار ناآرامی و ملوک الطوائفی بود و او توانست با هوش و قدرت خود وحدت و یکپارچگی را برای سرزمینش به ارمغان آورد و امپراتوری بزرگی بنیان نهاد که علاوه بر تمامی شهرهای بین النهرین، شهرهایی از سرزمین شام تا سواحل دریای مدیترانه و سرزمین عیلام و مناطق دیگری از جهان را در بر گیرد. حمورابی علاوه بر دانش خوب نظامی، از لحاظ اداری نیز شخصیت برجسته و بزرگی بود و سنگ نوشته معروف او که بر سنگ دیوریت سیاه حک شده است و اکنون در موزه لوور فرانسه نگهداری می‌شود و یکی از بهترین و قدیمی‌ترین قوانین جهانی را شامل می‌گردد. این سنگ نوشته در ۲۸۲ ماده قانونی تمام امور زندگی شهری و کشوری را مورد بررسی و دقت نظر قرار داده است و وظایف افراد را در قبال قانون مشخص و روشن می‌سازد.

پس از حمورابی پنج پادشاه بابلی دیگر به قدرت رسیدند و آخرین آنها (سمسو دیتانا) بود و در سال ۱۵۹۴ قبل از میلاد و در دوران سلطنت همین پادشاه بود که

ص: ۳۱

هیتی‌ها به سرزمین بابل یورش بردند و پایتخت آن را ویران کرده و گنج‌های آن را به غارت بردند. کشی‌ها (۱۱۵۷-۱۶۸۰ ق م)

کشی‌ها اقوامی کوهستانی بودند که درباره منشأ و ریشه آنها و زبان شان چیزی نمی‌دانیم و تنها چندین بار نام آنان در متون بابلی آمده است و به نظر می‌رسد که آن‌ها یکی از اقوام هندو اروپایی باشند. آنان از کوه‌های شمال شرقی بین‌النهرین و از منطقه لرستان فعلی به سوی بابل یورش بردند و پس از عقب نشینی هیتی‌ها موفق به تصرف بابل شده و در آن سلسله‌ای از پادشاهان کشی را تأسیس کردند که در حقیقت وارث تمدن کهن بابلی گردید. پادشاهان این سلسله لقب (پادشاه بابل و اکد) را بر خود نهادند. مشهورترین پادشاهان این سلسله (کوریکلزو) (۱۴۱۲-۱۴۳۸ قبل از میلاد) بود که همزمان با دوره سلطنت (امنوفیس دوم) فرعون مصر می‌زیست و پایتختی جدید به نام (دور کوریکلزو) برای خود بنا کرد که بقایای تاریخی آن امروزه به نام (عقرقوف) نامیده می‌شود و در فاصله ۲۵ کیلومتری شمال غربی بغداد قرار دارد و در آن زیگورات بسیار بلندی برای عبادت انلیل (۱) وجود دارد که تا کنون باقی مانده است.

کشی‌ها در حقیقت چیزهای تازه‌ای به تمدن بین‌النهرین اضافه نکردند بلکه از تمدن‌های قدیمی منطقه مطالبی را اقتباس کردند و ارتباطات خوبی با سایر

۱- یکی از خدایان قدیمی بین‌النهرین است که به خدای آسمان نیز معروف است.

ص: ۳۲

کشورهای شرق قدیم برقرار کردند و آثار برجای مانده از (تل العمارنه) به این مسأله اشاره دارد.
 آشوری‌ها (۱۳۰۰) ۶۰۶ ق. م. (:)

آشوری‌ها از جمله قبایل سامی بودند که در آغاز هزاره سوم قبل از میلاد به شمال عراق مهاجرت کردند. آنها به مدت طولانی در زیر چتر نفوذ سومری‌ها و بابلی‌ها زندگی کردند تا آن که عاقبت در هزاره اول قبل از میلاد یکی از پادشاهان آنان به نام (آداد نیراری دوم) توانست سایر سرزمین‌های مجاور را به زیر سلطه خود درآورده و با بابل هم‌پیمان شود و او بود که توانست با فتوحات پی در پی خود امپراتوری باشکوه آشور را پایه ریزی کند و در سرزمین بین‌النهرین امپراتوری بزرگی به وجود آورد. این امپراتوری علاوه بر سرتا سر عراق، سرزمین‌های شرق دریای مدیترانه و شمال آن را تا حدود ارمنستان فعلی در سیطره خود درآورد.

مشهورترین پادشاهان آشور عبارت بودند از: آشور ناصیر بال دوم (۸۵۸ ۸۸۴ ق. م.)، سنحاریب (۶۸۱ ۷۰۵ ق. م.) و آشور بانی پال (۶۲۹ ۶۶۹ ق. م.).

کلدانی‌ها (۵۳۹ ۶۲۶) ق. م. (:)

در سال ۶۱۲ ق. م شهر نینوا که پایتخت آشوری‌ها بود توسط پادشاه کلدانی (نبو بلاسر) فتح شد و این پادشاه موفق شد که برج و باروی شهر را ویران کند و به همین علت آخرین پادشاه آشوری که (سن شر آشوکن) نامیده می‌شد در قصر خود اقدام به خودکشی کرد و بدین گونه قدرت سیاسی و نظامی آشور رو به افول گذاشت و کلدانی‌ها قدرت را به دست گرفتند.

ص: ۳۳

بزرگترین پادشاه کلدانی (بخت النصر) بود که مدت ۴۳ سال سلطنت کرد و به آبادانی پایتخت خود (بابل) اهمیت فراوانی داد. او توانست به فلسطین حمله کرده و حکومت یهودیان بر این منطقه را ساقط نموده و قوم یهود را به اسارت کشیده و به بابل بیاورد.

از مهم ترین کارهای بخت النصر ساختن باغ های معلق بابل است که این باغ ها را بخت النصر به افتخار همسرش شاهدخت (آمانیس) دختر (استیاکیس) پادشاه ماد بنا کرد و چون همسرش به زندگی کوهستانی عادت داشت و از زندگی در دشت های بین النهرین خسته و دلگیر شده بود، بخت النصر دستور داد که قصر چندین طبقه ای برای او بنا کنند که هر طبقه آن پر از درخت و گل و گیاه باشد و با روش های مهندسی بسیار دقیقی توانست آب را به بالا انتقال دهد تا این گیاهان سیراب شوند. از دیگر کارهای بزرگ او ساخت دروازه بسیار زیبای (عشتار) بود که اکنون در موزه برلین نگهداری می شود. بر روی این دروازه با شکوه نقش های دیواری زیبایی از شیر و گاو نر و حیوان افسانه ای (مشخشو) که سمبل خدای مردوک (۱) بود نقش بسته است. ارتفاع دروازه عشتار با برج های آن بالغ بر پنجاه متر و عرض آن هشت متر بود.

۱- خدای یزرگ بابلیان (ویراستار)

ص: ۳۴

این دروازه به خیابان (کاروان ها) منتهی می شد که طول آن بیش از یکصد متر بود و در دو طرف آن برج های متعددی قرار داشت. کارهای عمرانی بخت النصر همچنین شامل ساختن ترعه ها (۱) و سدهای مختلف در بین النهرین بود.

پس از مرگ بخت النصر (سال ۵۶۲ ق. م) جانشینان وی پادشاهانی ضعیف و بی اراده بودند که نتوانستند از امپراتوری بزرگی که او برپا کرده بود محافظت کنند و عاقبت در سال ۵۳۹ ق. م کوروش کبیر پادشاه ایران توانست به کمک یهودیانی که در بابل زندگی می کردند به این کشور حمله کرده و پایتخت آن را متصرف شود و بدین گونه بود که به ترتیب پادشاهان هخامنشی و پس از آنها اسکندر مقدونی و سلوکی ها و فرتی ها و ساسانی ها بر این سرزمین حکومت کردند و حتی پایتخت ساسانیان در شهر تیسفون یا مدائن قرار داشت که در خاک بین النهرین واقع شده بود و فاصله چندانی تا بغداد نداشت و در سال ۶۳۷ م در دوران پادشاهی یزدگرد سوم لشکر مسلمانان به رهبری سعد بن ابی وقاص به لشکر ساسانی حمله بردند و پس از نبرد قادسیه توانستند که امپراتوری ایران را ساقط نموده و در سال ۶۴۲ م مجدداً در نبرد نهاوند آنان را شکست دهند و بدین گونه بود که نه تنها عراق بلکه تمامی سرزمین ایران نیز به تصرف اعراب درآمد. یزدگرد سوم فرار کرد و عاقبت در سال ۶۵۱ م کشته شد.

ص: ۳۵

مادها و پارس‌ها (۵۳۹ تا ۳۳۱ ق. م):

سه قوم ماد، پارس و پارت از اقوام ایرانی بودند که در فلات قاره ایران می‌زیستند، مادها در غرب، پارس‌ها در جنوب و پارت‌ها در شرق سکونت داشتند. ابتدا مادها دولتی را در غرب ایران تشکیل دادند، اما چندی نگذشت که کورش کبیر موفق شد با تصرف سرزمین مادها امپراتوری وسیع هخامنشی را تأسیس کند. این دولت با غلبه بر عراق، آسیای صغیر و مصر توانست دولتی مقتدر و ثروتمند را به وجود آورد. کورش پس از تصرف بابل به یهودی‌های اسیر این شهر اجازه داد که به سرزمین فلسطین بازگردند. پایتخت امپراتوری هخامنشی تخت جمشید بود و این امپراتوری عاقبت توسط اسکندر مقدونی از بین رفت (۱).

یونانی‌ها (۳۳۱ تا ۲۴۷ ق. م):

اسکندر مقدونی در راه تصرف تخت جمشید موفق شد که تمامی شهرهای بین‌النهرین را تصرف کند. پس از درگذشت اسکندر جانشینان وی سلسله پادشاهی سلوکیان را به وجود آوردند که حکومت آنها تا سال ۲۴۷ ق. م ادامه داشت.

ص: ۳۶

پارتی‌ها (۲۴۷ ق. م ۲۲۶ م.):

پارتی‌ها از اقوام آریایی ساکن در خراسان کنونی بودند که به تدریج توانستند متصرفات خود را توسعه داده و عاقبت سلوکیان را از ایران و عراق بیرون کنند و به مدت ۴۷۳ سال حکومت کنند. پایتخت آنان شهر تیسفون بود و عاقبت آخرین پادشاه آنان (اردوان) در سال ۲۲۶ م توسط ساسانی‌ها از بین رفت. (۱)

ساسانی‌ها (۲۲۶ م ۶۵۲ م.):

امپراتوری ساسانی مدت چهار قرن حکومت کرد، پایتخت آنها شهر تیسفون یا مدائن بود و علت تسمیه این شهر به مدائن این بود که شهر تیسفون از دوازده محله بسیار بزرگ و آباد تشکیل می‌شد و هنگامی که این شهر در سال ۱۶ ه. ق به دست لشکریان اسلام افتاد عرب‌ها این شهر را مدائن نامیدند که به معنی (شهرها) است. آخرین پادشاه این سلسله یزدگرد سوم بود که پس از شکست در مقابل لشکریان مسلمان فرار کرد و در شهر مرو توسط آسیابانی کشته شد.

دوران اسلامی:

اعراب قبل از اسلام نیز موفق شده بودند که دولتهای محلی کوچکی در بین‌النهرین برپا کنند هرچند که این دولت‌ها مستقل نبودند و معمولاً دست‌نشانده یکی از دو قدرت آن روزگار یعنی امپراتوری ایران و یا امپراتوری روم شرقی بودند اما به هر حال ذکر و شرح این پادشاهان عرب در تاریخ قبل از اسلام به دقت ثبت

ص: ۳۷

شده است. آنان توانستند شهرهایی را در بین النهرین و بر سر راه قافله‌های تجاری به وجود آورند و در این شهرها تمدن فارسی و بیزانسی و هلنیستی با تمدن عربی درهم آمیخته بود. از جمله این تمدن‌ها و شهرها می‌توان از نبطی‌ها در البتراء، آل نصر و در حضر، اعراب تدمر، غسانی‌ها در وادی حوران جنوب دمشق و منذری‌ها و لخمی‌ها در حیره بابل نام برد که این دولت‌های محلی کوچک تا دوره فتح اسلامی پابرجا بودند.

لشکریان مسلمان در دوران خلافت عمر به فرماندهی سعد بن ابی وقاص به عراق حمله کردند و موفق به شکست لشکریان امپراتوری ساسانی شده و نه تنها عراق بلکه سرزمین ایران را نیز به تصرف خود درآوردند. ابتدا پایتخت این امپراتوری نوپدید شهر مدینه بود، اما سال ۳۶ هـ ق امیر المومنین علی بن ابی طالب (ع) شهر نوبنیاد کوفه را به عنوان پایتخت حکومت اسلامی انتخاب کرد. پس از شهادت حضرت علی (ع) در سال ۴۱ هـ ق حکومت به دست اموی‌ها افتاد و آنان شهر دمشق را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند.

اموی‌ها (۴۱ هـ ق ۱۳۲ هـ ق):

هرچند که در دوران اموی‌ها پایتخت از کوفه به دمشق منتقل گردید و این امر باعث شد که قدرت سیاسی به سرزمین شام منتقل شود اما با این وجود دو مرکز فرهنگی و تجاری بزرگ عراق یعنی کوفه و بصره از اهمیت زیادی برخوردار بوده و دانشمندان این دو شهر در تمامی زمینه‌های فکری و فرهنگی پیشتاز بوده و در جهان اسلام نامدار و معروف بودند و مدارس علمی موجود در این شهرها پذیرای

ص: ۳۸

طلاب و فرهیختگان زیادی بود که از اقطار مختلف و سرزمین های دور و نزدیک به منظور کسب علم راهی این منطقه می شدند، همچنین از جهت تحرکات سیاسی نیز این منطقه پیشتاز بود و تقریباً تمامی شورش ها و انقلاب هایی که در دوران بنی امیه اتفاق افتاده بود، در این سرزمین رخ داد. عباسی ها (۱۳۲ ه ق ۶۵۶ ه ق):

پس از سقوط بنی امیه و به قدرت رسیدن بنی عباس، سرزمین عراق مجدداً رونق یافت. در آغاز ابوالعباس سفاح اولین خلیفه عباسی شهر (هاشمیه) در نزدیکی حله را به پایتختی انتخاب کرد، چندی نگذشت که ابوجعفر منصور دوانقی دومین خلیفه عباسی شهر بغداد را به عنوان پایتخت برگزید و این شهر برای قرن ها پایتخت خلافت به شمار می رفت. در دوران عباسی بغداد شکوفا گردید و مدارس علمی، بیمارستانها و کتابخانه های متعددی در آن ساخته شد و سیل دانشجویان و طلاب علم از اقصی نقاط جهان به سوی آن سرازیر گردید. اوج عظمت بغداد در دوران هارون الرشید و پسرش مأمون بود. هارون الرشید علاوه بر ارتباط با پادشاهان کشورهای همسایه توانست با شارلمانی اول (۱) روابط سیاسی برقرار کند و برای او اولین ساعت ساخته شده در آن روزگار را به عنوان هدیه بفرستد. مأمون نیز به مباحثات علمی علاقه فراوانی داشت و بسیاری از مناظره ها و مباحثه ها در حضور وی انجام می شد. مأمون همچنین با تأسیس دارالحکمه دستور داد تا تمامی

Carolus Magnus

۱- شارلمانی، کارل بزرگ Carolus Magnus

(۷۴۸ م ۸۱۴ م) امپراتور فرانکها از نظر اروپائیا پدر کشورهای فرانسه و آلمان می باشد. (ویراستار)

ص: ۳۹

آثار علمی یونانی، فارسی، سریانی، قبطی و رومی به زبان عربی ترجمه شود و این کار وی باعث شد که بعدها نهضت بزرگی در علوم مختلف نظیر فلسفه و طب و گیاه شناسی و منطق در جهان اسلام پدید آید. همچنین در این دوران عمران، تجارت و زراعت رونق خاصی داشت و کشتی های تجاری بازرگانان مسلمان دریاها و اقیانوس های بزرگ را در می نوردیدند و در بین کشورهای مختلف آن روزگار نظیر هندوستان و چین و زنگبار رفت و آمد می کردند.

در سال ۶۵۶ ه. ق آخرین پادشاه عباسی که المستعصم نام داشت توسط هلاکوخان به قتل رسید و بدین گونه خلافت عباسی منقرض گردید. (۱)

ایلخانی ها (۶۵۶ ۷۳۸ ه. ق):

پس از درگذشت هلاکو، جانشینان وی که به نام ایلخانی معروف بودند مدت هشتاد سال بر عراق حکومت کردند. برخی از پادشاهان ایلخانی به دین مبین اسلام مشرف شده و برخی نیز بر دین نیاکان خود باقی ماندند. سلسله ایلخانی ها عاقبت توسط (شیخ حسن جلایری) منقرض شد.

جلایری ها (۷۳۸ ۸۱۳ ه. ق):

این خاندان مدت هفتاد و پنج سال بر عراق حکومت کردند و تعدادی از پادشاهان این سلسله در بازسازی و تعمیر اماکن مقدس عراق نقش مهمی را ایفا کردند.

ص: ۴۰

آق قویونلو و قراقویونلو (۸۱۳ ۹۱۴ ه. ق):

دو ایل ترک تبار بودند که مدت یک قرن بر عراق حکومت کردند.

صفوی‌ها (۹۱۴) ۹۴۱ ه. ق):

در سال ۹۱۴ ه. ق شاه اسماعیل صفوی موفق به فتح بغداد شد و پس از او فرزندش شاه طهماسب نیز تا سال ۹۴۱ ه. ق عراق را جزو متصرفات خود داشت. در این سال سلطان سلیمان قانونی، پادشاه عثمانی موفق شد بغداد را تصرف کند. البته شاه عباس صفوی در سال ۱۰۳۳ ه. ق موفق شد بار دیگر عراق را به تصرف خود درآورد و این سرزمین تا سال ۱۰۴۹ ه. ق در تصرف ایران بود اما عاقبت در سال ۱۰۴۹ ه. ق سلطان مراد چهارم بغداد را فتح کرد و عراق را مجدداً به تصرف عثمانی‌ها درآورد.

عثمانی‌ها (۱۰۴۹ ۱۳۳۵ ه. ق):

عثمانی‌ها مدت سه قرن بر عراق حکومت کردند و فقط در دوره سلطنت نادرشاه افشار، وی توانست در سال ۱۱۴۶ ه. ق این سرزمین را برای مدت کوتاهی به تصرف خود درآورد، اما چندی نپایید که عاقبت عثمانی‌ها مجدداً عراق را به تصرف درآوردند و بدین گونه بود که عراق بعنوان یکی از ولایات عثمانی توسط والی منصوب از طرف خلیفه عثمانی اداره می‌شد. سیطره عثمانی‌ها بر عراق تا جنگ جهانی اول ادامه یافت.

ص: ۴۱

استعمار انگلیس (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م):

ذخایر غنی نفت و موقعیت استراتژیک سرزمین عراق اهمیت زیادی برای انگلیسی‌ها داشت و با آغاز جنگ اول جهانی در سال ۱۹۱۴ م، انگلیس به بصره حمله کرد و آنجا را به تصرف خود درآورد و در سوم ژوئن ۱۹۱۵ میلادی شهر العماره را به تصرف درآورد و در ۲۵ جولای ۱۹۱۵ شهر ناصریه را فتح نمود و به سوی بغداد حمله کرد اما لشکریان انگلیسی در شهر کوت شکست سختی خوردند و پس از پنج ماه محاصره در ۲۹ آوریل ۱۹۱۶ میلادی مجبور به تسلیم شدند. در اوایل سال ۱۹۱۷ میلادی انگلیس دوباره به بغداد حمله کرد و در روز ۱۱ مارس ۱۹۱۷ لشکریان انگلیسی به رهبری ژنرال مود بغداد را فتح کرده و به سوی شمال عراق حرکت کردند و در ۸ نوامبر ۱۹۱۸ شهر موصل سقوط کرد و بدین گونه بود که عراق کاملاً به تصرف انگلیس در آمد.

در سال ۱۹۲۰ میلادی ملت عراق بر علیه انگلیسی‌ها قیام کردند و هسته مرکزی این قیام شهر نجف بود، زیرا اکثریت علما و مراجع شیعه در این شهر زندگی می‌کردند و بر اثر فتوای آنان و استجاب آن از طرف عشایر شیعه جنوب و سایر شهروندان، عاقبت در روز یکشنبه ۱۵ شوال سال ۱۳۳۸ ه ق قیامی همه جانبه علیه انگلیس صورت گرفت و سربازان انگلیسی در جبهه‌های مختلف با عراقی‌ها درگیر شده و بالاچار از شهر نجف به کوفه عقب نشینی کردند. عراقی‌ها موفق شدند که در بسیاری از جبهه‌ها اسرای زیادی را دستگیر نموده و به مقر فرماندهی انقلاب که در نجف مستقر بود اعزام نمایند، تنها از نبرد (رازنجیه) ۱۶۰ اسیر انگلیسی به شهر نجف اعزام شدند. در این انقلاب، ملت عراق موفق به شکست انگلیس شد و

ص: ۴۲

الگوی سایر ملل مسلمان جهان گردید. در تاریخ عراق این جنبش به نام (ثوره العشرین) شهرت دارد. (۱)

دولت پادشاهی عراق (۱۹۲۱-۱۹۵۸ م:)

وقتی انگلیسی‌ها مشاهده کردند که در تصرف مستقیم عراق نمی‌توانند اهداف استعماری خود را پیاده کنند، با آوردن ملک فیصل اول دست نشانده معروف خود به عراق سلسله پادشاهی جدیدی را در این کشور پی‌ریزی کردند و بدین گونه عراق کشوری پادشاهی شد و در سوم اکتبر سال ۱۹۳۲ از طرف مجمع ملل متحد (۲) به عنوان کشور پادشاهی مستقل اعلام گردید.

پس از ملک فیصل، پادشاهی به فرزندش ملک غازی و پس از او به ملک فیصل دوم رسید و با توجه به اینکه ملک فیصل دوم کودکی بیش نبود، دایی وی که (عبداله) نام داشت قیمومیت او را بر عهده گرفت و با کمک نخست وزیر عراق (نوری السعید) کشور را اداره کرد تا عاقبت در ۱۴ جولای سال ۱۹۵۸ م یکی از افسران ارتش عراق به نام (عبدالکریم قاسم) علیه سیستم پادشاهی عراق قیام کرده و نظام حکومتی کشورش را جمهوری اعلام کرد.

۱- علمای بزرگ نجف در این پیروزی نقش مهمی داشتند از جمله شیخ الشریعه (حاج میرزا فتح ال .. نمازی) مرجع بزرگ آن وقت که ضمن صدور فتوای جهاد خود به جبهه شتافت و فرماندهی جبهه قرنه را بر عهده گرفت (ویراستار)

۲- (۲) مجمع ملل متحد نام سازمانی بود که بعدها منحل شد و جای خود را به سازمان ملل متحد داد.

ص: ۴۳

دولت جمهوری عراق (۱۹۵۸-۲۰۰۳ م):

عبدالکریم قاسم سه سال حکومت کرد و عاقبت طی کودتایی توسط عبدالسلام عارف برکنار گردید و خود عبدالسلام نیز پس از مدتی بر اثر سقوط هلی کوپتر خود که عازم بصره بود درگذشت و برادر بی کفایت وی به نام (عبدالرحمن عارف) به قدرت رسید.

در ۱۷ جولای ۱۹۶۸ م حزب بعث توانست با کودتایی حکومت را به دست گیرد. در ۲ سپتامبر ۱۹۶۸ م قانون اساسی موقت عراق طرح شد و تاریخ اجرای آن را ۱۶ جولای ۱۹۷۰ اعلام کردند. بدین گونه بود که احمد حسن البکر رئیس جمهور عراق شد، اما چندی نپایید که قدرت تدریجاً به دست صدام حسین معاون قدرتمندش افتاد. در سال ۱۹۷۹ م صدام حسین با برکنار کردن محترمانه احمد حسن البکر قدرت را به دست گرفت و در طی حکومت ظالمانه اش جنگی هشت ساله بر ایران و جنگ یکساله‌ای را بر کویت تحمیل نمود و کشور عراق را به مدت بیش از ده سال دچار تحریم اقتصادی نمود. وی در مدت حکومتش بیش از چهار میلیون نفر از مردم عراق را به قتل رساند.

در ماه مارس ۲۰۰۳ حمله نیروهای آمریکائی و انگلیسی به عراق آغاز شد و در ۹ آوریل ۲۰۰۳ م پس از سقوط بغداد، صدام حسین توانست از دست نیروهای آمریکایی فرار کرده و در شهر تکریت مخفی شود.

ص: ۴۴

در روز ۱۳ جولای ۲۰۰۳ پل بریمر حاکم عراق اقدام به تشکیل مجلس حکومت انتقالی متشکل از بیست و پنج عضو نمود و به این مجلس اختیارات قانونگذاری و اجرایی را واگذار نمود که البته آمریکا می‌توانست این تصمیمات را در صورت لزوم وتو کند. عاقبت صدام حسین در شامگاه روز شنبه ۲۲ آذر ماه ۱۳۸۲ در شهرک الدوره در نزدیکی تکریت توسط نیروهای آمریکایی دستگیر شد و حکومت ننگین حزب بعث بر عراق پایان یافت.

استانهای عراق:

عراق ۱۸ استان دارد که به ترتیب عبارتند از: بصره، المثنی، ذی قار، میسان، نجف، کربلا، انبار، قادسیه، بابل، واسط، دیالی، بغداد، صلاح الدین، سلیمانیه، التأمیم، نینوی، اربیل و دهوک.
۱. استان بغداد:

مرکز این استان شهر بغداد است که پایتخت عراق به شمار می‌رود. این شهر توسط ابوجعفر منصور خلیفه عباسی بنا شد و جز دوره‌ای کوتاه، در تمام دوران خلافت عباسی پایتخت این دولت به شمار می‌رفت. این شهر محل تولد و درگذشت بسیاری از شخصیت‌ها و علمای مذاهب مختلف بود و زمانی بزرگترین کتابخانه‌ها و مدارس اسلامی جهان در این شهر قرار داشتند. شهر کاظمین در غرب بغداد واقع است و دربرگیرنده مرقد مطهر حضرت امام کاظم (ع) و امام محمد تقی (ع) می‌باشد. شهر بغداد علاوه بر دربرگرفتن بسیاری از اماکن شیعه، به علت وجود قبر ابوحنیفه که به امام اعظم معروف است و همچنین قبر عبدالقادر گیلانی که

ص: ۴۵

به (حرم قادری) معروف است و شیخ عمر سهروردی و معروف کرخی و برخی دیگر از رهبران مذهبی اهل تسنن، برای برادران اهل تسنن نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. در بغداد همچنین کلیساهای قدیمی نظیر کلیسای لا-تین، کلیسای ارمنی ارتودکس، کلیسای کلدانی و کلیسای سریان کاتولیک قرار دارند. آثار تاریخی بغداد نیز شامل: مدرسه مستنصریه، قصر عباسی، مدرسه مرجانیه، کاروانسرای مرجان، باروی بغداد و دروازه‌های قدیمی باب المعظم، باب الظفریه، باب الحلبه و باب البصلیه می‌باشد. از آثار باستانی مهم و نزدیک شهر بغداد، شهر مدائن یا تیسفون است که در حقیقت آثار طاق کسری و یا قصر خسرو پرویز است و در نزدیکی آن قبر صحابی جلیل القدر سلمان فارسی و همچنین قبر حذیفه یمانی قرار دارد. شهر بغداد چندین موزه مهم دارد که عبارتند از: موزه عراق، موزه بغداد، موزه لباس های محلی و فرهنگ ملی، موزه جنگ، موزه تاریخ طبیعی، موزه هنرمندان عراق و موزه هنرهای زیبا که متأسفانه این موزه‌ها در خلال جنگ اخیر آمریکا با عراق و پس از سقوط رژیم حاکم در عراق توسط افراد ناشناس به تاراج رفتند. استان بغداد سه شهرستان دارد که عبارتند از: بغداد، رصافه و کاظمین.

۲. استان نجف:

مرکز این استان شهر نجف است که از شهرهای قدیمی عراق به شمار می‌رود و به علت وجود مرقد مطهر امام علی (ع) در این شهر، برای شیعیان جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. فاصله نجف تا بغداد ۱۶۱ کیلومتر است. دیگر اماکن مقدس نجف عبارتند از: مرقد پیامبران خدا هود و صالح (ع)، مرقد صحابی جلیل القدر (صافی الصفا)، مرقد صحابی جلیل القدر (کمیل بن زیاد نخعی) و مرقد امامزاده

ص: ۴۶

ابراهیم بن حسن مثنی. در فاصله ده کیلومتری نجف، شهر قدیمی و معروف کوفه واقع است که زمانی پایتخت حکومت حضرت علی (ع) بود. در شهر کوفه مرقد مسلم بن عقیل، مرقد هانی بن عروه، مرقد مختار ثقفی، مرقد میثم تمار و مرقد خدیجه دختر امام علی (ع) قرار دارد. از مساجد معروف استان نجف می توان مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد صعصعه بن صوحان را نام برد. در قبرستان شهر نجف که به قبرستان وادی السلام معروف است بسیاری از بزرگان شیعه، شاهان و شاهزادگان و وزرا و علمای معروف به خاک سپرده شده اند.

۳. استان کربلا:

مرکز این استان شهر کربلا است که از شهرهای زیارتی بسیار مهم شیعیان جهان به شمار می رود. فاصله کربلا تا بغداد ۱۰۸ کیلومتر است. در این شهر علاوه بر مرقد مطهر امام حسین (ع) و مرقد مطهر ابوالفضل العباس (ع) اماکن مقدس دیگری نظیر: مرقد حر بن یزید ریاحی، مرقد عون بن عبدالله، مرقد شهدای کربلا، مرقد امامزاده سید ابراهیم مجاب، مرقد حبیب بن مظاهر اسدی، مرقد آخرس بن کاظم، مرقد ابن حمزه، مرقد احمد بن هاشم، خیمه گاه حسینی و تل زینیه قرار دارد. استان کربلا دارای سه شهرستان به نام های کربلا، سده الهندیه و عین تمر می باشد از آثار باستانی استان کربلا می توان از دژ الاخیضر نام برد که در ۴۸ کیلومتری جنوب شهر کربلا و در فاصله ۱۵۰ کیلومتری بغداد و بر سر راه قدیم حلب بصره واقع شده است، غارهای (الطار) که در فاصله ۳۰ کیلومتری جنوب شهر کربلا واقع شده و شامل ۴۰۰ غار باستانی است، منطقه باستانی الاقیصر که در فاصله ۱۰ کیلومتری شمال غربی دژ الاخیضر و بالاخره قصر شمعون که در شهرستان عین

ص: ۴۷

تمر قرار دارد. شهر کربلا به ساختن سنتی کاشی سرامیک ظروف فلزی مسی و نقره‌ای و برخی از صنایع دستی دیگر معروف است. این شهر دارای ۱۰۲ هتل است که ۴ هتل آن درجه یک، ۱۸ هتل درجه دو، ۲۷ هتل درجه سه، ۵۳ هتل درجه چهار می باشند.

۴. استان بصره:

مرکز این استان شهر بصره است که در فاصله ۵۴۹ کیلومتری بغداد قرار دارد. مساحت استان بصره در حدود ۱۹۰۷۰ کیلومتر مربع است. شهر بصره در سال ۱۴ هـ ق / ۶۳۵ م توسط شخصی به نام عتبه بن غزوان در کنار روستای کوچکی به نام (بصیره) ساخته شد و اولین شهری بود که توسط مسلمانان بنا شد. شهر بصره به علت نزدیکی به خلیج فارس اهمیت فوق العاده‌ای برای عراق دارد و دو بندر فاو و ام القصر در حقیقت تنها راه ارتباط دریایی عراق با جهان خارج را تشکیل می دهد. فرودگاه بصره بین المللی بوده و آن را به سایر شهرهای جهان مرتبط می سازد. آب و هوای بصره گرم و معتدل است. اکثریت اهالی آن را شیعیان تشکیل می دهند اما اماکن زیارتی چندانی در این شهر وجود ندارد. اماکن زیارتی برادران اهل تسنن در استان بصره عبارتند از: مرقد طلحه بن عبید الله، مرقد زبیر بن عوام، مرقد حسن بصری. در استان بصره ۶۳۵ رودخانه وجود دارد که از دو طرف شرق و غرب بصره به اروند رود می ریزند و مهمترین این رودخانه‌ها عبارتند از: رودخانه الرباط که منسوب به رباط مالک بن دینار صوفی معروف بصری است، رودخانه الخندق که در سال ۲۷۰ هـ ق کنده شده است، رودخانه العشار که احتمالاً سال ۷۰۰ هـ ق توسط برخی از عشایر بصره حفر شده است، رودخانه الخوره که

ص: ۴۸

طول آن ده کیلومتر است و یکی از زیباترین رودخانه‌های بصره به شمار می‌رود، رودخانه السراجی و رودخانه‌های دیگری نظیر: الابله، الداکیر، ابوفلوس، سیحان، بویب، ابوسلال، باب الهوی، شتوی، شبطنیه فجه العرب و مقام است. شهر بصره دارای دانشگاه بزرگی است و یکی از مراکز مهم تولید خرما در عراق می‌باشد.

۵. استان صلاح الدین:

مرکز این استان شهر تکریت است که در فاصله ۱۷۵ کیلومتری بغداد قرار دارد. تکریت زادگاه صدام حسین می‌باشد که بر اثر تلاش‌های وی رونق بسیاری یافته و از شهرکی کوچک و دور افتاده به مرکز استان تبدیل شد. استان صلاح الدین دارای ۸ شهرستان است که عبارتند از: شهرستان‌های تکریت، الدوره، سامرا، بلد، الطوز، الفارس، الشرقاط و بالاخره شهرستان بیجی. در این استان علاوه بر مرقد مطهر دو امام همام علی الهادی (ع) و حسن العسکری (ع) در سامرا، اماکن زیارتی دیگری نظیر: سرداب غیبت، مرقد نرگس خاتون مادر محترم امام زمان (ع)، مرقد حکیمه خاتون عمه پدری امام زمان (ع) نیز وجود دارند، مرقد ابراهیم بن مالک اشتر در شهرستان فارس و مرقد سید محمد در شهر بلد قرار دارد. از آثار باستانی استان صلاح الدین می‌توان از مسجد جامع و مناره ماریچ آن در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا، شهر متوکلیه و مسجد ابودلف، قصر العاشق، تپه صوان و گنبد صلیبیه نام برد.

ص: ۴۹

۶. استان التأمیم:

مرکز این استان شهر کرکوک است که در فاصله ۲۵۵ کیلومتری بغداد واقع است. نام کرکوک از کلمه (کرکر) گرفته شده که به معنی پاره آتش است و یاقوت حموی در کتاب خود از قلعه کرکوک به نام (کرخیتی) یاد کرده است. استان تأمیم دارای سه شهرستان است که عبارتند از: شهرستان های کرکوک، الحویجه و داقوق. همچنین این استان سه بخشداری به نام های الدبس، تازه و التون کوبری دارد. زیارتگاه های شیعیان در این استان شامل مرقد امامزاده زین العابدین و مرقد امامزاده قاسم است که هر دو از فرزندان امام کاظم (ع) می باشند. از اماکن زیارتی برادران اهل تسنن نیز می توان از امام الهوی از فرزندان شیخ عبد القادر گیلانی نام برد. از مساجد معروف کرکوک می توان مسجد العریان، مسجد الکبیر (مریمانه)، مسجد نبی دانیال را نام برد. قابل ذکر است که تعدادی از ساکنان شهر کرکوک را مسیحیان تشکیل می دهند و به همین علت در این استان دو کلیسا قرار دارد که یکی از آن ها کلیسای الحمراء است که در جاده کرکوک سلیمانیه واقع شده است و علت این تسمیه واقع شدن آن بر تپه ای است که خاک سرخ رنگی دارد، کلیسای جامع بیت الاحزان که در سال ۱۸۶۲ م ساخته شده و در سال ۱۹۳۰ م تجدید بنا شده است. از آثار قدیمی کرکوک می توان از قلعه کرکوک و پل سنگی نام برد.

۷. استان نینوا:

مرکز این استان شهر موصل است که فاصله آن تا بغداد ۴۶۵ کیلومتر است. نینوا نام قدیمی شهر موصل است این شهر تاریخچه ای بسیار قدیمی و کهن دارد و آشوری ها

ص: ۵۰

در سال ۱۰۸۰ ق. م آن را به عنوان پایتخت سوم خود انتخاب کردند و با ساختن قلعه‌ها و دژهای متعدد آن را مستحکم و نفوذ ناپذیر ساختند. استان نینوا دارای پنج شهرستان است که عبارتند: از شهرستان موصل، الحضر، باعشيقا، جروانه و جهنه. مرکز شهرستان الحضر، شهر تاریخی (حضر) است که در گذشته‌های دور حکومتی مستقل داشته و یکی از حکام قدیمی آن (سنطروق) پسر کاهن بزرگ (نصر) بود که خود را (پادشاه اعراب) می‌نامید و دستور داد که معبدی برای خدای (شمس) در این شهر بسازند. دوره پر افتخار این شهر از سال ۱۰۰ تا ۳۰۰ م بود. از زیارتگاه‌های این شهر می‌توان از مرقد نبی یونس، مرقد نبی شیث، مرقد امامزاده عون الدین یکی از فرزندان امام حسن (ع) نام برد. مساجد معروف موصل عبارتند از: مسجد نوری کبیر، مسجد اموی، مسجد توبه (نبی یونس) و مسجد نبی شیث.

مسجد نوری کبیر: در وسط شهر موصل قرار دارد و در سال ۵۶۶ ۵۶۸ ه ق بنا شده و مهمترین اثر باقیمانده مسجد مناره ۵۴ متری آن است.

مسجد توبه (نبی یونس): در سمت شمال شرقی رودخانه دجله و بر بالای تپه نبی یونس قرار گرفته است. بنا بر آثار موجود اهالی منطقه در سال ۷۶۷ ه ق قبر نبی یونس را در آن یافتند و نام آنجا را به مسجد نبی یونس تغییر دادند.

مسجد اموی: در سمت شمال شرقی موصل قرار دارد و در سال ۱۶ ه ق / ۶۳۷ م و در دوران خلافت عمر ساخته شده و امروزه تنها بخشی از محراب آن برجای مانده است.

ص: ۵۱

مسجد نبی شیث: در سال ۱۰۵۷ ه ق قبری متعلق به نبی شیث کشف شد و بر روی قبر مذکور مرقدی ساخته شد و در سال ۱۲۰۶ ه ق در کنار مرقد مذکور مسجدی به نام نبی شیث بنا گردید.

موصل دارای تعداد زیادی کلیسا و دیر است که برخی از مهمترین کلیساهای آن عبارتند از: کلیسای مارتوما: در محله خزرچ قرار دارد و به عنوان کلیسای جامع طایفه ارتودکس به شمار می رود بنای آن به سال ۱۱۶۸ م باز می گردد، در سال ۱۹۶۵ م کلیسا باز شد و هنگام بازسازی استخوانهای مارتوما(۱) از زیر بنا ظاهر شد و در معرض دید پیروان طایفه ارتودکس قرار گرفت.

کلیسای قدیمی الطاهره: این کلیسا در محله (حوش الخان) قرار دارد. این کلیسا از کلیساهای قدیمی موصل است که در طی سالهای ۷۴۴ ه ق و سال ۱۸۰۹ م تجدید بنا شد و متأسفانه در دهه سی میلادی ویران شد و تنها دو در از آن که به درهای ملوکی و خارجی معروف بودند برجا ماند. کلیسای مذکور در سال ۱۹۶۷ م مجدداً تجدید بنا شد.

کلیسای بانوی انتقال (کلیسای جدید الطاهره): این کلیسا در کنار کلیسای قبلی قرار دارد. در سال ۱۸۶۵ م ساخته شد و در سال ۱۹۶۹ م تجدید بنا شده است.

۱- مارتوما: از قدیسان هم عصر حضرت عیسی (ع) (ویراستار)

ص: ۵۲

کلیسای ارمنی‌ها: این کلیسا در کنار دو کلیسای فوق‌الذکر در محله (حوش الخان) موصل قرار دارد. کلیسای لاتین: در محله الاوس و یا منطقه الساعه قرار دارد و متعلق به طایفه دومینکن است و در سال ۱۸۷۲ م ساخته شده است.

دیر شیخ متی: در شرق موصل و در فاصله ۳۰ کیلومتری آن بر روی کوه مقلوب قرار دارد. بنای آن به قرن چهارم و پنجم میلادی باز می‌گردد. این کلیسا کتابخانه گرانمایی دارد که برخی از کتاب‌های خطی آن به قرن یازدهم و دوازدهم میلادی باز می‌گردد.

دیر ماربهنام: به دیر الجب معروف است و در فاصله کوتاهی از موصل و در جنوب شرقی آن واقع شده است. این کلیسا متعلق به طایفه کاتولیک سریان است و کلیسای مذکور یکی از آثار باستانی دیدنی موصل به شمار می‌رود. تاریخ بنای این دیر به سال ۱۱۶۴ م باز می‌گردد.

آثار باستانی موصل عبارتند از:

تپه باستانی نبی یونس: در داخل شهر موصل قرار دارد و در آن قصر اسرحدون و قصر سنحاریب پادشاهان باستانی آشور قرار گرفته است.

تپه باستانی قوینجق: باستان‌شناسی به نام بوتاد در سالهای ۱۸۴۲ م تا ۱۸۵۱ م آن را کشف نمود و شامل قصر آشوربانی پال و کتابخانه معروف او می‌باشد.

تپه الرماح: در فاصله هشتاد کیلومتری غرب موصل قرار دارد و در آن معبدی منتظم‌الشکل است که تاریخ بنای آن به ۱۸۰۰ ق. م می‌رسد.

ص: ۵۳

باروی موصل: محیط این بارو ۱۲ کیلومتر است و به صورت مستطیل بنا شده و دارای تعدادی برج و دروازه است و دروازه‌های آن عبارتند از: العمادی، الجصاصین، الميدان، کنده، السر، العراق، لکش، القصابین، المشرعه، الجسر و القلعه.

قلعه باشطاییا: تاریخ بنای آن به قرن ششم هجری باز می‌گردد و معنی باشطاییا (قلعه بزرگ) است این قلعه در محاصره موصل (سال ۱۱۵۶ ه ق) نقش مهمی را ایفا کرد. قلعه دو دروازه دارد که یکی از آنها باب السر است که رو به رودخانه باز می‌شود و دیگری باب القلعه است که به طرف میدان باز می‌شود.

۸. استان واسط:

مرکز این استان شهر کوت (واسط) است که در فاصله ۱۷۲ کیلومتری جنوب شرقی بغداد قرار دارد و بدین علت واسط نامیده می‌شود که در وسط عراق قرار گرفته است. این شهر را حجاج بن یوسف ثقفی در سال ۷۸ ه ق بنا کرد و در سال ۸۶ ه ق بنای آن را تکمیل کرد تا پایگاه سربازان شامی وی باشد. این شهر به صورت شبه جزیره است و آب از سه طرف شرق و غرب و جنوب آن را در بر گرفته است. استان واسط دارای شش شهرستان است که عبارتند از: واسط، الکوت، النعمانیه، الحی، الصویره و بدره است. اهالی این استان شیعه بوده و اماکن زیارتی آن عبارتند از: مرقد امامزاده علی الصاله در شهرستان بدره، مرقد امامزاده سید محمد ابوالحسن از نوادگان امام زین العابدین (ع) که در شهرستان کوت و در فاصله سه کیلومتری جنوب غربی شهر کوت قرار دارد، مرقد امامزاده سید تاج الدین ابومحمد که در بخشداری الحفریه در فاصله یکصد کیلومتری شهر واسط قرار دارد و نسب وی به

ص: ۵۴

امام علی (ع) بر می‌گردد و مردم روزهای چهارشنبه هر هفته به زیارت وی مشرف می‌شوند، مرقد امامزاده سید نور الهلال که در مرکز استان قرار دارد و نسب وی به امام علی (ع) بر می‌گردد، مرقد صحابی جلیل القدر سعید بن جبیر که در شهرستان الحی قرار دارد. این صحابی به علت پافشاری بر محبت حضرت علی (ع) توسط حجاج بن یوسف ثقفی به شهادت رسید.

۹. استان دیاله:

مرکز این استان شهر بعقوبه است. علت تسمیه این استان رودخانه دیاله است که مهمترین رودخانه استان است. نام قدیمی رودخانه مذکور در سنگ نوشته‌های دوران آشور ناصر بال در نیمه اول قرن نهم قبل از میلاد (دیالاس) بود و بعدها نام سریانی (تأمر) جایگزین آن گردید. در دوران عباسی و عثمانی به این منطقه (راه خراسان) می‌گفتند زیرا که جاده خراسان از این منطقه می‌گذشت. شهر بعقوبه فعلی در حقیقت پس از انقلاب مردمی دهه بیست میلادی علیه انگلیسی‌ها به شکل امروزی ظاهر گردید. استان دیاله در منطقه میانی عراق و در شرق رودخانه دجله و در فاصله طول جغرافیایی ۴۶ ۴۴ شرق و عرض جغرافیایی ۳۳ ۳۵ شمال قرار دارد. مساحت این استان بالغ بر ۱۲۰۸۱۳ کیلومتر مربع است که حدود ۴/۴٪ مساحت کل کشور را در بر می‌گیرد. در شمال آن استان‌های سلیمانیه و صلاح الدین و در غرب آن کشور ایران و در جنوب آن استان واسط و در شرق آن استان‌های صلاح الدین و بغداد قرار گرفته‌اند. بخش شرقی استان دیاله را زمین‌های مرتفع و کوهستانی در بر می‌گیرد که در حقیقت ادامه سلسله جبال حمرین است. در این منطقه رودخانه‌هایی نظیر (قزانیه) و (ابی نطف) جریان دارند.

ص: ۵۵

زمین این منطقه برای کشاورزی چندان مناسب نیست درحالی که زمین های غرب و شمال غربی این استان برای کشاورزی مناسبند. آب و هوای استان دیاله متغیر است گاهی مدیترانه‌ای و گاهی گرم و خشک است. استان دیاله دارای تپه‌های باستانی فراوانی است که تاریخچه آنها از هزاره پنجم قبل از میلاد شروع می‌شود و مهمترین این تپه‌ها، تپه اُسمر است که در شهر باستانی اشنونا قرار دارد و در آن معابد، کاخ‌ها و تندیس های فراوانی وجود دارد، از این تپه‌ها همچنین می‌توان تپه (أجرب) و تپه (أشجالی) را نام برد. استان دیاله هفت شهرستان دارد که عبارتند از: بعقوبه، مقدادیه، خالص، خانقین، بلدزور، کفری و مدائن.

۱۰. استان دهوک:

استان دهوک در منتهی الیه شمال غربی عراق واقع شده است. این استان نیز همانند سایر استان های عراق از اهمیت تاریخی بسیاری برخوردار است و آثار یافت شده در تپه‌ها و غارهای آن نمایانگر اهمیت تاریخی این منطقه می‌باشد. استان دهوک از لحاظ استراتژیک نیز حایز اهمیت است و خط لوله نفت کرکوک به ترکیه از این استان می‌گذرد.

مساحت این استان بالغ بر ۱۰۷۱۵ کیلومتر مربع است و دارای پنج شهرستان به نام‌های دهوک، سمیل، زاخو، شیخان و عقره است. علت تسمیه دهوک از نظر تاریخ نویسان چنین است که این واژه از دو کلمه (دو) فارسی و (هوک) کردی به معنی پیمانانه غله می‌باشد و در کل به معنی (دو پیمانانه غله) است. به

ص: ۵۶

گفته مورخین امیر این منطقه که (آخ شندو) نام داشت در دوران حکومت (نوزی) بابت عبور کاروان ها از این منطقه، دو پیمانانه غله به عنوان مالیات دریافت می نمود. کوه ها از سه طرف شهر دھوک را فرا گرفته اند به طوری که کوه (جبل الایض) در شمال شهر و کوه (شندوخوا) در جنوب و کوه (مام سین) در شرق آن واقع شده اند. این شهر از سمت غرب به دشت کشاورزی سمیل راه دارد. دھوک آثار باستانی بسیاری دارد که مهمترین آنها قلعه دھوک است، ضمناً در شهر زاخوی این استان نیز بیش از پانزده مکان باستانی وجود دارد.

۱۱. استان اربیل:

این استان در شمال عراق قرار دارد و مرکز آن شهر (اربیل) است. از شمال به ترکیه و از شرق به ایران محدود می گردد. مساحتی بالغ بر ۱۳۱۶۵ کیلومتر مربع دارد. آب و هوای آن نسبتاً سرد است، رطوبت نسبی آن پایین می باشد و میزان بارندگی سالیانه آن حدود ۲۰۰ تا ۶۰۰ میلی متر است. نام قدیمی شهر (أربیلو او) است که اسمی آشوری و به معنی (چهار خدا) است و علت این تسمیه وجود معابد مهم آشور در این شهر است. این شهر در دوره آشوری ها مرکز عبادت الهه باروری (عشتار) بود و آشوری ها قبل از هر حمله نظامی به زیارت معابد موجود در اربیل می رفتند.

این شهر در سال ۳۲ ه ق در دوران خلافت عمر بن الخطاب به وسیله (عتبه بن فرقد) فتح شد و بعدها به عنوان یکی از شهرهای مهم عراق به شمار می آمد. در

ص: ۵۷

سال ۱۹۱۸ م انگلیسی‌ها آن را تصرف کردند و شخصی به نام (های) را به عنوان فرماندار آن منصوب کردند.

در اربیل بیش از یکصد و ده تپه باستانی از دوران پارینه سنگی تا دوره فتح اسلامی وجود دارد و از مهمترین آثار باستانی آن می‌توان قلعه اربیل، تپه سید احمد و مناره مظفریه را نام برد.

استان اربیل پنج شهرستان دارد که عبارتند از: مخمور، کوی سنجق، راوندوز، رانیه و زیبار.

اقتصاد این استان متکی بر کشاورزی و صنعت است و در آن محصولات نظیر: گندم و جو و گل آفتابگردان و ذرت و سبزیجات و پیاز و سیب زمینی و هویج و دانه‌های روغنی و حبوبات کاشته می‌شود. همچنین این استان از لحاظ دامپروری غنی بوده و علاوه بر پرورش گاو و گوسفند و بز تعداد زیادی مرغداری و جوجه کشی دارد.

۱۲. استان الانبار:

مرکز این استان شهر رمادی است. استان الانبار بزرگترین استان عراق است و مساحت آن بالغ بر ۱۳۸۵۷۹ کیلومتر مربع است که حدود ۳۲٪ از مساحت عراق را در برمی‌گیرد.

برخی عقیده دارند که کلمه (انبار) واژه‌ای فارسی است و علت این تسمیه وجود انبارهای آذوقه لشکر ساسانی در این منطقه بوده است و برخی دیگر این کلمه را از مصدر عربی (نبر) می‌دانند که به معنی مکان مرتفع است اما به هر حال ناگفته نماند

ص: ۵۸

که این شهر در دوران امپراتوری ساسانی از شهرهای مهم و استراتژیک بود که کار آن حمایت از پایتخت ساسانی (شهر تیسفون) در برابر حملات رومیان بوده است.

در سال ۱۳۴ ه ق ابوالعباس محمد بن عبد الله عباسی این شهر را به عنوان پایتخت خود برگزید و در آن قصرها و کاخ‌هایی بنا کرد و ابوجعفر منصور دوانیقی نیز مدتی را در این شهر گذراند تا آن که در سال ۱۴۵ ه ق شهر بغداد را بنا کرده و آن را به عنوان پایتخت خود برگزید. شهر انبار یکی از مناطق مشهور در زمینه تولید قیر و کشتی سازی در عراق قدیم بوده است.

زمین استان انبار در حقیقت امتداد فلات جزیره العرب بوده و پوشیده از تپه‌های کوچک و کم ارتفاع و تعداد زیادی از دره‌ها نظیر دره حوران و غیره می‌باشد. زمین این منطقه از لحاظ پوشش گیاهی فقیر بوده و در معرض بیابان‌زایی شدید قرار دارد. مرتفع‌ترین نقطه این سرزمین نزدیک مرز اردن واقع است که ارتفاع آن حدود ۸۰۰ متر از سطح دریا است و پست‌ترین نقطه آن در منطقه (الجبانیه) قرار دارد و ارتفاع آن حدود ۷۵ متر از سطح دریا است. رودخانه فرات در سمت غربی این منطقه جریان دارد.

این منطقه آب و هوای نیمه بیابانی دارد و میزان بارندگی سالیانه آن پایین و حدود ۱۱۵ میلی متر است. اختلاف دمای روز و شب آن زیاد بوده و درجه رطوبت آن بسیار پایین است. دمای هوا در تابستان به ۳۲ درجه سانتی گراد و در زمستان به ۹ درجه سانتی گراد می‌رسد.

ص: ۵۹

مهمترین محصولات کشاورزی آن سیب زمینی، گندم، جو، ذرت، سبزیجات، پیاز و علوفه دامی می باشد. در این استان حدود ۵/۲ میلیون درخت وجود دارد و کشاورزی آن متکی بر کشت آبی است و آب مورد نیاز کشاورزی از چاه‌ها و چشمه‌ها و آب باران تأمین می شود.

۱۳. استان المثنی

استان المثنی در جنوب عراق واقع شده است و مساحت آن بالغ بر ۵۱ هزار کیلومتر مربع است و از این لحاظ بعد از استان انبار قرار می گیرد و دومین استان پهناور عراق به شمار می رود. استان المثنی دارای چهار شهرستان به نام‌های السماوه، الرمیثه، الخضر و السلمان و هفت ناحیه به نام‌های الوركاء، المجد، النجمی، الهلال، الدراجی، الصوبر و البصیه می باشد. جمعیت این استان در حدود ۴۴۰ هزار نفر است. مرکز این استان شهر السماوه است که ۲۸۲ کیلومتر تا بغداد فاصله دارد و در حدود ۳۳۳ کیلومتری شمال بصره واقع است. جمعیت شهر سماوه حدود ۱۵۰ هزار نفر است. تاریخ بنای سماوه به دوره سومری‌ها باز می گردد و یاقوت حموی علت تسمیه سماوه را زمین صاف و هموار این منطقه دانسته است. رودخانه فرات از وسط شهر سماوه می گذرد و آن را به دو بخش بزرگ و کوچک تقسیم می کند. از آثار شهر سماوه دریاچه ساوه است که گفته می شود هنگام تولد پیامبر اکرم طغیان کرد. این شهر در جریان قیام مردمی عراق علیه انگلیس در سال ۱۹۲۰ م نقش فعالی را برعهده داشت.

ص: ۶۰

۱۴. استان بابل

مرکز این استان شهر (حله) است که در وسط عراق قرار گرفته و فاصله آن تا بغداد حدود یکصد کیلومتر است. مساحت آن ۶۷۹۳ کیلومتر مربع بوده و حدود ۲٪ از مساحت کل کشور را شامل می‌شود. این استان حدود ۳۵ متر بالاتر از سطح دریا ارتفاع دارد. آب و هوای آن بیابانی بوده و میزان بارندگی سالیانه آن اندک و در حدود ۵۰ تا ۲۰۰ میلی متر می‌باشد. دما در تابستان به ۵۰ درجه سانتی گراد می‌رسد و در زمستان آب و هوایی معتدل دارد. جمعیت این استان بنا به آمار سال ۱۹۹۸ م بالغ بر ۱۱۰۹۵۷۴ نفر بوده است. از لحاظ کشاورزی و دامپروری غنی می‌باشد. کشاورزی در این استان به روش آبی بوده و به علت کاهش شدید بارندگی آن، کشاورزی به شکل دیم وجود ندارد. در این استان مرغداری های متعدد و کارخانجات تهیه غذای دام و طیور وجود دارد. علت تسمیه این استان به بابل، وجود آثار باستانی شهر بابل در این استان است که به مرکز استان بسیار نزدیک است و در دوران حکومت صدام حسین سالیانه در شهر حله جشنواره‌ای به نام (جشنواره بین المللی بابل) برگزار می‌شد.

۱۵. استان سلیمانیه:

مرکز این استان شهر سلیمانیه است و این استان از شمال و غرب به استان های اربیل و التأمیم و صلاح الدین، از جنوب به استان دیاله، و از شرق به کشور جمهوری اسلامی ایران محدود می‌شود. این استان زمینی حاصلخیز و پر آب دارد، لذا متکی بر اقتصاد زراعی و دامپروری است. در این استان دو سد معروف دربندی

ص: ۶۱

خان و دوکان واقع شده اند که در پشت این دو سد دریاچه‌های مصنوعی دوکان و دربندی خان قرار گرفته اند.

۱۶. استان قادسیه:

این استان از شمال با استان بابل و از شرق با استان های واسط و ذی قار و از جنوب با استان المثنی و از غرب با استان نجف همجوار است. ساکنین این استان را عشایر شیعه تشکیل می دهند.

۱۷. استان میسان:

مرکز این استان شهر العماره است. استان میسان از شمال و شرق با کشور ایران و از غرب با استان واسط و از جنوب و جنوب غربی با استان های بصره و ذی قار همجوار است. رودخانه دجله از وسط آن عبور می کند و آن را به دو بخش مساوی تقسیم می کند. تالاب های بزرگ جنوب عراق که به نام (هور) معروف است در این استان واقع است و یکی از صنایع معروف شهر العماره و مناطق همجوار آن نظیر قلعه صالح، کحلاء و مشرح قایق سازی و کشتی سازی است و بیشتر صُبی های (۱) عراق در این استان ساکن بوده و به کار قایق سازی مشغول می باشند. در این استان همچنین کشاورزی، پرورش گاومیش، ماهیگیری و استفاده از نی در صنایع دستی رواج دارد.

۱- پیروان حضرت یحیی

ص: ۶۲

ميسان نامی قديمی است و قبلًا به (ميسين) معروف بوده است که نام مملکتی باستانی است که از ناحیه غرب به دو رودخانه دجله و فرات و از شرق به رودخانه کارون محدود بود. این مملکت بعد از سقوط سلسله پادشاهی سلوکیان به وجود آمد و مملکتی کوچک بود که در جنوب بابل قرار داشت و در دوران حکومت سلوکیان تابع حکومت سلوکی بود و پس از سقوط انتیوکوس سوم آخرین پادشاه سلوکی (سال ۱۸۷ ق. م) تا حدودی استقلال خود را به دست آورد. این مملکت در دوران اشکانی تابع امپراتوری اشکانی بود.

۱۸. استان ذی قار:

مرکز این استان شهر ناصریه است. این استان از شمال با استان های قادیسیه و واسط و از غرب با استان المثنی و از جنوب با استان بصره و از شرق با استان میسان همجوار است. رودخانه فرات از این استان عبور می کند، این استان نیز به داشتن تالاب ها (هور) مشهور است. تمامی ساکنین این استان را عشایر شیعه تشکیل می دهند.

ص: ۶۳

خلاصه درس فصل اول:

عراق کشوری کهن و باستانی است که در سرزمین بین‌النهرین واقع شده است و برخی معتقدند که اصل کلمه عراق (ایراک) است و از همین ریشه دو نام ایران و عراق مشتق شده است و معنی این واژه در زبان فارسی (سرزمین پایین دست) بوده است. مساحت عراق ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع است و تعداد جمعیت آن برحسب آمارگیری سال ۱۹۹۷ م در حدود بیست و دو میلیون نفر بوده است. پایتخت آن بغداد است که در وسط کشور و در دو طرف رودخانه دجله قرار گرفته است. آب و هوای عراق خشک بوده و در تابستان‌ها گرم و در زمستان‌ها سرد و بارانی است. عراق از لحاظ منابع زیرزمینی کشوری ثروتمند است و دارای منابع سرشاری از نفت، گاز، گوگرد، فسفات و سایر معادن با ارزش است. عراق دو رودخانه مهم به نام‌های دجله و فرات دارد که برای این کشور ارزش حیاتی داشته و آب مورد نیاز شرب و کشاورزی این کشور را تأمین می‌کنند. عراق سه دریاچه دارد که عبارتند از: حبانیه، دوکان، دربندی خان، که در این میان دریاچه حبانیه در فاصله ۸۴ کیلومتری بغداد قرار دارد و از اماکن توریستی مهم عراق به شمار می‌رود، اما دریاچه دوکان در فاصله ۷۱ کیلومتری سلیمانیه و ۱۴۱ کیلومتری کرکوک واقع شده است و دریاچه دربندی خان در فاصله ۶۵ کیلومتری سلیمانیه و ۲۶۸ کیلومتری بغداد قرار دارد. اقوام ساکن در عراق عبارتند از عرب‌ها، کردها، ترکمن‌ها، آشوری‌ها، کلدانی‌ها و سریانی‌ها از ساکنان قدیمی این سرزمین بوده و در قرن اول میلادی پس از اینکه آرامی به دین مسیحیت گرویدند، نام سریان را به جای نام آرامی بر خود نهادند و زبان آن‌ها که زبان آرامی بود زبان رسمی کلیسای سریان گردید و در قرون اولیه اسلامی کتاب‌های زیادی از این زبان به زبان عربی ترجمه شد.

صائبه یکی دیگر از اقوام ساکن در عراق هستند که در کنار تالاب‌های جنوبی عراق سکونت دارند، آنان پیروان حضرت یحیی (ع) هستند و تعدادی از آن‌ها در خوزستان ایران ساکن هستند. عراق ۱۸ استان دارد که به ترتیب عبارتند از: بصره، المثنی، ذی قار، میسان، نجف، کربلا، انبار، قادسیه، بابل، واسط، دیالی، بغداد، صلاح‌الدین، سلیمانیه، التأمیم، نینوی، اربیل، دهوک.

ص: ۶۴

فصل دوم**شهر مقدس نجف****اشاره**

شهر مقدس نجف در حاشیه فلات غربی عراق و در جنوب غربی بغداد واقع شده است و فاصله آن تا بغداد ۱۶۰ کیلومتر است. ارتفاع این شهر از سطح دریا هفتاد متر است و در طول جغرافیایی ۴۴ درجه و ۱۹ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۱ درجه و ۵۹ دقیقه قرار دارد. در ۸۰ کیلومتری سمت شمال و شمال شرقی آن شهر کربلا

ص: ۶۵

واقع است و در سمت جنوب و غرب آن سرزمین های پست جلگه دریاچه خشک شده نجف و شهر (ابی صخیر) قرار دارد و فاصله ابی صخیر تا نجف ۱۸ کیلومتر است، در سمت شرق آن شهر کوفه است که فاصله آن تا نجف حدود ۱۰ کیلومتر است. نجف در زبان عربی به معنی مکان مستطیل محصور و بلندی است که آب نمی تواند آن را فراگیرد و جمع آن (نجاف) است. برخی نیز معنی نجف را (تل) یا (تپه) ذکر کرده اند. یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان می گوید: (نجف نام شهری در پشت شهر کوفه است که همانند تپه ای جلوی سیل را گرفته و اجازه نمی دهد که سیل به سوی شهر کوفه سرازیر شود). نجف نام های دیگری دارد که در احادیث وارد شده از اهل بیت (ع) نیز آمده است، از جمله نام های متعارف این شهر: بانقیاء، جودی، ربوه، ظهر الکوفه، غریان، وادی السلام، غربی، لسان، طور، غری و مشهد است که در این میان نام های نجف، غری و مشهد متداول تر است. معنی لغوی (غری) جایی در جاهلیت بود که در آن قربانی می دادند و (غریان) نام دو بنای صومعه مانند بوده که در نزدیکی قبر حضرت علی (ع) قرار داشتند، اما (وادی السلام) به معنی دشت سلامتی است و این نام در برخی از احادیث اهل بیت (ع) بر این منطقه اطلاق شده است که در حال حاضر این نام بر گورستان معروف شهر نجف اطلاق می گردد که آرامگاه بسیاری از بزرگان و علمای شیعه می باشد.

ص: ۶۶

برخی را گمان بر این است که محل کنونی نجف در گذشته کوه بلندی بوده و فرزند حضرت نوح (ع) آنجا که می‌گوید: (سأوی إِلَى جَبَلٍ يُعَصِّمُنِي مِنَ الْمَاءِ) (۱) (به سوی کوهی پناه می‌برم که مرا از طوفان نجات خواهد داد) منظورش همین کوه نجف بوده است که بعدها به فرمان الهی کوه از بین رفته و به صورت تپه‌ای درآمد و دریای اطراف آن که (نی) نام داشت خشک شده و به همین علت نام آن (نی جف) شده است. البته نظریه اخیر نظریه منطقی و مستدلّی نیست، هرچند که نباید فراموش کرد براساس شواهد و قراین تاریخی و باستان شناسی ظاهراً طوفان نوح در همین منطقه اتفاق افتاده است و این داستان در سنگ نوشته‌های سومری، آشوری و بابلی برجای مانده در بین النهرین، ذکر شده است.

مساحت شهر در حدود ۱۳۳۸ کیلومتر مربع است، خیابان‌های آن پهن و مستقیم و ساختمان‌های آن مرتفع و بازارهای آن پهن و مرتب است مخصوصاً بازار بزرگ آن (السوق الکبیر) که از باروی شرقی شهر آغاز می‌شود و تا حرم مطهر حضرت علی (ع) ادامه می‌یابد.

ص: ۶۷

تاریخچه نجف

این شهر تاریخی کهن دارد و در دوران حکومت (منذریان) یا (پادشاهان حیره) که کارگزاران امپراتوری ساسانی بودند، منطقه نجف به عنوان بیلاق مورد استفاده قرار می گرفت و به علت آب و هوای مناسب، برخی از پادشاهان حیره قصرها و منازل در آن منطقه ساخته بودند.

شاپور برای جلوگیری از حمله اعراب بادیه نشین اقدام به حفر خندقی در ناحیه غربی شهر نجف نمود که بقایای این خندق بین نجف و کربلا همچنان پابرجا است و امروزه (بکری سعده) نامیده می شود. قبل از فتح مسلمانان تعدادی از دیرها و کلیساهای مسیحی در این منطقه بنا شده بود. پس از دفن حضرت علی (ع) در سال ۴۰ ه ق تا مدت ها محل قبر آن حضرت ناشناخته و مخفی بود اما با این وجود اهل بیت (ع) و شیعیان خاص آنان که از محل دقیق دفن آن حضرت آگاه بودند مخفیانه و گاهی اوقات شبانه به این منطقه آمده و قبر آن حضرت را زیارت می کردند. در سال ۱۳۵ ه ق پس از بر ملا شدن محل دفن حضرت علی (ع) این منطقه به تدریج زیارتگاه عاشقان و شیفتگان آن حضرت گردید (۱) و رفته رفته برخی از شیعیان در اطراف آن مستقر شدند و هسته اولیه شهر پی ریزی شد و بعدها با گذشت زمان توسعه یافت تا اینکه به شهر بزرگ و مشهوری مبدل شد. شهر نجف در طی مراحل توسعه شاهد سه مرحله بوده است که عبارتند از:

۱- در زمان منصور عباسی به سال (۱۳۵) ه ق و در زمان امام صادق (ع) برای نخستین بار مکان قبر نمایان شد. شیخ مفید، الارشاد، ۱۳ (ویراستار)

ص: ۶۸

مرحله اول: مرحله آبادانی اولیه که از زمان (عضد الدوله آل بویه) در سال ۳۳۸ هـ ق آغاز گردید و تا قرن نهم هجری ادامه یافت. این مرحله در حقیقت مرحله نوباوگی شهر بوده است و در اوایل این مرحله باروی شهر ساخته شد که تمامی شهر را در برمی گرفت و در سال ۴۰۰ هـ ق (ابو محمد بن سهلان) وزیر آل بویه باروی دیگری اطراف شهر کشید.

مرحله دوم: مرحله آبادانی ثانویه شهر است و از قرن نهم هجری تا اواسط قرن سیزدهم هجری ادامه داشت، در این دوره از شکوفایی شهر کاسته شده و به علت بروز جنگ های طولانی بین ترک های عثمانی و پادشاهان صفوی آسیب هایی نیز به این شهر وارد گردید.

مرحله سوم: دوران اخیر است که از اواسط قرن سیزدهم هجری آغاز شده و تا امروز ادامه دارد. در این دوران شهر دوباره شکوفا شده و تغییرات فرهنگی و عمرانی فراوانی در آن روی داده و پس از آن که مدت ها به صورت شهرستان تابع استان کربلا بود، عاقبت به استان تبدیل شد.

در سال ۱۲ هـ ق خالد بن ولید پس از فتح سرزمین یمامه هنگامی که عازم فتح سرزمین حیره بود در منطقه نجف اطراق کرد و اهالی منطقه از ترس خالد به قصر سفیدی که در آن منطقه قرار داشت پناه بردند، در این منطقه جنگ سختی در گرفت که بعدها به نام جنگ بویب معروف شد.

ص: ۶۹

در سال ۱۴ هـ. ق منطقه نجف محل درگیری نیروهای نظامی ساسانیان و لشکر مسلمانان بود و در منطقه (بانقیا) مسلمانان موفق شدند که اولین جزیه را از ایرانیان بگیرند.

در سال ۳۷ هـ. ق صحابی جلیل القدر (خباب بن الارت) اولین کسی بود که در نجف دفن شد و حضرت علی (ع) بر سر جنازه او نماز خواند و برای او طلب آمرزش نمود.

در سال (۴۰ هـ. ق / ۶۶۱ م) حضرت علی (ع) در کوفه به شهادت رسید و جسد پاکش بنا به وصیت وی به وسیله دو فرزندش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

در سال ۲۵۰ هـ. ق اولین رود به سوی نجف کشیده شد. این رود را شخصی به نام (سلیمان بن أعین) و در منطقه‌ای به نام (السنيق) احداث کرد، بعدها باغ‌های شهر کوفه و یران شدند و بسیاری از اهالی کوفه به شهر قم و برخی نیز به شهر واسط و منطقه‌ای به نام (خراب الکوفه) هجرت کردند.

در قرن چهارم هجری یکی از خوارج به نام (مره بن قیس) به نجف حمله کرد تا جسد مبارک حضرت علی (ع) را از قبر خارج کند. وی باروی شهر را منهدم ساخت و پس از جنگ و محاصره شش روزه عاقبت شهر را فتح نمود. اما از نبش قبر مطهر امام علی (ع) منصرف شد.

در سال ۴۴۸ هـ. ق / ۱۰۵۶ م در دوران آل بویه شهر نجف از مراکز مهم تدریس امور دینی شد و این امر بویژه پس از هجرت شیخ ابو جعفر طوسی از بغداد به

ص: ۷۰

نجف فزونی گرفت، زیرا که شیخ طوسی در بغداد مورد بی مهری فراوان قرار گرفت و کتابخانه وی آتش زده شد. مهاجرت شیخ طوسی به نجف باعث روی آوردن طلاب علوم دینی به نجف شد.

در سال ۵۰۸ ه. ق شخصی به نام (مشعشعی) که حاکم منطقه الجزایر و بصره در جنوب عراق بود به نجف و کربلا حمله کرد و اهالی نجف را کشته یا اسیر کرد و حرم های مطهر نجف و کربلا را به تاراج برد.

در بین سالهای (۵۵۰ ه. ق و ۶۵۶ ه. ق) خلیفه عباسی (الناصر لدین الله) توجه زیادی به بنا و توسعه شهر نجف نموده و حرم مطهر حضرت علی (ع) را بازسازی نمود.

در پایان قرن هفتم و هشتم هجری و در دوران حکومت خاندان پادشاهان (ایلخانی و جلایری) شهر نجف از جهت آبادانی و جمعیت و ساختن مدارس علمیه پیشرفت چشمگیری نمود.

در سال ۹۹۷ ه. ق (عبد المؤمن خان) پادشاه ازبک با لشکر بزرگی به نجف حمله کرد و مردم شهر را قتل عام نمود.

در آغاز قرن دهم هجری قمری شاه عباس صفوی بر بغداد و بسیاری از شهرهای دیگر عراق دست یافت و سپس به زیارت عتبات عالیات، از جمله شهر مقدس نجف مشرف شد و دستور داد شاخه‌ای از رودخانه فرات به سوی آن کشیده شود. پس از آن سلطان عثمانی (سلیمان قانونی) دوباره عراق را بازپس گرفت و وی

ص: ۷۱

نیز در سال ۹۴۱ ه ق قبل از بازگشت به قسطنطنیه عازم زیارت نجف و کربلا شد.

در سال ۱۰۳۲ ه. ق در دوران سلطنت سلطان سلیم عثمانی، ترک‌ها موفق به محاصره نجف شدند. اما به علت مقاومت دلیرانه اهالی شهر موفق به فتح شهر نشدند.

در دوران سلطنت (سلطان مراد) عثمانی‌ها به بغداد حمله کردند، نجف نیز در معرض حملات آنان قرار گرفت اما لشکریان شاه عباس اول که در شهر مستقر بودند به دفاع از شهر پرداختند.

در سال ۱۰۴۰ ه. ق فرمانده عثمانی (کنج عثمان) با موفقیت شهرهای نجف و کربلا را فتح کرد.

در سال ۱۰۴۱ ه. ق سردار عثمانی (خسرو پاشا) که موفق نشده بود شهر بغداد را از چنگ لشکریان صفوی خارج کند، مجدداً به شهر نجف حمله کرده و آن را دوباره فتح نمود.

در سال ۱۱۰۹ ه. ق رودخانه فرات طغیان کرد و شهر نجف و زمین‌های پیرامون آن غرق شد و در همین حین برخی از رؤسای قبایل دست به چپاول شهر زدند.

در قرن دهم و یازدهم هجری اهالی شهر به بیماری‌های واگیردار بسیاری مبتلا شدند که منجر به از بین رفتن اهالی و متوقف شدن رشد و توسعه شهر شد.

ص: ۷۲

در سال ۱۲۱۶ ه. ق وهابی‌ها شهر کربلا- را تصرف نموده و اهالی آن را کشته و حرمت حرم حسینی را هتک کردند و سپس رهسپار شهر نجف شدند و آن را برای مدتی محاصره کردند اما چون به نتیجه نرسیدند به سرزمین خود بازگشتند.

در سال ۱۲۱۷ ه. ق وهابی‌ها بار دیگر در روز عید غدیر به نجف حمله کردند و تعدادی از علما و مردم بی دفاع شهر را کشتند.

در سال ۱۲۲۱ ه. ق خبر حمله مجدد وهابی‌ها به شهر نجف سبب شد تا اهالی نجف خزانه امیر المؤمنین (ع) را به کاظمین منتقل کنند تا از دست غارتگران در امان باشد. این کار توسط شیخ جعفر کاشف الغطاء و تعداد دیگری از علمای بزرگ نجف صورت گرفت و تعداد زیادی از اهالی شهر نیز از ترس وهابی‌ها به عشایر منطقه پناهنده شدند و تنها دویست تن از مردان شهر به منظور مقاومت و مقابله با وهابی‌ها در شهر سنگر گرفتند. ابن سعود به سرکردگی پانزده هزار نفر از وهابی‌ها به شهر رسید و یک شبانه روز شهر را محاصره کرد اما بدون نتیجه‌ای به سرزمین خود بازگشت، برخی از منابع ذکر می‌کنند که دلیران نجفی شبانه به لشکر ابن سعود حمله کرده و هفتصد نفر از لشکریان او را کشتند و این امر باعث هراس شدید در بین لشکریان وهابی گردید و آنان را ناچار کرد که دست خالی از آن منطقه کوچ کنند.

در سال ۱۲۲۶ ه. ق (۱۸۱۱ م) نظام الدوله محمد حسین خان علّاف صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار به علت هجوم پی در پی وهابی‌ها جهت تخریب اماکن مقدسه شیعه دستور داد تا قوی ترین باروی ممکن برای شهر ساخته شود.

ص: ۷۳

در سال ۱۲۲۸ ه. ق (۱۸۱۳ م) در دوره شیخ جعفر کاشف الغطاء حوادث تفرقه آمیزی در بین رهبری جامعه شیعیان پدید آمد که باعث تقسیم مردم به دو گروه رقیب (زکرت) و (شمرت) گردید و دشمنی و اختلاف و درگیری بین این دو گروه حدود یکصد سال طول کشید و آخرین جنگ آن ها در سال ۱۳۲۳ ه. ق رخ داد که منجر به پیروزی (گروه زکرت) گردید.

در خلال جنگ اول جهانی به موجب فتوای علمای شیعه، اهالی نجف با ترک های عثمانی متحد شده به دفاع از اسلام برخاستند و بسیاری از علمای بزرگ شیعه از جمله آیت الله سید محمد سعید حبیبی به فرماندهی لشکری از رزمندگان در جبهه شعیبه با انگلیسی ها به مقابله برخاستند، با این وجود ترک های عثمانی در جنگ مغلوب شده و پس از شکست، رفتار بسیار بد و زننده ای با عراقی ها و به خصوص اهالی نجف داشتند که این امر منجر به قیام نجفی ها بر علیه حکومت عثمانی و اخراج آنان از شهر گردید. در پی این امر نجفی ها حکومتی محلی ایجاد کردند و به مدت دو سال اداره شهر را برعهده گرفتند.

انگلیسی ها پس از تصرف بغداد سعی کردند شهر نجف را نیز به زیر سلطه خود در آورند، اما بار دیگر اهالی نجف به مقابله با آنان پرداختند و اولین برخورد نظامی اهالی با انگلیسی ها در بیرون شهر رخ داد و در اثر آن انگلیسی ها که چهل هزار سرباز را به منطقه گسیل کرده بودند حدود هفتصد سرباز را از دست دادند و از عراقی ها فقط چهل نفر به شهادت رسیدند که اغلب آنان را زنان و بچه های بی دفاع شهر تشکیل می دادند. مقاومت دلیرانه مردم تا مدت ها ادامه داشت اما عاقبت شهر به تصرف انگلیسی ها درآمد.

ص: ۷۴

در سال ۱۳۲۵ ه. ق (۱۹۰۸ م) یک شرکت خصوصی اقدام به ساختن راه آهن (تراموا) بین مدینه النبی و نجف و کوفه کرد.

در سال ۱۳۳۳ ه. ق (۱۹۱۵ م) نجف علیه ترک های عثمانی قیام کرد و آن ها را از منطقه راند.

در سال ۱۳۳۵ ه. ق (۱۹۱۷ م) انگلیسی ها شهر نجف را به تصرف خود در آوردند، اما دیری نپایید (سال ۱۳۳۶ ه. ق / ۱۹۱۸ م) مردم نجف قیام کردند و انگلیسی ها را از آنجا بیرون راندند.

قیام ملی عراق علیه انگلیسی ها در سال ۱۹۲۰ م اتفاق افتاد و هسته مرکزی این قیام شهر نجف بود، زیرا که اکثریت علما و مراجع شیعه در این شهر زندگی می کردند و بر اثر فتوای آنان و استجاب آن از طرف عشایر شیعه جنوب و سایر شهروندان این کشور، عاقبت در روز یکشنبه ۱۵ شوال سال ۱۳۳۸ ه. ق قیامی همه جانبه علیه انگلیس صورت گرفت و سربازان انگلیسی در جبهه های مختلف با عراقی ها مشغول نبرد شدند و لشکر آنان ناچار شد که از شهر نجف به کوفه عقب نشینی کند و عراقی ها موفق شدند که در بسیاری از جبهات اسرای زیادی را دستگیر نموده و به مقر فرماندهی انقلاب که در شهر نجف مستقر شده بود اعزام نمایند، که در این میان تنها از معرکه (رازنجه) ۱۶۰ اسیر انگلیسی به شهر نجف اعزام شدند. در این انقلاب، عاقبت عراقی ها موفق شدند که انگلیسی ها را شکست داده و الگویی مناسب برای سایر ملل مسلمان گردند.

ص: ۷۵

در سال ۱۳۴۸ ه ق (۱۹۲۹ م) بین نجف و کوفه لوله کشی شد و آب شهر نجف که قبلاً از طریق چاه و قنات تأمین می شد از آن پس به وسیله لوله‌های مذکور از رودخانه فرات تأمین گردید.

در سال ۱۳۵۰ ه ق (۱۹۳۱ م) حکومت محلی دوره قائم مقام سید جعفر حمندی پنج دروازه در باروهای شهر بنا کرد و در جنوب شهر میدان بزرگی ساخت و اهالی شهر نیز در کنار میدان مذکور شروع به ساختن خانه‌ها و مغازه‌ها و قهوه خانه‌ها نمودند.

در دوران پادشاهی ملک غازی، دولت اقدام به ساختن مدارس، پارک‌ها و یک بیمارستان عمومی نمود که بعدها این محله به نام (غازیه) معروف شد.

در سال ۱۹۴۸ م پس از ساختن راه آسفالتی بین کوفه و نجف، استفاده از راه آهن از رونق افتاد.

محلله‌های شهرنجف

الف محلله‌های قدیمی:

اشاره

محلله‌های قدیمی شهر عبارتند از:

محلله العلاء:

این محلله جنوب شرقی حرم مطهر قرار دارد و امروزه به آن (المشراق) می گویند.

محلله العماره:

در شمال محلله العلاء- و در زاویه شمال شرقی حرم مطهر قرار دارد و یکی از بزرگترین محلات قدیمی نجف به شمار می رود.

ص: ۷۶

محلہ الحویش:

در غرب محلہ العماره واقع شده و بر زاویه شمال غربی حرم مطهر مشرف است.

محلہ البراق:

جنوب محلہ الحویش قرار دارد و از بقیه محلہ‌های فوق تازه سازتر است.

ب محلہ‌های جدید:

محلہ‌های جدید شهر عبارتند از: حی الامیر، حی الغدیر، حی السعد، حی الحنانه، حی الجدیده، حی الصناعی، حی الاسکان، حی العلماء و حی المثنی.

خیابانهای نجف:

خیابان های معروف شهر عبارتند از: شارع المدینه، شارع الرسول (ص)، شارع الامام زین العابدین (ع)، شارع الامام صادق (ع)، شارع الکوفه، شارع السور، شارع الخورنق، شارع السدیر، شارع الطوسی و شارع ابو صخیر.

مساجد معروف نجف:**اشاره**

مساجد معروف نجف عبارتند از:

مسجد شیخ طوسی:

که در کنار مقبره ایشان واقع است و همچنان محل تدریس اساتید حوزه نجف می باشد.

مسجد شیخ انصاری:

مشهور به مسجد ترک ها که امام خمینی (قدس سره) در آن به اقامه نماز جماعت و تدریس می پرداختند.

ص: ۷۷

مسجد هندی:

از مساجد بزرگ و مشهور نجف و یکی از مراکز تدریس حوزه علمیه نجف است و در کنار آن کتابخانه آیت الله حکیم و آرامگاه او قرار دارد.

مسجد خضراء:

از مساجد مشهور نجف است که سال ها محل تدریس حوزه علمیه نجف بود.

مسجد جواهری

: به علت دفن مرحوم صاحب جواهر (رحمه الله) در آن بدین نام مشهور است.

مسجد صافی الصفا:

گفته می شود امیر مومنان (ع) در آنجا نماز گزارده و در گوشه ای از آن مدفن یکی از یاران حضرت (ع) قرار دارد. مسجد حنانه، مسجد عمران بن شاهین، مسجد الرأس یا بالاسر، مسجد شیخ جعفر شوشتری، مسجد صاغه (طلافروشان)، مسجد حیدری، مسجد مراد، مسجد آل کاشف الغطاء، مسجد حاج میرزا حسین خلیلی، مسجد شیخ مشکور، مسجد شیخ مرتضی، مسجد الشیخ الطریحی، مسجد آل المشهدی، مسجد علی رفیش، مسجد حاج حسین بهبهانی، مسجد شیخ آقا رضا همدانی و بالاخره مسجد علامه حسن شیرازی از دیگر مساجد مشهور نجف هستند.

مدارس دینی نجف:**اشاره**

شهر نجف بیش از ده قرن است که بزرگترین حوزه دینی شیعیان به شمار می رود لذا مدارس بسیاری در آن به هدف سکونت و تدریس طلاب ساخته شد که مهمترین آنها عبارتند از: (۱)

۱. مدرسه مقداد سیوری:

متوب به نقل عالی قدر مقاد سیوری که سال ۸۲۶ هـ ق درگشت.

۲. مدرسه صدر:

از بزرگترین مدارس است که تنها در یک طقه آن ۳۰ حجره وجود دارد.

۳. مدرسه معتمد:

در سال ۱۲۶۴ هـ ق ساخته شد و بعدها تجدید بنا شد این مدرسه ۲۰ حجره دارد.

۴. مدرسه شیخ مهدی:

در سال ۱۲۸۴ هـ ق ساخته شد و دارای ۲۲ حجره است.

۵. مدرسه قوام:

در سال ۱۳۰۰ هـ ق تأسیس شد و ۲۶ حجره دارد.

۶. مدرسه سلیمیه:

در سال ۱۲۵۰ هـ ق ساخته شد و ۱۲ حجره دارد.

۷. مدرسه ایروانی:

در سال ۱۳۰۵ هـ ق ساخته شد و ۱۹ حجره دارد.

۸. مدرسه قزوینی:

سال ۱۳۱۴ هـ ق توسط محمد امین قزوینی با ۳۳ حجره و در اطراف ساخته شد.

۹. مدرسه بادکوب:

هـ ق که در سال ۱۳۲۵ هـ ق ساخته شد.

۱۰. مدرسه شریانی:

که در سال ۱۳۲۰ هـ ق ساخته شد و ۱۲ حجره دارد.

۱۱. مدارس خلیلی:

که عبارت از دو مدرسه کوچک و بزرگ است، مدرسه کوچک با دو طقه و ۱۸ حجره در سال ۱۳۲۲ هـ ق ساخته شد و مدرسه بزرگ در سال ۱۳۳۰ هـ ق ساخته شد و دو طقه و ۴۶ حجره دارد.

ص: ۷۹

۱۲. مدارس آفونده:

که عبارت از سه مدرسه بزرگ و کوچک و متوسط است. مدرسه بزرگ در سال ۱۳۲۱ ه ق ساخته شد و دو طبقه و ۴۰ حجره دارد و دیوار آن کاشی کاری شده است. این مدرسه در سال ۱۳۸۵ ه ق نوسازی شد و تعداد حجره‌های آن به ۸۰ حجره افزایش داده شد، مدرسه متوسط سال ۱۳۲۶ ه ق ساخته شد و ۳۳ حجره دارد و دیوار آن کاشی کاری شده است، مدرسه کوچک در سال ۱۳۲۸ ه ق ساخته شد و دوازده حجره دارد.

۱۳. مدرسه هندی:

که بیست حجره دارد.

۱۴. مدرسه بخاری:

در سال ۱۳۲۹ ه ق ساخته شده و در سال ۱۳۸۰ ه ق تجدید بنا شد.

۱۵. مدارس سید محمد کاظم رشتی:

شامل دو مدرسه است، اولی در سال ۱۳۲۵ ه ق در دو طبقه و ۸۰ حجره ساخته شد که دیوارهای آن کاشی کاری شده است، مدرسه دوم در سال ۱۳۸۰ ه ق به دستور آیت الله سید محسن حکیم ساخته شد.

۱۶. مدرسه مجدد شیرازی:

دارای دو طبقه بوده و قبر مؤسسش در آن قرار دارد.

۱۷. مدرسه بروجردی:

دارای سه طبقه و ۶۴ حجره می‌باشد که در سال ۱۳۷۳ ه ق ساخته شد و در آن کتابخانه‌ای لبریز از کتاب‌های علمی و فقهی وجود دارد.

۱۸. مدرسه عبدالعزیز بغدادی:

از مدارس تازه تأسیس واقع در محله (حی السعد) بوده که شامل حجره‌های زیادی می‌باشد.

۱۹. مدرسه دار الحکمه:

مؤسس این مدرسه آیت الله محسن حکیم است.

۲۰. جامعه النجف الدینیه:

بزرگترین مدرسه دینی نجف اشرف می‌باشد و در سه طبقه ساخته شده و شامل ۱۰۰ حجره و یک مسجد می‌باشد. این مدرسه را تاجری ایرانی به نام حاج محمد تقی اتفاق طهرانی در سال ۱۳۷۶ ه ق در محله (حی السعد) بنا کرد. زیربنای این مدرسه ۵۰۰۰ متر مربع است.

۲۱. مدرسه لبنانیه:

در منطقه (الجدیده) نجف واقع است.

۲۲. مدرسه اُزریه:

این مدرسه نیز در (الجدیده) قرار دارد.

۲۳. مدرسه دار العلم:

متعلق به آیت الله خوئی بوده و در انتفاضة سال ۱۹۹۱ م ویران شد.

مدارس دیگر نجف عبارتند از: مدرسه شیخ ملا عبدالله (صاحب حاشیه در منطق)، مدرسه صدر اعظم، مدرسه جوهرچی، مدرسه امیر المؤمنین (ع). (۱)

کتابخانه‌های نجف:**اشاره**

نجف شهری فرهنگی است، علما و شعرا بسیاری از این شهر برخاسته‌اند و معمولاً در هر مدرسه‌ای از مدارس دینی نجف کتابخانه‌ای وجود دارد لیکن تعدادی از این کتابخانه‌ها مهمترند که عبارتند از:

۱. کتابخانه حسینیه:

که این کتابخانه را حاج علی محمد نجف آبادی تأسیس کرد.

۲. کتابخانه شیخ محمد رضا آل فرج

: که حدود چهار هزار جلد کتاب نفیس دارد.

ص: ۸۱

۳. کتابخانه عمومی آل حنوش:

حاج کاظم حسون آل حنوش در سال ۱۳۷۰ ه ق آن را تأسیس کرد.

۴. کتابخانه عمومی نجف:

که در سال ۱۹۴۶ م تأسیس شد.

۵. کتابخانه امیرالمؤمنین (ع):

علامه امینی مؤلف الغدير در سال ۱۳۷۳ ه ق آن را تأسیس کرد و حاوی کتاب های بسیاری به زبان های مختلف بوده و آثار با ارزش فراوانی را در خود جای داده است. این کتابخانه در محله حویش قرار دارد و آرامگاه آن مرحوم نیز در جوار آن است.

۶. کتابخانه عمومی حکیم:

آیت الله سید محسن حکیم در سال ۱۳۷۷ ه ق آن را در مجاورت مسجد هندی تأسیس کرد. آرامگاه آن مرحوم در گوشه ای از مسجد قرار دارد.

۷. کتابخانه العلمین:

در مسجد طوسی قرار دارد و به نام دو دانشمند شیعه، بحر العلوم و شیخ طوسی نامگذاری شده است.

۸. کتابخانه حیدریه:

تأسیس آن به قرن چهارم هجری و به دوره آل بویه بر می گردد و دارای نسخ بسیار نفیسی بوده است که امروزه این کتاب ها در یکی از حجره های صحن نگهداری می شوند. سایر کتابخانه های نجف عبارتند از: کتابخانه حسینیه شوشتری ها، کتابخانه مدرسه قوام، کتابخانه مدرسه بزرگ و مدرسه کوچک الخلیلی، کتابخانه شیخ جعفر کبیر، کتابخانه شیخ فخر الدین طریحی، کتابخانه الرابطة العلمیه، کتابخانه عبدالعزیز بغدادی، کتابخانه منتدی النشر (بعدها به دانشکده فقه در خیابان کوفه نقل مکان

ص: ۸۲

کرد)، کتابخانه بروجردی، کتابخانه دانشکده نجف، کتابخانه شیخ محمد باقر اصفهانی، کتابخانه آخوند، کتابخانه الرحیم، کتابخانه سید جعفر بحر العلوم، کتابخانه امیرالمؤمنین (ع)، کتابخانه یعقوبی، کتابخانه نوری، کتابخانه بلاغی، کتابخانه الخطباء کتابخانه ملالی (متعلق به خاندان آل مله)، کتابخانه شیخ آقا بزرگ طهرانی، کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء متوفی سال ۱۱۵۱ ه ق، کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء (۱).

چاپخانه‌های معروف نجف:

شهر نجف یکی از مراکز قدیمی چاپ و نشر کتاب های شیعه است و بسیاری از چاپ های اول کتابهای شیعه در این شهر انجام شده است. چاپخانه‌های نجف بسیارند و اولین چاپخانه‌ای که در این شهر تأسیس شد چاپخانه (جبل المتین) بود. چاپخانه‌های دیگر این شهر عبارتند از: مرتضوی، نعمان، الزهراء، الاداب و غیره.

شخصیت های مهم مدفون در شهر نجف:

اشاره

نجف مدفون بسیاری از انبیاء و صالحین و علماء بوده است و گفته می‌شود که قبر آدم و نوح و هود و صالح در این شهر قرار دارد. افراد سرشناس مدفون در این شهر عبارتند از: (۲)

۱- جعفر الدجیلی، موسوعه النجف الاشرف،

۲- (۲) محمد علی جعفر التیمی، مشهد الامام أو مدینه النجف ص ۹۸۱۰۳

ص: ۸۳

- ۱ خباب بن الارت (متوفی سال ۳۷ ه ق)
- ۲ سهل بن حنیف (متوفی سال ۳۸ ه ق)
- ۳ خریم بن الاخرم (متوفی سال ۴۱ ه ق)
- ۴ ابوموسی الاشعری (متوفی سال ۴۲ ه ق)
- ۵ الاشعث بن قیس (متوفی سال ۴۲ ه ق)
- ۶ المغیره بن شعبه (متوفی سال ۵۰ ه ق)
- ۷ سمره بن جناده (متوفی سال ۵۹ ه ق)
- ۸ هانی بن عروه (متوفی سال ۶۱ ه ق)
- ۹ میثم التمار (متوفی سال ۶۱ ه ق)
- ۱۰ عبدالله بن یقطر (متوفی سال ۶۱ ه ق)
- ۱۱ زید بن الارقم (متوفی سال ۶۸ ه ق)
- ۱۲ عدی بن حاتم الطائی (متوفی سال ۶۸ ه ق)
- ۱۳ جابر بن سمره (متوفی سال ۷۴ ه ق)
- ۱۴ کمیل بن زیاد (متوفی سال ۸۲ ه ق)
- ۱۵ عبد الله بن اوفی (متوفی سال ۸۱ ه ق)
- ۱۶ شیخ طوسی (متوفی سال ۴۶۰ ه ق)
- ۱۷ سید رضی الدین علی بن طاووس (متوفی سال ۶۶۴ ه ق)

ص: ۸۴

- ۱۸ جمال الدین بن طاووس (متوفی سال ۶۷۳ ه ق)
- ۱۹ علامه حلی (متوفی سال ۷۲۶ ه ق)
- ۲۰ مقدس اردبیلی (متوفی سال ۹۹۰ ه ق)
- ۲۱ شیخ فخر الدین طریحی (متوفی سال ۱۰۸۷ ه ق)
- ۲۲ شیخ احمد جزائری (متوفی سال ۱۱۵۱ ه ق)
- ۲۳ سید مهدی بحر العلوم (متوفی سال ۱۲۱۲ ه ق)
- ۲۴ سید عبدالله شبّر (متوفی سال ۱۲۴۲ ه ق)
- ۲۵ شیخ احمد نراقی (متوفی سال ۱۲۴۵ ه ق)
- ۲۶ شیخ مرتضی انصاری (متوفی سال ۱۲۸۱ ه ق)
- ۲۷ شیخ راضی بن شیخ محمد نجفی (متوفی سال ۱۲۹۰ ه ق)
- ۲۸ سید مهدی قزوینی (متوفی سال ۱۳۰۰ ه ق)
- ۲۹ سید محمد حسن شیرازی (متوفی سال ۱۳۱۲ ه ق)
- ۳۰ حاج حسین خلیلی (متوفی سال ۱۳۲۶ ه ق)
- ۳۱ سید محمد سعید جبوبی (متوفی سال ۱۳۳۳ ه ق)
- ۳۲ علامه سید علی داماد (متوفی سال ۱۳۳۶ ه ق)
- ۳۳ سید محمد رضا استرآبادی (متوفی سال ۱۳۴۶ ه ق)
- ۳۴ علامه محمد جواد بلاغی (متوفی سال ۱۳۵۴ ه ق)

ص: ۸۵

- ۳۵ شیخ نائینی (متوفی سال ۱۳۵۵ ه ق)
- ۳۶ شیخ ضیاء الدین عراقی (متوفی سال ۱۳۶۱ ه ق)
- ۳۷ سید ابوالحسن اصفهانی (متوفی سال ۱۳۶۵ ه ق)
- ۳۸ سید محمد کاظم یزدی (متوفی سال ۱۳۷۰ ه ق)
- ۳۹ شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (متوفی سال ۱۳۷۳ ه ق)
- ۴۰ سید محسن حکیم (متوفی سال ۱۳۷۵ ه ق)
- ۴۱ سید ابوالقاسم خوئی (متوفی سال ۱۴۱۳ ه ق)
- ۴۲ سید عبد العلی سبزواری (متوفی سال ۱۴۱۴ ه ق)
- ۴۳ سید عبدالمجید خوئی (متوفی سال ۱۴۲۴ ه ق)
- ۴۴ سید محمد باقر حکیم (متوفی سال ۱۴۲۴ ه ق)

مدفن یاران خاص حضرت علی (ع):

در منطقه‌ای به نام (الثویه) که امروزه به صورت تپه‌ای در کنار مسجد حنانه قرار دارد بسیاری از اصحاب خاص امیر المومنین (ع) دفن شده‌اند که از جمله می‌توان افراد زیر را نام برد: خباب بن الارت، احنف بن قیس، جویریة بن مسهر عبدی، سهل بن حنیف، کمیل بن زیاد نخعی، عبد الله بن اوفی و رشید هجری.

ص: ۸۶

شهر نجف از دید جهانگردان

ابن جبیر (متوفی ۵۸۰ ه ق) جهانگرد معروف اندلسی که شرح سفر خود را در سفرنامه خویش ثبت کرده است در این باره می گوید:

(در سمت غرب شهر کوفه و در فاصله یک فرسخی، مرقد مشهوری وجود دارد که به حضرت علی بن ابی طالب (ع) نسبت داده می شود و گویند که شتر آن حضرت که حامل جنازه وی بود، چون بدین جا رسید بر روی زمین زانو زد و فرزندان آن حضرت وی را در همان جا به خاک سپردند و گویند که اکنون قبر وی در همان جاست و خداوند به صحت آن داناتر است. آن طور که به ما گفته شد مرقد آن حضرت بنایی باشکوه است که ما به علت ضیق وقت موفق به مشاهده آن نشدیم زیرا که در شهر کوفه فقط شنبه شب را اقامت کردیم) (۱).

هروی در کتاب خود (الاشارات فی معرفه الزیارات) نیز از نجف سخن می گوید. ابن بطوطه که در سال ۷۲۶ ه ق از شهر نجف دیدن کرده است، در سفرنامه خود درباره شهر نجف و مرقد مطهر حضرت علی (ع) چنین می گوید: از قادسیه حرکت کردیم و به نجف که مدفن علی بن ابی طالب (ع) است رسیدیم. این شهر نیک در زمینی پهناور و سخت واقع شده است و یکی از بهترین و پرجمعیت ترین شهرهای عراق می باشد که بازارهای خوب و تمیزی دارد. از باب الحضره وارد نجف شدیم و بعد از عبور از بازار بقالان و طباخان و خبازان به بازار میوه فروشان

ص: ۸۷

و خیاطان و قیصریه و بازار عطاران رسیدیم. آخر بازار عطاران باب حضرت است و قبری که معتقدند از آن علی (ع) می‌باشد در این محل است. روبروی مقبره، مدارس و زوایا و خانقاه‌ها قرار دارد که دایر و با رونق می‌باشند دیوارهای مقبره از کاشی است که چیزی همانند (زلیج) است اما از حیث جلا و نقش زیباتر از آن است. از باب حضرت وارد مدرسه بزرگی می‌شود که طلاب و صوفیان شیعه در آن سکونت دارند. در این مدرسه از هر مسافر تازه وارد تا سه روز پذیرایی می‌شود و هر روز دوبار غذایی مرکب از نان و گوشت و خرما به مهمانان می‌دهند. از مدرسه وارد باب القبله می‌شوند. حاجبان، نقیبان و سرایداران در این محل مراقب زوار می‌باشند و چون کسی برای زیارت وارد می‌شود به نسبت وضع و مقامش همگی آن جماعت یا یکی از آن‌ها بلند می‌شوند و با او در آستانه حرم می‌ایستند و اذن دخول می‌خوانند به این مضمون: (به فرمان شما ای امیرالمومنین (ع) این عبد ضعیف اذن می‌خواهد به روضه وارد شود اگر اذن می‌فرمائید که بیاید و گرنه باز گردد و اگر او اهلیت و شایستگی این مقام را ندارد باری شما اهلیت کرامت و عفو و اغماض را دارید) سپس اشارت می‌کنند که آستانه را و دو طرف چارچوبه در ورودی را ببوسد و داخل حرم بشود. (۱) داخل حرم با انواع فرش‌های ابریشمین و غیره مفروش است و قندیل‌های بزرگ و کوچکی از طلا و نقره در آن آویخته اند، در وسط حرم مصطبه چارگوشی است که

۱- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه ترجمه دکتر محمد علی موحد

ص: ۸۸

صندوقی چوبین دارد و بر روی صندوق صفحات طلای پرنقش و نگاری که در ساختن آن کمال استادی و مهارت را به کار برده‌اند با میخ‌های نقره فرو کوفته‌اند چنان که از هیچ جهت چیزی از چوب نمودار نیست. ارتفاع مصطبه کمتر از ارتفاع قامت آدمی است و در آن سه قبر هست که می‌گویند یکی از آن آدم (ع) و دیگری از آن نوح (ع) و سومی از آن علی (ع) می‌باشد و بین این سه قبر در طشت‌های زرین و سیمین، گلاب و مشک و انواع عطریات دیگر گذاشته‌اند که زوار دست خود را در آن فرو برده به عنوان تبرک بر سر و روی خود می‌کشند.

در دیگر حرم که آستانه‌ای نقره‌ای و پرده‌های ابریشمین الوان دارد به سوی مسجدی باز می‌شود که آن خود چهار در دارد و هر چهار در دارای آستانه‌های نقره و پرده‌های ابریشم می‌باشد. داخل مسجد نیز فرش‌های عالی انداخته‌اند و دیوارها و سقف آن با پرده‌های حریر مستور است. همه مردم این شهر رافضی (۱) مذهب می‌باشند و از این روضه کرامت‌ها ظاهر می‌شود که منشأ عقیده مردم بر این که قبر علی (ع) در آن است همین کرامت‌ها می‌باشد. از جمله آن که در شب بیست و هفتم رجب که (لیلہ المحیا) می‌نامند عراقیان و خراسانیان و فارسیان و رومیان گروه گروه سی تن و چهل تن بعد از نماز خفتن در آنجا گرد می‌آیند و بیماران افلیج و زمین گیر را روی ضریح مقدس می‌گذارند و خود به نماز و ذکر و قرآن و زیارت مشغول می‌شوند و چون پاسی از شب گذشت همه مریض‌ها که شفا یافته

۱- علی رغم اینکه وی شیعیان را رافضی خطاب کرده ولی خود اقرار می‌کند که شفا یافتن بیماران را به حد استفاضه درک کرده است. (ویراستار)

ص: ۸۹

و صحیح و سالم گشته‌اند برخاسته ذکر لاله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله می‌گویند و این حکایت در میان آنان به حد استفاضه رسیده و گرچه من خود آن شب را درک نکردم داستان آن را از اشخاص مورد اعتماد شنیدم و در مدرسه حرم سه تن از این اشخاص را دیدم که هر سه زمین گیر بودند یکی از روم آمده بود و دیگری از اصفهان و سومی از خراسان، از حالشان جويا شدم گفتند که امسال به (لیله المحیا) نرسیده‌اند و منتظرند که سال آینده آن شب را درک کنند. در این شب مردم از شهرهای مختلف در نجف جمع می‌شوند و بازار بزرگی در آن شهر برپا می‌شود که تا مدت ده روز برقرار می‌ماند.

در شهر نجف نه مأمور عوارض و مالیات هست و نه والی. تمام کارهای شهر دست نقیب الاشراف است. اهل نجف تجارت پیشه‌اند و در اقطار جهان به مسافرت و بازرگانی می‌پردازند و به شجاعت و سخاوت موصوف‌اند و در سفر بسیار خوش معاشرت هستند اما همگی درباره حضرت علی (ع) غلو می‌کنند. از شهرهای عراق هر کس که بیمار می‌شود نذری برای روضه علی (ع) می‌کند. بیشتر اشخاص که مثلاً از ناحیه سر دچار مرضی می‌شوند از طلا یا نقره علامتی به شکل همان عضو نذر و به خزانه هدیه می‌کنند. خزانه مزبور بسیار بزرگ و موجودی آن به قدری است که قابل ضبط نمی‌باشد.

نقیب الاشراف از سوی پادشاه عراق تعیین می‌شود و او نزد پادشاه مقامی بلند و منزلتی رفیع دارد. هنگام مسافرت نقیب تشریفات خاصی را که برای امرای بزرگ مرسوم است در حق او هم مرعی می‌دارند و علم‌ها و طب‌ها با او به راه می‌اندازند و بر در خانه او هر صبح و شام طبخانه نوبتی فرو می‌کوبند. حاکم و مالیات بگیر

ص: ۹۰

شهر نجف هم او است. نقیب نجف هنگام مسافرت من به آن شهر نظام الدین حسین بن تاج الدین الاوی بود (آوه شهری است در عراق عجم که سکنه آن رافضی مذهب اند) پیش از این نقیب هم جماعتی یکی پس از دیگری متصدی این منصب بوده‌اند مانند جلال الدین بن الفقیه و قوام الدین بن طاووس و ناصر الدین مطهر هروی و ابو غره بن سالم مدنی.

عبدالوهاب عزام در سفرنامه خود می‌نویسد که در سال ۱۳۴۹ ه ق از نجف دیدن کرده است، او می‌گوید: به حرم بزرگ آن حضرت وارد شدیم، هنگام غروب بود و عظمت آن محل ما را فراگرفته بود اما این‌ها باعث نشد که از زیبایی گنبد با شکوه آن وزر و زیور آویخته در داخل حرم غافل شویم.

در سال ۱۱۵۴ ه ق عبدالکریم کشمیری که یکی از درباریان نادرشاه افشار بود از نجف دیدن نموده و در سفرنامه خود که (بیان واقع) نام دارد درباره نجف چنین می‌گوید:

(آبادی این شهر به دلیل نبودن کشاورزی و رودخانه، از آبادی کربلا کمتر است و سکان این مکان کرامت بنیان، بیشتر مردم صالح و قانع هستند و در بیرون حصار از بیم تاراج اعراب بادیه نمی‌توان نشست و مردم همه در داخل (شهر پناه) (حصار) سکونت دارند و گنبد شاه ولایت پناه رضی الله تعالی عنه و کرم الله وجهه در کمال عظمت و تزیین در وسط شهر است. جواهر آبدار بر مرقد منوره نصب کرده اند).

ص: ۹۱

در این هنگام نادرشاه، ابراهیم خان زرگرباشی را مأمور فرموده بود که به کربلا- و نجف رفته، گنبد حضرت علی (علیه السلام) و حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را مطلا سازند. چنان که گنبد حضرت امام رضا (علیه السلام) در مشهد و مساجد ظفرخان روشن الدوله در شاه جهان، آباد است. زرگرباشی به حضور بنده در تهیه این امر، که متضمّن سرخ رویی آمر و مأمور بود، مشغول گردید و آن را به مدد حضرات به وجه أحسن به اتمام رسانید. در باب آوردن آب فرات به نجف اشرف نیز سعی بسیار کرده بود. اما سه فرسخ از نهر کنده شده بود که نادرشاه کشته شد و کار نهر معطل ماند. می گفتند که قبر نوح و آدم صفی الله (علیهما السلام) در گنبد حضرت شاه ولایت پناه است. لیکن قبر این دو بزرگوار ظاهر و بلند نیست.

اماکن زیارتی شهر نجف

۱. حرم مطهر حضرت علی (ع):

اشاره

مهمترین مکان مقدس شهر نجف حرم مطهر حضرت علی (ع) است که اصولاً شهر نجف به برکت این مکان مقدس ساخته شد و اماکن زیارتی بعدی در کنار آن قرار گرفته‌اند هرچند که زیارتگاه‌های دیگری متعلق به حضرت آدم و نوح و هود و صالح قبلاً در این مکان وجود داشته است اما در حقیقت عزت شأن این محل به دربر گرفتن جسد مطهر حضرت علی (ع) است.

ص: ۹۲

الف توصیف حرم مطهر:**اشاره**

ساختمان فعلی مرقد در حقیقت همان ساختمانی است که شاه صفی ساخته است، قبر مطهر در زیر گنبد بلندی است که سرتاسر آن طلا-پوش است و در اطراف قبر مطهر روضه‌ای است که طول هر ضلع آن سیزده متر است و در چهار سوی روضه مطهر رواق‌های مسقفی وجود دارد. در سمت شرقی روضه، ایوان طلا قرار دارد که در دو سوی آن دو مناره طلاپوش قرار دارند.

اعجاز هندسی حرم:

شکل بنای مطهر حضرت علی (ع) به گونه‌ای ساخته شده است که:

۱. چون آفتاب ظهر بر بنای حرم سایه افکند، بنا به گونه‌ای ساخته شده است که سایه آن چون بر نقطه معینی فرود آید، آن امر دلیل وقوع ظهر شرعی است و این مسأله در هنگام تابستان و زمستان تفاوتی نمی‌کند.

۲. در هر سپیده دم اولین اشعه آفتاب بر ضریح مطهر می‌تابد و این مسأله در هنگام تابستان و زمستان تفاوتی نمی‌کند.

این امر احتیاج به دقت فراوان و آشنایی کافی با علم نجوم و هیئت دارد.

روضه شریف:

قبر مطهر حضرت علی (ع) در وسط روضه مربعی شکل شریف قرار گرفته و بر بالای قبر مطهر دو گنبد خارجی و داخلی وجود دارد، گنبد خارجی نوک تیز بوده و ضخامت دیواره‌های آن هشت سانتی متر و ارتفاع آن از سطح ضریح ۴۲ متر و قطر آن ۱۶ متر و محیط قاعده آن ۵۰ متر است، گنبد داخلی دایره‌ای شکل بوده و

ص: ۹۳

ضخامت دیواره آن ۶۰ سانتی متر و ارتفاع آن از سطح ضریح ۳۵ متر و قطر آن ۱۲ متر است. گنبد بر روی حاشیه‌ای بلند که ارتفاع آن ۱۲ متر است قرار گرفته و این حاشیه ۱۲ پنجره برای نورگیری و تهویه دارد. گنبد از درون و بیرون با نقش و نگارهای بسیار زیبای اسلامی مزین شده است و مقرنس کاری آن از داخل با آینه کاری زیبا و کاشیکاری و خطاطی و نقش‌های زیبا مزین شده است. سطح خارجی گنبد قبلاً کاشیکاری بود و پس از مشرف شدن نادرشاه به زیارت حرم مطهر، نامبرده دستور داد که کاشیکاری گنبد و ایوان و گلدسته را طلاکاری کنند و مبالغ هنگفتی را در این راه صرف نمود. در زیر گنبد قبر شریف قرار دارد و صندوقی از چوب ساج هندی که یکی از شاهکارهای منبتکاری اسلامی است و در آن صدف، عاج، آبنوس و انواع دیگری از چوبهای گرانبه‌ایست و زیبا کار شده است و بر روی آن نوشته‌هایی به زبان عربی کنده کاری شده است، تاریخ ساخت این صندوق ۱۲۰۲ ه ق است بر بالای صندوق مقصوره‌ای از آهن قرار دارد و بر بالای آن مقصوره دیگری وجود دارد که از نقره خالص ساخته شده و ظاهراً در دوره صفویان قرار داده شده بود. مقصوره اخیر در سال ۱۳۶۱ ه ق با مقصوره جدید دیگری تعویض شد که این مقصوره حاوی ده هزار و پانصد مثقال طلا و دو میلیون مثقال نقره بوده است و شاهکاری از هنر طلاکاری و نقره کاری به شمار می‌رود.

ص: ۹۴

دیوارهای روضه که گنبد بروی آن قرار دارد هفده متر ارتفاع دارد و تا ارتفاع یک متر و نیم از زمین با مرمر پوشیده شده و بالای آن نیز کاشیکاری بوده و مزین به نقوش و نوشته هایی از آیات قرآن کریم است، سپس تا حاشیه گنبد از سنگهای گرانبها و نادر پوشانده شده است و پس از آن آئینه کاری قرار دارد که توسط هنرمندان اصفهانی در دهه چهل شمسی انجام شده است.

روضه شریف شش در دارد، دو در غربی به رواق منتهی نمی شود زیرا که در پشت آن پنجره ای از نقره قرار گرفته، دو در شرقی به سمت رواق مقابل در ایوان طلا منتهی می شوند، و دو در شمالی که در پشت سر امام قرار گرفته و به رواق منتهی می شوند. دو در شرقی عبارتند از در سمت راست که در سال ۱۳۷۶ ه ق نصب شده و توسط لطف علی خان ایروانی اهدا شده بود و در سمت چپ که در سال ۱۲۸۷ ه ق نصب شده است و ناصر الدین شاه قاجار آن را اهدا کرده بود هر دو در مذکور از نقره ساخته شده بود و در سال ۱۳۷۶ ه ق با دو در طلایی زیبا که هزینه ساخت آنها را حاج محمد تقی اتفاق طهرانی پرداخته بود تعویض گردید. دو در شمالی که به پشت ضریح منتهی می شوند از نقره خالص ساخته شده و در گذشته یک در بوده است اما در سال ۱۳۶۶ ه ق از جای خود برداشته شد و بجای آن دو در گذاشته شد (۱).

چهار در فوق الذکر راه های ورود و خروج مردم به روضه مطهر است.

۱- محمد علی جعفر التیمی مشهد الامام أو مدینه النجف ص ۲۲۱۲۴۱

ص: ۹۵

صحن شریف:

اشاره

اطراف صحن شریف را دیواری مربع شکل فرا گرفته که طول هر یک از دو ضلع غربی و شرقی آن از خارج ۸۴ متر و از داخل ۷۷ متر است. ضلع شمالی آن از خارج ۷۴ متر و از داخل ۷۲ متر طول دارد و اما طول ضلع جنوبی دیوار از خارج ۷۵ متر و از داخل ۷۲ متر است. ارتفاع دیوار ۱۷ متر بوده و از دو طبقه تشکیل شده است، طبقه اول از ۵۴ ایوان سقف دار تشکیل شده که در مقدمه آنها حجره‌ای است که قبر یکی از مشاهیر در آن قرار دارد و معمولاً طلبه‌ها در آن سکونت می‌کنند و اکنون محل قرائت قرآن بر اموات شده است. اما طبقه دوم حوالی ۷۸ حجره دارد که این حجره‌ها نیز محل سکونت طلبه‌ها بوده و دیوارهای آن کاشیکاری شده و بر بالای آن کتیبه‌هایی از آیات قرآنی وجود دارد. دیوار مذکور تمامی صحن شریف را که مساحت آن بالغ بر هشت هزار متر مربع است در بر می‌گیرد. کف صحن پوشیده از مرمر است و قبلاً کف صحن پوشیده از قبرها و سنگ قبرهای مختلف بود که باعث دشواری رفت و آمد زوار می‌شد. در سال ۱۲۰۶ ه ق سرداب‌هایی ساخته شد و بسیاری از قبرها به آن منتقل شد و سپس کف صحن هموار شده و با مرمر پوشانده شد. (۱) دیوار صحن شریف پنج در دارد که عبارتند از:

۱- یعنی اوائل دوره قاجاریه و باتلاش علامه سید مهدی بحر العلوم (ویراستار) آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، (۸۷)

ص: ۹۶

۱. باب الكبير يا در بزرگ:

که رو به بازار (سوق الكبير) يا بازار بزرگ باز می شود و بر بالای این در ساعتی نصب شده که آن را وزیر ایرانی (امین السلطان) در سال ۱۳۰۵ ه ق به حرم مطهر اهدا نمود و در سال ۱۳۲۳ ه ق چهار سوی این ساعت و همچنین گنبدی که بر بالای در قرار گرفته با آجرهای طلایی تزئین گردید.

۲. باب مسلم بن عقيل:

در سمت راست باب الكبير واقع شده و در اصلی محسوب نمی شود.

۳. باب الطوسي:

این در رو به قبر شيخ طوسی متوفی سال ۴۶۰ ه ق باز می شود.

۴. باب القبله

: در قبله کوچکترین در صحن به شمار می رود و بارها بازسازی شده است.

۵. باب السلطاني:

يا در سلطانی که در سمت غربی صحن قرار گرفته و علت تسمیه آن این است که در سال ۱۲۷۹ ه ق و در دوران سلطنت عبدالعزيز عثمانی افتتاح شد. نام دیگر این در باب الفرج است زیرا که منتهی به مقام امام زمان (عج) می شود. (۱)

گلدسته ها:

گلدسته های حرم در دو گوشه ایوان و در سمت شرقی روضه شریف قرار گرفته اند و قطر هر کدام از آنها ۵/۲ متر و محیط آنها هشت متر و ارتفاع هر کدام ۳۵ متر

ص: ۹۷

است. گفته می‌شود که هر گلدسته چهار هزار آجر از طلای خالص دارد و در ارتفاع ۲۵ متری گلدسته‌ها نواری به پهنای یک متر وجود دارد که با خط زیبای عربی آیاتی از سوره جمعه نقش بسته و بر بالای نوشته‌ها مقرنس کاری‌هایی وجود دارد که به جایگاه مؤذن منتهی می‌گردد که قطر آن یک متر و نیم و ارتفاع آن سه متر است و بر بالای آن استوانه‌ای باریک قرار گرفته که قطر آن یک متر و نیم و ارتفاع آن شش متر است و در انتهای این استوانه کلاهکی وجود دارد که بر بالای آن نقش هلال قرار گرفته است. در سال ۱۱۵۶ ه ق نادر شاه افشار دستور داد که کاشیکاری گلدسته‌ها و گنبد و ایوان را جمع نموده و بجای آنها آجرهای طلا استفاده شود. در سال ۱۲۸۱ ه ق گلدسته جنوبی را کاملاً تخریب کرده و بازسازی نمودند. در سال ۱۳۵۲ ه ق مجدداً گلدسته مذکور تخریب و بازسازی شد. اما گلدسته شمالی که در مجاورت قبر علامه حلی قرار دارد دوبار، یکی سال ۱۳۱۵ ه ق و بار دیگر در سال ۱۳۶۷ ه ق تخریب و مجدداً بازسازی گردید.

رواق حرم مطهر:

رواق‌ها چهار سوی روضه مطهر را فرا گرفته‌اند و همگی آنها مفروش بوده و دیوارهای آن به دیوار روضه شریف متصل است. سقف این رواق و قسمتی از دیوارها آئینه کاری شده است. بخش پایینی دیوارها مرمر کاری شده است. ارتفاع دیوار رواق مساوی ارتفاع دیوار روضه و دیوار صحن می‌باشد و مساحت رواق از شرق به غرب در حدود ۳۰ متر و از شمال به جنوب در حدود ۳۱ متر است.

ص: ۹۸

رواق سه در دارد: دو در از آنها روبروی یکدیگرند و عبارتند از در شمالی و در جنوبی، در شمالی مقابل در صحن است که به نام باب الطوسی معروف است، و در جنوبی مقابل باب القبله است. این در از نقره ساخته شده و آب طلا- داده شده است و در سال ۱۳۴۱ ه ق نصب شده است و هزینه آن را مادر حاج عبدالواحد شیخ قبيله آل فتنه پرداخت کرده است و این در به نام باب المراد معروف است، اما در سوم، دری است که در ایوان طلا- قرار دارد و یکی از درهای گرانبهای حرم مطهر است که در سال ۱۳۷۳ ه ق نصب شده و علاوه بر میناکاری، سنگهای گرانبها در آن جاسازی شده و آیات قرآن و اشعار زیبا روی آن خطاطی شده است.

سال ۱۳۷۳ ه ق در جدید دیگری باز شد که به رواق راه دارد و از کنار مرقد علامه حلی می گذرد. دیوارهای روضه و ایوانهای خارجی همه کاشیکاری شده و در بالای آن نواری پهن مزین به خط زیبای ثلث وجود دارد. این آثار بیشتر متعلق به دوره عثمانیها است.

ایوان طلای بزرگ:

ایوان طلا در سمت شرقی حرم قرار دارد که دیوارها و سقف آن با آجر طلا پوشانده شده است. در دو گوشه ایوان طلا دو گلدسته طلا قرار دارند و دوسوی در قصیده‌ای با خط طلای برجسته به زبان فارسی نوشته شده است و بالای آن تاریخ تذهیب گنبد، گلدسته‌ها و ایوان به دستور نادر شاه افشار ذکر شده است. در ایوان طلا- بسیاری از علما و بزرگان شیعه دفن شده اند، بطوری که در سمت راست ایوان حجره‌ای است که قبر علامه حلی در آن واقع شده است و در سمت چپ حجره دیگری است که قبر مقدس اردبیلی در آن قرار دارد و امروزه این مکان

ص: ۹۹

محل نگهداری بعضی از اشیاء نفیس حرم مطهر است. جلوی ایوان فضایی باز وجود دارد که یک متر از سطح صحن مطهر بالاتر است و طول آن ۳۳ متر و عرض آن ۲۰ متر است.

ب تاریخچه حرم مطهر حضرت علی (ع):

مرقد مطهر حضرت علی (ع) در طول دوران حکومت بنی امیه مخفی و پنهان بود و بجز فرزندان آن حضرت و برخی از خواص شیعیان کسی از محل آن اطلاعی نداشت. پس از سقوط حکومت اموی و سرکار آمدن عباسی ها، با برملا شدن راز محل دفن آن حضرت به تدریج شیعیان بسوی آن رو آوردند. هنگامی که داود بن علی عباسی اقبال مردم بسوی آن مرقد شریف را مشاهده کرد، تعدادی کارگر را به سر قبر فرستاد تا آن را نبش کنند و محتویات آن را برایش بیاورند، کارگران چون قبر را به اندازه پنج ذراع نبش کردند به زمین سختی رسیدند که نتوانستند آن را بشکافند، پس از غلام نیرومندی خواستند که به کمک آنها بشتابد، غلام چون سه بار کلنگ زد ناگهان فریادی کشید و در جای خود مرد، چون این خبر را به داود رساندند، از کار خود توبه کرد و به علی بن مصعب بن جابر دستور داد که صندوقی ساخته و بر روی قبر بگذارند.

چندی نگذشت که شیعیان دوباره تحت آزار و فشار حکومت عباسی ها قرار گرفتند و بدین علت زیارت مرقد آن حضرت متروک شد.

ص: ۱۰۰

هنگامیکه ابوجعفر منصور به خلافت رسید، سعی کرد مرقد مطهر را دوباره نبش کند و به غلام خود دستور داد که آن را بشکافد، و چون به قبر مطهر رسید، از آن کار پیشیمان شد و دستور داد دوباره آن را بپوشانند.

در سال ۱۷۰ هـ ق بنا به گفته ابن طحال در کتاب فرحه الغری هارون الرشید خلیفه عباسی دستور داد که ساختمانی با آجر سفید رنگ و به طول و عرض یک ذراع بر روی قبر مطهر حضرت علی (ع) ساخته شود. همچنین وی دستور داد که گنبدی از گل سرخ نیز برای مرقد آن حضرت ساخته شود. علت این امر این بود که روزی هارون الرشید به منظور شکار بیرون رفت و سگهای شکار و بازهای او دنبال آهوئی کردند و آهو به زمینی پناهنده شد که سگهای شکاری و بازها بدان زمین وارد نشدند، پس هارون الرشید در شگفت شد و از یکی از کهن سالان کوفه علت امر را جویا شد و او پاسخ داد که آهو به قبر حضرت علی (ع) پناه آورده است و از این رو حیوانات شکاری از دنبال کردن آن روی برگردانده اند. هارون الرشید چون این را شنید دستور داد که ساختمان فوق الذکر را بر روی قبر آن حضرت بنا کنند (۱).

هنگامی که متوکل عباسی به خلافت رسید دستور داد قبر مطهر حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) را ویران کنند.

ص: ۱۰۱

در سال ۲۵۰ ه ق عمر بن یحیی فرماندار کوفه دستور داد که قبر مطهر حضرت علی (ع) را بازسازی کنند. در قرن سوم ه ق والی طبرستان محمد بن زید داعی (متوفی سال ۲۸۷ ه ق) ساختمان مرقد را تجدید بنا کرد و گنبدی برای مرقد ساخت و دورتادور آن را دیوار کشی کرد.

در اواخر قرن سوم شاهزاده ابو الهیجاء عبدالله بن حمدان (متوفی سال ۳۱۷ ه ق) که یکی از شاهزادگان خاندان شیعی مذهب بنی حمدان بود مرقد مطهر را بازسازی کرد و آن را با پرده‌های نفیس و حصیر گران قیمت فرش کرد.

در سال ۳۷۲ ه ق عضدالدوله بویه (متوفی سال ۳۷۲ ه ق) مرقد مطهر را دوباره بازسازی کرد و اموال بسیاری در این راه خرج نمود و کارگران و نجاران بسیاری از سایر مناطق به آنجا برد و مردم را به رفتن به آنجا تشویق نمود.

ابن جبیر جهانگرد معروف (متوفی سال ۵۸۰ ه ق) در این باره می گوید:

(در غرب شهر کوفه و در فاصله یک فرسخی مرقد معروفی است که به حضرت علی بن ابی طالب (ع) نسبت داده می شود که متأسفانه بعلت کمبود وقت موفق به زیارت آن نشدیم).

ساختمان عضدالدوله در آتش سوزی سال ۷۵۵ ه ق در آتش سوخت زیرا که دیوارهای مرقد از جنس چوب ساج نقش دار بود. البته این آتش سوزی همه آثار عضدالدوله را از بین نبرد بلکه قسمتی از آثار بنا برجای ماند به طوریکه محمد

ص: ۱۰۲

حسین کتابدار می گوید بخشی از بنای عضد الدوله تا سال ۱۰۴۱ ه ق هنوز پابرجا بوده است.

در سال ۷۶۰ ه ق سلطان اویس بن حسن جلایری آن را بازسازی کرد.

شاه عباس کبیر در دوران پادشاهی خود و تحت نظر شیخ بهائی اقدام به بازسازی روضه، گنبد و صحن شریف نمود.

در سال ۱۰۴۷ ه ق شاه صفی صفوی، نواده شاه عباس، مرقد مطهر را مجدداً بازسازی کرده و آن را توسعه داد و پس از درگذشت او در سال ۱۰۵۲ ه ق، پسرش شاه عباس دوم کار پدر را ادامه داده و آن را به اتمام رساند.

در سال ۱۱۵۵ ه ق نادر شاه افشار در سفری به عتبات عالیات دستور تعمیر و بازسازی خرابی‌ها را داده و او اولین کسی است که دستور داد گنبد حرم مطهر طلا آذین شود.

در سال ۱۲۰۴ ه ق، محمد خان پسر حسن خان قاجار مؤسس سلسله قاجار ضریحی از نقره ساخت و فرستاد که بر روی قبر مطهر نهاده شد.

در سال ۱۲۱۷ ه ق بعثت حملات مکرر وهابی‌ها به شهرهای نجف و کربلا، دورتادور شهر نجف بارویی کشیده شد که آثار برجای مانده آن تا سال ۱۳۸۵ ه ق همچنان پابرجا بود.

در سال ۱۲۲۰ وهابی‌ها به رهبری خاندان آل سعود به شهرهای نجف و کربلا- حمله کردند و طلاها و نقره‌های موجود در حرم مطهر حضرت علی (ع) را غارت کردند.

ص: ۱۰۳

در سال ۱۳۶۱ ه ق طایفه شیعیان اسماعیلی بهره، دوباره ضریح نقره حرم مطهر را بازسازی کردند که این ضریح تا روزگار ما باقی مانده است.

در سال ۱۳۷۶ ه ق تاجری ایرانی به نام حاج محمد تقی اتفاق در طلا را به حرم مطهر حضرت علی (ع) هدیه نمود و با تلاشهای سید محمد کلانتر این در نصب گردید (۱).

ج. موزه یا گنجینه حرم مطهر:

در حرم مطهر حضرت علی (ع) موزه‌ای قرار دارد که هدایای بسیاری را در برمی گیرد، این هدایا در طی قرون متمادی توسط پادشاهان، سلاطین، وزراء، بزرگان حکومتی، سران لشکری، تجار و اشراف به مرقد مطهر هدیه شده اند. کهن ترین این اشیاء متعلق به قرن چهارم هجری و دوران حکومت آل بویه است. این اثر عبارت است از پارچه گرانبهایی که عضد الدوله بویه در سال ۳۷۲ ه ق بعنوان روپوش قبر هدیه کرده است و یکی از شاهکارهای فن نساجی و گلدوزی و گلابتون کاری است که حتی ساختن آن در قرن بیستم نیز دشوار به نظر می آید.

علاوه بر این هدایای گرانبهای دیگری نیز در این موزه وجود دارد که تعداد آنها بالغ بر ۲۰۲۰ قطعه بوده و در خزانه‌ای که در جوار روضه مطهر در رواق جنوبی حرم واقع شده است نگهداری می گردد. این قطعات به شرح زیر می باشند:

ص: ۱۰۴

۱. تعداد زیادی قرآن خطی گرانبها که بالغ بر ۵۵۰ نسخه است که قدیمی ترین آنها متعلق به قرن اول هجری است و آخرین آنها متعلق به قرن چهاردهم است.
۲. آثار گرانبهای فلزی که ۴۲۰ قطعه می باشند و از زیورآلات زرینی تشکیل شده اند که با جواهراتی نظیر زمرد، الماس، مروارید، فیروزه و غیره آراسته شده اند. همچنین قندیل های طلایی که با سنگهای گرانبها مرصع شده و نیز بخور دانها، کاسه ها، آفتابه ها، زیارتنامه های فلزی، گلدانها، کشکول و مجموعه مختلفی از سلاح نیز از جمله این آثارند.
۳. منسوجات که شامل ۴۴۸ قطعه بوده و عبارتند از پوشش قبر، پرده ها، خیمه ها، لباس ها و غیره که برخی از آنها با سنگهای گرانبها تزئین شده اند.
۴. فرشهای نفیس که شامل ۳۲۵ قطعه فرش بوده و از نفیس ترین فرشهای جهان به شمار می روند، در این مجموعه فرش و وجود دارد با دو رو که نقشه هر روی آن با دیگری متفاوت است.
۵. آثار شیشه ای که ۱۲۱ قطعه بوده و شامل بلور و ظرفهای شیشه ای نادر و قندیل هاست.
۶. آثار چوبی که شامل ۱۵۶ قطعه بوده و بیشتر آنها را کشکولهای ساخته شده از چوب ساج هندی با کنده کاریهای زیبا، همچنین رحلهای قرآن و زیارتنامه های چوبی تشکیل می دهند.

ص: ۱۰۵

د. شخصیت‌های مهم مدفون در حرم مطهر حضرت علی (ع):**اشاره**

در روضه و حرم مطهر حضرت علی (ع) بسیاری از شخصیات مختلف تاریخی مدفون شده‌اند که بعنوان مثال می‌توان افراد زیر را نام برد:

قبور موجود در روضه شریف:

۱. عضد الدوله بویه متوفی سال ۳۷۳ ه ق که در زیرپای حضرت به خاک سپرده شده است.
 ۲. شرف الدوله پسر عضد الدوله متوفی سال ۳۷۹ ه ق.
 ۳. بدرین حسنویه از شاهزادگان آل بویه که به شجاعت و عدالت و سیاستمداری مشهور بود.
- بسیاری از شاهزادگان و وزرای آل بویه در این محل دفن شده‌اند و از جمله می‌توان بهاء الدین بن عضد الدوله و فیروز ابی النصر ملقب به بهاء الدوله را نام برد.

قبور موجود در رواق زیر گنبد:

۱. شاه عباس اول
۲. سلطان محمد قاجار متوفی سال ۱۲۱۱ ه ق که در رواق و در سمت شمال آن نزدیک منبر خاتم و در حجره مخصوصی دفن شده است که به حجره سلاطین معروف است.

ص: ۱۰۶

۳. شاهزاده ملک کیومرث ملقب به ملک آرا پسر فتحعلی شاه قاجار متوفی سال ۱۲۸۸ ه ق که در ایران درگذشت و جنازه او به نجف منتقل شد.
۴. سلطان محمد حسن خان که جنازه اش به نجف منتقل شد.
۵. ملک حسین قلی خان که جنازه اش به نجف منتقل شد.
۶. فخر الملک ابوغالب وزیر سلطان الدوله متوفی سال ۴۰۶ ه ق
۷. ابوالقاسم حسین بن علی بن حسین بن علی، وزیر شرف الدوله متوفی سال ۴۱۸ ه ق
۸. یعقوب بن داود بن ظماء متوفی سال ۴۱۸ ه ق
۹. وزیر شرف الدین انوشیروان بن خالد متوفی سال ۵۳۳ ه ق
۱۰. حکمرانی به نام طاشکین متوفی سال ۶۰۲ ه ق
۱۱. امیر عماد الدین ابوالمظفر حربدار.
۱۲. وزیر معز الدین معروف به ابن الحدید.
۱۳. مظفر الدین بن زین الدین.
۱۴. بدر الدین لؤلؤ.
۱۵. عماد الدین ابو الخیر فرزند وزیر نصر الدین.
۱۶. ملک عز الدین بن عبد العزیز متوفی سال ۶۷۲ ه ق.
۱۷. ملک عز الدین بن زید الاصفهری، پادشاه سواکن.

ص: ۱۰۷

۱۸. تیمور لنگ (متوفی سال ۸۰۷ ه ق) در سردابی نزدیک قبر شیخ طوسی دفن شده است.

۱۹. سید علاء الدین حسین وزیر شاه عباس اول متوفی سال ۱۰۶۴ ه ق

۲۰. مظفر الدین شاه که ابتدا جنازه اش در شاه عبدالعظیم حسنی به امانت گذاشته شد و بعداً به نجف منتقل شد.

علاوه بر افراد فوق الذکر بسیاری از امیران، شاهزادگان خاندان آل حمدان، پادشاهان ایلخانی، ملوک مهاباد، پادشاهان مصر، وزرای دولت فاطمین، امرا و شاهزادگان هند و پادشاهان ایران در حرم مطهر دفن شده اند. اما آرامگاه‌های علما و فقهای نامدار شیعه عبارتند از:

علامه حلی (۱): در اتاقی واقع در راهروی جنب گلدسته شمالی مدفون است. در این مقبره حاج آقا مصطفی خمینی هم دفن شده است.

مقدس اردبیلی (۲): در اتاقی در ایوان طلا و جنب گلدسته جنوبی مدفون است.

سید محمد کاظم یزدی (۳): در مقبره بزرگی که در سمت شمال صحن قرار دارد دفن است.

۱- علامه حلی (۶۴۷ ه ق ۷۲۶ ه ق)

۲- (۲) مقدس اردبیلی (۱۲۴۹ ه ق ۱۳۵۰ ه ق)

۳- (۳) سید محمد کاظم یزدی (۱۲۴۷ ه ق ۱۳۲۸ ه ق)

ص: ۱۰۸

شیخ مرتضی انصاری (۱): در سمت غرب راهرو و دالان باب القبله و درون اتاقی دفن است.

میرزای نائینی (۲): که مدفون در دومین مقبره پیش از زاویه جنوبی است.

آخوند خراسانی (۳): در مقبره جنوبی واقع در دالان باب الذهب قرار دارد. نزدیک او مدفن فقیه مشهور

میرزا حبیب الله رشتی و سید ابوالحسن اصفهانی واقع است.

آیت الله بهبهانی: وی از رهبران مشروطیت بود که به دست مخالفان و عوامل بیگانه ترور شد. قبر او در

دومین مقبره پس از دروازه باب السوق، به سمت شمال قرار گرفته است.

علاوه بر بزرگان فوق الذکر که دارای مقابر مشهوری هستند، در صحن و حجره‌های اطراف آن نیز گروه

زیادی از شخصیت‌های دینی مدفونند که برخی از آنان عبارتند از: آیات عظام سید محمد سعید جبوی،

شربانی، شیخ محمد حسن

۱- شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ ه. ق ۱۲۸۱ ه. ق)

۲- (۲) میرزای نائینی (متوفی ۱۳۵۵ ه. ق)

۳- (۳) آخوند خراسانی (۱۲۵۵ ه. ق ۱۳۲۹ ه. ق)

ص: ۱۰۹

آشتیانی، سید ابوالقاسم خویی، سید محمود شاهرودی، حاج آقا حسین قمی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید عبدالحسین شرف الدین، آقا ضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی، حاج محمد حسین امین الضرب و دیگر علما.

۲. مقام امام زین العابدین (ع):

این مقام در کنار حرم مطهر حضرت علی (ع) و در سمت قبله قرار دارد. گفته‌اند که امام زین العابدین (ع) هنگامیکه به زیارت جدش مشرف می‌شده، در این مکان شتر خود را می‌بست و با پای برهنه به زیارت قبر مطهر می‌شتافت و سپس بر می‌گشته و در همین مکان شب را به صبح می‌رسانده و باز می‌گشت. صفوی‌ها این مکان را ساختند که بعدها تجدید بنا شد، در محراب آن صخره‌ای زیبا و خوش تراش وجود دارد که بر روی آن حروف مقطعه‌ای حک شده است و گفته می‌شود که این نوشته از کارهای شیخ بهائی است و عبارتست از طلسمی که برای نیش مار مفید است. برخی از مردم کرامات زیادی را به این محل نسبت می‌دهند.

۳. مقام حضرت مهدی (عج):

این مقام در سمت غربی شهر و در قسمت آغازین قبرستان وادی السلام قرار دارد و اولین کسی که این مقام را بنا کرد (سید محمد مهدی بحر العلوم) بود اما این بنا در سال ۱۳۱۰ هـ ق ویران شد و بعدها دوباره به شکل سابق بازسازی گردید و گنبدی با کاشیکاری فیروزه‌ای بر روی آن بنا گردید (۱)، در حالیکه قبلاً گنبد آن از

۱- در داخل ساختمان چاهی قرار دارد که به (بئر امام مهدی (عج)) معروف است.

ص: ۱۱۰

گچ و سنگ ساخته شده بود. در داخل این مقام جائی وجود دارد که مقام (امام صادق (ع)) خوانده می‌شود، و ظاهراً علت تسمیه این مقام حدیثی است که از امام صادق در هنگام زیارت مرقد مطهر جدش روایت شده است که چون آن حضرت به نجف رسید از شترش پیاده شد و دو رکعت نماز خواند، سپس کمی آن طرف تر رفت و دو رکعت دیگر خواند، سپس کمی آن طرف تر دو رکعت دیگر خواند و هنگامیکه از آن حضرت درباره اماکن مذکور پرسیدند، فرمود: اولین جا موضع قبر امیرالمؤمنین و دومین جا موضع رأس الحسین و سومی موضع منبر حضرت قائم (ع) است. و ظاهراً منظور آن حضرت از موضع رأس الحسین (ع) جائی است که سر مطهر امام حسین پس از آوردن به کوفه در این محل قرار داده شده است و گرنه صحیح آنست که سر مطهر امام حسین همراه با جسد مطهر وی در حرم شریفش در کربلا مدفون شده است.

۴. مرقد هود و صالح:

در قبرستان وادی السلام، در شمال شهر نجف، قبر پیامبران خدا هود و صالح (ع) قرار دارد و آرامگاه آنان بسیار معروف بوده و در میان خاص و عام مشهور است. اولین کسی که بر سر قبر این دو پیامبر بزرگوار گنبدی از سنگ گچ بنا کرد، سید محمد مهدی بحر العلوم بود که متأسفانه این بنا بعد از مدتی ویران شد و مجدداً گنبد دیگری با کاشیکاری‌های فیروزه‌ای بر آن بنا شد و در سال ۱۳۳۷ ه ق مرقد آنان دوباره بازسازی گردید.

ص: ۱۱۱

۵. مرقد آدم و نوح:

در زیارتنامه حضرت علی (ع) می‌خوانیم که (وسلام بر تو، وسلام بر آدم و نوح که در کنار تو دفن شده‌اند ...) و این موضوع دلالت دارد بر اینکه آدم و نوح در داخل روضه مطهر و در کنار قبر حضرت علی (ع) مدفون شده‌اند. ابن بطوطه در سفرنامه‌اش نیز می‌گوید که در هنگام دخول به روضه مطهر شاهد سه قبر بوده است که یکی متعلق به حضرت علی (ع) و دو قبر دیگر متعلق به آدم و نوح بوده است. جهانگرد دیگری به نام (سید علی ترکی) در کتاب خویش (مرآه الممالیک) می‌گوید که: در سال ۹۶۱ هـ ق پس از زیارت حضرت علی (ع) در نجف به زیارت آدم و نوح و شمعون رفته است و این درحالی است که هیچ منبعی از دفن شمعون در نجف سخن نگفته است و هیچ کسی چنین مرقدی را سراغ ندارد.

۶. مسجد حنانه:

گویند که قبل از اسلام در این منطقه بنایی ایستاده قرار داشت که به آن (قائم) می‌گفتند و هنگامیکه جنازه مطهر حضرت علی (ع) را برای دفن به نجف می‌بردند، از جلوی این بنا عبور کردند و این بنا کمی انحنا پیدا کرد، از اینرو منطقه مذکور بعدها به نام حنانه معروف شد. برخی دیگر می‌گویند که ابن زیاد در محرم سال ۶۱ هـ ق قافله اسرای اهل بیت را به همراهی سر مطهر امام حسین و سرهای سایر شهدا در این منطقه جای داد تا شهر کوفه را برای ورود آنان آماده کند و زمین از این مصیبت بزرگ سر به نوحه و زاری برداشت و برخی گویند اهل بیت (ع) با

ص: ۱۱۲

دیدن سرهای شهدا سر به نوحه وزاری برداشتند و این منطقه به حنانه (ناله و نوحه کننده) معروف شد و بعدها در این محل مسجدی بنا شد که به مسجد حنانه معروف گردید. مسجد حنانه از مساجد متبرکه شهر نجف است و یکی از سه جائی است که امام صادق در آنها نماز خوانده است. این مسجد در جاده نجف به کوفه و در شمال شهر نجف واقع شده است و نزدیک منطقه‌ای به نام الثویه است که مدفن بسیاری از خواص امیرالمؤمنین (ع) است که قبرهای آنان ویران شده است.

۷. مرقد کمیل بن زیاد:

این مرقد در بین راه نجف کوفه قرار دارد و بصورت حرم بزرگی با گنبد با شکوهی است. کمیل بن زیاد نخعی یکی از اصحاب نزدیک حضرت علی (ع) بود که حضرت علی (ع) دعای معروف به دعای کمیل را به او یاد داد. او در جنگ نهروان همراه آن حضرت بود و مردی مورد اعتماد و قلیل الحدیث بود و از عابدان کوفه به شمار می‌رفت و حضرت علی (ع) او را به فرمانداری شهر هیت اعزام کرد. در دوران حجاج و بنا به دستور او کمیل دستگیر و کشته شد. شیخ مفید در کتاب ارشاد گوید که چون حجاج به حکومت رسید، کسانی را به دنیاال کمیل فرستاد و کمیل از دست آنها فرار کرد، حجاج نیز برای انتقام گرفتن از او، مقرری قوم او را از بیت المال قطع کرد و چون این خبر به کمیل رسید گفت: من پیرمردی بیش نیستم که عمرم به سر رسیده است و اکنون شایسته نیست که قوم من به خاطر من از مقرری خود محروم شوند، پس به نزد حجاج رفت و خود

ص: ۱۱۳

را تسلیم کرد. حجاج چون او را دید گفت: دلم می‌خواست که به هر وسیله‌ای تو را دستگیر کنم. کمیل گفت: دندان هایت را برای من تیز نکن و سپس در ادامه به او گفت بدان که امیرالمؤمنین (ع) به من خبر داد که تو قاتل من هستی، حجاج گفت: حجت بر تو تمام است. کمیل گفت: آری، این قضا و قدر است. سپس حجاج دستور داد که گردن او را زدند.

شیخ حرز الدین در کتاب المراقده می‌گوید: بر مرقد او در (الثویه) گنبدی سفید است و قبر او بر روی تپه‌ای قرار دارد که در حدود یک میل تا باروی شهر نجف فاصله دارد و امروزه مرقد او در جاده کوفه به نجف مشهور و معروف است و اطراف آن را مسجد بزرگی فرا گرفته که آن را سید محمد کلانتر تجدید بنا کرده است (۱).

در حیاط حرم کمیل بن زیاد مرقد شیخ احمد وائلی قرار دارد، شیخ احمد وائلی در ۱۷ ربیع الاول سال ۱۳۴۷ هـ ق در شهر مقدس نجف بدنیا آمد. خانواده او از طایفه بنی لیث بودند که از خاندان‌های بزرگ ناحیه فرات وسطی از قرن ششم هجری به بعد به شمار می‌رفته‌اند. در خانواده وائلی دهها شخصیت و چهره فرهنگی و مذهبی به ظهور رسیده است پدرش شیخ احمد حسون وائلی نام داشت که خطیبی مشهور و در عین حال کاسبی مغازه‌دار بود. شیخ احمد وائلی تحصیل در حوزه را از

ص: ۱۱۴

نوجوانی آغاز کرد و همزمان به تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های فقه و ادب عرب در دانشگاه بغداد و سپس در دانشگاه قاهره پرداخت.

اشعار وائلی از محبوبیت و اعتبار ادبی و اجتماعی ویژه‌ای برخوردار بود. در میان اشعار او علاوه بر مضامین مذهبی، توجه جدی به مسائل اجتماعی و همچنین مسأله فلسطین دیده می‌شود. با این حال مهم‌ترین مشخصه وائلی منبرهای پر شور و جذاب او بود.

شیخ احمد وائلی پس از به قدرت رسیدن صدام و افزایش فشار بر شیعیان، ۲۵ سال گذشته را دور از وطن گذراند و تنها پس از سقوط صدام حسین در اردیبهشت ۱۳۸۲، توانست به میهن خود باز گردد. با اینحال حضور او در عراق چندان نپایید و روز ۱۴ جمادی الاول سال ۱۴۲۴ ه ق (مصادف با دوم مردادماه ۱۳۸۲) در شهر کاظمین به رحمت ایزدی پیوست. جنازه او با حضور میلیونی شیعیان عراق تشییع شد و پیکر او در حیاط حرم کمیل بن زیاد در منطقه حنانه نجف اشرف به خاک سپرده شد.

۸. مسجد عمران بن شاهین:

از قدیمی‌ترین مساجد نجف است که در اواسط قرن چهارم هجری توسط عمران بن شاهین ساخته شد. عمران یکی از شورشیان علیه حکومت عضد الدوله بویه بود که شکست خورد و با خود عهد کرد که چنانچه سلطان از وی درگذرد دو رواق یکی در نجف و دیگری در کربلا- بنا کند. رواقی که در نجف ساخت در سمت شمالی حرم مطهر قرار داشت و در آن هنگام حرم مطهر کوچک بوده و عبارت بود

ص: ۱۱۵

از روضه مطهر و رواق آن همان صحن بود و در کنار صحن ایوان شرقی آن قرار داشت و مسجد عمران چندگامی تا آن فاصله داشت ... در دوران شاه عباس صفوی صحن را از جهت شمال توسعه دادند و این امر باعث شد که قسمتی از مسجد عمران بن شاهین به صحن افزوده شود. در دوران شاه صفی باز خانه‌های اطراف حرم خریداری شد و بدینوسیله صحن بزرگی ساخته شد که تا امروز برجا مانده است. در سال ۱۳۶۸ ه ق دولت قسمت دیگری را تخریب نموده، خیابان کشی کرد و تنها قسمتی از مسجد باقی ماند که این قسمت تا روزگار ما باقی مانده است که در مسجد اکنون در راهروی حرم که به باب الطوسی منتهی می شود قرار دارد.

۹. مسجد الخضراء:

این مسجد در جهت شمال شرقی دیوار خارجی صحن شریف واقع شده و مدخل آن از ایوان دوم دیوار شرقی است، این مسجد بسیار قدیمی است و تاریخ ساختن آن معلوم نیست و گمان می رود که آن را علی بن مظفر ساخته باشد. مسجد مذکور در سال ۱۳۸۸ ه. ق به طرز زیبایی بازسازی شد و برای دهها سال از مراکز اصلی تدریس در حوزه علمیه نجف به شمار می رفت. (۱)

۱- علاوه بر این، این مسجد حوزه درس و بحث مرحوم آیت الله خوبی بوده است و توسط شیخ احمد انصاری قمی بازسازی شده است (قائدان، عتبات عالیات عراق ص ۴۸) (ویراستار)

ص: ۱۱۶

۱۰. مسجد الرأس (بالاسر):

مسجدی بسیار قدیمی است که در آن رو به صحن شریف و در سمت ایوان بزرگ مقابل رواق باز می‌شود و چون در سمت بالاسر مطهر حضرت قرار دارد به آن مسجد رأس می‌گویند. تاریخ بنای آن به دوره پادشاهان ایلخانی باز می‌گردد که بارها تجدید بنا شده است و آخرین بار در سال ۱۳۰۶ هـ ق از طرف نادر شاه افشار تجدید بنا شده است. در محراب این مسجد قطعاتی از کاشی‌های خشتی متعلق به قرن ششم هجری به چشم می‌خورد. این مسجد به شکل مستطیل بوده و در وسط آن صحن بزرگی قرار دارد و در دو سمت شمالی و جنوبی صحن دو ایوان بزرگ وجود دارد که تعداد زیادی ایوان مرمری در آنها قرار دارند. در سال ۱۳۶۸ هـ ق در حدود پنج متر از مسجد گرفته و به خیابان مجاور آن افزوده شد.

۱۱. مسجد شیخ طوسی:

این مسجد در اصل خانه شیخ طوسی بود و وی قبل از وفات وصیت کرده بود که در آن به خاک سپرده شود و محل مذکور بصورت مسجدی درآید. این مسجد روبروی در طوسی حرم مطهر و در سمت شمالی آن قرار گرفته است و در کنار آن مقبره سید محمد مهدی بحر العلوم واقع شده است. مسجد طوسی بارها تجدید بنا شده است، این مسجد در سالهای ۱۱۹۸ هـ ق، ۱۳۰۵ هـ ق و ۱۳۸۰ هـ ق تجدید بنا شده است. شیخ طوسی یکی از مشاهیر فقهای امامیه و مؤسس حوزه علمیه نجف

ص: ۱۱۷

است که در سال ۴۶۰ ه ق وفات یافت. مسجد شیخ طوسی در ده قرن گذشته یکی از مراکز تدریس حوزه نجف شمرده می شود (۱).

۱۲. تکیه بکتاشیه:

این تکیه در کنار مسجد بالاسر قرار دارد و ساختاری بسیار محکم داشته و از سنگهای بزرگ ساخته شده است که شبیه بنای صحن شریف است. برخی اعتقاد دارند که این محل قبلاً کتابخانه حرم مطهر بوده است و به نظر می رسد که در دوران حاج بکتاش در قرن هشتم هجری ساخته شده باشد و از دو بخش تشکیل شده که بخش اول آن مخصوص نماز جماعت و برپایی دروس دینی بوده و از چهار ایوان تشکیل می شود. و اما بخش دوم مربعی شکل و دو طبقه بوده و تعدادی اتاق دارد که در آن برخی از عابدان و زاهدان به کار عبادت مشغولند. این تکیه محل تجمع و برگزاری مراسم (صوفیان بکتاشی) بوده است. ساختمان این تکیه امروزه به انبار آستانه تبدیل شده است.

۱۳. وادی السلام:

نام گورستان عمومی و معروف شهر نجف است و یکی از کهن ترین گورستان های جهان به شمار می رود. این گورستان تنها متعلق به اهالی نجف نبوده بلکه مدفن بسیاری از شیعیان جهان و از کشورهای مختلف نظیر: هندوستان، ایران، پاکستان، کویت، جبل عامل لبنان و غیره می باشد. در این گورستان پادشاهان، وزراء، امرا

ص: ۱۱۸

و شاهزادگان، علما و دانشمندان و عامه مردم به خاک سپرده شده‌اند. برخی از قبرها منهدم شده و برخی رو به ویرانی است در این میان تعدادی از قبرها نیز تازه احداث شده است. قبرها بزرگ و کوچک بوده، برخی دارای دکه‌های بلند و برخی دارای دکه‌های کم ارتفاع، برخی قبرها دیوار کشی شده است و برخی دیگر دارای اتاقی است که قاری قرآن در آن می‌نشیند و روزها پی‌درپی برای مرده قرآن می‌خواند و دستمزد خود را از بستگان مرده دریافت می‌کند. برخی از قبرها نیز دارای باغچه هستند. بر روی برخی از قبرها نیز گنبدهایی دیده می‌شود که رنگ و نوع آن بسته به اهمیت متوفی با یکدیگر تفاوت دارد. بر روی هر قبری سنگ قبری وجود دارد که بر روی آن نام متوفی و تاریخ درگذشت او نقش بسته است و نوع این سنگ قبرها بسیار متفاوت است و معمولاً بر روی برخی از آنها ابیات شعری به زبان عربی فصیح و عامیانه نقش بسته است.

از جمله مراقد موجود در قبرستان وادی السلام مرقد پیامبران خدا (هود و صالح) است که در سمت غربی وادی السلام و در پشت باروی قدیمی شهر نجف و شمال شرقی حرم مطهر حضرت علی (ع) قرار دارد. این دو پیامبر در یک حرم مدفونند و بر روی این حرم گنبدی متوسط بنا شده است. قبلاً بر روی این مرقد صخره سرخ قدیمی و کهنی قرار داشت که طول آن به اندازه یک ذرع و چند انگشت و عرض آن به اندازه یک وجب بود و بر روی آن با خط کوفی مطالبی نوشته شده بود که نشان می‌داد، این محل قبر حضرت هود و صالح است. اولین کسی که بر روی این قبرها صندوقی چوبین گذاشت عالم جلیل‌القدر سید محمد مهدی بحر العلوم بود و پس از آن بانویی به نام (ملاحفیره) همسر ملا یوسف نقیب و خزانه دار حرم

ص: ۱۱۹

مطهر حضرت علی (ع)، متوفی سال ۱۲۷۰ ه ق که نذر کرده بود در صورت بیچه دار شدن، گنبدی بر بالای قبر آنها بسازد گنبد آجری کوچکی بر روی قبر آنان ساخت.

در سال ۱۳۳۳ ه ق که انگلیسی‌ها شهر نجف را به مدت چهل روز محاصره کرده بودند، بسیاری از اماکن مقدسه و از جمله آنها مرقد هود و صالح را ویران کردند (۱) و پس از برطرف شدن حصار، اهالی متوجه شدند که انگلیسی‌ها نه تنها گنبد و مرقد مطهر آنان را ویران کرده‌اند بلکه سنگ نوشته کوفی را نیز به سرقت برده‌اند.

شهر کوفه

اشاره

کوفه یکی از شهرهای مهمی است که مسلمانان صدر اسلام آن را پایه گذاری کردند و حضرت علی (ع) آن را بعنوان پایتخت خود انتخاب کردند. گویند محل بنای این شهر را دو صحابی جلیل القدر یعنی سلمان فارسی و حذیفه یمانی در سال ۱۷ ه ق و در دوره خلافت عمر انتخاب کردند و در آغاز به این شهر (کوفه الجند) می گفتند که به معنی (محل تجمع لشکریان) بود و بعدها این واژه خلاصه شده و به آن کوفه می گفتند. در سال ۲۲ ه ق و در زمان حکمرانی مغیره بن شعبه، تعداد هفت محله به تعداد قبایل ساکن در شهر کوفه، که هفت قبیله بودند پایه گذاری شد و در سال ۳۶ ه ق حضرت علی (ع) پس از جنگ جمل این شهر را بعنوان پایتخت انتخاب فرمودند و به تدریج این شهر رونق علمی و تجاری فراوانی

۱- این مرقد بعدها در سال ۱۳۳۷ توسط یکی از نیکوکاران ایرانی تجدید بنا و مرمت شده است (ویراستار)

ص: ۱۲۰

پیدا کرد و یکی از مراکز مهم علمی و سیاسی جهان اسلام گردید و جمعیت آن را که بیشتر ایرانیان تشکیل می دادند بالغ بر یک میلیون نفر شد.

در دوران اموی ها علی رغم انتقال پایتخت به شهر دمشق، این رونق ادامه داشت اما با به قدرت رسیدن عباسی ها پایتخت در سال ۱۳۲ ه ق به شهر هاشمیه و سپس به بغداد منتقل شد و روز به روز از اهمیت کوفه کاسته شد و بنا به گفته جهانگرد معروف ابن جبیر که در سال ۵۸۰ ه ق از آن دیدن کرده است، شهر روبه ویرانی رفته است.

ابن بطوطه در سفرنامه خود این شهر را چنین توصیف می کند: (۱) (کوفه یکی از مهمترین شهرهای عراق می باشد و امتیاز آن بر دیگر شهرها این است که مسکن صحابه و تابعین و جایگاه علما و صلحا و مرکز خلافت امیرالمومنین علی (ع) بوده است لیکن در حال حاضر بسبب حمله های متمادی وضع آن شهر رو به ویرانی کشیده است. مایه تباهی شهر کوفه اعراب خفاجه هستند که در اطراف آن سکونت دارند. این اعراب کارشان راهزنی است. کوفه بارو ندارد و بنای آن از آجر و دارای بازارهای نیک می باشد. غالب متاعی که در بازار کوفه معامله می شود خرما و ماهی است. جامع اعظم کوفه، مسجد بزرگی است با هفت شبستان که بر روی ستونهای

۱- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه

ص: ۱۲۱

سنگی قطور و بلند بنا شده است این ستونها از قطعه سنگهای تراش شده تشکیل یافته که روی هم قرار داده شده و وسط آنها را فلز قلع ریخته‌اند (۱).

مسجد کوفه دارای آثار متبرکه‌ای است، از جمله مقابل محراب از طرف راست اطاقی است که می‌گویند (مصلاهی حضرت ابراهیم خلیل) بود و نزدیک آن محرابی وجود دارد که چوبهای ساج بلند گرداگرد آن را گرفته‌اند و آن، (محراب علی بن ابی طالب (ع)) بود که ابن ملجم شقی در همین جا بر سر آن حضرت زخم زد و مردم برای نماز به آن محراب می‌روند. در زاویه دیگر این شبستان مسجد کوچکی است که دورتادور آن نیز با چوبهای ساج احاطه شده است و می‌گویند (تنوری که در طوفان نوح) آب از آن جوشیده در اینجا بوده است. در قسمت عقبی شبستان مزبور در خارج مسجد اطاقی وجود دارد که می‌گویند منزل (نوح پیامبر) بوده و روبروی آن اطاق دیگری هست که به اعتقاد مردم محل عبادت (ادریس) بوده است. محوطه متصل به همین قسمت که با دیوار جنوبی مسجد مربوط است محلی بوده که نوح کشتی خود را در آنجا ساخته و در منتهی الیه این محوطه خانه علی ابن ابی طالب (ع) و اطاقی که جنازه او را در آن غسل داده‌اند واقع شده و اطاق دیگری در مجاورت خانه آن حضرت است که آن هم به نوح پیامبر منسوب می‌باشد و خدا بهتر می‌داند از این نسبت‌ها کدام درست و کدام نادرست است.

ص: ۱۲۲

شرق مسجد و داخل بالاخانه‌ای، مقبره (مسلم بن عقیل (ع)) واقع شده و در نزدیکی آن خارج مسجد، قبر (عاتکه و سکینه) دختران امام حسین (ع) قرار دارد. اما از قصر الاماره کوفه که سعد بن وقاص بنا کرد اکنون جز پایه‌های آن چیزی برجا نمانده است.

امروزه شهر کوفه موقعیت پیشین خود را از دست داده و بعنوان یکی از بخشهای تابع شهر نجف شمرده می‌شود، فاصله این دو شهر هشت کیلومتر است و تقریباً به یکدیگر متصل شده‌اند. شهر کوفه بعثت موقعیت جغرافیایی اش از آب و هوای ملایم تری نسبت به نجف برخوردار است.

اماکن زیارتی در شهر کوفه

۱. مسجد کوفه:

مسجد کوفه یکی از مساجد بسیار قدیمی اسلامی است و گفته می‌شود در سال ۱۷ هـ ق که شهر کوفه تأسیس شد اولین بناهایی که در شهر ساخته شدند مسجد و دارالاماره (۱) بودند. مسجد مذکور مربعی شکل بوده و برای چهل هزار نمازگزار گنجایش دارد.

در وسط حیاط مسجد جایی پایین تر از سایر جاها وجود دارد که به آن (سفینه) می‌گویند و عامه مردم معتقدند که جای مذکور محل فرود آمدن و یا ساخته شدن

۱- سعد این ابی وقاص این منطقه را برای استقرار دائم سپاهیان و غازیان در نظر گرفت و نخستین کاری که انجام داد ساخت مسجد بود. (ویراستار)

ص: ۱۲۳

سفینه نوح است، که امری باطل است و در حقیقت جای مذکور فقط نشان دهنده عمق قبلی کف مسجد است زیرا که بعلت بالا- آمدن مجرای آب فرات، آب به داخل مسجد که در گودی قرار گرفته بود نفوذ نمود و بنا به دستور و همت سید مهدی بحر العلوم کف مسجد را با ریختن خاک کافی بالا آوردند و برای نشان دادن میزان خاک ریخته شده این محل را به همان صورت سابق نگاه داشتند.

در فضل مسجد کوفه احادیث فراوانی روایت شده است که برخی از آنها عبارتند از:

امام باقر (ع) فرمود: (صلاه فی مسجد الکوفه، الفریضه تعدل حجه مقبوله والتطوع فیه تعدل عمره مقبوله) یعنی نماز خواندن در مسجد کوفه، چنانچه فریضه یومیه باشد معادل حج مقبولی است و چنانچه فریضه مستحبی باشد معادل عمره مقبولی است.

امام باقر (ع) فرمود: (مسجد کوفان روضه من ریاض الجنه، صلّی فیه الف نبی و سبعون) یعنی مسجد کوفه باغی از باغهای بهشت است، و در آن یک هزار و هفتاد پیامبر نماز خوانده است.

حضرت علی (ع) فرمود: (النافله فی هذا المسجد تعدل عمره مع النبی (ص)، والفریضه تعدل حجه مع النبی (ص) وقد صلّی فیه ألف نبی و وصی) یعنی نماز نافله در این مسجد مساوی حج عمره گذاردن همراه با پیامبر خداست و نماز فریضه خواندن در آن مساوی حج تمتع گذاردن همراه با پیامبر خداست. در این مسجد هزار نبی و وصی نماز خوانده است.

ص: ۱۲۴

از رسول خدا (ص) روایت شده است که: در شب اسراء که به آسمان رفت، جبرئیل به ایشان عرض کرد: ای محمد (ص) آیا می‌دانی که اکنون کجا هستی؟ تو اکنون مقابل مسجد کوفه هستی. پیامبر فرمود: از خداوند برایم اجازه بگیر که دو رکعت در آن نماز بخوانم، سپس پیامبر در آنجا فرود آمد و در آن نماز خواند، به درستی که مقدمه مسجد همانند باغی از باغهای بهشت است و سمت چپ و سمت راست و وسط آن همانند باغی از باغهای بهشت است و نماز فریضه خواندن در آن مساوی خواندن هزار رکعت نماز است و نماز نافله خواندن در آن مساوی پانصد رکعت نماز است.

از جاهای زیارتی و متبرک مسجد می‌توان از مقام امیرالمومنین (ع) نام برد که در سمت قبله قرار دارد، البته قابل ذکر است که دورتادور مسجد را حجره‌های زیادی فراگرفته که بزرگترین آنها همین مقام است که در سمت قبله قرار دارد و در آن محرابی هست که گویند حضرت علی (ع) در آنجا نماز می‌خوانده است و در همان جا به شهادت رسیده است و در کنار محراب دری وجود داشت که به قصر دارالاماره منتهی می‌شد که خرابه‌های آن همچنان در کنار مسجد قرار گرفته است و در فاصله هشتاد و پنج متری دارالاماره خانه امام علی (ع) قرار دارد که همچنان پابرجاست و بر روی آن گنبد سبزی دیده می‌شود. شیعیان در هنگام ورود به مسجد نخست به نزد محراب علی (ع) می‌روند و در کنار آن دو رکعت نماز به جا می‌آورند. در سال ۱۹۷۴ م، رهبر اسماعیلیان (۱) بهره اقدام به نصب پنجره‌ای از طلا- و نقره در مقام امیر المومنین (ع) نمود.

۱- اسماعیلیان بهره طایفه ای از اسماعیلیان ساکن در هند و پاکستان هستند که رهبر آن آقاخان نام دارد.

ص: ۱۲۵

از اعمال مسجد، خواندن دو رکعت نماز در وسط مسجد است که به مقام رسول خدا (ص) معروف است و مردم معمولاً این نماز را برای قضای حاجت می‌خوانند و در رکعت اول پس از حمد سوره اخلاص و در رکعت دوم پس از حمد سوره الکافرون را می‌خوانند و پس از نماز تسیحات حضرت زهرا (ع) را می‌خوانند و سپس این دعا را می‌خوانند:

(اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمَنْكَ السَّلَامُ وَالْيَكُ يَعُودُ السَّلَامُ وَدَارُكَ دَارُ السَّلَامِ حَيْثَا رَبَّنَا مَنْكَ بِالسَّلَامِ، اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ابْتِغَاءَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَتَعْظِيمًا لِمَسْجِدِكَ، اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، وَارْفَعْهَا فِي عَلِيِّينَ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ)

همچنین در این مسجد ستونها و محرابهای هفت گانه‌ای وجود دارد که این محرابها محل نماز گزاردن برخی از معصومان و پیامبران (ع) بوده است.

از دیگر جاها دکه القضاء است که بنا به روایاتی جایگاه قضاوت حضرت امیرالمومنین (ع) بوده و در شمال شرقی مسجد قرار دارد و در مجاورت آن جایی به نام (بیت الطشت) قرار دارد که محل ظهور یکی از معجزات حضرت علی (ع) است و تفصیل آن در مفاتیح الجنان آمده است.

باب الثعبان یا دروازه اژدها یکی از دروازه‌های نخستین و کهن مسجد کوفه است که در میانه دیوار شمالی قرار دارد و در اینجا یکی دیگر از معجزات امیرالمومنین علی (ع) ظاهر شده است.

ص: ۱۲۶

۲. حرم مسلم بن عقیل:**اشاره**

مسلم بن عقیل اولین شهید از شهدای حماسه کربلا بود و امام حسین (ع) او را بعنوان سفیر خود به کوفه فرستاده بود تا به بررسی وضع پرداخته و درباره نامه‌هایی که اهل کوفه برای امام حسین فرستاده بودند اطمینان حاصل کند و برای امام حسین (ع) بیعت بگیرد، اما اهل کوفه چندی پس از بیعت با وی از حمایت او خودداری کردند و مسلم به همراهی یار وفادارش هانی بن عروه در روز عرفه به شهادت رسیدند. هنگامیکه امام حسین (ع) او را به نزد اهل کوفه گسیل می‌کرد نامه زیر را به او داد تا برای اهل کوفه بخواند:

(بسم الله الرحمن الرحيم از حسين بن علي به گروه مؤمنان، اما بعد به درستی که هانی و سعید نامه‌های شما را به من رساندند و آخرین کسانی بودند که نامه‌های شما را به من رساندند و آنچه را که در نامه حکایت کرده و یاد آور شده بودید دانستم، و آن این که ما رهبری نداریم به نزد ما بیا، چه بسا که خداوند بوسیله شما ما را بر سر جاده حق و هدایت گرد آورد، پس اکنون من برادر و پسر عمویم، و شخص مورد اطمینان از بین اهل بیت یعنی مسلم بن عقیل را به نزد شما می‌فرستم و او برگزیده اهل بیت من است، و به او گفتم که از وضعیت شما و نظر شما برایم بنویسد، و چنانچه او برایم بنویسد که فاضلان و عامه شما بر این نظر که در نامه‌هایتان نوشته‌اید متفق القول هستید، به زودی إن شاء الله به نزد شما خواهیم آمد...) هنگامیکه مسلم به شهر کوفه رسید، در خانه مختار بن ابي عبیده ثقفی فرود آمد و شیعیان گروه گروه به نزدش آمدند و مسلم نیز نامه امام حسین را برای آنان

ص: ۱۲۷

خواند و آنان نیز با او بیعت کردند تا آن که تعداد بیعت کنندگان به بیست و پنج هزار نفر رسید، پس مسلم در آن شب نامه‌ای برای امام حسین فرستاد که مضمون آن بشرح زیر بود:

(اما بعد، پیشرو قبیله هیچگاه به قوم خود دروغ نمی گوید، و بدان که هیجده هزار نفر از اهالی کوفه با من بیعت کردند، پس چون نامه من به شما رسید به سرعت حرکت کن، به راستی که همه مردم با شما هستند، و آنان را علاقه‌ای به خاندان معاویه نیست والسلام).

از سوی دیگر عبید الله بن زیاد با چهره‌ای مبدل و با لباس علوی وارد کوفه شد و مردم گمان کردند که او امام حسین (ع) است، اما هنگامیکه وارد دارالاماره شد او را شناختند. عبید الله چون چنین دید به بالای قصر رفت و مردم کوفه را به فراخواندن لشکر شام تهدید کرد شایعات فراوانی پراکنده کرد تا در مردم تفرقه بیندازد، سپس گروهی را مأمور یافتن مسلم بن عقیل نمود. مسلم نیز ناچار شد که از خانه‌ای به خانه دیگر پناه برد و عاقبت به خانه هانی بن عروه پناه برد و ابن زیاد هانی را فراخوانده و مسلم را از او خواستار شد، اما هانی از دادن مسلم امتناع کرد و ابن زیاد با تازیانه بر بینی او زد و دستور داد که او را در قصر دارالاماره زندانی کنند. مسلم چون چنین دید از خانه هانی بیرون آمد و سرگردان کوچه و برزن شد تا اینکه به خانه زنی به نام (طوعه) رسید و دید که او کنار در منتظر بازگشت فرزند خود است، پس مسلم بر او سلام کرد و از او آب خواست، (طوعه) برایش آب آورد، مسلم پس از آنکه آب نوشید در گوشه‌ای نشست. (طوعه) گفت: آی بنده خدا مگر آب ننوشیدی؟

ص: ۱۲۸

مسلم گفت: آری

(طوعه) گفت: پس اکنون به خانه خود برو.

(طوعه) سه بار این سخن را تکرار کرد، اما مسلم از جای خود تکان نخورد.

(طوعه) گفت: سبحان الله! من نشستن تو را در اینجا شایسته نمی بینم.

مسلم گفت: من در این شهر خانه و عشیره‌ای ندارم، آیا می‌توانی در حق من نیکی کنی و باشد که من این

کار تو را جبران کنم.

(طوعه) گفت: مگر تو کیستی؟

مسلم گفت: من مسلم بن عقیل هستم و این قوم مرا به اینجا دعوت کرده و فریب دادند.

(طوعه) چون این سخن را شنید به او گفت: به خانه من بیا.

سپس او را به درون خانه برد و در اتاقی جای داد و برایش شام آورد، اما مسلم از خوردن امتناع کرد و

چون پسر آن زن آمد، ملاحظه کرد که مادرش رفت و آمد زیادی به آن اتاق می‌کند، علتش را پرسید و

مادر از گفتن امتناع کرد و چون بر او زیاده اصرار ورزید، از او قول گرفت که چیزی به کسی نگوید و

سپس به او خبر داد که مسلم در خانه آنهاست، و چون صبح فرا رسید، پسرش به نزد محمد بن الاشعث

رفت و او را از جای مسلم باخبر کرد، سپس دو نفری به نزد ابن زیاد رفتند و او را از موضوع مطلع

ساختند. ابن زیاد پنجاه نفر را برای دستگیری مسلم فرستاد. هنگامیکه مسلم صدای پای اسب‌ها را شنید از

خانه بیرون آمد و نبرد سختی با آنان

ص: ۱۲۹

آغاز کرد و ابن زیاد چون نبرد سرسختانه او را دید گروهی دیگر را نیز به یاری آنها فرستاد. هنگامیکه لشکریان ابن زیاد مشاهده کردند که مسلم بسیاری از آنان را کشته و یا از میدان به در برده است از این رو با تیراندازی و پرتاب سنگ و آتش به مقابله با او پرداختند، تا آنکه عاقبت مسلم زخمی شد و از ادامه نبرد عاجز شده به دیواری تکیه داد. در همین هنگام محمد بن اشعث جلو آمده و به او گفت:

ای جوان خود را به کشتن نده و بدان که ما به تو امان می‌دهیم و به تو دروغ نمی‌گوییم و به تو نیرنگ نمی‌زنیم، و بدان که این قوم عموزادگان تو هستند و هیچگاه تو را نخواهند کشت.

مسلم به سخنان آنان توجهی نکرد و به جنگ خود دلیرانه ادامه داد و لشکریان ابن زیاد چون چنین دیدند بر سر راه او گودالی کنده و سرآن را پوشاندند، سپس او را به سمت آن هدایت کرده درون گودال انداخته و دستگیر کردند و بالاخره به شهادت رساندند.

تاریخچه مرقد مسلم بن عقیل:

مرقد مسلم بن عقیل در جوار مسجد کوفه و در سمت شرق آن قرار دارد. بر بالای مرقد گنبدی طلایی قرار دارد و وزارت اوقاف عراق در سال ۱۹۶۰ م اقدام به توسعه صحن شریف واقع بین قبر مطهر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه نمود و رواق‌هایی در آنجا ساخت. در سال ۱۹۶۵ م مجدداً رواق اطراف ضریح توسعه یافت و دیوارهای داخلی حرم کاشیکاری و آینه کاری شد. در سفرنامه (ثیبور) آمده است که او از خلال سنگ نوشته‌ای که بر روی قبر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه بوده،

ص: ۱۳۰

دریافته است که محمد بن محمود رازی و ابوالمحاسن بن احمد شیرازی در سال ۶۸۱ هـ ق این مرقد را بنا کرده‌اند. همچنین او اضافه می‌کند که بانوی نیکوکار (عادلہ) دختر احمد پاشا و همسر والی سلمان پاشا دستور داد که دیوار شمال غربی مسجد کوفه را با هزینه شخصی خود بازسازی کنند (۱).

شیخ حرز الدین در کتاب المراقده جلد دوم صفحه ۳۰۹ می‌گوید: (تولیت مرقد مسلم بن عقیل جناب آقای شیخ طعمه کوفی پنجره دیگری را به ما نشان داد که تاریخ ساختن آن به سال ۱۰۵۵ هـ ق باز می‌گردد و در یکی از گوشه‌های آن نوشته شده است که این پنجره به نفقه بانوی نیکوکار (مادر آغاخان) ساخته شده است.

در ماه ربیع الاول سال ۱۲۳۲ هـ ق شخصی به نام حافظ محمد عبدالحی خان اقدام به بازسازی حرم نمود. سید محسن حکیم نیز دستور داد که پنجره‌هایی برای مرقد‌های مطهر حضرت ابوالفضل (ع)، مسلم بن عقیل، قاسم بن موسی بن جعفر و مقام امیرالمؤمنین (ع) در مسجد کوفه ساخته و نصب شود.

در سال ۱۳۸۴ هـ ق حاج محمد رشاد میرزا اقدام به تجدید بنای صحن و مرقد شریف نمود.

در سال ۱۳۸۷ هـ ق حاج محمد حسین رفیعی بهبهانی کویته بنا به دستور سید محسن حکیم اقدام به تذهیب گنبد مرقد مسلم بن عقیل نمود.

ص: ۱۳۱

۳. مرقد هانی بن عروه:

هانی بن عروه شیخ و رهبر قبیله (مراد) بود که چون در هنگام جنگ بر اسب می نشست چهار هزار سوار زره پوش و هشت هزار سرباز پیاده و نیز قبایل هم پیمان او از کنده و غیره گرداگردش را فرا می گرفتند که تعداد کل آنها بالغ بر سی هزار سرباز زره پوش می شد (۱). در تاریخ طبری آمده است که چون ابن زیاد از وجود مسلم بن عقیل در خانه هانی مطلع شد به دنبال او فرستاد و مسلم را از او مطالبه کرد. هانی گفت: مسلم میهمان من است و من هیچگاه او را از خانه خود بیرون نخواهم کرد. زیاد گفت: آیا فکر نمی کنی که پدرم بر پدرت حقی دارد، زیرا که معاویه را از کشتن او باز داشت، و حال تو چنین می گویی؟ هانی گفت: حال نیز من از تو می خواهم که حقی بر گردن من داشته باشی و جان کسی را که میهمان من است حفظ کنی و من قول می دهم که او را از کوفه بیرون برم. ابن زیاد چون این سخن شنید خشمگین شد و با تازیانه بر صورت هانی نواخت و بینی او را شکست. سپس دستور داد تا هانی را به زندان اندازند.

در روایتی دیگر گویند: ابن زیاد به هانی گفت: تو خوب می دانی که پدرم تمامی شیعیان، بجز پدرت را کشت، و تو را گرامی می داشت و حتی در طی نامه ای به امیر کوفه رعایت حال تو را توصیه کرد، حال پادشاه این کارها را چنین می دهی و مردی را در خانه خود پناه داده ای که قصد دارد مرا بکشد.

ص: ۱۳۲

هانی گفت: من چنین کاری نکرده ام!

پس ابن زیاد غلام هانی را که معقل نام داشت فراخواند، و چون هانی غلام خود را دید در بهت و حیرت فرو رفت. آنگاه به ابن زیاد گفت: تو نسبت به من نیکوکار بوده‌ای و من اکنون می‌خواهم که نیکی‌های تو را جبران کنم.

ابن زیاد گفت: چگونه؟

هانی گفت: اجازه می‌دهیم که تو و خانواده‌ات به همراه اموالت سالم به شام بروی، چرا که شخصی عازم این دیار است که از تو و صاحب تو به خلافت سزاوارتر است. ابن زیاد گفت: هانی را به نزد من آورید.

سپس با قضیبی آهنین (تازیانه) که در دست داشت ضربه‌ای محکم بر صورت هانی نواخت. هانی نیز بسوی نگهبانی که شمشیر به دست در کنارش ایستاده بود یورش برد تا شمشیر را از دست او بیرون آورد اما نگهبان مقاومت کرد و شمشیر را به او نداد. برخی گفته‌اند که هانی با شمشیر بسوی ابن زیاد یورش برد و زخمی کاری بر او زد و نگهبانان به یکباره بر او یورش برده و او را دستگیر کردند (۱). چون خبر به آل مذحج رسید، همگی بسوی قصر ابن زیاد یورش بردند و چون ابن زیاد این حالت را دید از خشم جمعیت ترسیده و دستور داد که هانی را در اتاق مجاور مجلس خویش زندانی کنند و سپس به شریح قاضی دستور داد که به بالای قصر

ص: ۱۳۳

برود و از همان جا با مردم سخن گوید تا آرام شوند، شریح نیز به بالای قصر رفته و چنین گفت: (ای مردم پراکنده شوید! و بدانید که شایعه کشته شدن سرورتان شایعه‌ای باطل و نادرست است، و او هم اکنون در کمال احترام در محضر امیر عبدالله بن زیاد است و امیر را نسبت به او نیت سوئی نبوده و به زودی در کمال عزت و احترام به شما ملحق خواهد شد).

مردم چون این سخنان را شنیدند متفرق شدند.

عبید الله بن زیاد در روز ۹ ذی حجه سال ۶۰ هـ ق پس از کشته شدن مسلم بن عقیل، دستور داد که هانی بن عروه را از زندان بیرون آورده و در بازار گوسفند فروشان کوفه گردن بزنند و سپس جسد مطهر او را همراه با جسد مسلم بن عقیل در بازارهای کوفه بگردانند.

ابن زیاد سرهای مسلم بن عقیل و هانی را به نزد یزید فرستاد و آل مذحج جنازه‌ها را از او گرفته و هردو را در نزدیکی مسجد کوفه به خاک سپردند.

شیخ حرز الدین در کتاب المراقده در باره قبر هانی می‌گوید: (مرقد او در پشت مسجد کوفه و در جوار زاویه شمال شرقی مسجد قرار دارد و حرم و رواقهای متعددی دارد که تمامی زیارت کنندگان مسلم به زیارت او نیز می‌شتابند و بر بالای حرم او گنبد بزرگی با کاشیکاری فیروزه‌ای ساخته شده است (۱)).

ص: ۱۳۴

۴. مرقد مختار ثقفی:

مختار ثقفی یکی از خون‌خواهان امام حسین (ع) و یاران او بود که بر علیه بنی امیه قیام کرد و توانست افراد بسیاری را که در قتل آن حضرت دخیل بودند دستگیر نموده و به مجازات برساند. علامه امینی در کتاب خود الغدیر مطالب با ارزشی درباره مختار نوشته و او را یکی از بزرگان دین و مخلص و وفادار دانسته و اینکه نهضت مبارک وی تنها برای اقامه عدل و ریشه کنی ملحدان و مقاومت در برابر ظلم اموی‌ها بوده است، و اینکه او را متهم به مذهب کیسانی^(۱) کرده‌اند و یا سایر تهمت‌های وارده، به هیچ وجه صحت نداشته و ائمه اطهار (ع) و از جمله امام سجاد (ع)، امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بر او ترحم نموده‌اند و بویژه امام باقر (ع) او را مدح کرده است.^(۲) گویند پس از حماسه کربلا، ابن زیاد بسیاری از شیعیان و از آن جمله مختار ثقفی و میثم تمار را به زندان افکند و قصد داشت که آنان را به شهادت برساند، اما چندی نگذشت که پیکی از جانب یزید بن معاویه رسید و به ابن زیاد دستور داد که مختار را بعلت شفاعت قومش آزاد سازد و میثم در زندان به مختار می‌گفت: (به زودی آزاد خواهی شد و به خون‌خواهی امام حسین (ع) قیام خواهی کرد و ابن زیاد را که در سر هوای کشتن تو را دارد، خواهی کشت).

۱- کیسانیه یکی از فرقه‌های شیعه است که پس از امام حسین (ع) به امامت محمد بن الحنفیه فرزند رشید حضرت علی (ع) معتقد شدند.

۲- (۲) علامه امینی، الغدیر ج ۲ ص ۳۴۳

ص: ۱۳۵

سپس علامه امینی ادامه می‌دهد:

بزرگان شیعه و از جمله شهید اول او را گرامی داشتند و شهید اول در کتاب (مزارات) زیارتی مخصوص به او را ذکر می‌کند که نشان دهنده محبت مختار نسبت به امام زین العابدین (ع) است و اینکه وی جان خود را بر سر راه رضایت ائمه اطهار و یاری این خاندان پاک داده است.

ظاهراً قبر مختار در دوره‌های پیشین از مزارهای مشهور شیعه در کوفه بوده و بر بالای آن گنبدی قرار داشته و ابن بطوطه، در سفرنامه معروف خود، در این باره چنین می‌گوید:

(در طرف مغرب قبرستان کوفه جایی را دیدم که در آن چیزی به رنگ سیاه تند در میان زمینه سفیدی جلب نظر می‌کرد گفتند قبر ابن ملجم شقی است که مردم کوفه همه ساله هیزم فراوان بدانجا می‌برند و هفت روز آتش بر گور او می‌افروزند. در نزدیکی قبر ابن ملجم گنبدی است که می‌گویند مدفن مختار بن ابی عیبه است) شیخ حرز الدین در کتاب المراقده می‌گوید: (قبر مختار در زاویه محل اتصال قصر دارالاماره و مسجد کوفه واقع شده است و قبر او به مرور زمان مخروبه و از دیده‌ها مخفی شده بود تا اینکه عاقبت عالم ربانی بزرگوار سید محمد مهدی بحر العلوم در هنگام تتبع آثار باقیمانده مسجد کوفه در اطراف، به سنگ قبری برخورد کرد که نام و نسب مختار بر آن نقش بسته بود. در اوایل روزگار ما مدخل قبر مختار از حجره‌ای بود که در زاویه جنوب شرقی مسجد کوفه واقع شده بود، اما در این اواخر تاجری به نام حاج محسن بن عبود شلاش خفاجی نجفی با کمک تنی چند

ص: ۱۳۶

از علمای نجف اشرف، حرمی برای مختار ساخته و آن را به جنوب رواق و حرم مسلم بن عقیل ملحق ساخت و برای قبر او پنجره‌ای جدید ساخت. (۱)

۵. مرقد میثم تمار:

میثم تمار یکی از اصحاب خاص حضرت علی (ع) بود که در روز بیستم ذی حجه سال ۶۰ ه ق، توسط ابن زیاد به شهادت رسید. مرقد او در فاصله سیصد متری مسجد کوفه و در مسیر جاده کوفه به نجف قرار دارد. ساختمان فعلی مرقد به تازگی بازسازی شده است و بر روی قبر صندوقی چوبی و پنجره‌ای نصب شده است. بر بالای حرم گنبدی بلند قرار دارد که کاشیکاری شده است و در اطراف آن رواق وسیعی وجود دارد و در سمت ضریح ایوان بزرگی است که سیمانکاری شده و در وسط صحن وسیعی قرار گرفته است.

عبید الله بن زیاد پس از به شهادت رساندن مسلم و هانی بن عروه، میثم تمار و مختار را دستگیر نموده و به زندان انداخت، اما چندی نگذشت که بستگان همسر مختار شفاعت او را در نزد یزید کردند و یزید پیکری را به نزد ابن زیاد فرستاد تا مختار را آزاد کنند و در همان نامه از ابن زیاد خواسته شده بود که میثم را به دار آویزند. ابن زیاد نیز دستور داد او را بر چوبه داری که نزد خانه عمرو بن حریث برپا شده بود ببندند، اما با این همه حال میثم همچنان به ذکر فضایل علی (ع) گویا بود و مردم گرداگرد او جمع می‌شدند. چون این خبر را به ابن زیاد دادند، دستور

ص: ۱۳۷

داد که بر دهان او لجام ببندند و او اولین کس در اسلام است که بر دهانش لجام بسته شد، و چون سه روز از این واقعه گذشت، به او نیزه‌ای زدند و او تکبیری گفت و به شهادت رسید.

روزی حضرت علی (ع) به میثم فرمود: ای میثم تو را دستگیر خواهند کرد و به صلابه خواهند کشید و در روز سوم با نیزه‌ای به تو ضربه خواهند زد و ریش و محاسنت خون‌آلود خواهد شد. محل دار زدن تو در نزدیکی خانه (عمرو بن حریث) خواهد بود و در کنار توده نفر دیگر نیز به دار آویخته خواهند شد و چوبه‌دار تو از همه آنها کوتاهتر خواهد بود و به ساحل رودخانه نزدیکتر خواهد بود.

میثم در بازار کوفه مغازه خرما فروشی داشت و هر بار که عمرو بن حریث را می‌دید به او می‌گفت: به زودی همسایه‌ات خواهم شد، پس حق همجواری را درباره من مراعات کن.

عمرو بن حریث منظورش را متوجه نمی‌شد و می‌پرسید: آیا می‌خواهی خانه ابن مسعود را بخری یا ابراهیم حکیم را؟

در سال ۱۳۸۸ ه ق، ۱۹۶۸ م حاج محمد رشاد میرزای نجفی اقدام به بازسازی مرقد میثم تمار نموده و حرم و گنبد بلند آن را ساخته و با کاشیکاری مزین نمود و در کنار مرقد او رواقهایی برای زائرین ساخته و در گرداگرد مرقد صحن بزرگی متناسب با گنبد بلند آن ساخت.

ص: ۱۳۸

۶. مسجد سهله:

مسجدی قدیمی است که در سمت شمال غربی کوفه قرار گرفته و فاصله آن تا مسجد کوفه دو کیلومتر است و تا کنون بارها بازسازی شده است و از صحنی وسیع به ابعاد ۱۴۰ متر در ۱۲۵ متر و با دیواری مرتفع تشکیل گردیده و در آن محرابهای متعددی قرار دارد که منسوب به معصومین (ع) است و در میانه سمت جنوب مسجد جایگاه بزرگی است که بر روی گنبدی قرار دارد و به مقام حضرت حجت (ع) مشهور است.

این مسجد مورد اهتمام و توجه ائمه اطهار (ع) قرار داشته و احادیث فراوانی درباره آن رسیده است. امام زین العابدین (ع) فرمود: (من صلّی فی مسجد السهله رُکعتین، زاد الله فی عمره سنتین) یعنی هر که در مسجد سهله دو رکعت نماز گذارد، خداوند دو سال به عمر او بیافزاید.

امام باقر (ع) می فرماید: (مسجد سهیل الذی لم یبعث الله نبیاً إلا و قد صلّی فیه، و فیها یظهر عدل الله، و فیها یکون قائمه و القوام من بعده و هی منازل النبیین والأوصیاء والصالحین) (۱).
یعنی مسجد سهیل مسجدی است که خداوند پیامبری را مبعوث نکرده است مگر آنکه در آن نماز خوانده باشد. از همین مسجد عدل الهی ظاهر خواهد شد و قائم در آن خواهد بود و قائمان بعد از وی نیز در آن خواهند بود. این مسجد منزل پیامبران و صالحین است.

ص: ۱۳۹

و در جای دیگر امام صادق (ع) فرمود: (إذا دخلت الكوفه، فأنت مسجد السهله فصلّ فيه وأسأل الله حاجتك لدينك و دنيائك فإنّ مسجد السهله بيت إدریس النبی الذی كان یخیط فيه ویصلی فيه، ومن دعا الله فيه بما أحب، قضی له حوائجه ورفعه يوم القيامة مكاناً علیاً إلى درجه إدریس واجاره من مكروه الدنيا ومكاید أعدائه (۱)) (یعنی چون به کوفه در آمدی، به مسجد سهله برو و در آن نماز بخوان و از خدا بخواه تا حاجت دین و دنیای تو را بر آورده سازد، به درستی که مسجد سهله خانه حضرت ادریس است و آن حضرت در این محل به کار خیاطی مشغول بود و در همان جا نیز نماز می خواند، و هر که در آن چیزی را از خداوند بخواهد، حاجتش را بر آورده سازد و در روز قیامت جایگاه او را همانند جایگاه ادریس نبی قرار دهد و از حوادث ناگوار و توطئه دشمنانش بازدارد.

از اعمال این مسجد است که آدمی باید بعد از نماز مغرب شبهای چهارشنبه به این مسجد برود و دو رکعت نماز برای قضای حاجت خود بجای آورد و سپس این دعا را بخواند:

(أنت الله لا إله إلا أنت مبدئ الخلق ومعيدهم، وأنت الله لا إله إلا أنت خالق الخلق ورازقهم، وأنت الله لا إله إلا أنت القابض الباسط، وأنت الله لا إله إلا أنت مُدبّر الأمور وباعث من فی القبور، أنت وارث الأرض ومن عليها، أسألك بأسمك

۱- مستدرک الوسائل، باب استحباب الصلاه فی مسجد السهله، ج ۳، ص ۴۱۳، شماره ۳۹

و نیز بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۶ حدیث ۱۷۷ و ص ۳۸۱ حدیث ۱۹۱ به نقل از الغیبه شیخ طوسی ج ۹۷ ص

۴۴۰ حدیث ۱۷ به نقل از کامل الزیارات

ص: ۱۴۰

المخزون المكنون الحى القيوم، وأنت الله لا إله إلا أنت عالم السر وأخفى، أسألك بأسمك الذى إذا دُعيت به أُجبت وإذا سُئلت به أعطيت، وأسألك بحقك على محمد وأهل بيته، وبحقهم الذى أوجبه على نفسك أن تُصلّى على محمد وأهل بيته، وأن تقضى لى حاجتى الساعه الساعه يا سامع الدعاء، ياسيداه، يا مولاه، يا غياثاه، أسألك بكل اسم سميت به نفسك، أو استأثرت به فى علم الغيب عندك أن تُصلّى على محمد وآل محمد، وأن تُعجل فرجنا الساعه يا مقلب القلوب والأبصار يا سميع الدعاء).

۷. مسجد صعصعه بن صوحان:

یکی از مساجد متبرکه و بسیار قدیمی است که در کنار مسجد سهله و مسجد زید بن صوحان قرار دارد. صعصعه بن صوحان یکی از یاران وفادار و مخلص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بود. این مسجد (پس از این رو به ویرانی نهاده بود) و اخیراً تعمیرات زیادی در آن انجام شده است. نماز خواندن و دعا کردن در این مسجد بسیار مستحب است و بویژه بر خواندن دعائی که صعصعه بن صوحان در نماز شب می خوانده تأکید شده است.

برخی را گمان بر اینست که صعصعه در کوفه مدفون باشد اما در حقیقت صعصعه را با معاویه تنش ها و درگیری های فراوانی بود که باعث شد مغیره بن شعبه به دستور معاویه او را از کوفه به (جزیره) و یا (بحرین) و یا جزیره (ابن کافان) تبعید کند و او در همان جا درگذشت (۱).

۱- ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۳، ص ۲۰۰

ص: ۱۴۱

در کتاب الاستیعاب آمده است که صعصعه بن صوحان در زمان پیامبر کودکی بیش نبود و موفق به زیارت پیامبر نگردید. او مردی فاضل، دیندار و سخنوری بلیغ و از اصحاب نزدیک حضرت علی (ع) بود. در کتاب رجال کشی آمده است که: چون معاویه به کوفه درآمد تعدادی از اصحاب نزدیک حضرت علی (ع) که امام حسن (ع) برای ایشان امان‌نامه دریافت کرده بود بر معاویه وارد شدند و چون صعصعه بر معاویه وارد شد، معاویه گفت: به خدا سوگند که خوش نداشتم روزی را بینم که تو با امان‌نامه بر من وارد شوی.

صعصعه گفت: به خدا سوگند که من نیز خوش نداشتم که روزی بعنوان امیرالمومنین بر تو سلام کنم. سپس بر او سلام کرد.

معاویه گفت: اگر راست می‌گویی بر بالای منبر برو و علی (ع) را لعن کن.

پس صعصعه بر بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی چنین گفت: (ای مردم من اکنون از نزد مردی می‌آیم که شر خود را پیشاپیش فرستاده و کار خیر خود را به تأخیر انداخته است و او به من دستور داده که علی (ع) را لعن کنم، پس او را لعن کنید که خدا او را لعن کند). پس همه اهل مسجد آمین گفتند.

معاویه گفت: به خدا سوگند که منظور تو لعنت کردن من بود، پس باید دوباره بر بالای منبر بروی و او را نام برده و سپس لعنت نمایی. پس صعصعه دوباره بالای

ص: ۱۴۲

منبر رفت و گفت: ای مردم امیرالمومنین معاویه مرا فرمان داده که علی بن ابی طالب (ع) را لعن کنم، پس او را لعن کنید.

این بار نیز مردم آمین گفتند و باز معاویه گفت: به خدا سوگند که این بار هم منظور او من بودم، او را از اینجا بیرون کنید و اجازه ندهید که در شهری که من در آن هستم سکونت اختیار کند، پس او را از شهر کوفه بیرون کردند.

صعصعه در پایداری برحق استوار و در مبارزه با ستمکاران پابرجا و محکم بود و در روایات آمده است که روزی صعصعه بن صوحان بیمار شد و حضرت علی (ع) به عیادت او رفت و به او گفت: ای صعصعه مبادا که عیادت من از تو باعث فخر گردنت بر قوم و خویشان گردد.

صعصعه گفت: ای امیر مؤمنان هرگز چنین نیست، بلکه عیادت تو ذخیره و اجر آخرت من است.

حضرت علی (ع) فرمود: به خدا قسم که تو دوستی کم خرج هستی ولی در عوض یاری دهنده بزرگی هستی.

صعصعه جواب داد: ای امیر مؤمنان به خدا سوگند که به خداوند عالم تری، و خداوند در چشمت بزرگ و عظیم است و تو در کتاب خداوند حکیم هستی و تو نسبت به مؤمنین رئوف و رحیم هستی.

در کتاب تهذیب الکمال آمده است که: (صعصعه در جنگ صفین در کنار امیرالمؤمنین (ع) بود و یکی از فرماندهان حضرت به شمار می‌رفت، و اما در جنگ جمل او و دو برادرش زید و سبحان حضور داشتند و در بین این سه برادر سبحان

ص: ۱۴۳

خطیب بود و پرچم نیز در دست او بود و چون به شهادت رسید زید برادر دیگرش پرچم را به دست گرفت و چون او نیز به شهادت رسید، صعصعه پرچم را به دست گرفت. او در روزگار معاویه در کوفه در گذشت.

در شبی که حضرت علی (ع) از دنیا رحلت فرمود فرزندان آن حضرت جنازه مطهرش را از کوفه به نجف حمل نمودند و صعصعه از جمله مشیعیان بود و چون از کار دفن آن حضرت فارغ شدند صعصعه نزد قبر مقدس ایستاد و مشتی از خاک برگرفت و بر سر خود ریخت و گفت: پدر و مادرم فدای تو باد ای امیرالمؤمنین گوارا باد تو را کرامت‌های خدا، ای ابوالحسن! به راستی که مولد تو پاکیزه بود و صبر تو قوی و جهاد تو عظیم و تو به آنچه آرزو داشتی رسیدی و تجارتی سودمند کردی و به نزد پرورگار خود رفتی و از این نوع کلمات بسیار گفت و گریه سختی کرد و سایرین را نیز به گریه در آورد و او در حقیقت سر قبر آن حضرت و در آن شب مجلس روضه منعقد کرد و در آن صعصعه روضه خوان بود و مستمعین امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و ابوالفضل العباس (ع) و محمد بن الحنفیه و سایر فرزندان و بستگان آن حضرت بودند و چون این کلمات به پایان رسید روی به جانب امام حسن و امام حسین (ع) و سایر آقا زادگان کردند و ایشان را تعزیت و تسلیت گفتند و سپس جملگی به کوفه مراجعت نمودند.

شیخ حرز الدین در کتاب المراقده می گوید: قبر صعصعه بن صوحان در منطقه (الثویه) در نجف واقع شده است و برخی از بحرینی‌ها به من گفتند که در سرزمین ما قبر مشهور و معروفی است که می گویند قبر صعصعه بن صوحان است.

ص: ۱۴۴

این قبر در جزیره عسکر قرار دارد و در نزد عامه مسلمانان چه شیعه و چه سنی مورد احترام و تقدیر است.
(۱)

۸. مسجد زید بن صوحان:

مسجد زید (۲) بن صوحان یکی دیگر از مساجد شریف کوفه است و منسوب به زید بن صوحان است که از بزرگان اصحاب امیرالمؤمنین (ع) بوده و یکی از ابدال روزگار به شمار می‌رفته است که در جنگ جمل در رکاب امیرالمؤمنین به فیض شهادت نائل شده است و شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان دعائی را نقل می‌کند و اظهار می‌دارد که این دعا دعای زید بن صوحان بوده است که در نماز شب می‌خوانده است و شایسته است که این دعا پس از خواندن دو رکعت نماز تحیت در مسجد زید خوانده شود:

إِلَهِي قَدْ مَدَّ إِلَيْكَ الْخَاطِئُ الْمَذْنِبُ يَدِيهِ بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِكَ إِلَهِي قَدْ جَلَسَ الْمَسِيءُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُقَرَّراً لَكَ بِسُوءِ عَمَلِهِ وَرَاجِئاً مِنْكَ الصَّفْحَ عَنِ زَلَلِهِ إِلَهِي قَدْ رَفَعَ إِلَيْكَ الظَّالِمُ كَفِّيهِ رَاجِئاً لِمَا لَدَيْكَ فَلَا تُخَيِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ فَضْلِكَ إِلَهِي قَدْ جِئْتُ الْعَائِدُ إِلَى الْمَعَاصِي بَيْنَ يَدَيْكَ خَائِئِفاً مِنْ يَوْمٍ تَجُثُّ فِيهِ الْخَلَائِقُ بَيْنَ يَدَيْكَ إِلَهِي جَاءَكَ الْعَبْدُ الْخَاطِئُ فِرْعَاً مُشْفِئاً وَرَفَعَ إِلَيْكَ طَرْفَهُ حَذِراً رَاجِئاً وَفَاضَتْ عِبْرَتُهُ مُسْتَغْفِراً نَادِماً وَ

۱- حرزالدین، مراقد العارف ج ۱ ص ۴۰

۲- (۲) زید برادر صعصه

ص: ۱۴۵

عِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ مَا أَرَدْتُ بِمَعْصِيَتِي مُخَالَفَتَكَ وَ مَا عَصَيْتُكَ إِذْ عَصَيْتُكَ وَ أَنَا بِكَ جَاهِلٌ وَ لَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَ لَا لِنَظْرِكَ مُسْتَخَفٌّ وَ لَكِنْ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَ أَعَانَتْنِي عَلَى ذَلِكَ شَقَوَاتِي وَ غَرَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْخِي عَلَى فَمِنَ الْأَنْ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي وَ بِحَبْلِ مَنْ أَعْتَصِمُ إِنْ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَيَأْسُوأَتَاهُ غَدًا مِنْ الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ إِذَا قِيلَ لِلْمُخَفِّينَ جُوزُوا وَ لِلْمُثْقَلِينَ حُطُّوا أَفَمَعَ الْمُخَفِّينَ اجْزُوا مَعَ الْمُثْقَلِينَ أَحِطُّ وَيَلِي كُلَّمَا كَبَّرَ سِنِّي كَثُرَتْ ذُنُوبِي وَيَلِي كُلَّمَا طَالَ عُمْرِي كَثُرَتْ مَعَاصِي فَكَمْ أَتُوبُ وَ كَمْ أَعُودُ أَمَا أَنْ لِي أَنْ اسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي اللَّهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ خَيْرَ الْغَافِرِينَ

۹. خانه امام علی (ع):

این خانه در زمین مرتفعی قرار دارد و در مجاورت باروی غربی دارالاماره قرار دارد و بسیاری از شیعیان به زیارت آن می‌روند. خانه مذکور در اصل منزل مسکونی (ام هانی) خواهر حضرت علی (ع) بود که حضرت پس از انتقال به کوفه آن را منزل خود قرار داد. این خانه در بیرون مسجد کوفه و در زاویه جنوب غربی آن قرار دارد. ساختمان کنونی آن گرچه قدیمی نیست لیکن در محل همان خانه حضرت ساخته شده است (۱).

۱- از خانه تا مسجد ۲۰ متر فاصله است و چندین اتاق برای هر یک از اولاد امام علی (ع) وجود دارد.

ص: ۱۴۶

۱۰. مرقد خدیجه دختر حضرت علی (ع):

این مرقد در مقابل مسجد کوفه قرار دارد و گویند که مغازه خرما فروشی میثم تمار که از خواص یاران حضرت علی (ع) بود در این مکان قرار داشته است.

۱۱. مرقد اولاد الحسن (ع):

شامل قبور تعدادی از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) است و این مرقد در جاده قدیمی کوفه به مسجد سهله قرار دارد.

۱۲. مرقد سید ابراهیم عمر:

سید ابراهیم فرزند حسن المثنی پسر امام حسن مجتبی (ع) است و مرقد وی در محله (حی کنده) و در سمت مغرب قبر میثم تمار و نزدیک جاده اصلی کوفه به نجف قرار دارد. او جد سادات طباطبایی است.

۱۳. قصر دارالاماره:

این بنا قدیمی ترین بنای اسلامی عراق است که در سال ۱۷ ه ق بوسیله سعد بن ابی وقاص و پس از ساختمان مسجد کوفه ساخته شد. دارالاماره ساختمانی مربع شکل به ابعاد ۱۱۰ / ۳۶ متر و ۱۱۰ / ۲۴ متر است که امروزه تنها پایه ها و برخی دیوارهای فرو ریخته آن باقی مانده است. این قصر یکی از ساختمانهای عبرت انگیز روزگار است. در این قصر مسلم به شهادت رسید و سر مبارک امام حسین (ع) و شهدای کربلا به نمایش گذاشته شد و چندی نگذشت که سرهای قاتلان آن

ص: ۱۴۷

بزرگواران از سوی مختار ثقفی و یارانش به نمایش در آمد و باز چندی نگذشت که سر مختار ثقفی را نیز بریدند و در آن به نمایش در آوردند (۱).

۱۴. مسجد و مقام یونس (ع):

اشاره

این جایگاه که امروزه شکل و هیئت مسجد دارد، در میان عامه مردم به غلط به آرامگاه حضرت یونس بن متی (ع) شهرت یافته است. این مقام در کنار رودخانه فرات و در فاصله یک کیلومتری مسجد کوفه واقع است. نام قدیمی این مسجد الحمراء است و شیعیان را به این مسجد اعتقادی نیست. علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار (۲) به نقل از شیخ طوسی در کتاب الامالی (۳) از حضرت علی (ع) روایت می کند که فرمود: در کوفه مساجد مبارک و مساجد ملعون وجود دارند و از مساجد ملعون مسجد الحمراء است که بر روی قبر ستمکاری از ستمکاران ساخته شده است. مجلسی گوید: ظاهراً منظور از مسجد الحمراء همان مسجدی است که امروزه به نام مسجد یونس (ع) معروف است و گفته می شود قبر حضرت یونس (ع) در آن قرار گرفته است ولی هیچگونه سندی ندیده ایم که قبر آن حضرت در

-
- ۱- این قصر توسط نخستین حاکم کوفه سعد بن ابی وقاص ساخته شده و پس از آن حاکمان این مکان بجز علی (ع) برای حکومت در آن استقرار یافتند (ویراستار)
 - ۲- (۲) علامه مجلسی، بحار الانوار (ج ۱۰۰ ص ۴۳۹)
 - ۳- (۳) شیخ طوسی، الامالی، ص ۱۷۱

ص: ۱۴۸

آنجا باشد، از سوی دیگر گفته می‌شود که آرامگاه حضرت یونس (ع) در شهر موصل بر بلندای تپه‌ای قرار دارد و دارای گنبد و صحن و سرا است.

شهر کفل:

این شهر در فاصله سی و پنج کیلومتری شمال شرق کوفه و در مسیر بزرگراه نجف بغداد قرار دارد، شهر کوچکی است و نام خود را از قبر حضرت ذی الکفل (ع) که یکی از بزرگان پیامبران بنی اسرائیل است و در این شهر مدفون است گرفته است.

برخی از منابع اسلامی نام عبری وی را (عویدایا بن إدريم) و برخی دیگر او را (بشر بن ایوب) و برخی (یهودا بن یعقوب بن اسحاق نبی) دانسته‌اند. قرآن کریم در دو جا از وی نام برده است که عبارتند از آیه ۸۵ سوره انبیاء که می‌فرماید: (وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ) و آیه ۴۸ سوره ص که می‌فرماید: (وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ). برخی نیز معتقدند که نام این پیامبر حزقیل یا حزقیال است و بعثت آنکه کفالت قوم یهود را در دوران اسارت در بابل به عهده داشت، به نام ذو الکفل معروف شده است. این پیامبر نزد قوم یهود از مقام والایی برخوردار است، زیرا توانست تورات حضرت موسی (ع) را پس از آتش گرفتن هیکل حضرت سلیمان در اورشلیم از سوی بخت نصر، مجدداً بازنویسی کند. تا سالهای پیش از دهه پنجاه میلادی، هر ساله در ماه ژوئن، هزاران یهودی برای زیارت آرامگاه او به این شهر کوچک می‌آمدند و به مدت یک هفته مراسم مذهبی انجام می‌دادند. ساختمان آرامگاه از دوران مغول است و دارای

ص: ۱۴۹

گنبدی است مخروطی و کنگره دار. در قسمتی از آرامگاه، مسجدی کهن با گلدسته‌ای برافراشته از همان دوران وجود دارد. در گوشه و کنار این آرامگاه، قبور بسیاری از بزرگان یهود دیده می‌شود. بر روی دیوار آرامگاه سنگ نوشته‌ای به خط عبری و بسیار قدیمی وجود داشت که پس از اشغال عراق توسط نیروهای آمریکایی، مفقود گردید.

امروزه شهر کفل مرکز بخشداری الکفل در استان بابل عراق بوده و در وسط راه حله به کوفه قرار دارد. نام این شهرک در معجم البلدان حموی (برملاحه) است.

در مدخل جنوبی شهر کفل و در میان نخلستانها، آرامگاه رشید هجری یکی از یاران و شاگردان باوفای امیرالمؤمنین علی (ع) قرار دارد. وی در دوران معاویه به جرم پایداری در دوستی و محبت به امیرالمؤمنین (ع) و به دستور معاویه به شهادت رسید.

همچنین در شرق شهر کفل جایگاه شهادت زید بن علی (ع) قرار دارد، که در سال ۱۲۰ هـ ق و پیرو قیام فراگیرش علیه خلفای ظالم و ستمکار بنی امیه، در حین جنگ به شهادت رسید و توسط یارانش به خاک سپرده شد، اما دشمنانش گور او را شکافته و جسد مطهر وی را بیرون آوردند و سرش را بردند و جسد مبارکش را آتش زدند. امروزه در جایگاه دفن نخستین او آرامگاهی با شکوه ساخته شده و زیارتگاه مردم است.

ص: ۱۵۰

خلاصه درس فصل دوم:

شهر مقدس نجف در حاشیه فلات غربی عراق و در جنوب غربی بغداد واقع شده است و فاصله آن تا بغداد ۱۶۰ کیلومتر است. نجف در زبان عربی به معنی مکان مستطیل محصور و بلندی است که آب نمی تواند آن را فرا گیرد و جمع آن (نجاف) است. برخی نیز معنی نجف را (تل) یا (تپه) ذکر کرده اند. اما (وادی السلام) به معنی دشت سلامتی است و این نام در برخی از احادیث اهل بیت (ع) بر این منطقه اطلاق شده است که در حال حاضر این نام به گورستان معروف شهر نجف اطلاق می گردد که آرامگاه بسیاری از بزرگان و علمای شیعه می باشد. مساحت شهر در حدود ۱۳۳۸ کیلومتر مربع است، خیابان های آن پهن و مستقیم و ساختمان های آن مرتفع و بازارهای آن پهن و مرتب است مخصوصاً بازار بزرگ آن (السوق الکبیر) که از باروی شرقی شهر آغاز می شود و تا حرم مطهر حضرت علی (ع) ادامه می یابد. این شهر تاریخی کهن دارد و در دوران حکومت (منذریان) یا (پادشاهان حیره) که کارگزاران امپراتوری ساسانی بودند، منطقه نجف به عنوان بیلاق مورد استفاده قرار می گرفت و به علت آب و هوای مناسب، برخی از پادشاهان حیره قصرها و منازل در آن منطه ساخته بودند. شاپور برای جلوگیری از حمله اعراب بادیه نشین اقدام به حفر خندقی در ناحیه غربی شهر نجف نمود که بقایای این خندق بین نجف و کربلا همچنان پابرجا است و امروزه (بکری سعه) نامیده می شود. قبل از فتح مسلمانان تعدادی از دیرها و کلیساهای مسیحی در این منطقه بنا شده بود. پس از دفن

ص: ۱۵۱

حضرت علی (ع) در سال ۴۰ ه. ق تا مدت‌ها محل قبر آن حضرت ناشناخته و مخفی بود اما با این وجود اهل بیت (ع) و شیعیان خاص آنان که از محل دقیق دفن آن حضرت آگاه بودند مخفیانه و گاهی اوقات شبانه به این منطقه آمده و قبر آن حضرت را زیارت می‌کردند. در سال ۱۳۵ ه. ق پس از برملا شدن محل دفن حضرت علی (ع) این منطقه به تدریج زیارتگاه عاشقان و شیفتگان آن حضرت گردید و رفته رفته برخی از شیعیان در اطراف آن مستقر شدند و هسته اولیه شهر پیریزی شد و بعدها با گذشت زمان توسعه یافت تا اینکه به شهر بزرگ و مشهوری مبدل شد.

نجف شهری فرهنگی است، علما و شعرای بسیاری از این شهر برخاسته‌اند و معمولاً در هر مدرسه‌ای از مدارس دینی نجف کتابخانه‌ای وجود دارد و قبل از به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق، شهر نجف یکی از مراکز مهم نشر کتاب‌های تشیع به‌شمار می‌رفته است.

در نجف اماکن زیارتی متعددی وجود دارد که از جمله آنان می‌توان از حرم مطهر حضرت علی (ع)، مرقد کمیل، مسجد حنانه، مقام هود و صالح و غیره نام برد. شهر کوفه در فاصله ده کیلومتری شهر نجف واقع شده است و در آن زیارت‌گاه‌هایی نظیر مسجد کوفه، حرم مسلم بن عقیل، مرقد هانی بن عروه، مرقد مختار ثقفی، مرقد میثم تمار و غیره وجود دارد.

ص: ۱۵۲

فصل سوم مسیر حرکت امام حسین (ع) به کربلا

اشاره

ص: ۱۵۳

مسیر حرکت کاروان امام حسین از مکه به کربلا

امام حسین (ع) پس از دریافت نام مسلم بن عقیل و احساس خطر از دژخیمان یزید، حج خود را به عمره تبدیل کرد و پس از انجام مراسم عمره از احرام بیرون آمد و در روز جمعه روز ترویبه (هشتم ذی الحجه سال ۶۰ ه. ق) پس از شصت و پنج روز اقامت در مکه به اتفاق حدود هشتاد و شش نفر مرد از اهل بیت، یاران و دوستان خود از مکه بیرون آمده و به سوی عراق رهسپار شد. در این مسیر امام حسین در بیست و یک منزل توقف نمود که به ترتیب نام منازل مذکور را به همراه تاریخ وصول آن حضرت بدان جا و مدت توقف حضرت در آن‌ها را به همراه حوادث واقع شده در آن منازل می‌آوریم:

۱. التعمیم:

این دشت بین سرف و مکه و در فاصله ۱۳ کیلومتری آن است و در آن درختانی وجود دارد که به نام درختان تعمیم معروف‌اند و در آن مساجد و مخازن آب وجود دارد و اهالی مکه که تصمیم به حج عمره بگیرند بدین جا رفته و احرام می‌بندند. امام در روز شنبه ۹ ذی حجه سال ۶۰ وارد منزلگاه التعمیم شد.

۲. الصفاح:

این کلمه جمع واژه (صفحه) است و نام زمینی بین وادی حنین و نخل الشرائع است و در حدود ۲۸ کیلومتر با مسجدالحرام فاصله دارد و در این منزلگاه حضرت امام حسین (ع) فرزدق شاعر را ملاقات کرد که از سوی عراق می‌آمد و از وی درباره اهل عراق پرسید و ایشان جواب داد: دل‌های آنان با شما و شمشیرهای آنان با بنی‌امیه است.

ص: ۱۵۴

۳. وادی عقیق:

حضرت امام حسین (ع) در روز سه‌شنبه ۱۲ ذی‌حجه سال ۶۰ ه. ق وارد وادی عقیق شد. این منزلگاه در غرب مدینه منوره و در فاصله ۲۸ کیلومتری مدینه قرار دارد و در این محل برخی برای حج احرام می‌بندند و به مکه نزدیکتر از ذوالحلیفه بوده است. (۱)

در این منزل عون و محمد، فرزندان عبدالله بن جعفر طیار و زینب کبری (س)، به او ملحق شدند و نامه پدرشان عبدالله بن جعفر را به امام حسین (ع) رساندند که در آن نامه از امام حسین (ع) درخواست کرده که از سفر به کوفه خودداری کند.

۴. وادی صفرا:

حضرت امام حسین (ع) در روز چهارشنبه ۱۳ ذی‌حجه وارد وادی صفرا شد وادی صفراء از اعمال مدینه است و در آنجا چشمه بزرگی وجود دارد که از درون شنزاره می‌جوشد. این چشمه را نُجَیر گویند و علت تسمیه این وادی به (صفرا)، کوه‌های زرد رنگی است که در این منطقه دیده می‌شوند و در این مکان دو تن از یارانش به نام‌های مجّع و عبّاد به ایشان پیوستند (۲).

۱- مقتل الحسین، مقرر، ص ۲۰۴، به نقل از معجم البلدان.

۲- (۲) بکری، ص ۱۵۷.

ص: ۱۵۵

۵. ذات‌العرق:

امام در روز پنجشنبه ۱۴ ذی‌حجه وارد ذات‌العرق شد و در آن‌جا با بشر بن غالب ملاقات کرد. و ذات‌العرق نام دشتی است که کنار کوهی به نام عرق قرار دارد. محل توقف اهالی فارس و خراسان قبل از رسیدن به مکه بوده است.

۶. حاجر بطن ارمه:

امام در روز جمعه ۱۵ ذی‌حجه وارد حاجر بطن ارمه شد و این منزلگاه وادی معروفی در مسیر راه مکه بود که اهالی بصره در هنگام عزیمت به مدینه در آن توقف می‌کردند و معمولاً محل تجمع اهل کوفه و اهل بصره بود و امروزه این منزلگاه در جنوب ریاض و شمال مستوره واقع شده است و در این منزل قیس بن مسهر صیداوی را به‌عنوان سفیر خود، همراه با نامه‌ای، به نزد اهل کوفه فرستاد، اما قیس پس از رسیدن به کوفه توسط لشکریان ابن‌زیاد دستگیر شده و به شهادت رسید.

۷. فید:

امام در روز شنبه ۱۶ ذی‌حجه وارد فید شد. فید نام منزلگاهی در بین راه مکه و بغداد بوده است که بعدها توسعه زیادی یافته و به شهر تبدیل شد و هنگامیکه که خلیفه دوم، سعد بن ابی‌وقاص را به فتح عراق گسیل نمود، وی به مدت یک‌ماه به همراه لشکریان خود در این منزلگاه اقامت گزید. ابن‌رسته در کتاب خود الاطلاق النفسیه ذکر می‌کند که این شهر در سال ۳۱۰ ه. ق شهری آباد بود و در آن مسجد جامع وجود داشته است و مردم آن از قبیله طی بوده‌اند.

ص: ۱۵۶

۸. احقر:

امام در روز یکشنبه ۱۷ ذی حجه وارد احقر شد و در آن جا عبدالله بن مطیع عدوی را ملاقات کرد.

۹. خُزیمیه:

امام در روز دوشنبه ۱۸ ذی حجه به خزیمیه رسید و خزیمیه یکی از منزلگاهان معروف حاجیان است که به نام (خزیمه بن خازم التیمی) نامیده شده است و بر اساس آنچه در تاریخ ذکر گردیده است، نخستین باری که زینب (س) با خبر اندوهبار شهادت برادر روبه‌رو گردید، در منزل خزیمیه بود.

امام حسین (ع) در مسیر حرکت خود از مکه به عراق یک شبانه‌روز در این منزل رحل اقامت افکند. هنگام صبح عقيله بنی‌هاشم، خدمت برادر رسید، عرض کرد: (ای برادر! آیا تو را از آنچه دیشب شنیدم با خبر نسازم؟) امام (ع) فرمود: (آن چیست؟) زینب گفت: (دیشب هنگامی که برای انجام کاری از خیمه خود خارج شدم، شنیدم هاتفی ندا می‌دهد: (ای چشم بسیار گریه کن و کیست که در آینده بر شهیدان بگرید بر گروهی که مرگ آنان را به‌سوی وعده‌ای معین به پیش می‌رانند!)

امام حسین (ع) فرمود: (ای خواهر! هر آنچه را که خداوند تقدیر کرده است، انجام خواهد شد.) (۱)

ص: ۱۵۷

۱۰. شقوق:

امام در روز چهارشنبه ۲۰ ذی حجه به شقوق وارد شد و در این منزل حضرت با مردی که از سوی کوفه می آمد مواجه شد و از وی اوضاع کوفه را جویا شد.

آن مرد عرض کرد: (یابن رسول الله! مردم عراق در مخالفت با شما متحد و هماهنگ گردیده و بر جنگ با شما هم پیمان شده اند. امام علیه السلام در پاسخ وی فرمود: (انَّ الْأَمْرَ لِلَّهِ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ) یعنی پیشامدها از سوی پروردگار است و آنچه خود صلاح بداند انجام می دهد. امام علیه السلام سپس اشعاری را به شرح زیر فرمودند:

فَإِنْ تَكُنُ الدُّنْيَا تَعُدُّ نَفْسَهُ فَإِنَّ ثَوَابَ اللَّهِ أَعْلَىٰ وَ أَنْبَلُ
وَ أَنْ تَكُنُ الْأَمْوَالُ لِلتَّرَكِّ جَمْعَهَا فَمَا بَالُ مَتْرُوكٍ بِهِ الْمَرْءُ يَبْخُلُ
وَ أَنْ تَكُنُ الْأَرْزَاقُ قِسْمًا مُّقْسَمًا فَقَلْبُهُ حِرْصُ الْمَرْءِ فِي الْكَسْبِ أَجْمَلُ
وَ أَنْ تَكُنُ الْأَبْدَانُ لِلْمَوْتِ أَنْشَاءً فَقَتْلُ امْرِئٍ بِالسَّيْفِ فِي اللَّهِ أَفْضَلُ
عَلَيْكُمْ سَلَامًا اللَّهُ يَا آلَ أَحْمَدَ فَإِنِّي أَرَانِي عَنْكُمْ سَوْفَ أَرْحَلُ

زندگی این جهان گرچه از نظر عده ای نفیس و پربهاست ولی خانه پاداش و جزا بالاتر و پربهاتر است. و اگر جمع آوری مال و ثروت برای این است که باید یک روز از آن دست برداشت پس مرد نباید برای چنین ثروتی بخل ورزد.

ص: ۱۵۸

و اگر روزیها مقدر و تقسیم شده است پس مرد در کسب ثروت هرچه کم آزرتر باشد بهتر است. و اگر این بدنها برای مرگ آفریده شده است پس کشته شدن مرد در راه خدا چه بهتر. درود بر شما ای خاندان پیامبر! که من به این زودی از میان شما خواهم رفت. (۱)

۱۱. زرود:

امام در روز پنجشنبه ۲۱ ذی حجه وارد منطقه زرود شد. زرود نام شنزاری بین ثعلبیه و خزیمیه و در حقیقت امتداد طبیعی صحرای (نفود) به شمار می رود. این منزلگاه در مسیر راه حجاج کوفه به مکه می باشد زرود در لغت عرب به معنی مکنده است و علت این تسمیه بدین خاطر بوده است که شنزارهای آن آب باران را به سرعت جذب می کرده است و در آن چاههای زیادی وجود دارد که آب آن ناگوار است. فاصله آن تا مدینه ۵۸۵ کیلومتر است. زهیر بن قین در این منطقه به جمع یاران امام پیوست. زهیر از لحاظ عقیده، عثمانی بود و علاقه ای به اهل بیت نداشت وی از بزرگان طایفه خود بود در کوفه زندگی می کرد و در میدانهای جنگ، رشادت هایی از خود نشان داده است. در سال شصت همراه خانواده اش به حج رفت و در مراجعت مسیر حرکت او با قافله امام حسین (ع) یکی گردید، منتها از این که با حضرت برخورد کند پرهیز می کرد به این نحو که اگر حضرت راه می رفت، او می ایستاد و اگر امام (ع) توقف می کرد او حرکت می نمود تا بالاخره در منزلی به ناچار هردو رحل اقامت افکندند، منتها با فاصله از همدیگر، زهیر با خانواده اش مشغول غذا خوردن بود که قاصد امام حسین (ع) آمد و چنین گفت: (ان

۱- سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، تألیف محمد صادق نجمی

ص: ۱۵۹

اباعبدالله الحسین (ع) بعثنی الیک لتاتیه) یعنی: (اباعبدالله (ع) مرا نزد تو فرستاده و از تو می خواهد که به دیدن ایشان بروی). با شنیدن این پیغام، لقمه غذا از دست همه افتاد و حالت تحیر و سکون به همه آنان دست داد زوجه زهیر گفت: چرا نشسته‌ای؟

زهیر حرکت کرد و شرفیاب حضور امام (ع) گشت، در این تشریف چه گفته و شنیده شد، تاریخ مطلبی را ضبط نکرده است، همین قدر آمده که زهیر با حالت خوشحالی و بشارت برگشت و اثاثیه خود را از سایر اثاثیه‌ها جدا کرد و حسینی شد. در شب عاشورا هم آن وقتی که امام (ع) بیعت خود را از اصحاب برداشت زهیر برخاست و گفت: (به خدا قسم! دوست دارم کشته شوم، بعد زنده شوم، باز کشته شوم و بعد زنده شوم تا هزار مرتبه، تا بدینوسیله خداوند متعال، مرگ را از شما و از جوانان این خاندان دفع کند.) صبح عاشورا امام حسین (ع) زهیر را در میمنه و حیب را در میسره لشکر قرار داد. بعد از شهادت حیب، صحنه جنگ داغ شد، موقع ظهر، حضرت، نماز را خواند، زهیر جلو آمد و حمله را آغاز کرد و این رجز را خواند:

انا زهیر و انا بن القین اذودکم بالسیف عن حسین

(من زهیر بن القین هستم و با شمشیر از امام حسین (ع) حمایت می کنم)

دوباره خدمت حضرت رسید و با این اشعار با امام (ع) وداع کرد:

فدتک نفسی هدیا مهدیا الیوم القی جدک نبیا

و حسنا و المرتضی علیا و ذالجنحین الشهید الحیا

(ای هدایت گر هدایت شده جانم فدایت باد، امروز من به دیدار جد شما پیامبر خدا می روم و امام حسن (ع)

و مرتضی علی (ع) و جعفر طیار (ع) یعنی آن شهید زنده را زیارت خواهم کرد.)

ص: ۱۶۰

مدتی جنگید تا بر زمین افتاد، ابا عبدالله الحسین (ع) خودش را بر بالین زهیر رساند و فرمود: (لا یعدنک الله یا زهیر! و لعن الله قاتلیک لعن الذین مسخوا قرده و خنازیر) (ای زهیر خداوند تو را از ما دور نگرداند و خداوند قاتلان تو را لعنت کند و به لعنتی گرفتار کند که مسخ شدگان و خوک و میمون به آن دچار شدند.)

در زیارت ناحیه، خطاب به زهیر چنین می خوانیم: (السلام علی زهیر بن القین البجلی القائل للحسین و قد اذن له فی الانصراف، لا والله لا یكون ذلك ابدا اترك ابن رسول الله اسیرا فی ید الاعداء و انجوا انا لا ارانی الله ذلك الیوم) یعنی: (و سام بر زهیر بن القین بجلی که در هنگام رفتن به میدان جنگ به امام حسین (ع) فرمود: به خدا سوگند هرگز چنین نخواهد شد که من فرزند رسول خدا را به صورت اسیر در دست دشمنان رها کنم و خود را نجات دهم، خداوند چنین روزی را به من نشان ندهد.)

۱۲. تعلیه:

امام در روز جمعه ۲۲ ذی حجه وارد ثعلیه شد و این نام از نام شخصی به نام (ثعلبه بن مزینقا) از بنی اسد گرفته شده است و امام حسین (ع) شب را در این منزل ماند. مردی نصرانی به نام وهب با مادرش مسلمان شد و همراه او رهسپار کربلا شدند. در ثعلیه بود که خبر شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه را به امام دادند. امام حسین علیه السلام در بین راه شخصی را دیدند که از طرف کوفه می آمد. (در زمین عربستان جاده و راه شوسه نبوده که از کنار یکدیگر رد بشوند. بیابان بوده است و افرادی که در جهت خلاف هم حرکت می کردند، با فواصلی از یکدیگر رد می شدند.) لحظه ای توقف کردند به علامت این که من با تو کار دارم و می گویند این شخص امام حسین علیه السلام را می شناخت و از طرف دیگر حامل خبر تاسف باری بود. فهمید که اگر نزد امام حسین برود، از او خواهد پرسید که از کوفه چه خبر و باید خبر بدی را به ایشان بدهد و لذا راهش را کج کرد و

ص: ۱۶۱

رفت طرف دیگر. دو نفر دیگر از قبیله بنی اسد که در مکه بودند، بعد از آنکه کار حجشان به پایان رسید، چون قصد نصرت امام حسین را داشتند، به سرعت از پشت سر ایشان حرکت کردند تا خودشان را به قافله اباعبدالله برسانند. اینها تقریباً یک منزل عقب بودند. برخورد کردند با همان شخصی که از کوفه می آمد. به یکدیگر که رسیدند به رسم عرب انتساب کردند، یعنی بعد از سلام و علیک، این دو نفر از او پرسیدند: نسبت را بگو، از کدام قبیله هستی؟ گفت: من از قبیله بنی اسد هستم. اینها گفتند: عجب! (نحن اسدیان) ما هم که از بنی اسد هستیم. پس بگو پدرت کیست، پدر بزرگت کیست؟ او پاسخ گفت، اینها هم گفتند تا همدیگر را شناختند. بعد، این دو نفر که از مدینه می آمدند گفتند: از کوفه چه خبر؟ گفت: حقیقت این است که از کوفه خبر بسیار ناگواری است و اباعبدالله که از مکه به کوفه می رفتند وقتی مرا دیدند توقفی کردند و من چون فهمیدم برای استخبار از کوفه است نخواستم خبر شوم را به حضرت بدهم. تمام قضایای کوفه را برای اینها تعریف کرد.

این دو نفر آمدند تا به حضرت رسیدند. به منزل اولی که رسیدند حرفی نزدند. صبر کردند تا آنگاه که اباعبدالله در منزلی فرود آمدند که تقریباً یک شبانه روز از آن وقت که با آن شخص ملاقات کرده بودند فاصله زمانی داشت. حضرت در خیمه نشسته و عده ای از اصحاب همراه ایشان بودند که آن دو نفر آمدند و عرض کردند: یا ابا عبدالله! ما خبری داریم، اجازه می دهید آن را در همین مجلس به عرض شما برسانیم یا می خواهید در خلوت به شما عرض کنیم؟ فرمود: من از اصحاب خودم چیزی را مخفی نمی کنم، هر چه هست در حضور اصحاب من بگویید. یکی از آن دو نفر عرض کرد: یا ابن رسول الله! ما با آن مردی که دیروز با شما برخورد کرد ولی توقف نکرد، ملاقات کردیم، او مرد قابل اعتمادی بود، ما او را می شناسیم، هم قبیله ماست، از بنی اسد است، ما از او پرسیدیم در کوفه چه خبر است؟ خبر بدی داشت، گفت من از کوفه خارج نشدم مگر این که به چشم خود دیدم که مسلم و هانی را شهید کرده بودند و بدن مقدس آنها را در حالی که ریسمان

ص: ۱۶۲

به پاهایشان بسته بودند در میان کوچه‌ها و بازارهای کوفه می کشیدند. اباعبدالله خبر مرگ مسلم را که شنید، چشمهایش پر از اشک شد ولی فوراً این آیه را تلاوت کرد: (من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً) (۱)

.> ۳۱.

زباله:

امام حسین (ع) همراه کاروان خود شنبه ۲۳ ذی حجه به زباله رسیدند. این منزلگاه روستای آبادی بود که بازار آن در جاهلیت معروف بوده و در آن دژی و مسجدی متعلق به بنی اسد وجود داشته است و برخی گویند که علت تسمیه آن به زباله این بوده است که زمین آن آب را حفظ می کرده است و برخی دیگر معتقدند که تسمیه آن به علت وجود شخصی به عنوان (زباله بنت مسعر) بوده است و آورده‌اند که در این منزل خبر شهادت عبدالله بن یقطر الحمیری، مسلم بن عقیل و هانی بن عروه رسید و آن حضرت آن خبر را برای اصحاب بیان کردند و فرمودند: خبر ناگوار و جانسوزی به ما رسیده و آن اینکه مسلم بن عقیل، هانی بن عروه و عبدالله یقطر حمیری به شهادت رسیده‌اند و شیعیان کوفه ما را بی یار و بی یاور گذاشته‌اند، هر کس از شما خواهد، می تواند باز گردد و بر او ملامتی نیست چرا که تعهدی نداشته است.

همراهان بی وفای امام (ع) از گرد او پراکنده شدند و از راست و چپ راه بیابان را پیش گرفتند و تنها همان کسانی که از مدینه همراه امام (ع) بودند با تعداد کمی از مردان دیگر که در راه به امام ملحق شده بودند، باقی ماندند.

ص: ۱۶۳

امام (ع) این کار را برای آن کرد که گروهی از اعراب می‌پنداشتند که عازم شهری می‌شوند که مردم آن شهر تحت فرمان امامند و امام (ع) می‌خواست که همراهانش آگاهانه در این مسیر گام بردارند و بدانند که با چه مشکلاتی مواجه می‌شوند.

چون امام (ع) به زباله رسید، وصیت‌نامه مسلم بن عقیل به دست آن حضرت رسید، امام نامه را خواند و صحت خبر شهادت مسلم و هانی را تایید شده دید، سخت آزرده خاطر شد و این رنجش وقتی شدت پیدا کرد که قاصد خبر قتل قیس بن مسهر را نیز به اطلاع امام (ع) رساند.

امام حسین (ع) برادر رضایی خود عبدالله بن یقطر را قبل از شهادت مسلم به سوی او فرستاد که به دست حصین بن تمیم گرفتار و به نزد عبیدالله بن زیاد برده شد و او فرمان داد که عبدالله بن یقطر را به بالای قصر دارالاماره برده تا در منظر عام، حسین و پدرش را لعنت کند! هنگامی که ابن یقطر، بالای قصر رفت خطاب به مردم گفت: ای مردم! من فرستاده حسین فرزند دختر رسول خدای شما هستم، به یاری او بشتابید و بر پسر مرجانه لعنت الله علیه بشورید.

عبیدالله چون چنین دید فرمان داد تا او را از بالای قصر به زیر انداختند و در حال جان دادن بود که فردی آمد و او را به قتل رساند، به او گفتند: وای بر تو! چرا چنین کردی؟ گفت: می‌خواستم او را راحت کنم. اکثر نویسندگان خبر شهادت عبدالله بن یقطر و قیس بن مسهر صیداوی، فرستاده امام به کوفه را در منزل زباله ذکر کرده‌اند و بعضی در منازل دیگر یا بعد از ملاقات با حربن یزید ریاحی نقل کرده‌اند. ولی قول صحیح همان منزل زباله می‌باشد، البته ممکن است که خبر شهادت آنها در منازل دیگر نیز به امام داده شده باشد.

۱۴. ذی القاع:

ص: ۱۶۴

روز یکشنبه ۲۴ ذی‌حجه بود که امام حسین (ع) همراه با یارانشان وارد منزل ذی‌القاع شدند. طبری از ابو محنف نقل کرده که شخصی به نام عمرو بن نوران به حضور امام رسیده و از آن حضرت سؤال کرد. عزم کجا دارید؟ امام فرمود: عازم کوفه هستم. آن مرد به امام گفت: تو را به خدا سوگند که از این راه برگرد زیرا تو به استقبال نیزه‌ها و شمشیرها می‌روی، اگر کسانی که نامه و پیک نزد شما فرستاده‌اند، هزینه این جنگ را برعهده می‌گیرند و مقدمات کار را از هر جهت برای شما فراهم می‌آوردند، به نزد آنها برو که این عزم پسندیده‌ای است ولی آنگونه که شما بیان کردید من مصلحت شما را در رفتن بسوی مردم کوفه نمی‌بینم. امام (ع) فرمود: ای بنده خدا! آنچه را که تو گفתי بر من پوشیده نیست و رای همان است که تو دیده‌ای ولی بر مقدرات الهی کسی غالب نخواهد شد.

۱۵. بطن العقبه:

روز دوشنبه ۲۵ ذی‌حجه سال ۶۰ هجری قمری امام حسین (ع) همراه با کاروان خود به بطن العقبه رسیدند و بطن العقبه نام دشتی است که در آن منبع آبی برای بنی عکرمه بن بنی وائل وجود دارد. ابن عبدربه از امام صادق (ع) نقل کرده که آن حضرت فرمود: چون حسین بن علی (ع) از بطن العقبه بالا رفت و به یاران خود فرمود: نمی‌بینم خود را جز اینکه کشته خواهم شد. اصحاب گفتند: یا ابا عبدالله! علت چیست؟ فرمود: به سبب آنچه که در خواب دیدم. اصحاب از خواب امام پرسش کردند. فرمود: در خواب دیدم سگانی به من یورش می‌برند که در میان آنها سگی دو رنگ بود که از همه درنده‌تر به نظر می‌رسید. طلحه بن زید از امام صادق (ع) روایت کرده که امام حسین (ع) فرمود: سوگند به خدایی که جانم به دست اوست حکومت بنی‌امیه برای آنها گوارا نخواهد شد مگر اینکه مرا بکشند و اینها قاتل من خواهند بود.

ص: ۱۶۵

۱۶. شراف:

نام منزلگاهی در جنوب کوفه و در فاصله ۵/۵ کیلومتری آن است و به نام شخصی به نام شراف نامگذاری شده که در آن چشمه‌ای بنا کرد و در آن چاه‌های متعددی وجود داشت و امام حسین (ع) روز سه‌شنبه ۲۶ ذی‌حجه سال ۶۰ هجری قمری وارد منزل شراف شدند، کسی که از مکه به طرف کوفه می‌آید بعد از عقبه به منزل دیگری می‌رسد بنام واقعه ولی چون در شراف امکانات و خصوصاً آب بیشتر بوده لذا امام حسین (ع) در واقعه که آن را واقعه الحزون نیز گویند توقف نکردند و در شراف منزل گزیدند. ابو مخنف از عبدالله بن مسلم و مردی از بنی‌اسد نقل کرده که امام حسین (ع) در منزل شراف فرود آمدند و سحرگاهان به جوانان دستور دادند که آب زیادی بردارند و از این منزل حرکت کرده و صبح را تا هنگام غروب آفتاب طی طریق نمودند. گویا امام تصمیم داشتند در قرعاء که منزل دیگری است از منازل حجاج منزل کنند و بعد از آن‌جا تا مغیثه که آخرین منزل حجاز است و از مغیثه تا قادسیه که ابتدای عراق است کوچ کنند. عبیدالله بن زیاد چون از حرکت امام حسین (ع) بسوی کوفه آگاه شد، حصین بن تمیم را که رئیس شرطه او بود به قادسیه فرستاد و او لشکرش را در فاصله قادسیه تا خفان و قططانیه تا لعل و نیز از واقعه تا راه شام و راه بصره مستقر کرد تا راه‌ها را دقیقاً زیر نظر بگیرند به طوری که اگر کسی از آن محدوده خارج و یا وارد می‌شد، اطلاع یابند.

امام (ع) بسوی عراق می‌آمد تا این که گروهی از اعراب را در راه ملاقات کرد و از آنها سؤال فرمود گفتند: ما چیزی جز این نمی‌دانیم که ما نمی‌توانیم وارد و یا خارج شویم امام (ع) در همان مسیر ادامه راه دادند. گفته‌اند که حصین بن تمیم با چهارهزار نفر مرد نظامی به منطقه اعزام شده بود که از جمله آنها حربن یزید ریاحی بود که نزدیک به هزار نفر

ص: ۱۶۶

همراهش بودند و در روایت دیگری آمده است که حربن یزید ریاحی به همراه هزار سواره از کوفه جداگانه به منطقه اعزام شده بود.

ابو مخنف از آن دو نفر مرد اسدی نقل کرده است در میانه راه هنگام ظهر ناگهان مردی فریاد زد الله اکبر! امام حسین (ع) نیز تکبیر گفت و فرمود: برای چه تکبیر گفتی؟ آن مرد گفت: درخت خرما در این مکان مشاهده می‌کنم! آن دو مرد اسدی گفتند: در این مکان درخت خرمایی وجود ندارد. امام (ع) به آنها فرمود: شما چه می‌پندارید؟ گفتند: اینها طلایه‌داران لشکر دشمن و گردن‌های اسبان آنهاست. امام (ع) فرمود: من نیز آنها را می‌بینم.

پس امام (ع) فرمود: آیا در این منطقه پناهگاهی وجود دارد که ما بدان جا برویم و این پناهگاه در پشت سر ما قرار گیرد و دشمن در روبه‌روی ما قرار گیرد؟ گفتند: آری در ناحیه چپ منزلی به نام ذوحسمی است که این مشخصات را دارد. پس امام (ع) به قسمت چپ جاده به طرف ذوحسمی روی آورد. سپاه دشمن نیز به طرف این منزل می‌تاخت. ولی امام (ع) و همراهان زودتر به این منزل رسیدند.

۱۷. ذوحسمی:

روز چهارشنبه ۲۷ ذی‌حجه سال ۶۰ هجری قمری امام حسین (ع) وارد ذوحسمی شدند و دستور دادند که خیمه‌ها را در این مکان برپا کردند. و ذوحسمی نام کوهی است که نخجیرگاه نعمان بن منذر پادشاه حیر بوده و نابغه ذبیانی درباره این کوه اییاتی را سروده است. حربن یزید با هزار سوار هنگام ظهر از راه فرا رسید و برابر امام (ع) با لشکریانش قرار گرفت. امام رو به اصحاب خود کرده و فرمود: این گروه را سیراب کنید و اسب‌های آنان را نیز آب بدهید. یاران امام (ع) فرمان بردند و لشکریان دشمن حتی اسب‌های آنان را نیز سیراب کردند.

ص: ۱۶۷

عتبه بن ابی‌العیزار گوید امام حسین (ع) در ذوحسمی ایستاد و پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر (ص) فرمود: (آنچه را که روی داد و پیش آمده است می‌بینید و دنیا دگرگون شد آنچه نیکو بود از آن روی گردانده و از آن نمانده است مگر ته‌مانده‌ای همانند آن آب که در ته ظرفی بماند و آن را دور ریزند و زندگی پست و ناچیز است مثل چراگاه ناگوار، مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل پرهیز نمی‌کنند. مومن باید حق طلب و مایل به لقای پروردگار باشد، مرگ را من جز شهادت نمی‌یابم و زندگانی با ستمگران را غیر از ننگ و خفت نمی‌دانم.)

حربن یزید ریاحی پیوسته همراه امام حسین (ع) رکاب می‌زد و هنگامی که مجال می‌یافت به امام عرض می‌کرد از برای خدا حرمت جان خویش را پاس بدار که من بر این باورم که اگر ستیز شود، کشته گردی. امام (ع) فرمود: مرا از مرگ می‌ترسانی؟ آیا اگر مرا بکشید، دیگر مرگ گریبان شما را نمی‌گیرد؟ من همان را می‌گویم که آن مرد از قبیله اوس با پسر عم خود گفت هنگامی که می‌خواست رسول خدا (ص) را یاری کند.

سامضی و مابالموت عار علی الفتی

إذا مانوی حقاً و جاهد مسلماً

و واسی الرجال الصالحین بنفسه

و فارق مشوراً و خالف مجرماً

فان عشت لم اندم و ان مت لم الم

کفی بک ذلاً أن تعیش و تزعما

(من می‌روم و مرگ برای جوانمرد ننگ نیست اگر برای خدا باشد و مخلصانه بکوشد و با مردان نیکوکار به جان مواسات نماید، چون بمیرد مردم بر مرگ او اندوه خورند و

ص: ۱۶۸

نابکاران از سر عناد برخیزند. پس اگر زنده ماندم پشیمان نیستم و اگر بمیرم ملامت نشوم، ذلت تو را بس که زنده باشی، خوار گردی و ناکام بمانی.)
چون حر این اشعار را از امام شنید کناره گرفت و با همراهان خود با فاصله کمی از امام، مسیر دیگری را انتخاب کرد.

۱۸. البیضه:

نام دشت وسیعی بین واقصه و عذیب الهجانات است که متعلق به بنی یربوع بن حنظله بوده و در همین محل بوده است که امام حسین (ع) سومین خطبه خود را برای سربازان حربن یزید ریاحی قرائت نمود.

۱۹. عذیب الهجانات:

روز پنجشنبه ۲۸ ذی حجه سال ۶۰ هجری قمری امام حسین (ع) به منزل عذیب الهجانات رسیدند. علت تسمیه این محل به عذیب این بوده است که در آن آب گوارا وجود داشته است و متعلق به بنی تمیم بوده و بین قادیه و مغیثه قرار دارد و در دوران حکومت ساسانی محل تجمع لشکریان ایرانی بوده است. در این منزل چهار سوار به نام‌های نافع بن هلال، مجمع بن عبدالله، عمرو بن خالد و طرماع در حالی که اسب نافع بن هلال که کامل نام داشت را یدک کرده بودند از راه رسیدند و راهنمای آنها طرماع بن عدی بود، هنگامی که بر امام حسین (ع) وارد شدند حر رو بدان‌ها کرد و گفت: این چندتن از مردم کوفه‌اند، من آنها را بازداشت کرده و یا به کوفه برمی گردانم. امام (ع) فرمود: من اجازه چنین کاری را به تو نمی‌دهم. و همان طوری که خود را از گزند تو حفظ می‌کنم از آنان نیز محافظت خواهم کرد زیرا اینها یاران منند همانند اصحابی که با من از مدینه آمدند، پس اگر بر آن

ص: ۱۶۹

پیمان که با من بستی، استواری، آنها را رها کن و گرنه با تو می‌جنگم، حر از بازداشت آنها صرف نظر کرد. طرمح به امام (ع) عرض کرد: با شما یاران اندکی را می‌بینم و همین لشکریان حر در مبارزه بر شما غالب آیند و من یک روز پیش از آمدن از کوفه، مردم انبوهی را در بیرون شهر دیدم پرسیدم که اینان کیانند؟ گفتند: لشکری است که سرگرم سان هستند که آماده جنگ با حسین (ع) گردند و من تاکنون چنین لشکر عظیمی را ندیده بودم تو را به خدا سوگند تا توانی به آنان نزدیک شو و اگر خواهی که در مأمونی فرود آیی که سنگر تو باشد تا تدبیر کار خویش کنی و تو را چاره کار معلوم گردد، با من بیا تا تو را در کوه اجا فرود آورم، بخدا سوگند که این کوه سنگر ما بوده و هست و ما را از پادشاهان حمیر و نعمان بن منذر حفظ کرد و به خدا سوگند هیچگاه تسلیم نشدیم و این خواری را به خود نخریدیم قاصدی نزد قبیله طی در کوه اجا و سلمی بفرست ده روز نگذرد که قبیله طی سواره و پیاده نزد تو آیند و تا هر زمان خواهی نزد ما باش و اگر خدای ناکرده اتفاقی رخ دهد من با تو پیمان می‌بندم که ده هزار مرد طایی پیش روی تو شمشیر زنند و تا زنده‌اند نگذارند دست هیچکس به تو رسد.

امام (ع) فرمود: خداوند تو را و قبیله‌ات را جزای خیر دهد و این گروه (یعنی اصحاب حر) پیمانی بسته‌ایم که نمی‌توانم از آن بازگردم و معلوم نیست عاقبت کار ما و آنها به کجا می‌انجامد. اگر قصد یاری داری شتاب کن، خدا تو را ببخشد.

طرمح می‌گوید: دانستم به یاری مردان محتاج است پس به نزد قوم خویش رفته و وصیت کردم و سعی کردم در بازگشت شتاب کنم و از راه بنی ثعل روانه گردیدم تا به عذیب الهجانات رسیدم و سماعه بن بدر را ملاقات کردم و همو بود که خبر کشته شدن امام حسین (ع) را به من داد سپس بازگشتم.

ص: ۱۷۰

۲۰. الققططانیہ:

روز جمعه ۲۹ ذی حجه سال ۶۰ هجری قمری امام حسین (ع) همراه کاروانش به الققططانیہ رسیدند. امام حسین (ع) از عذیب‌الہجانات حرکت کرد و حربن یزید ریاحی هم با او بود تا روز جمعه ۲۹ ذی حجه به ققططانیہ رسیدند. و ققططانیہ از واژہ ققطط گرفته شده است کہ در زبان عرب بہ قطرہ باران اطلاق می‌گردد و این منزلگاہ در نزدیکی کوفہ واقع شدہ و قبلاً زندان نعمان بن منذر در آن قرار داشتہ است. در امالی شیخ صدوق آمدہ است کہ امام حسین (ع) در این مکان با عبیداللہ بن حر جینی ملاقات کرد ولی بہ قول مشہور این ملاقات در قصر بنی مقاتل صورت گرفتہ است.

۲۱. قصر بنی مقاتل:

این منزل منسوب بہ مقاتل بن حسان بن ثعلبہ و در نزدیکی کئفہ و جنوب اخضر قرار دارد و و عیسی بن علی عباسی عموی منصور عباسی آن را ویران و دوبارہ بازسازی نمود. این محل امروزہ جزو شہرستان عین تمر از توابع استان کربلا می‌باشد و فاصلہ آن تا کربلا ۷۰ کیلومتر است و در قرن سوم میلادی از شہرہای بارو دار بودہ کہ توسط شاپور پسر اردشیر ساسانی ساختہ شدہ بود. امام علیہ السلام روز یکشنبہ اول ماہ محرم الحرام سال شصت و یک ہجری بر این منزل وارد شدند. عمرو بن مشرقی گفت: با پسر عمویم بر امام حسین علیہ السلام وارد شدم و آن حضرت در (قصر بنی مقاتل) بود و بر او سلام کردیم، امام پرسید: آیا بہ یاری من می‌آیی؟! من گفتم: مردی ہستم کہ عائلہ زیادی دارم و مال بسیاری از مردم نزد من است و نمی‌دانم کار بہ کجا می‌انجامد و خوش ندارم امانت مردم از بین برود؛ و پسر عمویم نیز همانند من پاسخ داد.

ص: ۱۷۱

امام علیه السلام فرمود: پس از این جا بروید که هر کس فریاد ما را بشنود و یا ما را ببیند و لبیک نگوید و به فریاد برنخیزد، بر خداوند است که او را ببینی در آتش اندازد.

عقبه بن عثمان می گوید: در اواخر شب، امام حسین (ع) دستور داد از (قصر بنی مقاتل) آب برداشته و کوچ کنیم، چون حرکت کردیم و ساعتی رکاب زدیم امام علیه السلام همانگونه که سوار بود مختصری به خواب رفت، سپس بیدار شد در حالی که می فرمود: (انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین) و دو یا سه مرتبه به این جمله را تکرار کرد.

علی بن الحسین علیه السلام روی به پدر نمود و گفت: ای پدر! جانم به فدای تو باد و خدا را حمد کردی و آیه استرجاع خواندی، علت چیست؟ امام (ع) فرمود: پسر من! در اثنای راه مختصری بخواب رفتم شخصی را دیدم که سوار بر اسب بود و گفت: این قوم سیر می کنند و اجل هم بسوی آنان در حرکت است، دانستم که خبر مرگ ماست که به ما داده شده است.

امام علیه السلام فرمود: سوگند بآن کسی که بازگشت بندگان بسوی اوست ما برحقیم. علی بن الحسین علیه السلام گفت: پس ما را باکی از مرگ نیست که بمیریم و بر حق باشیم.

امام علیه السلام فرمود: خداوند تو را جزای خیر دهد آنگونه که پدری را به فرزندش جزای خیر دهد. چون سپیده صبح دمید، امام پیاده شد و نماز صبح گزارد و با شتاب سوار شد و با یاران خود حرکت کردند؛ حر می خواست آن حضرت را به سمت کوفه حرکت دهد ولی امام به شدت امتناع می کرد تا چاشتگاه که به نینوا رسیدند، ناگاه سواری از دور پدیدار شد که مسلح بود و از کوفه می آمد، همه ایستادند و او را تماشا می کردند. همین که رسید به حر و همراهانش سلام کرد بی آنکه به امام حسین (ع) و اصحابش سلام کند، و بعد مکتوبی را

ص: ۱۷۲

به دست حر داد که از عبیدالله بن زیاد بود و به این مضمون: چون نامه من به تو رسید و فرستاده من نزد تو آید، حسین (ع) را نگاه دار و کار را بر او تنگ گیر، و او را فرود میاور مگر در بیابان بی سنگر و بدون آب! و من به قاصد گفته‌ام از تو جدا نگردد تا خبر انجام دادن فرمان مرا بیاورد، والسلام.

حر خدمت امام آمد و نامه را برای آن حضرت قرائت کرد، امام به او فرمود: بگذار در (نینوا) و یا (غاضریات) و یا (شفیه) فرود آییم. حر گفت: ممکن نیست زیرا عبیدالله این آورنده نامه را بر من جاسوس گمارده است!

زهیر گفت: بخدا سوگند چنان می‌بینم که پس از این کار سخت‌تر گردد، ای پسر رسول خدا! قتال با این گروه در این ساعت برای ما آسانتر است از جنگ با آنها که بعد از این می‌آیند، بجان خودم قسم که بعد از ایشان کسانی آیند که ما طاقت مبارزه، با آنها را نداریم. امام علیه‌السلام فرمود: من جنگ با این جماعت را آغاز نمی‌کنم. پس از آن حضرت به حر التفات کرد و فرمود: کمی جلوتر برویم! پس مقداری از مسافت را امام علیه‌السلام با حر و همراهانش پیمودند تا به زمین (کربلا) رسیدند.

۲۲. ورود به کربلا:

امام در روز دوشنبه دوم محرم سال ۶۱ ه. ق وارد کربلا شد. وقتی به آنجا رسیدند، حضرت فرمود: نام این زمین چیست؟ عرض شد: کربلا. حضرت فرمود: (پروردگارا! از اندوه و بلا به تو پناه می‌برم. سپس حضرت فرمود: توقف کنید و رحل اقامت بیفکنید. به خدا این‌جا محل خوابیدن شتران ما و جای ریخته شدن خون ما و قتلگاه و مدفن ماست و به‌خدا در این‌جا حریم حرمت ما شکسته می‌شود و جدم همین را به من خبر داده است.)

ص: ۱۷۳

سپس اصحاب امام پیاده شدند و حر و لشکرش هم در ناحیه مقابل امام پیاده شدند. حضرت در گوشه‌ای نشست و به اصلاح شمشیر خود پرداخت در حالی که این اشعار را می‌خواند:

یا دهر اف لک من خلیل

کم لک بالاشراق و الاصلیل

(ای روزگار! چه بسیار صبح و شام که صاحب و طالب حق کشته گشته و روزگار بدل نمی‌پذیرد و امور به خدای بزرگ باز می‌گردد و هر موجود زنده‌ای این راه را که من رفتم خواهد رفت.)

زنان حرم ناله سر دادند ... ام کلثوم داد زد ای‌وای یا محمد، ای‌وای یا علی، ای‌وای یا فاطمه، ای‌وای یا حسن، ای‌وای یا حسین، ای‌وای از بیچارگی بعد از تو یا ابا عبدالله!

هنگامی که قافله کربلا- به منزل رسید و لشکر حر جلوی امام حسین (ع) و اصحابش را گرفت و خبر می‌رسید که از کوفه لشکر آماده آمدن به کربلاست، جریان واضح گشت و معلوم شد که حسین (ع) و یاران همراهش کشته می‌شوند. ابی‌عبدالله (ع) یارانش را جمع کرد و خطبه‌ای خواند و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: اما بعد ای اصحاب من، می‌بینید که چه پیش آمده است. یعنی صحبت از کشته شدن است.

خیلی مختصر می‌فرماید: از عمر ما به همین اندازه باقی مانده است. از آن جمله فرمایشات امام حسین (ع) است که می‌فرماید: (آیا نمی‌بینید که کار به جایی رسیده که حق پایمال شده و به آن عمل نمی‌شود و باطل رواج یافته است و به معروف عمل نمی‌شود و از منکر نهی نمی‌گردد جا دارد که مومن آرزوی مرگ کند اما من مرگ را جز سعادت نمی‌بینم و زندگی با این ظلم‌ها جز ذلت نیست.)

ص: ۱۷۴

مقصود آن حضرت را اصحاب فهمیدند و اعلام جان نثاری کردند. خورشید خود را به مکه رسانده و گرمای طاقت فرسایش امان همه را ربوده بود و تشنگی بر هر دو سپاه غلبه کرده بود امام (ع) دستور داد که به همه سپاه حر و اسب‌های آنان آب بدهند و آنان را سیراب کنند و امام (ع) و یاران هم آب نوشیدند. همچنین در این روز امام حسین (ع) اولین خطبه خود را برای سپاه حر را خواندند. آفتاب به وسط آسمان رسیده بود هنگام نماز ظهر بود. امام به حجاج بن مسروق جعفر امر کرد اذان بگوید: سپس امام (ع) با عبا، ردا، و نعلین بعد از حمد و سپاس خداوند چنین فرمود: ای مردم! من از خدای شما و شما پوزش می‌طلبم من پیش شما نیامدم مگر وقتی که نامه‌هایتان رسید قبل از این که من شما را بیابم، نامه‌های شما به من رسید که ما را امامی نیست، شاید خداوند ما را بر ما هدایت مجتمع کند اگر بر همان گفتار هستید، من به سوی شما آمدم اگر شما به عهدها و پیمانهای خود، آنگونه که من اطمینان یابم، به من قول می‌دهید به سرزمین شما وارد می‌شوم آنها ساکت بودند به مؤذن گفته شد اذان را بگوید امام علیه السلام به حر گفت: تو با یارانت نماز بگذار حر گفت: نه شما بخوان ما نیز به همراه تو نماز می‌خوانیم سپس امام با آنها نماز خواند.

(۱)

۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به الامام الحسین و اصحابه، قزوینی شیخ فضل علی

ص: ۱۷۵

خلاصه درس فصل سوم:

امام حسین (ع) در روز هشتم ذی حجه سال ۶۰ هجری قمری شهر مکه را به سوی کوفه ترک نمود. در این مسیر علاوه بر اهل بیت و نزدیکان آن حضرت، یاران وی که بالغ بر هشتاد نفر بودند وی را همراهی می کردند. امام حسین (ع) در مسیر حرکت به سوی کوفه در بیست و یک منزل توقف داشتند و در هر یک از منازل افرادی به دیدن حضرت می شتافتند. در منزل دوم فرزدق شاعر که از سوی کوفه عازم مکه بود به آن حضرت رسید و وضعیت سیاسی شهر کوفه را برای آن حضرت تشریح نمود در منزل سوم عون و عبدالله فرزندان عبدالله بن جعفر طیار به آن حضرت پیوستند. در منزل ششم حضرت (ع)، قیس بن مسهر صیداوی را به عنوان سفیر خود رهسپار کوفه نمودند. در منزل یازدهم امام حسین (ع) کسی را به دنبال زهیر بن القین فرستاد و وی به همراه خانواده خود به قافله امام حسین ملحق شد. در منزل دوازدهم وهب نصرانی به همراه مادرش مسلمان شده و به قافله امام حسین (ع) پیوست.

در منزل سیزدهم خبر شهادت مسلم بن عقیل به همراه وصیت نامه وی به دست حضرت (ع) رسید. در منزل هفدهم حربن یزید ریاحی با هزار سوار به قافله امام حسین (ع) رسید و امام دستور داد تا او و لشگریانش و اسب های آنان را سیراب نمایند.

و عاقبت امام حسین (ع) در روز دوشنبه دوم محرم سال ۶۱ هجری قمری وارد کربلا شد و وقتی به آن جا رسیدند، حضرت فرمودند: نام این زمین چیست؟ عرض شد: کربلا. حضرت فرمود: پروردگارا! ازا ندوه و بلا به تو پناه می برم. سپس حضرت فرمود: توقف کنید و رحل اقامت بیفکنید. به خدا این جا محل خوابیدن شتران ما و جای ریخته شدن خون ما و قتلگاه و مدفن ماست و به خدا در این جا حریم حرمت ما شکسته می شود و جدم همین را به من خبر داده است.

ص: ۱۷۹

فصل چهارم شهر مقدس کربلا

اشاره

ص: ۱۸۱

شهر مقدس کربلا

دومین شهر مقدس عراق است که در فاصله ۱۰۵ کیلومتری جنوب غربی بغداد و در حاشیه صحرا و در غرب رودخانه فرات و در سمت چپ آبراه (حسینیه) که از فرات منشعب شده قرار دارد شهر کربلا بر روی طول جغرافیایی ۴۴ درجه و عرض جغرافیایی ۳۳ درجه و ۳۱ دقیقه قرار دارد در شمال آن استان (انبار) و در جنوب آن استان نجف و در شرق آن استان حله و بخشی از استان بغداد و در غرب آن صحرای شام و کشور عربستان سعودی قرار گرفته است.

بنا به گفته مورخان، تاریخ این شهر به دوران بابلی‌ها می‌رسد و قبل از فتح اسلامی این منطقه گورستان مسیحیان بود. برخی از صاحب نظران معتقدند که معنی کلمه (کربلا-) که یک واژه قدیمی بابلی است، (نزدیکی به خدا) است و برخی دیگر معتقدند که این کلمه تحریف شده واژه عربی (کور بابل) به معنی روستاهای بابل است، برخی نام این منطقه را نینوی می‌دانند که در حال حاضر نام منطقه‌ای در شهرستان (سده الهندیه) در استان کربلا است. از نامهای دیگر منطقه: غاضریه، عقر بابل، نواوویس، الطف، الروضه، الحائر والحیر است علت تسمیه این منطقه به الحائر این بوده است که در دوران المتوکل خلیفه عباسی، خلیفه دستور داد که قبر شریف امام حسین (ع) را به آب ببندند تا ویران گردد و هنگامیکه آب رودخانه را بدین سو سرازیر کردند آب تا نزدیک قبر رسید و تنها گرداگرد آن را فرا گرفت و از همان زمان به نام الحائر (آب سرگردان) نامیده شد. برخی نیز اعتقاد دارند که واژه کربلا از کلمه آشوری (کرب) به معنی معبد (أیل) به معنی خدا مشتق شده است و معنی آن (معبد الهی) است. گروهی دیگر بر این گمان هستند که این واژه

ص: ۱۸۲

فارسی بوده و ریشه آن دو کلمه (کار) و (بالا) به معنی (کاری برجسته و با ارزش) است. با این همه به نظر می‌رسد که ریشه کلمه کربلا از واژه عربی (الکربه) گرفته شده باشد که به معنی زمین نرم و سست است و همچنین این واژه معنی غربال شده را نیز می‌دهد و عرب‌ها وقتیکه گندم را غربال نموده و تمیز می‌کنند از این واژه استفاده می‌کنند و شاید علت این تسمیه این باشد که گویی خاک این منطقه از سنگ و کلوخ غربال شده است و باید افزود که (کربله) نام دیگر گیاه (ترشک) است و این گیاهان در منطقه مذکور به وفور دیده می‌شود.

مساحت کربلا در حدود ۵۲۸۵۶ کیلومتر مربع است و خاک این شهر نرم و بدون سنگ و شن می‌باشد. گرداگرد شهر را باغهایی فرا گرفته که آب آنها از رودخانه فرات تأمین می‌گردد. شهر کربلا دارای دو راه ارتباطی است یکی از این راه‌ها، راه کربلا بغداد است که از شهر (مسیب) می‌گذرد و طول آن بالغ بر ۹۷ کیلومتر است و راه دوم راه نجف کربلا است و در هر دو مسیر باغها و نخلستان‌های متعدد گرداگرد کربلا و راه‌های ارتباطی را فرا گرفته است. شهر کربلا به دو بخش (قدیمی) و (جدید) تقسیم می‌شود، قسمت قدیمی شامل هسته اولیه شهر است که تا حدودی همچنان بافت سنتی خود را حفظ کرده است و قسمت جدید شهر بعدها به آن اضافه شده و شامل خیابانهای پهن، ادارات دولتی، مدارس دینی و ساختمانهای جدید می‌باشد. شهر کربلا در مسیر راه آهن بصره بغداد قرار دارد و شاخه‌ای از این راه آهن به کربلا رسیده و سپس به شهرستان (سده هندیه) که از توابع استان کربلا است منتهی می‌گردد و طول آن ۳۶ کیلومتر است.

تاریخچه شهر کربلا

هنگامیکه حضرت علی (ع) در دوران خلافت عازم جنگ صفین بود چون به سرزمین کربلا رسید چهره اش افسرده شد، پس اطرافیان از آن حضرت (ع) در این باره پرسیدند حضرت فرمود: این سرزمین در نزد خدا ارج و قرب زیادی دارد، آری اینجا محل خیمه گاه آنان است و این محل قتلگاه آنان است. هنگامیکه اصحاب بیشتر جويا شدند حضرت فرمود: آنان گروهی گرانقدر از آل محمد (ص) خواهند بود که در اینجا کشته می شوند.

هنگامیکه در سال ۶۱ ه ق امام حسین (ع) به این منطقه رسید و لشکریان عبید الله قافله آن حضرت را محاصره کردند، حضرت به روستای (عقر) اشاره کرد و فرمود: نام این روستا چیست؟ جواب دادند: نامش (عقر) است. حضرت فرمود: از (عقر) به خدا پناه می بریم. سپس فرمود: نام این سرزمین چیست؟ گفتند: کربلا. فرمود: سرزمین درد و رنج و بلا.

دو روز پس از واقعه عاشورا یعنی در روز دوازدهم محرم سال ۶۱ ه ق قبیله (بنی اسد) اقدام به دفن اجساد مطهر امام حسین (ع) و ابوالفضل العباس (ع) و سایر یاران آن حضرت (ع) نمودند و با این کار خود پایه گذار تأسیس شهری بزرگ در سالهای بعد شدند.

گفته می شود که قبیله بنی اسد بر بالای قبر شریف آن حضرت سایبانی ساختند و بر روی قبرهای مطهر شهدا نشانه‌هایی گذاشتند تا بتوان قبور مطهر را از یکدیگر باز شناخت.

ص: ۱۸۴

در ماه ربیع الاول سال ۶۵ هـ ق گروه (تواین) که تعدادشان در حدود چهار هزار نفر بود و رهبری آنان به عهده سلیمان بن صرد خزاعی بود قبل از رفتن به جنگ با لشکر امویان، به زیارت مرقد مطهر امام حسین (ع) رفتند و در گرداگرد قبر شریف تجمع کردند و با صدای بلند به گریه و زاری پرداخته و همگی تمنای شهادت در راه خدا را کردند و سپس سلیمان بن صرد خزاعی از جای برخاسته و گفت: (بارخدا، سرور شهیدمان حسین را بیامرز، آن شهید فرزند شهید، و آن مهدی فرزند مهدی و آن راستگوی فرزند راستگو، بارخدا، گواه باش که بر دین و راه او می‌رویم و دشمن دشمنان او و دوست یاران او هستیم) آنگاه یک شب را در کنار مرقد مطهر ماندند و روز بعد عازم جنگ در منطقه (عین الورد) شدند.

در دوران یزید بن معاویه تعدادی از شورشیان به رهبری یزید بن مهلب قیام کردند و در منطقه عقر نزدیک کربلا و در حاشیه رودخانه فرات جنگ سختی بین آنان و لشکریان یزید به رهبری مسلم بن عبدالملک در گرفت که در این جنگ شورشیان به شدت سرکوب شدند.

در سال ۶۶ هـ ق هنگامیکه مختار ثقفی بر شهر کوفه مستولی شد، بر بالای قبر شریف گنبدی از آجر و گچ ساخت و محمد بن ابراهیم بن مالک اشتر متولی این کار شد و مرقد مذکور دارای دو در شرقی و غربی بود و این گنبد تا دوران خلافت هارون الرشید پابرجا بود.

ظاهراً گنبد مذکور تا سال ۱۳۲ هـ ق که امام صادق (ع) به زیارت جدشان مشرف شده بودند پابرجا بوده است و صفوان جمال از امام صادق روایت می‌کند که

ص: ۱۸۵

فرمود: چون خواستی که به زیارت حسین (ع) در کربلا مشرف شوی، بیرون از مقام ایستاده و نگاهی به قبر شریف بینداز و سپس وارد حرم شو و بالاسر امام بایست و هنگامیکه خواستی بیرون روی از دری خارج شو که در جهت پای علی بن الحسین (ع) قرار دارد، سپس رو بسوی قبور شهدا کن تا به قبر ابوالفضل (ع) برسی، و چون بدان جا رسیدی در زیر سایبان بایست و سلام کن). از سخنان امام صادق در می‌یابیم که مرقد امام حسین (ع) در روزگار آن حضرت دارای گنبد و سایبان و چندین در بوده که یک در آن در سمت شرق و در دیگری شاید در سمت غرب بوده است و مرقد امام حسین (ع) و فرزندش علی اکبر در این حرم بوده است در حالیکه قبور سایر شهدا بیرون از حرم بوده است. مساحت حرم مذکور ۲۵ * ۲۵ ذراع و یا در حدود ۵۰ * ۴۵ / ۲۲ / ۸۳ / ۹۱ متر بوده است. برخی دیگر از مصادر تأکید می‌کنند که در دوران اموی در کنار حرم آن حضرت درخت کنار یا سدري بوده است که بعنوان نشانه بازشناسی حرم به شمار می‌آمده است و به همین علت است که در شمال غربی صحن را بعدها (باب السدره) نامیده بودند. (۱) هارون الرشید بوسیله حکمران خود در کوفه که موسی بن عیسی نام داشت، عرصه را بر زائران امام حسین (ع) تنگ نموده و دستور داد که درخت سدر را از ریشه درآوردند و بنای حرم مطهر را خراب کرده و زمین آن را شخم زده و بکارند.

۱- سلمان هادی آل طعمه، تاریخ مرقد الحسین (ع) و العباس (ع)

ص: ۱۸۶

در سال ۱۹۸ ه ق گروهی از شیعیان مجدداً حرمی بر سر قبر مطهر ساختند و در سال ۱۹۳ ه ق مأمون عباسی دستور داد که حرم و گنبدی بهتر از قبل بر سر قبر مطهر امام حسین (ع) ساخته شود. (۱) در سال ۲۳۶ ه ق متوکل عباسی به خلافت رسید و تلاشهای بسیاری را برای خراب کردن آثار باقیمانده اهل بیت و از بین بردن قبور مطهر آن نمود و در طی سالهای ۲۳۲ و ۲۳۶ و ۲۳۷ ه ق اقدام به تخریب حرم مطهر و شخم زدن زمینهای آن نمود تا بتواند آثار آن را از بین ببرد ولی تمامی تلاشهای وی با شکست مواجه شد.

در سال ۲۴۷ ه ق منتصر عباسی پس از کشته شدن پدرش المتوکل دوباره آثار متبرکه اهل بیت (ع) را تجدید بنا کرد و دستور داد که در اطراف مشهد حسینی خانه‌هایی ساخته شود و بدین گونه اولین شخصی که در کربلا سکونت اختیار کرد یکی از نوادگان امام حسین (ع) به نام (سید ابراهیم مجاب فرزند محمد عابد فرزند امام کاظم (ع)) بود.

در سال ۲۷۱ ه ق (حسن علوی) حاکم طبرستان و دیلم به زیارت حرم مطهر رفته و دستور داد که مسجدی در جوار آن ساخته شود.

ص: ۱۸۷

در سال ۲۸۳ ه ق در اثر ازدحام زائران حرم مطهر، سقف حرم فروریخت و تعدادی از زائران کشته و زخمی شدند و گفته می‌شود که این کار بر اثر توطئه الموفق بالله ولیعهد بوده است. (۱) در سال ۲۸۰ ه ق محمد بن زید حاکم گرگان به زیارت مرقد مطهر آمد و دستور داد که گنبد مجلل و باشکوهی برای حرم ساخته شود و در کنار آن بارویی کشیده و خانه‌هایی برای زائرین و مجاورین حرم ساخت.

در سال ۳۱۳ ه ق رهبر قرمطیان (ابو طاهر جنابی) به زیارت حرم مطهر مشرف شد و خود و پیروانش گرد حرم طواف کردند و سپس بدون آنکه به کسی آزاری برسانند بازگشتند.

در سال ۳۶۶ ه ق امیر عزالدوله آل بویه به زیارت حرم مطهر امام حسین (ع) مشرف شد و این امر باعث افزایش مهاجرت شیعیان به کربلا و ساخت و ساز آنان گردید.

در سال ۳۶۷ ه ق عضدالدوله آل بویه بر بغداد مستولی شد و از آنجا عازم زیارت امام حسین (ع) گردید و از آن پس سالی یک بار به زیارت مرقد مطهر می‌رفت.

در سال ۳۶۹ ه ق (ضبه بن محمد اسدی) حکمران شهر (عین تمر) با کمک برخی از عشایر عرب، به شهر کربلا یورش برد و آن را متصرف شد و اهالی آن را کشته و اموال آنان و اموال موجود در خزانه حرم مطهر را به تاراج برده و به بیابان

۱- محمد صادق الکرباسی، تاریخ المراقده (الحسین (ع) و اهل بینه و انصاره)

ص: ۱۸۸

بازگشت. هنگامیکه عضد الدوله از این موضوع آگاه شد لشکری را به جنگ او فرستاد و چون (ضبه اسدی) تاب مقاومت در برابر لشکر عضد الدوله را در خود ندید، زن و بچه و اموال خود را رها کرده و از معرکه گریخت.

در سال ۳۷۲ هـ ق اولین باروی شهر در دوران حکومت عضد الدوله آل بویه گرداگرد آن کشیده شد و مساحت آن ۲۴۰۰ متر مربع بود. وی برای شهر رودخانه‌ای کشید و زمینهای آن را وقف حرم مطهر کرد تا از پول وقف هزینه روشن کردن چراغهای حرم تأمین شود و همچنین خانه‌ها و بازارهایی ساخت و به ساکنان شهر هدایا و عطایا داد و دستور ساختن مدرسه اولیه عضدیه را داد و مسجدی به نام (رأس الحسین) ساخت. (۱)

از سال ۴۰۷ تا ۴۱۲ هـ ق وزیر معروف آل بویه (حسن بن فضل بن سهلان رامهرمزی) باروی دوم شهر را بنا کرد و در چهار سوی آن دروازه آهنی نصب کرد. (۲) در سال ۴۸۹ هـ ق در دوران حکمرانی سیف الدوله اهالی شهر (خفاجه) به کربلا یورش بردند. (۳)

۱- در سال ۲۸۳ هـ ق محمد بن زید بن علوی داعی صغیر بقیعه را مرمت کرده (دایره المعارف تشیع ۱/۷۵)

۲- (۲) ابن جوزی، المنتظم، ۷/۲۸۳

۳- (۳) ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ۱۰/۱۷۷، سپس سیف الدوله که فرمانروای حلب بود با لشکریانی عازم کربلا شد و شورش را سرکوب کرده و خفاجه را به قتل رسانیده و امنیت را برقرار ساخت و زیانهای وارده را جبران نمود (ویراستار)

ص: ۱۸۹

در سال ۷۹۵ ه ق تیمور لنگ به کربلا حمله کرد و آن را متصرف شد.

در سال ۸۵۸ ه ق حکمران خودمختار بصره (علی مشعشعی) به کربلا حمله کرد و حرم مطهر امام حسین (ع) را غارت کرد و تعداد زیادی از اهالی کربلا را کشته و تعدادی را نیز بعنوان اسیر به پایتخت خود بصره منتقل کرد.

در سال ۹۱۴ ه ق شاه اسماعیل صفوی به کربلا رفت و رودخانه‌ای در آنجا حفر کرد و مرقد مطهر امام حسین (ع) را تجدید بنا کرد (۱).

در سال ۹۵۳ ه ق سلطان عثمانی (سلیمان قانونی) دو حرم امام حسین (ع) و ابوالفضل (ع) را تجدید بنا کرد و باغهای اطراف کربلا را که زیر شن رفته بودند دوباره احیا کرد.

در سال ۱۰۱۳ ه ق قبیله (آل مهنا) به رهبری شیخ قبیله که (ناصر بن مهنا) نامیده می‌شد به کربلا حمله کرد و آن را به تصرف خود درآورده و تا سال ۱۰۵۳ ه ق شهر کربلا در تصرف آنان بود.

ص: ۱۹۰

در سال ۱۲۱۶ ه ق وهابی‌ها به رهبری (سعود بن عبدالعزیز) به شهر کربلا حمله کردند و بسیاری از اهالی کربلا را در بازارها و خانه‌ها از دم شمشیر گذراندند و گنبد حرم مطهر امام حسین (ع) را ویران کردند و تمامی اموال و طلا- و نقره و اسحله موجود در حرم را به تاراج بردند، طوریکه مردم این حادثه تلخ را (کربلای دوم) نامیدند.

در اوایل قرن نوزدهم میلادی و بعد از حمله وهابی‌ها در سال ۱۲۱۶ ه ق یکی از پادشاهان هند به زیارت کربلا آمد و در آن بازارهای زیبا و خانه‌های متعدد ساخت و تعدادی از شیعیان را در آنها اسکان داد و باروی مرتفعی برای شهر بنا کرد.

در سال ۱۲۱۷ ه ق پس از حمله مجدد وهابی‌ها، سید علی طباطبائی (صاحب‌الریاض) اقدام به بنای باروی سوم شهر کرد و برای این بارو شش دروازه ساخت که هر یک از دروازه‌ها به نام معینی خوانده می‌شد. در سال ۱۵۳۴ م ترکهای عثمانی عراق را تصرف نمودند و سلطان سلیمان قانونی دستور حفر نهری از رودخانه فرات را صادر کرد که به نام (نهر سلیمانی) معروف شد و امروزه آن را به نام نهر حسینی می‌نامند. در سال ۱۶۲۳ م لشکر ایران به فرماندهی شاه عباس صفوی کربلا را به تصرف خود درآورد. در سال ۱۶۳۸ م سلطان عثمانی (مراد چهارم) شهر کربلا را محاصره و دوباره به تصرف عثمانی درآورد.

ص: ۱۹۱

در سال ۱۲۴۱ ه ق (۱۸۲۵ م) نبرد میرآخور اتفاق افتاد و جریان از این قرار بود که در دوره حکمرانی داود پاشا بر عراق، نیروهای نظامی داود پاشا به فرماندهی سلیمان میرآخور به کربلا- حمله کردند و پس از محاصره، شهر را تصرف کرده و در عرض هشت ماه آن را تاراج نمودند.

در سال ۱۲۵۸ ه ق (۱۸۴۲ م) محمد نجیب پاشا به کربلا- حمله و با فشارهای نظامی آن را به زیر یوغ عثمانی‌ها درآورد.

در سال ۱۸۶۰ م سیم کشی تلگراف به کربلا رسید و این شهر قادر شد که با جهان خارج در ارتباط باشد. در سال ۱۲۸۵ ه ق (۱۸۶۸ م) و در دوران حکومت مدحت پاشا، ادارات دولتی بنا شد و تعدادی از بازارها و ساختمانهای جدید ساخته شد و قسمتی از باروی شهر که رو به شهر نجف بود ویران شد و محله جدیدی به شهر اضافه شد که بعدها محله (عباسیه) نامیده شد.

در سال ۱۹۱۴ م پس از پایان جنگ اول جهانی ساختمانهای جدید و خیابان پهن در شهر ساخته شد و با تهیه سیستم فاضلاب جدید آبهای زیر زمینی به بیرون شهر هدایت شد و زمین کربلا خشک گردید. در سال ۱۹۲۰ م انقلاب عراق از شهر کربلا- آغاز شد و این شهر بعنوان پایگاه انقلاب نقش خود را ایفا کرد و در این میان مرجع شیعیان آقای شیخ محمد تقی حائری شیرازی فتوای معروف خود درباره تحریم انتخاب غیر مسلمان به حکمرانی عراق را صادر کرد.

ص: ۱۹۲

در سال ۱۹۸۰ م حکومت بعث عراق اقدام به قتل عام زائران حرم مطهر امام حسین (ع) در مراسم اربعین نمود.

در سال ۱۹۹۱ م در جریان قیام مقدس شیعیان و پس از جنگ دوم خلیج فارس حکومت صدام اقدام به قتل عام مردم کربلا نموده و بخشی از گنبد حرم مطهر امام حسین (ع) را تخریب نمود.

شهرستانهای تابعه کربلا:

استان کربلا سه شهرستان دارد که عبارتند از:

- ۱ شهرستان کربلا: دو بخش دارد به نامهای بخش (حر) و بخش (حسینیه)
- ۲ شهرستان (سده هندیه): دو بخش دارد به نامهای بخش (الخیرات) و بخش (الجدول الغربی)
- ۳ شهرستان (عین تمر)

محله های کربلا:

محله های کربلا عبارتند از: حی (۱) الحسین، حی المعلمین، حی العباس، حی النقیب، حی الثوره، حی الحر، حی رمضان، حی الصحه، حی الاسکان، حی القزویینه، حی العداله، حی البنوک، حی الانصار، حی الموظفين، حی البلدیه، حی السعدیه، حی العلماء، حی الملحق، حی التعلیب، حی الاصلاح الزراعی، حی العامل.

۱- حی در زبان عربی به معنی محله است

ص: ۱۹۳

خیابانهای کربلا:

خیابانهای مهم کربلا عبارتند از:

شارع الرسول الاعظم (ع)، شارع الامام علی (ع)، شارع الحسین (ع)، شارع العباس (ع)، شارع علی اکبر (ع).

زیارتگاه های کربلا:

علاوه بر حرم مطهر امام حسین (ع) و حرم مطهر ابوالفضل (ع) زیارتگاه‌های دیگری در شهر کربلا وجود دارد که شیعیان به زیارت آن اماکن متبرکه مشرف می‌شوند. این زیارتگاه‌ها عبارتند از:

مرقد سید ابراهیم مجاب (ع)، مرقد حبیب بن مظاهر اسدی، مرقد سایر شهدای کربلا، مرقد قاسم بن الحسن، نخل مریم، مقام حر بن یزید ریاحی (ع)، خیمه گاه امام حسین (ع)، مقام حضرت مهدی (ع)، تل زینیه، مقام کف دست راست حضرت ابوالفضل (ع)، مقام کف دست چپ حضرت ابوالفضل (ع)، مقام امام جعفر الصادق (ع)، مقام عون بن عبدالله، مقام ابن فهد حلّی، مقام فضه، مقام امام علی (ع)، مقام موسی بن جعفر (ع)، مقام علی اکبر (ع)، مقام رأس الحسین (ع)، مقام ام البنین (ع)، مقام آخرس بن الکاظم (ع)، مقام ابن حمزه.

اماکن سیاحتی کربلا:**اماکن سیاحتی کربلا عبارتند از:**

دژ الاخضر، قلعه الهندی و خان العطشان.

ص: ۱۹۴

مساجد کربلا:

شهر کربلا بیش از یکصد مسجد دارد که معروفترین آنها عبارتند از: مسجد رأس الحسین (ع)، مسجد عمران بن شاهین، مسجد شهید ثانی، مسجد سردار حسن خان، مسجد ناصری، مسجد شهرستانی، مسجد حمیدیه، مسجد سید علی نقی طباطبائی، مسجد کیس، مسجد شیخ یوسف بحرانی، مسجد شیخ خلف، مسجد اردبیلی‌ها، مسجد حاج نصر الله، مسجد خیمه‌گاه.

حسینیه‌های کربلا:

با توجه به اینکه کربلا شهری زیارتی است و سالیانه صدها هزار مسلمان از سرتاسر کشورهای شیعه‌نشین برای زیارت به این شهر مقدس مشرف می‌شوند، از این رو بسیاری از مردم شهرهای گوناگون به ساختن حسینیه و زائرسرا پرداخته‌اند و تعداد حسینیه‌ها در این شهر به بیش از یکصد حسینیه می‌رسد که مهمترین آنها متعلق به ایرانیان است مانند: حسینیه تهرانی‌ها، اصفهانی‌ها، مازندرانی‌ها، قمی‌ها و آذربایجانی‌ها و دهها حسینیه دیگر که قسمت عمده این مراکز در سالهای اخیر منهدم و ویران شده است.

مدارس دینی کربلا:

با توجه به اینکه حوزه علمیه کربلا از حوزه‌های علمیه کهن و قدیمی شیعه است و از لحاظ اهمیت بعد از حوزه نجف اشرف می‌آید از این رو مدارس دینی بسیاری در کربلا وجود دارند که برخی از آنها عبارتند از:

ص: ۱۹۵

- ۱ مدرسه محسنیه ۱۳۲۷ ه ق
- ۲ مدرسه جعفریه ۱۳۳۳ ه ق
- ۳ مدرسه احمدیه ۱۹۲۱ م
- ۴ مدرسه فیصلیه ۱۹۲۱ م
- ۵ مدرسه رضویه ۱۳۴۵ ه ق
- ۶ مدرسه امام باقر (ع) ۱۳۸۱ ه ق
- ۷ مدرسه مجاهد ۱۲۷۰ ه ق
- ۸ مدرسه بادکوبه ۱۲۷۰ ه ق
- ۹ مدرسه صدر اعظم ۱۲۷۶ ه ق (ویرانه شده)
- ۱۰ مدرسه حاج عبدالکریم ۱۲۸۷ ه ق
- ۱۱ مدرسه بقعه ۱۲۵۰ ه ق
- ۱۲ مدرسه سلیمیه ۱۲۵۰ ه ق
- ۱۳ مدرسه هندیه کبری ۱۹۲۰ م
- ۱۴ مدرسه هندیه صغری ۱۳۰۰ ه ق
- ۱۵ مدرسه ابن فهد حلی ۱۲۷۶ ه ق (به تازگی تجدید بنا شده است)
- ۱۶ مدرسه زینیه ۱۲۷۶ ه ق (ویرانه شده)
- ۱۷ مدرسه مهدیه ۱۲۸۷ ه ق

ص: ۱۹۶

۱۸ مدرسه بروجردی ۱۳۸۱ ه ق

۱۹ مدرسه شریف العلماء مازندرانی ۱۳۸۴ ه ق

۲۰ مدرسه الخطیب ۱۳۵۵ ه ق

۲۱ مدرسه امام صادق (ع) ۱۳۷۶ ه ق

۲۲ مدرسه حسینه ۱۳۸۸ ه ق

۲۳ مدرسه سردار حسن خان ۱۱۸۰ ه ق (این مدرسه قبلاً ۷۰ حجره داشت که در حال حاضر تنها ۱۶ حجره آن باقی مانده است).

کتابخانه‌های کربلا:

۱ کتابخانه‌های عمومی:

کتابخانه عمومی کربلا عبارتند از: کتابخانه جعفریه، کتابخانه سید الشهداء (ع)، کتابخانه عمومی مرکزی، کتابخانه ابوالفضل العباس (ع)، کتابخانه روضه حسینه، کتابخانه سید علی اکبر حائری، کتابخانه مولی عبدالحمید فراهانی، کتابخانه رسول اعظم (ص)، کتابخانه نهضت اسلامی، کتابخانه حضرت زینب کبری (س)، کتابخانه قرآن کریم.

۲ کتابخانه‌های خصوصی:

کتابخانه‌های خصوصی کربلا عبارتند از: کتابخانه حرم مطهر امام حسین (ع)، کتابخانه سید نصر الله حائری، کتابخانه شیخ عبدالحسین تهرانی، کتابخانه سید عبدالحسین کلیدار آل طعمه، کتابخانه سید حسین قزوینی، کتابخانه سید محمد باقر

ص: ۱۹۷

حجه طباطبائی، کتابخانه شیخ احمد بن زین الدین حائری، کتابخانه شیخ محسن ابوالحب، کتابخانه شیخ محمد بن داود خطیب، کتابخانه سید مهدی حکیم شهرستانی، کتابخانه سید محسن جلالی کشمیری.

گورستان‌های کربلا:

کربلا پنج گورستان دارد که عبارتند از: گورستان (ساحه المخیم)، گورستان وادی العتیق که امروزه به آن مدرسه غره می‌گویند و در مقابل مقام امام صادق (ع) واقع شده است، گورستان وادی الجدید که مقابل ایستگاه راه آهن قرار دارد و گورستان هندی‌ها که در بستان (ابن ذرب) مقابل مرقد ابن حمزه واقع است.

بازارهای قدیمی و جدید کربلا:

بازارهای کربلا عبارتند از: بازار (مخضر)، بازار نجارین یا درودگرها، بازار هرج، بازار صفارین یا مسگرها، بازار صاغه یا طلافروشان، بازار بزازین یا پارچه فروشان، بازار علاوی، بازار حسین (ع)، بازار زینیه، بازار باب‌الخان.

کاروانسراهای قدیمی و معروف کربلا:

کاروانسراهای کربلا عبارتند از: کاروانسرای (الکهیة)، کاروانسرای (زاد)، کاروانسرای (پیر) کاروانسرای مزارقچی، کاروانسرای (اخیر).

ص: ۱۹۸

ب توصیف حرم مطهر امام حسین:**روضه الشریف:**

در وسط صحن شریف قرار دارد که بر روی آن صندوقی از چوب منبت کاری شده با عاج قرار دارد و بر روی آن پنجره فولادی گرانبھائی قرار گرفته و سپس ضریح شش گوشه مقدس قرار دارد، درون آن قبر مطهر امام حسین (ع) و دو فرزندش علی اکبر (ع) و علی اصغر (ع) جای دارد و ضریح در سمت قبر علی اکبر (ع) یک متر عقب تر نشسته است این ضریح از جنس نقره خالص و سفید رنگ است طول ضریح امام حسین (ع) ۵/۵ متر و عرض آن ۵/۴ متر و ارتفاع آن ۵/۳ متر است و طول ضریح علی اکبر (ع) که به ضریح پدر بزرگوارش چسبیده ۶/۲ متر و عرض آن ۴۰/۱ متر است و بر روی قسمت جلویی ضریح این جملات نقش بسته است: (إن الداعی إلى حب آل محمد الطاهر ابن أبي محمد الطاهر سيف الدين نجل سيدنا محمد برهان الدين من بلاد الهند سنه خمس و خمسين و ثلثمائه بعد الألف ۱۳۵۵ هـ ق).

در زاویه جنوبی ضریح، شهدای کربلا- قرار دارند که در حدود یک متر و نیم با ضریح علی اکبر (ع) فاصله دارند و بسیاری از زائران در این منطقه پا نمی گذارند زیرا که معتقدند در زیر این قسمت قبور شهدای کربلا قرار گرفته است. ضریح شهدای کربلا پنجره‌ای نقره است که طول آن چهار متر و هشتاد سانتی متر است. روضه شریف بصورت مستطیلی است که طول آن از شمال به جنوب ۱۲۵ متر و عرض آن از شرق به غرب ۹۵ متر است و عبارتست از ضریح مطهر و ضریح شهدا و صحن وسیعی که پیرامون آنها را فرا گرفته است. مساحت کل حرم شریف ۳۸۵۰

ص: ۱۹۹

متر مربع است که قبر امام حسین (ع) در قلب آن قرار گرفته و بر بالای آن گنبدی بزرگ است که بر چهار ستون بزرگ مستطیل شکل $۵۰/۳ * ۵۰/۲$ متر قرار گرفته است. دیوارهای روضه شریف تماماً طلاکاری، کاشیکاری و آئینه کاری شده است.

رواق ها:

اشاره

اطراف حرم مطهر را چهار رواق فرا گرفته که هر کدام از آنها در یکی از جهات اربعه قرار گرفته و عرض هر یک از این رواق ها پنج متر و طول هر کدام از رواق های شمالی و جنوبی در حدود چهار متر و طول هر کدام از رواق های شرقی و غربی در حدود چهار و پنج متر است. زمین این رواق ها با سنگ مرمر سفید اعلا سنگ فرش شده است و وسط دیوارهای آن آئینه های بزرگی تعبیه شده است. ارتفاع سقف هر کدام از رواق ها ۱۲ متر است. رواق غربی به نام رواق سید ابراهیم مجاب معروف است زیرا قبر سید ابراهیم مجاب یکی از نوادگان امام موسی بن جعفر (ع) در آن قرار دارد، قبلاً به این رواق رواق (عمران بن شاهین) می گفتند.

رواق جنوبی

به نام رواق حبیب بن مظاهر معروف است و رواق شرقی به نام رواق فقها و رواق شمالی به نام رواق سلاطین معروف است و تمامی این رواق ها با کاشیکاری زیبا و نوشته هایی از آیات قرآن تزیین شده است. این رواق ها چندین در دارند که برخی از درها از نقره خالص ساخته شده و برخی نیز از چوب گرانبها ساخته شده است، تمامی این درها به داخل حرم شریف راه دارند و دو در نیز طلایی بوده و در وسط رواق جنوبی قرار دارند و شیشه ای شفاف آنها را می پوشاند و بر بالای هر کدام از درها آیاتی از قرآن کریم نوشته شده و زوار معمولاً در کنار این درها ایستاده و زیارتنامه می خوانند.

ص: ۲۰۰

رواق شرقی

در گذشته به نام رواق آغا باقر معروف بود و امروزه به آن رواق فقها می‌گویند زیرا که سه تن از فقها در یکجا به خاک سپرده شده‌اند و بر روی قبر آنان صندوق زیبایی قرار داده‌اند که در سمت راست در حرم قرار گرفته است و این فقها عبارتند از:

۱. شیخ محمد باقر وحید بهبهانی مؤسس مدرسه اصولیه.

۲. سید علی طباطبائی صاحب کتاب ریاض العلماء.

۳. شیخ یوسف آل عصفور بحرانی صاحب کتاب الحدائق الناضره.

البته در کنار فقهای فوق الذکر فقهای دیگری نیز در این رواق به خاک سپرده شده‌اند که عبارتند از:

۱. سید کاظم رشتی (متوفی سال ۱۲۵۹ ه ق)

۲. سید احمد بن سید کاظم رشتی (مقتول سال ۱۲۹۵ ه ق)

۳. شاعر بزرگ حاج جواد بدقت (متوفی ۱۲۸۱ ه ق).

۴. عالم و شاعر بزرگ شیخ جعفر بن صادق الهمر.

در رواق شرقی دو در وجود دارد که به صحن شریف باز می‌شوند و در کنار اولی کفشداری سید محمود آل طعمه قرار دارد و مقابل مسجد سید کاظم رشتی واقع شده است و در کنار در دومی کفشداری آل وهاب است که در مقابل در (علی اکبر) واقع شده است.

ص: ۲۰۱

رواق غربی

یا رواق سید ابراهیم مجاب، رواقی است که مرقد سید ابراهیم مجاب در آن قرار دارد و بر روی قبر او صندوقی از چوب ساج قرار داده شده است البته در این رواق قبرهای دیگری نیز وجود دارد که مربوط به علمای بزرگ شیعه است و عبارتند از:

۱. سید عبدالله بحرانی صاحب مولفات گرانمایی نظیر: (الافاضات الحسینیه) و کتاب (شرح المختصر النافع).

۲. سید محسن بن سید عبدالله بحرانی.

۳. سید محمد بن سید محسن بحرانی صاحب مؤلفاتی نظیر: (الفصول البهیه فی بعض أخبار الحج المرضیه) و (کتاب هدایه العباد).

۴. سید محمد زینی حسینی، عالم و شاعر شیعی.

در این رواق دو اتاق وجود دارند که یکی از آنها قبرستان خانوادگی سادات آل نصر الله و دیگری قبرستان خانوادگی سادات آل جلوخان است

این رواق دو در دارد که به صحن حرم باز می‌شوند در اولی به در حبیب بن مظاهر معروف است و در کنار آن کفشداری آل شوخی است و در دومی به در سید ابراهیم مجاب معروف است و در کنار آن کفشداری سید جعفر آل طعمه قرار دارد و اخیراً کلیدار حرم مطهر در این رواق در دیگری نیز ساخت که به نام در سلطانیه معروف است و در کنار آن کفشداری سید هادی آل طعمه قرار دارد.

رواق جنوبی به نام رواق حبیب بن مظاهر معروف است که در سمت چپ آن قبر حبیب بن مظاهر یار با وفا و بزرگوار امام حسین (ع) قرار دارد و بر بالای قبر او

ص: ۲۰۲

ضریحی نقره‌ای قرار دارد در مقابل ضریح حبیب بن مظاهر (کشکخانه (۱)) (قرار دارد که قبرستان تعدادی از افراد خاندان آل طعمه است، همچنین در این رواق قبر تعدادی از علمای بزرگ شیعه قرار دارد که عبارتند از:

۱. سید محمد مهدی موسوی شهرستانی (متوفی سال ۱۲۱۶ ه ق)
 ۲. سید محمد حسین بن محمد مهدی شهرستانی.
 ۳. سید محمد حسین مرعشی حسینی معروف به شهرستانی متوفی سال ۱۳۱۵ ه ق و صاحب کتاب (غایه المسئول فی علم الاصول).
 ۴. میرزا محمد علی بن محمد حسن مرعشی، متوفی سال ۱۳۴۴ ه ق و صاحب کتاب (الدره الوجیزه من شرح الوجیزه).
- این علما همگی در یک قبر به خاک سپرده شده‌اند که پشت قبور شهدا قرار دارد. محل قتلگاه نیز در رواق جنوبی و در سمت جنوب غربی رواق قرار دارد که بصورت اتاقی است با دری نقره‌ای و سنگفرشی مرمری و سفید و نیز شامل سردابی با در نقره‌ای می‌باشد. رواق شمالی به نام رواق سلاطین معروف است و علت این تسمیه، وجود قبور تعدادی از پادشاهان و شاهزادگان قاجار نظیر محمدعلی و نواده‌اش احمد در این رواق

ص: ۲۰۳

می باشد، همچنین در این رواق قبر عالم فاضل سید عبدالحسین حجت طباطبائی و خطیب مشهور سید حسن استرآبادی قرار دارد.

صحن مطهر:

صحن بزرگی اطراف مرقد مطهر را فرا می گیرد که برخی بدلیل اقامه نماز جماعت در آن، (جامع) می نامند. در گذشته صحن مذکور از داخل به شکل مستطیل بود، توسعه صحن در سال ۱۹۴۷ م از سمت شرقی آن آغاز شد و دو رکن داخلی صحن در سمت جنوب شرقی و شمال شرقی برداشته شد و صحن از داخل به شکل چهار ضلعی درآمد و از خارج نیز بصورت بیضی شکل شد. دیوار صحن به ارتفاع ۱۲ متر است که دو متر آن سنگ کاری شده و باقیمانده آن تا بالا با آیاتی از قرآن کریم بصورت کاشیکاری تزیین شده است در گذشته اطراف صحن امام حسین (ع) را مدارس دینی فرا گرفته بود که هر کدام دری به صحن شریف داشتند و طلاب علوم دینی از داخل صحن به مدرسه خود می رفتند، اما شهرداری کربلا اقدام به ویران کردن این مدارس و مساجد پیرامون صحن نمود و بجای آنها خیابانی ساخت که اطراف حرم را فراگرفت، از جمله بناهای ویران شده (مدرسه حسن خان) بود که بزرگترین مدرسه دینی کربلا- به شمار می رفت و در آن بزرگانی نظیر سید جمال الدین اسدآبادی پرورش یافته بودند و نیز مسجد حسن خان که یکی از شاهکارهای هنر معماری به شمار می رفت، در این بازسازی ها مسجد به طور کامل و بخش وسیعی از مدرسه ویران شد. مدرسه مذکور در زاویه شمال شرقی صحن قرار داشت، در جهت غربی صحن مدرسه صدر اعظم، مدرسه زینیه و مسجد بزرگ ناصری قرار داشت و در سمت شمال صحن مسجد قدیمی و تاریخی

ص: ۲۰۴

(رأس الحسين) قرار داشت که گفته می‌شد سر مطهر امام حسین (ع) را قبل از بردن به کوفه در این محل گذاشته بودند و شیعیان را به این مسجد عنایت خاصی بود، اما این مسجد نیز در بازسازی حرم کاملاً ویران شد.

صحن شریف تا قبل از دوران شاه طهماسب صفوی دارای سه جهت شرق، غرب و جنوب بود و شاه طهماسب کسی است که جهت شمالی را به صحن افزود و صحن مطهر دارای چهار جهت گردید. مساحت کلی صحن ۱۵۰۰ متر مربع است لذا در بین عتبات عالیات حرم مطهر امام حسین (ع) بزرگترین صحن را دارد. دورتادور حرم مطهر ۶۵ ایوان، هر کدام با یک حجره قرار دارد که از بیرون و داخل کاشیکاری شده‌اند، این حجره‌ها برای طلبه‌های علوم دینی ساخته شده است و برخی از آنها برای سلاطین و شاهزادگان و علمای بزرگ و اشراف بنا شده است.

در سرتاسر صحن، حجره‌های پیرامون و رواق‌های آن، بسیاری از بزرگان در طول تاریخ دفن شده‌اند، برخی از این حجره‌ها به نام شخصیت دفن شده در آن معروف شده است.

در ضلع جنوبی صحن کتابخانه فعلی روضه مطهر قرار دارد و در ضلع شرقی صحن ایوان بزرگی قرار داشت که مقبره رهبر بزرگ شیعیان آیت الله میرزا محمد تقی شیرزای (رهبر قیام سال ۱۹۲۰ م عراق علیه انگلیسی‌ها) در آن واقع شده است و در هنگام توسعه حرم مطهر زاویه جنوب شرقی از بین رفت و قبر شیخ محمد تقی شیرازی داخل صحن شد، ابتدا بر روی آن پنجره‌ای نصب شد و بعدها این پنجره نیز برداشته شد.

ص: ۲۰۵

از دیگر مشاهیر مدفون در این بقعه مطهر، میرزا تقی خان امیر کبیر است که پس از به قتل رسیدنش در کاشان، به کربلا منتقل و در مقبره‌ای در رواق شرقی حرم مطهر دفن گردید، همچنین قاجاریه نیز در رواق شمالی، دارای مقبره‌ای هستند که جمعی از آنان در آنجا مدفونند.

صحن شریف دو ایوان به نام‌های ایوان وزیر و ایوان ناصری دارد(۱):

ایوان وزیر: در جهت شمالی صحن ایوان بزرگی با پنجره‌ای آهنی و مشرف بر صحن قرار دارد، این ایوان منسوب به یکی از وزرای دولت قاجاری است که در پشت این ایوان دفن شده است. این ایوان قبلاً ایوان (لولو) نام داشت که درویشان در آن گرد هم می‌آمدند و در دهه اول محرم آن را سیاه پوش نموده، کشکول‌های خود را در آن می‌آویختند و مجلس سوگواری برای امام حسین (ع) برگزار می‌کردند. رهبری این گروه از دراویش را درویشی به نام سید مطهر برعهده داشت که شخصیت بسیار محبوبی بود و در مجلس او بسیاری از بزرگان شهر کربلا حضور می‌یافتند. در این ایوان بسیاری از علما مدفون شده‌اند که نام‌های ایشان بر روی سنگ نوشته‌های دیوار آن نقش بسته است. امروزه این ایوان تغییر شکل یافته و بعنوان در ورودی صحن به شمار می‌رود و به نام باب السلام معروف است.

۱- منظور دو ایوان بزرگ و اصلی صحن است ولی افزون بر اینها صحن ۶۵ ایوان کوچک هم دارد که در داخل آنها قبور پادشاهان، عالمان و حجره‌هایی برای نشستن طلبه‌ها به چشم می‌خورد (ویراستار)

ص: ۲۰۶

ایوان ناصری:

در سمت غربی صحن قرار دارد و قبلاً به نام ایوان حمیدی معروف بود چون توسط سلطان عبدالحمید ثانی (از سلاطین عثمانی) ساخته شده بود. مقدمه ایوان قوس دار و به ارتفاع ۱۵ متر بوده که طول قاعده آن ۸ متر و عرض آن ۵ متر است و ساعتی بزرگ بر سر ایوان قرار داشت. تاریخ بنای این ایوان به سال ۱۲۷۵ ه ق باز می گردد. امروزه این ایوان نیز محل تردد زوار به صحن شریف شده است. تکیه بکتاشیه:

از جاهای مهم و معروف صحن شریف است و سمت راست وارد شونده‌ای که از در باب القبله وارد صحن شود واقع است. این تکیه را (عبدالؤمن دده) بنا کرد و بنای آن شبیه بنای صحن شریف است و در دوران حکومت عثمانی‌ها صوفیان ترک در آنجا گرد می آمدند و از مهمترین صوفیانی که به اینجا می آمدند فضولی شاعر بغدادی (متوفی سال ۹۶۳ ه ق) همچنین فرزندش فضلی شاعر و تعداد دیگری از شاعران ترک استانبولی بودند. سید احمد دده جد خاندان (دده) بعنوان متولی این تکیه بود اما در زمان سلطنت سلطان عبدالحمید ثانی که دولت عثمانی به شدت با پیروان فرقه بکتاشیه از در مخالف درآمد، سید احمد مذکور نام تکیه را از بکتاشیه به نقشبندیه تغییر داد تا از مخالفت دولت درامان باشد. این تکیه مدفن سید احمد دده و فرزندانش می باشد.

این تکیه دو پنجره دارد که به صحن مشرف است ولی متأسفانه امروزه بعلت بازسازی های مکرر صحن شریف تمامی مشخصات تکیه مذکور از بین رفته است.

ص: ۲۰۷

سقاخانه ها:

در گذشته صحن شریف چندین سقاخانه داشت و اولین سقاخانه در سال ۱۲۶۱ ه ق توسط احمد شکری یکی از نوادگان محمد نجیب پاشای عثمانی در سمت شرقی صحن شریف ساخته شد وی علاوه بر آب آشامیدنی، مقدار زیادی شکر نیز جهت مصرف زوار در سقاخانه خود می ریخت. در سال ۱۲۸۲ ه ق مادر سلطان عبدالمجید عثمانی دستور داد تا سقاخانه دیگری در سمت جنوب شرقی صحن شریف ساخته شود، همچنین بعدها مرحوم حاج حبیب حافظ (جد خاندان آل حافظ) نیز سقاخانه دیگری مقابل سقاخانه فوق الذکر ساخت. در سال ۱۳۲۲ ه ق نیز سقاخانه‌ای در مدخل باب القبله ساخته شد، اما در سال ۱۳۶۳ ه ق در اثر توسعه و بازسازی حرم مطهر تمامی سقاخانه‌های مذکور ویران شدند.

گنبد مطهر:

گنبد مطهر بر روی روضه شریف قرار دارد و سرتاسر آن با طلا پوشیده شده است، در قاعده گنبد ده پنجره قرار دارد که عرض هر کدام ۱۳۱ سانتی متر است و فاصله هر پنجره تا پنجره بعدی ۱۵۵ سانتی متر است. ارتفاع گنبد از قاعده تا نوک آن حدود ۳۷ متر است و بر بالای آن چراغ پرنوری گذاشته شده است که شب‌ها روشن می‌شود، در سمت راست گنبد کتیبه‌ای قرار دارد که بر روی آن نوشته شده است: (تذهیب القبه الحسينیه علی عهد السلطان ناصرالدین شاه القاجاری، کتبه محمد حسین الشهیر بالمشهدی ۱۲۷۳ ه ق) و سمت دیگر گنبد نوشته دیگری قرار دارد که در آن چنین نوشته شده است: (لقد تشرف بتعمیر هذه القبه المبارکه

ص: ۲۰۸

الشریفة المنوره بعون الله تعالى السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل السلطان ابن السلطان ناصرالدين شاه القاجارى خلد الله ملكه). بنا بر گزارش اداره اوقاف كربلا گنبد مطهر از ۷۵۲۶ آجر طلا تشکیل شده است و مساحت گنبد ۳۰۱ متر مربع می باشد.

گلدسته ها

: در فاصله ده متری جنوب گنبد مطهر دو گلدسته بلند و طلایی قرار دارند که ارتفاع هر کدام حدود ۲۵ متر و قطر آنها ۴ متر است. این گلدسته ها در سال ۷۸۶ ه ق در دوران سلطنت سلطان اویس جلایری ساخته شدند و پسرش احمد جلایری اقدام به کاشیکاری این گلدسته ها با کاشی طلایی رنگ نمود، در سال ۱۳۵۶ ه ق گلدسته غربی کمی منحرف شد و یکی از سلاطین هند به نام سلطان طاهر سیف الدین دستور تخریب و بازسازی مجدد آن را صادر کرد. این گلدسته ها در سال ۱۳۷۳ طلاکاری شدند و قابل ذکر است که تعداد کل آجرهای طلایی دو گلدسته حدود ۸۰۲۴ آجر طلایی است.

گفتنی است که علاوه بر گلدسته های مذکور در گذشته گلدسته سومی وجود داشت که به آن گلدسته (عبد) می گفتند که در کنار سقاخانه (الحافظ) قرار داشت و توسط والی بغداد مرجان امین الدین بن عبدالله در روزگار سلطنت ایلخانیان در سال ۷۶۷ ه ق بنا شد. (مرجان) از طرف سلطان اویس جلایری حکمران عراق بود و اندیشه استقلال در سر داشت و عاقبت نیز سر به طغیان برداشته و بر علیه سلطان شورید، سلطان نیز چون چنین دید با لشکری بزرگ بسوی بغداد پیشروی

ص: ۲۰۹

کرد و بغداد را محاصره کرد و مرجان چون شکست خود را حتمی دید به شهر کربلا رفت و در حرم مطهر پناه گرفت و اقدام به ساختن گلدسته بزرگی در حرم کرد و مسجد بزرگی نیز در کنار حرم ساخت و درآمد خود از املاک بغداد و کربلا - وعین تمر و رحالیه را وقف آن نمود و اموال زیادی را خرج بازسازی و تعمیر حرم مطهر کرد، چون سلطان جلایری این موضوع را دانست او را پذیرفت و از سرگناش در گذشت و دوباره او را بعنوان والی عراق برگزید.

این گلدسته در فاصله بیست متری زاویه شرقی حرم قرار داشت و بزرگترین گلدسته در بین گلدسته‌های عتبات مقدس به شمار می‌رفت بطوری که قطر آن بیست متر و ارتفاع آن چهل متر بود و با کاشیکاری بسیار زیبایی مزین شده بود، در سال ۹۸۲ ه ق شاه طهماسب صفوی آن را بازسازی کرد و صحن شمالی را به حرم مطهر اضافه کرد و این کار او سبب شد حرم مطهر در وسط قرار گیرد و چهار سمت آن باز بماند. مورخین تاریخ این بازسازی (۹۸۲) را به حروف أبجد برگردانند که ماحصل آن (انگشت یار) بود.

در دوران حکومت عثمانی بر اثر ویرانی بالای گلدسته، دربار عثمانی (سال ۱۳۰۸ ه ق) دستور بازسازی مناره را صادر نمود، اما متأسفانه در دوران حکومت پادشاهی ملک فیصل اول و در سال ۱۳۵۴ ه ق (۱۹۳۵ م) بنا به دستور نخست وزیر یاسین الهاشمی گلدسته مذکور ویران شد و هدف پشت پرده دولت از این کار تصرف املاک و زمین‌های موقوفه‌ای بود که (مرجان) وقف حرم مطهر کرده بود، هنگام ویران کردن این گلدسته به سکه‌های قدیمی متعلق به دوران حکومت جلایری برخورد کردند که تمامی این سکه‌ها به موزه بغداد منتقل گردید. این کار باعث

ص: ۲۱۰

خشم و ناراحتی علما و اهالی شهر کربلا شد و بسیاری از شعرا در رثای این گلدسته اشعاری سرودند و گفتنی است که یاسین هاشمی تنها به ویران کردن گلدسته حرم مطهر اکتفا نکرده و دستور داد تا برگزاری مراسم عزاداری حسینی و مراسم دهه اول محرم برچیده شود.

درهای صحن مطهر:

اشاره

صحن شریف درهای متعددی دارد که هر کدام به یکی از محلات شهر کربلا منتهی می‌شود. تعداد درها قبلاً هفت در بود و عبارت بودند از: باب القبله، باب الزینیه، باب السلطانیه، باب السدره، باب الصحن الصغیر و باب الصافی و باب قاضی الحاجات، اما بعدها بر اثر توسعه صحن شریف دو در باب الصغیر و باب الصافی درهم ادغام شدند و یک درب به نام باب الشهداء جایگزین آنها شد، همچنین چهار در دیگر اضافه شد که عبارت بودند از: باب الرجاء، باب الکرامه، باب السلام و باب الرأس الشریف و در حال حاضر تعداد درهای صحن ده در می‌باشد و علت ساختن درب های اخیر ازدحام بیش از حد حرم مطهر در مراسم مختلف بود. همه درب ها از چوب مرغوب و اعلا- ساخته شده‌اند، در اینجا به بررسی مختصری درباره درهای حرم مطهر می‌پردازیم:

۱. باب القبله:

قدیمی‌ترین در حرم مطهر است که بعنوان درب اصلی به شمار می‌رود و در وسط جهت جنوبی صحن شریف قرار دارد و بعلت واقع شدن آن در سمت قبله بدین نام خوانده می‌شود. این در از چوب مرغوب ساج و چوب نارنج و به ارتفاع ۶ متر ساخته شده است، عرض آن ۴ متر است و بر روی در این آیه کریمه

ص: ۲۱۱

نقش بسته است بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّمَا یُرِیْدُ اللّٰهُ لِیْذَهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیْرًا صدق الله العلی العظیم و در سمت چپ در نیز نام هدیه کننده در (خالق زادگان) نقش بسته و در پایین این عبارت نوشته شده است: (این در در دوره کلیداری سید عبدالصالح در روز پنجشنبه هشتم شعبان ۱۳۸۵ ه ق (۱۹۶۵ م) ساخته شده است) بر بالای این در ساعت بزرگی نصب است که پایین آن نوشته شده: السلام عَلَیْكَ یا اَبَا عَبْدِالله

۲. باب الرجاء:

این درب بین باب القبله و باب قاضی الحاجات قرار دارد و در بیرون صحن کتیبه‌ای بالای آن قرار دارد که روی آن آیه کریمه زیر نوشته شده است:

(بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْاِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَیَانَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ یَسْجُدَانِ صدق الله العلی العظیم) بالای در کاشیکاری زیبایی است و دقیقاً بالای درب کتیبه دیگری با این آیات نصب شده است: (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اللّٰهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِیْهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجِهِ الزُّجَاجُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَیْتُونَةٍ صَدَقَ اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ) ۱۳۹۶ ه ق. ارتفاع این در ۵ متر و عرض آن ۵/۳ متر است.

۳. باب قاضی الحاجات:

این در مقابل (سوق العرب) قرار دارد و وجه تسمیه آن به امام زمان (ع) است. ارتفاع در ۵ متر و عرض آن ۵/۳ متر است. تاریخ بنای این

ص: ۲۱۲

درب به سال ۱۲۸۶ ه ق باز می گردد که این تاریخ بر روی مدخل خارجی در نگاشته شده است و از بیرون در بالاترین جای در این آیه کریمه نقش بسته است: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ) به خط داعی الحق، اما بر سر در چوبی این آیه کریمه نوشته شده است: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَمَنْ حَبَّجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهُلْ فَتَجْعَلْ لِعَنَّا اللَّهُ عَلَى الْكَاذِبِينَ صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ) به خط داعی الحق. ارتفاع در چوبی چهار متر و عرض آن سه متر است.

۴. باب الشهداء:

این در، وسط سمت شرقی حرم قرار دارد و از اینجا زوار بسوی حرم مطهر ابوالفضل (ع) می روند و این در به تبرک شهدای کربلا به نام باب الشهداء نامگذاری شده است و در بالاترین جای آن از بیرون این آیه نقش بسته است: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) به خط داعی الحق، اما بر بالای خود در این آیه کریمه نقش بسته است: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا) ارتفاع این در ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

۵. باب الكرامه:

در مذکور در منتهی الیه شمال شرقی صحن شریف و در کنار در باب الشهداء قرار دارد و علت این تسمیه کرامت امام حسین (ع) است در بالا-ترین نقطه در از بیرون این آیه نوشته شده است: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ

ص: ۲۱۳

الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ به خط جواد عبد نصیف، اما در بالای خود در این آیه نقش بسته است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَالَّذِیْنَ جَاهَدُوا فِیْنَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِیْنَ به خط جواد عبد نصیف، ارتفاع این در ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

ع. باب السلام:

این در، وسط سمت شمال صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه آن به باب السلام اینست که مردم از این سمت به حضرت سلام می کردند و این در به کوچه‌ای به همین نام منتهی می گردد و در بالاترین نقطه در از بیرون این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِیْدِ بَلْ عَجَبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَكفّالْ كَافِرُونَ هَذَا شَیْءٌ عَجِیْبٌ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِیْدٌ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِیْظٌ (۱) و بر بالای خود در کتیبه‌ای به خط کوفی قرار دارد که این آیه بر آن نقش بسته است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ فِی بُیُوتِ أذنَ اللّٰهِ أَنْ تُرْفَعَ وَیُذْكَرَ فِیْهَا اسْمُهُ یَسْبِیحُ لَهُ فِیْهَا بِالْعُدُوِّ وَالْآصَالِ رَجَالٌ لَا تُلْهِیْهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللّٰهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِیتَاءِ الزَّكَاةِ یَخَافُونَ یَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِیْهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ (۲) مورخ ۱۳۹۲ ه ق (۱۹۷۳ م) به خط جلیل النفاش، ارتفاع این در ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

۱- سوره ق / ۱۴

۲- (۲) سوره نور / ۷۳۶

ص: ۲۱۴

۷. باب السدره:

درب مذکور در منتهی الیه شمال غربی صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه آن درخت سدر کهنسالی است که در قرن اول هجری در کنار قبر مطهر امام حسین (ع) روئیده بود و زوار با دیدن آن قبر امام حسین (ع) را در بین صحرا می یافتند و بسوی آن می شتافتند. بر بالاترین نقطه در از بیرون این آیه شریفه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَسَيْقِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (۱) مورخ ۱۳۹۲ هـ ق به خط جلیل النقاش، اما بالای در چوبی کتیبه به خط کوفی وجود دارد که روی آن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالتَّيْنِ وَالزَّيْتُونَ وَطُورِ سِينِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ بِهِ خَطِ جَلِيلِ النِقَاشِ ۱۳۹۲ هـ ق. این قبلاً در باب القبله نصب شده بود و اکنون در باب السدره قرار دارد. ارتفاعش ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

۸. باب السلطانيه:

این غرب صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه، ساخته شدن آن توسط یکی از پادشاهان عثمانی است. در بالاترین نقطه در از بیرون صحن این آیه شریفه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) و اما بر بالای خود در و در سمت راست آن این آیه نوشته شده است

۱- سوره زمر / ۳۷

۲- (۲) سوره شعراء / ۱۹۲

ص: ۲۱۵

: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (۱) ودر سمت چپ آن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۲) به خط داعی الحق، ارتفاع این در ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

۹. باب الرأس الشريف:

این وسط سمت غربی صحن شریف قرار دارد و علت تسمیه آن مقابل جایگاه سر مطهر امام حسین (ع) واقع شدن آن است. بر بالاترین نقطه در از بیرون صحن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (۳) مورخ ۱۳۷۲ هـ ق، و اما روی خود این آیه کریمه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا. این در ۴ متر ارتفاع و ۳ متر عرض دارد و یک ساعت بزرگ بالای آن نصب شده است.

۱- سوره شعراء / ۴۱۹۳

۲- (۲) سوره ذاریات / ۱۹۱۸۱۷

۳- (۳) سوره احزاب / ۲۴۲۳

ص: ۲۱۶

۱۰. باب الزینیه:

در سمت جنوب غربی صحن قرار دارد و علت تسمیه آن تبرک به نام حضرت زینب (س) است و مقام معروف به زینب (س) در همان نزدیکی قرار دارد و بر بالاترین نقطه آن از بیرون صحن این آیه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا^(۱) به خط صلاح شیرزاد، اما بالای در این آیه کریمه نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ^(۲) ارتفاع در ۴ متر و عرض آن ۳ متر است.

ج موزه یا گنجینه حرم مطهر امام حسین (ع)

گنجینه حرم مطهر در بخش شمالی روضه شریف قرار گرفته و عبارت است از اتاق بسیار کوچکی که در محکمی از چوب ساج دارد، این اتاق هیچگونه پنجره‌ای به بیرون ندارد و مهمترین آثاری که در این گنجینه نگهداری می‌شود عبارتند از:

۱. (حمایل شمشیر) هدیه از طرف امیر تامپور حسن علی خان که نقش شش گل طلایی روی آن است و در وسط هر گل یک قطعه بزرگ زمرد سبز تعبیه شده است. سه بازوبند طلا- نیز هست که یکی از آنها مستطیل شکل با سنگهای گرانبهائی از

۱- سوره اسراء / ۸۰

۲- (۲) سوره نور / ۳۷۳۶

ص: ۲۱۷

زمرد و یاقوت و دیگری مربع شکل با سه سنگ یاقوت گرانبها و سه سنگ زمرد و سومی کوچک بوده و سنگ‌هایی از یاقوت و زمرد دارد.

۲. (شمشیری قدیمی) با قبضه‌ای طلایی که آن را نیز حسن علی خان امیر تامپور هدیه کرده است غلافی گرانبها دارد که دوزاده قطعه بزرگ زمرد و سیزده قطعه یاقوت سرخ اعلا در آن تعبیه شده است همچنین در دسته کنده کاری شده آن زمرد و سنگهای گرانبها تعبیه شده است.

۳. (زین طلاکاری شده) همراه با قلاده و افسار و سینه‌پوش طلایی، آستر زین از پارچه گرانبهای سبز رنگ بوده و مهمیزهایی از نقره دارد.

۴. (آئینه بلند) با قاب طلاکاری شده که بر روی آن هفتاد و هفت قطعه یاقوت سرخ تعبیه شده و بالای آن تاجی مزین به یاقوت و زمرد و الماس معمولی وجود دارد.

۵. بازوبند گرانبهایی که در وسط آن دایره‌ای مزین به الماس و دو طرف آن دو سنگ زمرد دارد.

۶. دو گوشواره بزرگ طلایی که اطراف آن با مروارید مزین شده و در وسط آن یاقوت و زمرد تعبیه شده است.

۷. گل سینه طلایی که اطراف آن با الماس و یاقوت مزین شده و در وسط آن سنگ زمرد بزرگ و گرانبهایی قرار دارد و دارای سه شاخه است که بر سر هر شاخه سنگ زمردی قرار دارد که در وسط آن فیروزه تعبیه شده است.

ص: ۲۱۸

۸. گل سینه طلائی به شکل سر خروس که با یاقوت تزئین شده و بر روی آن نوشته شده (وقف روضه شهداء کربلا سنه ۱۲۷۶)
۹. پیشانی‌بندی که از نود و سه قطعه طلای متصل بهم تشکیل شده و با سنگهای گرانبهای فیروزه و یاقوت مزین شده است.
۱۰. گردنبد مرواریدی که وزن آن پانزده مثقال است و در آن زمرد و یاقوت بکار رفته است.
۱۱. جامه‌ای گرانبها که در آن ۲۴ مروارید با ارزش تعبیه شده است.
۱۲. تاجی از پارچه سبز گرانبها، پر از مروارید و یاقوت سرخ گرانبها که حدود ۶۰۰ مروارید و ۳۱ قطعه لعل سرخ در آن بکار رفته است این تاج در صندوقی گرانبها و نقره‌ای نگهداری می‌شود.
۱۳. زیارتنامه‌ای مزین به یاقوت و زمرد و فیروزه.
۱۴. روپوش اسب که بر روی آن یازده قطعه طلا- قرار دارد که در هر قطعه تعداد زیادی سنگ یاقوت و زمرد کار شده است.
۱۵. پرده‌ای مخملی که اطراف و وسط آن مروارید دوزی شده است.
۱۶. پرده‌ای مخملی که مروارید دوزی شده و بر روی آن نوشته شده (تقدیم أنیس الدوله)

ص: ۲۱۹

۱۷. دو شمعدان بزرگ که پایه آن نقره‌ای و بالای آن طلائی است که وزن طلائی هریک از آنها کمتر ۱۵۰۰ مثقال نیست و ایندو شمعدان هدیه مادر سلطان (عبدالعزیز بن محمود عثمانی) است.
۱۸. قندیلی از طلا که وزن آن حدود ۴۰۰ مثقال است.
۱۹. گلابدان طلائی میناکاری شده که وزن آن ۱۲۷ مثقال بوده و با مرواریدهای ریزی تزیین شده است و بنظر می‌رسد که خیلی قدیمی باشد.
۲۰. جعبه‌ای طلائی برای نگهداری قرآن که وزن آن ۱۳۱ مثقال است.
۲۱. شمشیر طلائی بسیار ارزشمندی که از طرف (میرزا محمد خان) اهدا شده و در داخل پنجره روضه شریف قرار داده شده است.
۲۲. دو سجاده مروارید دوزی شده که روی آنها نوشته شده (سبحان ربی الاعلی و بحمده).
۲۳. سجاده‌ای سفید که روی آن نام‌های دوازده امام نوشته شده است.
۲۴. مجموعه‌ای از سپر، شمشیر، تبر، خنجر و قمه‌های قدیمی که همگی ارزش تاریخی دارند.
۲۵. زرهی بسیار قدیمی که میخ‌هایی از طلا دارد و با سنگهای گرانبها و یاقوت مزین شده است و در داخل پنجره قبر شریف قرار دارد.
۲۶. فرشهای کوچک و بزرگ قدیمی و بسیار ارزشمند.

ص: ۲۲۰

۲۷. یکصد پرده بسیار گرانبها که همگی ساخت هندوستان، ایران و سایر سرزمین های اسلامی است که از نظر اندازه متفاوت بوده و معمولاً طول آنها چهار متر و عرض آنها سه متر است. برخی از این پرده ها مروارید دوزی شده و برخی مزین به سنگهای گرانبها هستند و روی آنها نوشته هایی نظیر (بسم الله الرحمن الرحيم) و (لا اله الا الله) نوشته شده است.

۲۸. هشت بسته بزرگ حاوی پرده ها و پرچم های زربفت مختلف هندی و ایرانی که بسیاری از آنها بعلت رطوبت دیگر قابل استفاده نیستند.

۲۹. گل طلایی که روی آن تصویر پرنده ای کشیده شده و الماس کاری شده که پنج الماس آن بزرگ و شش الماس آن کوچک است.

۳۰. چهار بازوبند مروارید دوزی شده.

۳۱. ده گل سینه (جقه) طلایی و مزین به مروارید و الماس.

۳۲. گردنبندها و دستبند های طلایی که همگی مزین به سنگهای گرانبها است.

۳۳. مقدار زیادی طلا و نقره بصورت کف دست که برخی از آن مزین به سنگهای گرانبها است.

د کتابخانه حرم مطهر امام حسین (ع):

این کتابخانه در سمت شرقی روضه شریف قرار دارد و حاوی بیش از ۷۲ جلد قرآن خطی با ارزش و طلاکاری شده است، برای مثال می توان از قرآن خطی متعلق به سال ۶۹۳ ه ق نام برد که به خط یاقوت المستعصی خطاط معروف اسلامی

ص: ۲۲۱

می باشد. در اینجا به توصیف برخی از مهمترین قرآن‌های خطی موجود در این کتابخانه می پردازیم:

۱. قرآن خطی که در سال ۱۲۲۵ ه ق توسط (محمد جعفر) وقف شد و خط آن، کوفی و بسیار قدیمی است. بر روی پوست نوشته شده و منسوب به (امام سجاد (ع)) است.
۲. قرآن خطی که در سال ۱۲۵۲ ه ق توسط أفق الدوله هندی وقف شد، قرآنی با ارزش که در حاشیه آن تفسیر آمده است و گفته می شود برای نوشتن و تزین آن هفتاد هزار روپیه خرج شده است و خطاط آن (میرزا حسین) است.
۳. قرآن خطی که در سال ۱۲۵۲ ه ق توسط (نواب تاج الدوله) وقف شد و دو صفحه اول آن با نقش و نگارهای زیبایی مزین شده است.
۴. قرآن خطی که در سال ۱۲۴۳ ه ق توسط (فتحعلی شاه قاجار) وقف شد، قرآنی زیبا که لابلای سطور آن ترجمه فارسی آیات و در چهار طرف صفحات آن تفسیر فارسی نوشته شده است.
۵. قرآن خطی که در سال ۱۳۰۴ ه ق توسط (فرح سلطان خانم) وقف شد، این قرآن مزین بوده و در لابلای سطور آن ترجمه فارسی آیات با خطی سرخ نوشته شده است.
۶. قرآن خطی که در سال ۱۲۴۳ ه ق توسط (فتحعلی شاه قاجار) وقف شده است و به خط غلام حسین بن محمد جعفر است و در لابلای سطور آن ترجمه فارسی با خط سرخ نوشته شده است.

ص: ۲۲۲

۷. قرآن خطی که در سال ۱۲۴۷ ه ق توسط (نواب رمضان علی خان) وقف شده است. سوره فاتحه، صفحه اول سوره بقره و صفحه آخر این قرآن طلاکاری شده است و لابلائی سطور آن ترجمه فارسی آیات برنگ سرخ و ریز نوشته شده و خطاط آن محمد نظام کازرونی است.

۸. قرآن خطی که در سال ۱۳۰۴ ه ق که توسط (خفراء السلطان) وقف شد، ترجمه فارسی آیات لابلائی سطور آن برنگ سرخ و در حاشیه آن خواص تلاوت قرآن ذکر شده است. خط آن ثلث و خطاط آن محمد نظام کازرونی است.

۹. قرآن خطی که در سال ۱۲۹۴ ه ق که توسط (ابوالحسن مشیر الملک) وقف شد، صفحه اول و دوم آن مذهب است و لابلائی سطور آن ترجمه فارسی آیات نوشته شده است.

۱۰. قرآن خطی که توسط حسن علی میزرای فرمانفرما وقف شده و تاریخ وقف آن مجهول می باشد. چهار صفحه اول قرآن مذهب بوده و به خط (عبدالصمد) است.

۱۱. قرآن خطی که در سال ۱۲۵۹ ه ق توسط (محمد حسن) وقف شده و در صفحه‌ای از آن سه سطر آن با آب طلا، سه سطر با مداد سرخ و سه سطر با مداد مشکی نوشته شده است. این قرآن را سلطان محمد بن محمد حسین گنابادی در سال ۱۰۰۸ ه ق نوشته است.

۱۲. قرآن خطی که در سال ۱۲۱۲ ه ق توسط (سید محمد تقی بن میرزا محمد حسین) وقف شده و در اول آن دایره‌ای همراه با علامتهای استخاره گرفتن نوشته

ص: ۲۲۳

شده است و صفحه اول مزین است و لابلائی سطور آن ترجمه آیات به زبان فارسی و با خط مشکی نوشته شده است.

۱۳. قرآن خطی که در سال ۱۲۳۶ ه ق توسط (جهان بیگم) وقف شده و خط آن کوفی است و صفحه اول و آخر آن افتادگی دارد و روی کاغذ سفید نوشته شده و بر جلد آن نوشته شده که به خط (علی بن ابیطالب (ع)) است و صحیح به نظر نمی رسد.

۱۴. قرآن خطی که در سال ۱۲۴۲ ه ق توسط (خیرالنساء خانم) وقف شده است و دو صفحه اول آن مذهب بوده و لفظ جلاله در تمام قرآن با آب طلا نوشته شده است.

ه شخصیت‌های مهم مدفون در حرم مطهر امام حسین (ع):

در طی سالیان متمادی بسیاری از بزرگان، شاهزادگان، امرا، شعرا و علما در حرم مطهر امام حسین (ع) به خاک سپرده شده‌اند که ما در اینجا برخی از این بزرگان را نام می‌بریم:

۱. زائده بن قدامه (متوفی سال ۱۶۱ ه ق)
۲. سلیمان بن مهران أعمشی (قرن اول هجری)
۳. حسن بن محبوب بجلي (قرن اول هجری)
۳. أبو حمزه ثمالی (متوفی سال ۱۲۸ ه ق)
۴. معاویه بن عماد دهنی (متوفی سال ۱۵۷ ه ق)

ص: ۲۲۴

۵. جعفر بن الوشاء (متوفی سال ۲۰۸ ه ق)
۶. مهیار دیلمی (متوفی سال ۲۲۶ ه ق)
۷. عبدالله بن طاهر (متوفی سال ۳۰۰ ه ق)
۸. شیخ علی بن بسام بغدادی (متوفی سال ۳۰۲ ه ق)
۹. شیخ ابوالحسن محمد المزین (متوفی سال ۳۲۷ ه ق)
۱۰. شیخ ابوعلی اسکافی (متوفی سال ۳۳۶ ه ق)
۱۱. شیخ ابوبکر محمد بن عمر بن یسار تمیمی (متوفی سال ۳۴۴ ه ق)
۱۲. شیخ ابو عبدالله غضائری کوفی
۱۳. شیخ علی بروغندی از بزرگان صوفیه (متوفی سال ۳۵۹ ه ق)
۱۴. شیخ ابوعلی مغربی (متوفی سال ۳۶۴ ه ق)
۱۵. وزیر، احمد بن ابراهیم ضبی الکافی وزیر مؤید الدوله بویه (متوفی سال ۳۹۸ ه ق)
۱۶. شیخ ابوسهل صلعوکی (متوفی سال ۳۶۹ ه ق)
۱۷. ابو محمد حسن مرعشی طبری (متوفی سال ۳۰۸ ه ق)
۱۸. ظافر بن قاسم اسکندری شاعر (متوفی ۵۲۹ ه ق)
۱۹. امیر قطب الدین سنجر مملوک ناصر لدین الله عباسی (متوفی سال ۶۰۷ ه ق)
۲۰. جمال الدین قشمر الناصری (متوفی سال ۶۳۷ ه ق)

ص: ۲۲۵

۲۱. جمال الدین علی بن یحیی مخرمی (متوفی سال ۶۴۶ ه ق)
۲۲. امیر امین الدین کافور (متوفی سال ۶۵۳ ه ق)
۲۳. ابوالفتوح نصر بن علی نحوی ابن المخازن (متوفی سال ۶۰۰ ه ق)
۲۴. وزیر، افسنقر بن عبدالله ترکی (متوفی سال ۶۰۴ ه ق)
۲۵. شیخ احمد بن فهد حلی (متوفی سال ۸۴۱ ه ق)
۲۶. سلطان طاهر شاه پادشاه مملکت دکن هندوستان (متوفی سال ۹۵۷ ه ق)
۲۷. سلطان برمان نظام بن سلطان احمد هندی (متوفی سال ۹۶۱ ه ق)
۲۸. سلطان حمزه میرزا صفوی (متوفی سال ۹۹۷ ه ق)
۲۹. محمد بن سلیمان ملقب به (فضولی شاعر) (متوفی سال ۹۶۳ ه ق)
۳۰. شاعر صوفی فضلی بن فضولی (متوفی سال ۹۷۸ ه ق)
۳۱. شیخ محمد باقر وحید بهبهانی (متوفی سال ۱۲۰۸ ه ق)
۳۲. میرزا مهدی شهرستانی (متوفی سال ۱۲۱۶ ه ق)
۳۳. سید علی بن محمد طباطبائی صاحب الرياض (متوفی سال ۱۲۳۱ ه ق)
۳۴. میرزا شفیع خان صدر اعظم ایران (متوفی سال ۱۲۲۴ ه ق)
۳۵. سید کاظم رشتی یکی از رهبران شیخیه (متوفی سال ۱۲۵۹ ه ق)
۳۶. شیخ محمد تقی شیرازی حائری (متوفی سال ۱۳۳۸ ه ق)

ص: ۲۲۶

حرم مطهر حضرت عباس (ع)**اشاره**

این حرم در فاصله سیصد متری سمت شرقی حرم مطهر امام حسین (ع) قرار دارد و این مرقد حضرت ابوالفضل العباس (ع) چهارمین فرزند امیرالمومنین (ع) و بزرگترین پسر ام البنین که ملقب به ساقی، قمر بنی هاشم و پرچم‌دار امام حسین (ع) است. قبیله بنی اسد پس از دفن امام حسین (ع) اقدام به دفن سایر شهدا و پس از آن اقدام به دفن حضرت ابوالفضل (ع) در همان مکانی کردند که آن حضرت به شهادت رسیده بود.

الف. تاریخچه حرم مطهر ابوالفضل (ع):

مرقد مطهر حضرت ابوالفضل (ع) همیشه مورد احترام و تقدیر شیعیان بود و بنظر می‌رسد که ساختمان فعلی حرم را (محمد حسین صدر اعظم اصفهانی) در سال ۱۲۴۶ هـ ق بنا کرده باشد. در دوره‌های گذشته، اغلب کسانی که به ساخت مرقد امام حسین (ع) همت گماشته‌اند، به ساخت مرقد حضرت ابوالفضل (ع) نیز اهتمام نموده‌اند. در سال ۲۷۱ هـ ق و در روزگار عضدالدوله بویه ساختمان مرقد بنا شد و در سال ۱۰۳۲ هـ ق شاه طهماسب صفوی دستور داد که گنبد حرم او را کاشیکاری کنند و پنجره‌ای بر روی صندوق آن نصب کنند و رواق و صحن آن حضرت را سروسامانی داد و آن را با فرشهای گرانبها آراست. پس از او شاه صفی دستور داد که چهار گلدسته در چهار طرف صحن بسازند. در سال ۱۰۴۷ هـ ق عثمانی‌ها به کربلا حمله کردند

ص: ۲۲۷

واهایی به حرم مطهر ابوالفضل (ع) پناهنده و جنگ سختی بین آنان و سربازان عثمانی رخ داد و عاقبت عثمانی‌ها پیروز شدند و حرم را غارت کردند. در سال ۱۱۵۵ ه ق نادر شاه هدایای گرانبهایی به حرم مطهر ابوالفضل (ع) هدیه کرد و در سال ۱۱۷۲ ه ق وزیر نادرشاه صندوق قبر شریف را تعویض کرد و رواق‌ها را بازسازی کرده چلچراغی برای روشنایی حرم مطهر اهدا کرد (۱).

در سال ۱۲۱۶ ه ق (۲) پس از غارت حرم مطهر بوسیله وهابی‌ها، فتحعلی شاه قاجار دستور بازسازی حرم و کاشیکاری گنبد آن را صادر کرد و پس از او محمد شاه قاجار پنجره‌ای نقره‌ای بر روی ضریح آن حضرت قرار داد.

در سال ۱۲۵۹ ه ق سلطان آود هندوستان که نامش محمدعلی شاه بن سلطان ماجد علی شاه بود اقدام به تعمیر و بازسازی حرم مطهر ابوالفضل (ع) نمود.

در سال ۱۲۶۳ ه ق سلطان عبدالمجید خان عثمانی دو شمعدان بزرگ که با ورق‌هایی از طلا مزین شده بود به حرم مطهر هدیه کرد و این دو شمعدان تا کنون باقی مانده است.

۱- سلمان هادی آل طعمه، تاریخ مرقدالحسین (ع) و العباس (ع)، الطبعة الاولي، موسسه الـعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان

۲- (۲) سلمان هادی آل طعمه، کربلا و حریمهای مطهر، ترجمه حسین طبری، ص ۲۷۶

ص: ۲۲۸

در سال ۱۲۶۶ ه ق سلطان عبدالمجید عثمانی اقدام به بازسازی و تعمیر حرم مطهر نمود و در همان سال مادر سلطان عبدالمجید مذکور پرده‌های بسیار گرانبهائی هدیه حرم مطهر نمود و همچنین نواب بهراء از حکمرانان هندوستان اقدام به تجدید بنای سقف ضریح با چوبهای گران قیمت نمود و شخصی به نام میرزا محمد باقر راجه مسؤول این کار گردید.

در قرن سیزدهم هجری محمد شاه قاجار اقدام به نصب ضریح نقره‌ای در حرم مطهر ابوالفضل (ع) کرد و حاج عبدالهادی استرآبادی را مسؤول این کار نمود.

در سال ۱۳۵۵ ه ق سید مرتضی تولیت آستانه حرم ابوالفضل (ع) اقدام به نصب در نقره‌ای در ایوان طلا نمود و در دو سوی لنگه‌های در دوییت از شیخ یعقوبی را نوشت. در سال ۱۳۷۵ ه ق گنبد مرقد مطهر طلاکاری شد و در آن هنگام سید محسن حکیم دستور ساخت ضریحی طلایی را داد تا در اصفهان ساخته شود، ضریح مذکور پس از ساخته شدن، طی مراسم با شکوهی از شهرهای مرزی ایران و عراق عبور کرده وارد شهر کربلا شد و روی قبر مطهر نصب شد.

ب. توصیف حرم مطهر ابوالفضل (ع):

روضه شریف:

مساحت روضه مطهر بطور کلی بالغ بر ۴۳۷۰ متر مربع است و زمین آن سنگ کاری شده و دیوارهای آن آئینه کاری شده است و بر روی قبر مطهر پنجره‌ای نصب شده که از طلا و نقره ساخته شده است و بر روی گنبد طلایی آیات قرآن نقش بسته و در کنار آن دو گلدسته و یک ساعت بزرگ نصب شده است.

ص: ۲۲۹

رواق‌ها:**اشاره**

اطراف روضه مطهر چهار رواق بزرگ کاشیکاری و آینه کاری شده قرار دارند که عبارتند از:

رواق شمالی:

این رواق قبلاً با دیواری از دو رواق شرقی و غربی جدا می‌شد که در حال حاضر این دیوار برداشته شده است. در گوشه شمالی این رواق اتاقی قرار دارد که در آن نقره‌ای است و منتهی به راهروی زیر زمینی می‌گردد که به قبر مطهر ابوالفضل (ع) می‌رسد و گویند که این مکان بر رودخانه علقمی مشرف بوده است. اتاق دیگری کنار این اتاق قرار دارد که مقبره خاندان (آل النواب) است و در کنار آن کتابخانه حرم مطهر ابوالفضل (ع) واقع شده است و همچنین در این رواق قبور بسیاری از بزرگان و علما قرار دارد که از آنجمله است مقبره علامه سید کاظم بهبهانی که در زاویه شمال شرقی روضه قرار دارد در گوشه غربی این رواق در گذشته چاهی قرار داشت که از آن آب کشیده و مخازن موجود را پر می‌کرده‌اند و با همت شخصی به نام (حاج رئیس) که وزیر شیخ خزعل حکمران خوزستان بود، موتوری با قدرت پنج اسب بخار خریداری و بر روی رودخانه حسینیّه نصب شد و با لوله کشی توانست آب را به دو حرم مطهر برساند و بدینگونه بود که چاه مذکور و حوض آن پر شد و اکنون اثری از آنها برجای نمانده است. در سال ۱۳۶۷ هـ ق دیوار حد فاصل رواق شمالی و حرم برداشته شد.

رواق غربی:

دو در دارد که یکی از درها (باب الرواق) نام دارد و به صحن شریف باز می‌شود و در کنار آن کفش‌داری شیخ محمود کشوان قرار دارد و در دوم معروف

ص: ۲۳۰

به (باب المراد) است که در گوشه شمال غربی قرار دارد و در سال ۱۹۴۲ م افتتاح شد.

رواق شرقی:

در این رواق قبر تعدادی از خادمان حرم از خاندان آل طعمه و آل ضیاء الدین قرار دارد.

رواق جنوبی:

این رواق از طریق سه در به ایوان طلا متصل می‌گردد، در اول از جهت شرق به کشیک خانه مشرف است و در دوم که در ایوان طلا است و در سوم نیز مشرف بر کشیک خانه است و در سال ۱۳۶۷ ه ق حاج حسین حجار باشی تقبل کرد که از سنگهای باقیمانده از تعمیر کاخ گلستان در ایران زمین روضه حرم مطهر ابوالفضل (ع) را سنگ فرش نماید و هزینه این کار در آن روزگار بیش از پانزده هزار تومان و در حدود ۱۱۰۰ دینار عراقی بود (۱).

ایوان طلا:

ایوانی است که در مقدمه حرم مطهر قرار دارد و بر صحن مشرف است و مساحت آن حدود ۳۲۰ متر است و با آجرهای مسی آبکاری و با طلا مزین شده است. ایوان مذکور در دوران پادشاهی سلطان عبدالحمید عثمانی تا ارتفاع دو متر طلاکاری شد و سپس در سال ۱۳۰۹ ه ق (احترام الدوله) همسر ناصرالدین شاه قاجار دو طرف در موجود در ایوان طلا را طلاکاری کرد و سپس یکی از پادشاهان هندی به نام اکمل آصف محمد علی شاه لکنه‌وری بخشهای باقیمانده را طلاکاری کرد. در وسط این ایوان دری نقره‌ای به طول ۳ متر و عرض ۲ متر قرار گرفته است

ص: ۲۳۱

که آن را رجب علی طلافروش فرزند فتح الله شوشتری در سال ۱۳۵۵ ه ق ساخته است. ایوان طلا شش کفشداری دارد.

صحن شریف:

اشاره

مساحت کلی صحن شریف ۹۳۰۰ متر مربع است و چهار ایوان وسیع دارد که از همه طرف حرم مطهر را در بر گرفته است و در آنها مقرنس کاریها و طاقهای هندسی زیبایی وجود دارد و ایوانهای مذکور عبارتند از:

ایوان بالاسر: در غرب صحن شریف قرار دارد و بر بالای آن کتیبه‌ای وجود دارد که این آیه بر آن نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا و در وسط ایوان کتیبه‌ای است که مطالبی به فارسی بر روی آن نوشته شده است و قابل ذکر است که در اویش صوفیه در دهه اول محرم هر سال این ایوان را سیاه پوش کرده و شمشیرها و کشکول‌های خود را در داخل آن آویزان کرده به عزاداری می‌پرداختند به این در اویش، در اویش صحن عباس (ع) می‌گفتند تا بتوانند آنها را از در اویش صحن امام حسین (ع) متمایز کنند.

ایوان شرقی:

این ایوان در سمت شرقی صحن شریف قرار دارد و باب الرضا (العقیمی) در آن قرار دارد و در بالای آن کتیبه‌ای قرار دارد که در سال ۱۳۰۴ هـ ق نصب شده و روی آن سوره الحمد نوشته شده است و کتیبه‌ای نیز در زیر آن قرار دارد که در آن سوره القدر نوشته شده است کاشیکاری این ایوان را حاج محمد جعفر نادر توکلی در همان سال بازسازی نموده است

ایوان شمالی:

که در بالای آن کتیبه‌ای است که تاریخ ۱۳۰۴ هـ ق را بر خود دارد(۱).

ایوان قبله:

این ایوان در مدخل باب القبله قرار دارد و کتیبه‌ای که بر روی آن نصب شده تاریخ ۱۳۰۴ هـ ق را نشان می‌دهد و بر بالای ایوان ساعت بزرگی نصب شده است. در اطراف صحن حجره‌ها و ایوان‌های متعددی قرار دارد که بسیاری از شخصیت‌های اسلامی از علما و سلاطین و وزراء در آن به خاک سپرده شده‌اند. صحن مطهر نیز به طرز زیبایی کاشیکاری شده است.

درب های صحن شریف:

اشاره

(۲) صحن ده در دارد که عبارتند از: باب الامام الحسن (ع)، باب الامام الحسين (ع) باب صاحب الزمان (ع)، باب موسی بن جعفر (ع)، باب امیرالمؤمنین (ع)، باب علی الهادی (ع)، باب الامام الجواد (ع)، باب الرضا (ع) و باب الرسول (ص) که به باب القبله و باب الفرات نیز معروف است.

۱. باب الحسن (ع):

در مذکور در سمت غربی صحن قرار دارد و زوار از طریق این در به حرم مطهر امام حسین (ع) مشرف می‌شوند طول این در ۴ متر و عرض آن ۵/۳ متر است و بر بالاترین نقطه در از بیرون صحن این آیه کریمه نقش بسته

۱- همان منبع

۲- (۲) منظور ما اینجا دریهای جدید حرم است که از سال (۱۹۷۴ م) سامان دهی شده اند (ویراستار)

ص: ۲۳۳

است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ. (۱)

۲. باب الحسین (ع):

این درکنار باب الامام الحسن (ع) قرار دارد، طول آن ۴ متر و عرض آن ۳/۵ متر است و روی آن این آیات نقش بسته است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ اَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ (۲) و بالای آن لوحه‌ای قرار دارد که بر روی آن نوشته شده است: (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَاقِي عَطَاشِي كَرَبَلَا).

۳. باب صاحب الزمان (ع): علت تسمیه آن، تبرک به نام امام زمان (ع) است. طول در ۴ متر و عرض آن ۳/۵ متر است، بالای آن این آیه نقش بسته است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا اَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ تَنْزَلُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَالرُّوْحُ.

۴. باب موسی بن جعفر (ع):

این در گوشه غربی صحن قرار دارد و طول آن بالغ بر ۴ متر و عرض آن ۳/۵ متر است و بر بالای آن این آیات نقش بسته است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ (۳).

۱- سوره احزاب / ۵۳

۲- (۲) سوره حجر / ۶۴۵

۳- (۳) سوره رعد / ۲۴

ص: ۲۳۴

۵. باب امیر المومنین (ع):

در سمت شرقی صحن قرار دارد و طول آن ۴ متر و عرض آن ۵/۳ متر است.

۶. باب علی الهادی (ع):

در گوشه شمال شرقی صحن قرار دارد و طول آن ۴ متر و عرض آن ۵/۳ متر است، این در به تازگی باز شده است.

۷. باب الجواد (ع):

در سمت شمال صحن قرار دارد و طول آن ۴ متر و عرض آن ۵/۳ متر است و سقفی هلالی شکل و مزین به کاشیکاری دارد که بالای آن این آیات نقش بسته است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱).

۸. باب الرسول (ص) یا باب القبله:

در سمت جنوبی صحن قرار دارد و بعلت اینکه رو به قبله است به باب القبله مشهور است، طول این در ۴ متر و عرض آن ۵/۳ متر است و بالای آن ساعت بزرگی نصب شده که زیر این ساعت نوشته شده است: (السلام علیک یا أبا الفضل العباس). در سال ۱۳۸۲ کلیدار حرم مطهر ابوالفضل سید بدرالدین آل ضیاء کتابخانه‌ای به نام کتابخانه ابوالفضل العباس را در مدخل

ص: ۲۳۵

این در بنا کرد و بنا به کوشش تعدادی از علمای فاضل کربلا در این کتابخانه جلسات فرهنگی در خلال ماه رمضان بر پا می گردید.

۹. باب العلقم یا باب الرضا (ع):

در سمت شرقی صحن قرار دارد و در مقابل خیابان معروف العلقمی واقع شده است. در مذکور در سال ۱۳۷۵ ه ق (۱۹۵۶ م) باز شد و بعدها به باب الرضا (ع) معروف شد.

۱۰. باب الفرات:

در سمت شرقی صحن قرار دارد و طول آن ۴ متر و عرض آن ۵/۳ متر است و بالای آن کتیبه‌ای به خط کوفی وجود دارد که در آن این آیات نوشته شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَ وَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (۱).

سقاخانه ها:

در گذشته د

و سقاخانه در حرم مطهر ابوالفضل (ع) وجود داشته است که اولی در زاویه شرقی صحن و در مقابل مقبره (راجه) قرار داشته و توسط جمعیت (بهره) (فرقه اسماعیلیه) بنا شده بود و کنار آن دو نخل خرما و یک درخت سدر قرار داشت، و دومی در گوشه غربی صحن نزدیک باب السوق بنا شده بود و در کنار آن دو نخل خرما قرار داشت، متأسفانه هر دوی این سقاخانه‌ها ویران شده و در حال حاضر هیچ اثری از آنها و درختان نخل کنار آنها وجود ندارد.

ص: ۲۳۶

گنبد مطهر:

گنبد حرم مطهر ابوالفضل (ع) ۱۲ متر قطر دارد و شکل آن نیمه کروی و نوک تیز است و گردنی نسبتاً بلند دارد که پنجره‌هایی در آن تعبیه شده است و در نمای داخلی گنبد آیاتی از قرآن کریم نوشته شده است تاریخ بنای گنبد طوریکه در کناره آن نوشته شده است سال ۱۳۰۵ ه ق است و در سال ۱۳۷۵ ه ق (۱۹۵۵ م) علامه شیخ محمد خطیب در تلگرافی از نخست وزیر عراق (دکتر محمد فاضل جمالی) خواست تا دولت عراق اقدام به طلاکاری گنبد مطهر نماید و دولت نیز این درخواست را پذیرفت و آن را طلاکاری کرد و برحسب مدارک موجود در اداره اوقاف کربلا تعداد آجرهای طلای بکار رفته در این گنبد بالغ بر ۶۴۱۸ آجر بوده است. ارتفاع گنبد از سطح زمین ۳۹ متر است.

گلدسته ها:

در انتهای ایوان طلا- و چسبیده به دیوار روضه شریف دو گلدسته قرار دارند که قسمت بالایی آنها طلاکاری شده است و تعداد آجرهای طلایی بکار رفته در آنها ۲۰۱۶ آجر است و نصف باقیمانده گلدسته‌ها کاشیکاری شده است.

در زیر کاشیکاری‌ها با خط کوفی زیبایی کلمه‌های: الله، محمد، رسول و عباس نقش بسته است ارتفاع گلدسته‌ها تا سطح زمین ۴۴ متر است. این دو گلدسته را محمد حسین صدر اعظم ایران در سال ۱۲۲۱ ه ق بنا کرد و آن را کاشیکاری نمود. (۱)

ص: ۲۳۷

ج. موزه و گنجینه حرم مطهر:

گنجینه حرم مطهر قبلاً در اتاقی در گوشه‌ای از رواق جنوبی قرار داشت و در حال حاضر به مقبره آل خیرالدین در صحن شریف منتقل شده است در این گنجینه آثار گرانبهای بسیاری وجود دارد که برآورد ارزش مادی آنها مقدور نیست. از جمله اشیاء موجود در آن فرش‌های بسیار نفیس است که با نخهای طلا بافته شده و در آن سنگهای گرانبها بکار رفته است و در کنار آن فرشهای مختلف دیگر و لوسترهای بزرگ و شمشیرهای منبت کاری شده با سنگهای گرانبها و طلاکاری شده و ساعت‌های دیواری طلاکاری شده و ساعت‌هایی ساخته شده از چوب آبنوس وجود دارد و ناوگانی از کشتی‌های کوچک زرین و لوح نقاشی سر مطهر امام حسین (ع) که از ایتالیا آورده شده است و برخی دیگر از آثار موجود در این گنجینه عبارتند از:

۱. دو شمعدان طلایی که یکی از آنها بزرگ بوده و وزن آن ۴۱۷ مثقال است و دیگری متوسط بوده و وزن آن ۴۰ مثقال است.

۲. دو شمعدان از جنس طلا و نقره که وزن هر کدام از آنها ۱۵ مثقال است.

۳. دو شمعدان نقره‌ای بزرگ که وزن هر کدام از آنها ۱۸۰۰ مثقال است.

۴. نود و هفت شمعدان نقره با حجم‌های مختلف که وزن هر کدام بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ مثقال است.

۵. سه کف دست طلایی که یکی ۲۹ مثقال و دوتای دیگر هر کدام ۶ مثقال وزن دارد.

ص: ۲۳۸

۶. سه کف دست نقره‌ای که یکی ۱۳۴ مثقال و دوتای دیگر هر کدام ۱۱۰ مثقال است.
۷. هفتاد و چهار پرده از حریر و مخمل و گلابتون.
۸. دوازده پرچم قدیمی.
۹. شش قبضه شمشیر و سپری قدیمی.
۱۰. کمر بندی نقره‌ای و طلاکاری شده
۱۱. آینه‌ای از نقره.
۱۲. گردنبندی از نقره به وزن ۲۵ مثقال
۱۳. بازوبندهای طلسم از جنس نقره که وزن هر کدام از آنها ۱۱۷ مثقال است.
۱۴. کلاه‌خودهای نقره‌ای متعدد که وزن هر کدام ۷۰ مثقال است.

د کتابخانه حرم مطهر:

این کتابخانه شامل قرآن‌های خطی بسیار نفیسی است که تعداد آنها به ۱۰۹ قرآن خطی بالغ می‌گردد و یکی از آنها قرآنی منسوب به امام علی (ع) می‌باشد. محتویات این کتابخانه در لیستی ثبت شده است که در کتابخانه موزه بغداد قرار دارد. استاد ناصر نقشبندی ذکر می‌کند که بین این آثار خطی سه قرآن بسیار نفیس به خط کوفی وجود دارد. کتابخانه حرم و گنجینه آن در یکجا نگهداری می‌شوند.

ه بزرگان مدفون در حرم مطهر ابوالفضل (ع):

۱. سید محمد بن محسن زنجانی (متوفی سال ۱۳۵۵ ه ق)

ص: ۲۳۹

۲. شیخ علی بن زین العابدین پارچینی یزدی صاحب کتاب الزام الناصب فی احوال الحجه الغائب.
۳. علامه شیخ علی اکبر یزدی بفروئی از شاگردان علامه اردکانی.
۴. سید کاظم بهبهانی از شاگردان سید هاشم قزوینی.
۵. علامه سید عبدالله کشمیری.
۶. شیخ ملاعلی الیزدی مشهور به سیویه.
۷. شیخ کاظم الهر.

سایر اماکن زیارتی در کربلا

۱. مرقد سید ابراهیم مجاب

مرقد این امامزاده در رواق غربی حرم مطهر امام حسین (ع) قرار دارد. نام کامل وی سید ابراهیم بن محمد بن موسی بن جعفر (ع) است، او نابینا بود و در کوفه زندگی می کرد و در سال ۲۴۷ ه ق که المنتصر فرزند متوکل عباسی اجازه داد شیعیان به زیارت کربلا مشرف شوند، به کربلا آمده و در آنجا سکونت اختیار کرد و گویند که چون سید ابراهیم مجاب به کربلا رسید به قبر شریف نزدیک شد و گفت: السلام علیک یا جداه، و از داخل روضه شریفه این ندا برخاست که: و علیک السلام یا ولدی، از آن روز به بعد مردم او را (مجاب) لقب دادند. هنگامیکه سید ابراهیم مجاب درگذشت او را در صحن آن روزگار دفن کردند و بعدها که روضه شریفه بزرگتر شد محل ضریح سید ابراهیم در رواق غربی واقع شد. روی ضریح او

ص: ۲۴۰

صندوقی از چوب ساج قرار دارد و در آن پنجره‌ای فولادی تعبیه شده که بعدها آن را تغییر داده و بجای آن پنجره‌ای برنزی نصب کردند که در سالهای اخیر آن را نیز تجدید نمودند. شیعیان پس از مشرف شدن به حرم معمولاً به زیارت سید ابراهیم مجاب نیز مشرف می شوند.

۲. مرقد حبیب بن مظاهر اسدی

اعتقاد شیعیان بر این است که حبیب بن مظاهر اسدی از تمامی اصحاب امام حسین (ع) البته بجز خانواده‌اش والا-تر است، بدین علت امام زین العابدین (ع) هنگام دفن، او را همراه با سایر شهدا دفن نکرده و قبر جداگانه‌ای درون حرم مطهر امام حسین به او اختصاص داد. زائران حرم مطهر امام حسین (ع) ابتدا به قبر حبیب بن مظاهر می‌رسند و بر وی سلام می‌کنند، گویی که او دربان حرم مطهر امام حسین (ع) است.

حبیب بن مظاهر یکی از یاران با اخلاص امام حسین (ع)، از اصحاب پیامبر اکرم (ص) و از خواص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بود که در تمامی جنگهای آن حضرت ملتزم رکاب بود و پس از شهادت حضرت علی (ع) به خدمت امام حسن مجتبی (ع) شتافت و پس از وی در خدمت امام حسین (ع) بود. او سرور و بزرگ قوم بنی اسد بود و امام حسین (ع) در روز عاشورا او را فرمانده جناح چپ لشکر خود نمود. بعد از طلوع آفتاب به لشکر ابن زیاد حمله کرد و شصت و دو نفر از لشکریان دشمن را کشته و عاقبت خود نیز در سن هفتاد و پنج سالگی به

ص: ۲۴۱

شهادت رسید. بعد از حادثه عاشورا، پسرش قاسم به انتقام پدر برخاست و قاتلش را به قتل رساند. قبر او همان طور که گفته شد در رواق حرم مطهر امام حسین (ع) و جدا از سایر شهدا می باشد.

۳. مرقد حر بن یزید ریاحی

مرقد حر بن یزید ریاحی در فاصله نه کیلومتری غرب شهر کربلا واقع شده است و علت اینکه جنازه او را به خارج از میدان معرکه منتقل کردند، این بود که قبیله او یعنی بنی تمیم خود را به میدان معرکه رساند، جنازه او را برداشته و به مکان فعلی آورده و به خاک سپردند.

در سال ۹۱۴ ه ق شاه اسماعیل صفوی موفق به فتح بغداد شد و همان سال گنبدی روی قبر حر بنا کرد و صحن کوچکی برایش ساخت. او اولین کسی بود که به ساختن (مرقد حر) اهتمام ورزید. در سال ۱۳۲۵ ه ق به همت حسین شجاع السلطان مرقد بازسازی شد و در سال ۱۳۳۰ ه ق سید عبدالحسین کلیدار آن را مجدداً بازسازی نمود و در سال ۱۹۶۳ م به همت حاج حسن و کیل به ناحیه (حر) برق رسید.

حر بن یزید ریاحی مرقدی زیبا با گنبدی کاشیکاری شده دارد که اطراف آن را باغ و بوستان فرا گرفته است و بر در اصلی مرقد ابیاتی به عربی نوشته شده که به مقام و منزلت حر اشاره می کند.

ص: ۲۴۲

در تاریخ آورده‌اند که چون شاه اسماعیل صفوی به زیارت کربلا آمد، برای کشف حقیقت محل دفن حر، دستور داد قبر وی را بشکافند و با اینکار وی را با دستمالی بر پیشانی و جسدی تروتازه یافتند و چون شاه درباره آن دستمال پرسید، به او گفته شد هنگامیکه حر در میدان نبرد زخمی شد، امام حسین با دست مبارک خود این دستمال را بر پیشانی او بست، شاه اسماعیل دستور داد دستمال را باز کنند و چون دستمال را باز کردند خون دوباره جاری شد و هرچه سعی کردند با دستمال دیگری جلوی خون را بگیرند ممکن نشد، لذا شاه اسماعیل دستور بستن مجدد همان دستمال را داد و پس از اینکه قبر را با احترام زیادی بستند شاه اسماعیل دستور داد گنبدی بر بالای قبر بسازند و خادمی برای آن تعیین کرد و موقوفاتی بر آن جاری نمود.

۴. مرقد عون بن عبدالله

در نسبت این امامزاده تردیدهایی وجود دارد که آیا وی همان عون فرزند عبدالله بن جعفر طیار (ع) است که شهید کربلا بود و یا نواده امام حسن (ع) است؟ امروزه وی دارای بقعه و بارگاه باشکوهی در یازده کیلومتری شمال غربی کربلا و در آغاز بزرگراه کربلا بغداد می‌باشد. این امامزاده بسیار مورد توجه مردمان عراق بوده و دارای نذری مجرب است، از اینرو همواره مزار او مملو از زائر و نذورات آنان است.

ص: ۲۴۳

۵. خیمه‌گاه حسینی

در سمت جنوب غربی حرم مطهر خیمه‌گاه حسینی قرار دارد و بنا به نقل مورخان محل برافراشته شدن خیمه‌ها و چادرهای سید الشهداء (ع) و یاران او بود. این محل توسط سید علی طباطبائی (صاحب ریاض العلماء) ساخته شد. او پس از حمله وهابی‌ها به کربلا (سال ۱۲۱۷ ه ق) اقدام بساختن باروی شهر کربلا کرد و در همان هنگام این خیمه‌گاه را نیز بنا کرد و این محل را بعنوان گورستان انتخاب کرد و نام قبلی آن را که (الطرف) بود به (المخیم) تغییر داد البته این منطقه در گذشته‌های بسیار دور به محله (آل عیسی) مشهور بود. آل عیسی یکی از خاندان‌های علوی ساکن کربلا بودند که نسب و شجره‌نامه آنها به زید بن علی بن الحسین (ع) می‌رسد.

در سال ۱۲۷۱ ه ق همسر آصف الدوله دستور داد که ساختمان فعلی خیمه‌گاه ساخته شود و رباطی در کنار آن بنا شود. چندی بعد مدحت پاشا دستور داد که ساختمان خیمه‌گاه بازسازی شود تا در آن از ناصرالدین شاه و همراهانش پذیرایی شود.

در قرن دهم هجری شخصی به نام (عبدالؤمن دده) هنگامیکه در کربلا ساکن بود، اتاقی در این محل ساخت و نهال‌هایی از درخت خرما کنار آن کاشت که امروزه این بوستان در کنار خیمه‌گاه قرار دارد و آن را بوستان دده می‌نامند. در سال ۱۹۷۸ م ساختمان خیمه‌گاه مجدداً بازسازی گردید. این ساختمان یکی از اماکن زیارتی معروف کربلا است که مردم بقصد تبرک و نذر و گرفتن حاجات به آن روی

ص: ۲۴۴

می آورند. بر بالای در خیمه گاه سنگ مرمری قرار دارد که این ابیات بر آن نقش بسته است:

یا زائراً خیم الحسین بکربلاطف فی جوانبها مع ساجم

فاذا وصلت الی خيام بنی الهدی اهل الفضائل من سلاله هاشم

واذ کر اباالفضل المضر ج بالدماعلی الاکبر ثم القاسم

واذ کر حسین السبط لما قد هوی فوق الصعید ولایری من راحم

ای کسیکه به زیارت خیمه گاه حسین در کربلا آمده‌ای، با چشم گریان اطراف آن طواف کن.

و هنگامیکه به خیمه گاه خاندان هدایت و اهل فضیلت نسل بنی هاشم رسیدی.

ابوالفضل (ع) خون آلود و علی اکبر و قاسم را به خاطر آور.

همچنین امام حسین (ع) را به یاد آور که بر روی خاک افتاده و کسی به او رحم نمی کند).

در این خیمه گاه همه ساله روزهای دوازدهم و سیزدهم محرم عزای بزرگی توسط زنان شیعه برگزار

می شود. این مراسم در نیمه شعبان و اربعین حسینی نیز برپا می شود.

۶. تل زینبیه

این محل تپه‌ای مشرف بر میدان جنگ بود و گویند حضرت زینب (ع) برای دیدن اوضاع برادرش امام

حسین (ع) بر بالای این تپه رفته بود، بهمین علت به نام تل

ص: ۲۴۵

زینبیه معروف شد. این مقام در سال ۱۴۰۰ ه ق تجدید بنا شده است. در این مقام پنجره برنزی کوچکی قرار دارد و در کاشیکاری‌های داخل آن اییاتی به زبان عربی و تصاویری که معرکه کربلا را نشان می‌دهد کشیده شده است. زائران معمولاً بقصد زیارت و تبرک به این مقام می‌روند و این محل ساختار قدیمی خود را حفظ کرده و همچنان مرتفع می‌باشد منتهی در کنار آن مغازه‌هایی ساخته شده که فروشندگان در آنها مهر و تسبیح می‌فروشند. تل زینبیه به صحن مطهر امام حسین (ع) نزدیک است. هر کس این تل را زیارت کند می‌تواند صدای حضرت زینب (ع) را تصور کند، زمانیکه رو به گودال قتلگاه ایستاده و می‌گوید: (اخی حسین! یا بن امی یا حسین، ان كنت حياً إماً تری هجوم القوم علی مخدراتک و إن كنت میتاً فأمرنا و أمرک الی الله ..) یعنی برادرم حسین! فرزند مادرم ای حسین! اگر زنده‌ای، مگر نمی‌بینی حمله این قوم را به عیالت و اگر مرده‌ای! که امر و تکلیف ما و شما در دست خداست).

۷. مقام کف دست راست و کف دست چپ ابوالفضل (ع)

مقام کف دست راست بین محله باب بغداد و باب الخان و نزدیک باب العلقمی صحن مطهر ابوالفضل (ع) واقع است و مقام کف دست چپ در فاصله ۵۰ متری باب القبله کوچک، صحن ابوالفضل (ع) و در مدخل بازار باب الخان واقع شده است. این دو مقام نشان دهنده محل قطع شدن دو کف دست ابوالفضل (ع) هنگام جنگ با لشکریان ابن زیاد است. مقام کف دست راست در اواسط قرن سیزدهم هجری قمری بر بقایای نهری که به نهر مقبره العباس مشهور بود و از بقایای نهر علقمه بود ساخته شد، اما مقام دوم در سال ۱۳۲۷ ه ق توسط مرد نیکوکاری که در

ص: ۲۴۶

این باره خواب دیده بود، ساخته شد. وی دیوار خانه خود را شکافت و این مقام را در آن بنا کرد. مقام کف دست راست ابوالفضل پنجره‌ای برنزی است که در دیوار خانه‌ای در کوچه (الصخنی) نزدیک باب العلقمی قرار دارد و بر روی دیوار نقاشی دو ساعد بریده شده است که زیر آنها نوشته شده: (در این محل دست ابوالفضل (ع) قطع شده است). مقام کف دست چپ ابوالفضل (ع) نیز پنجره‌ای برنزی است با حاشیه آینه کاری شده که در دیوار خانه‌ای کار گذاشته شده و بر روی آن ادعیه و اشعاری به زبان عربی نوشته شده که این اشعار متعلق به شاعر کربلایی شیخ محمد سراج است و در بالای آنها تصویر کف دستی کشیده شده است.

۸. مقام امام الزمان (ع)

مقام امام زمان در میان نخلستانهای کرانه رودخانه فرات است که این شاخه از رودخانه به نام (نهر علقمه) مشهور است. جایگاه مذکور منسوب به حضرت حجت (ع) است و مردم در آن به نماز می‌پردازند. باب صاحب الزمان حرم مطهر امام حسین (ع) رو به این مقام باز می‌شود.

۹. مقام أم البنین

این مقام در گوشه جنوب غربی حرم مطهر حضرت ابوالفضل قرار دارد، اما بنظر می‌رسد که این انتساب سند و مدرک معتبری ندارد، زیرا همه می‌دانند که أم البنین در معرکه کربلا حاضر نبوده است بهر حال قابل ذکر است که أم البنین (فاطمه بنت حزام کلاییه) است که برای حضرت علی (ع) چهار فرزند آورد که عبارت بودند

ص: ۲۴۷

از: ابوالفضل العباس (ع)، عبدالله، جعفر و عثمان و بنابر روایات مشهور وی در شهر مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع مدفون شد.

سید سلمان آل طعمه در کتاب خود (کربلا فی الذاکره) می‌نویسد: زنان ساده لوح تکه‌ای گل بر دیوار این مقام می‌چسبانند، اگر این گل به دیوار چسبید می‌گویند که حاجتشان برآورده می‌شود و چنانچه بر روی زمین افتاد و به دیوار نچسبید می‌گویند که حاجتشان برآورده نخواهد شد، و اکنون مدتی است که این عادت از سرشان افتاده است.

در حقیقت این مقام محل دفن یکی از متولیان حرم مطهر ابوالفضل (ع) به نام (شیخ علی بن عبدالرسول) است که در سال ۱۱۸۷ هـ ق درگذشت و در این محل به خاک سپرده شد و در حال حاضر زنان به این مقام آمده و گمان می‌کنند که این محل مقام أم البنین است و بر آن پارچه سبز می‌بندند و حنا می‌مالند و از آن حاجت می‌طلبند.

۱۰. مرقد أفرس ابن الكاظم

وی محمد بن ابی الفتح أفرس، از نوادگان حضرت موسی بن جعفر (ع) است که بقعه‌اش در محله‌ای به نام (الابترا)، در حومه کربلا قرار دارد.

۱۱. مرقد ابن حمزه

وی نواده امیرالمؤمنین (ع) و از امامزادگان والا مقام است. آرامگاهش در آغاز بزرگراه کربلا طویریج قرار دارد.

ص: ۲۴۸

۱۲. مرقد احمد بن هاشم

وی از نوادگان حضرت موسی بن جعفر (ع) است که سال ۷۴۵ ه ق وفات یافت و آرامگاه او امروزه در کویری واقع در شمال غربی کربلا- می باشد. قبر او صحن و سرای بزرگی دارد و در میان اعراب بادیه نشین بسیار معروف است چنانچه همواره به وی پناه آورده، نذر و نیاز می کنند.

شهر کربلا از دید جهانگردان

جهانگردان بسیاری از مسلمان و غیره در قرون گذشته از کربلا دیدن کرده اند که خواندن خاطرات و مشاهدات آنان خالی از لطف نبوده و می تواند برخی از امور را بر ما روشن سازد از جمله این افراد (ابن بطوطه) است که در سال ۷۲۶ ه ق از شهر کربلا دیدن کرده است. او در سفرنامه خود درباره کربلا چنین می گوید: (از حله بسوی کربلا- مشهد حسین بن علی (ع) حرکت کردیم. کربلا شهر کوچکی است که نخلستانها اطراف آن را گرفته اند و از رودخانه فرات آبیاری می شود. روضه مقدس امام حسین (ع) در داخل شهر واقع شده و مدرسه ای بزرگ و زاویه ای دارد که در آن برای مسافرین طعام می دهند. خدام و حاجبان بر در روضه امام ایستاده اند و ورود به حرم بی اجازه آنان میسر نیست و هنگام ورود عتبه شریفه را که از نقره است باید بوسید. روی ضریح مقدس امام قندیلهای زرین و سیمین گذاشته اند و از درهای آن پرده های حریر آویخته اند. مردم کربلا- از دو طائفه اند: اولاد رخیک و اولاد فائز و این دو دائماً با هم در جنگ و نزاع اند. این دو

ص: ۲۴۹

دسته پیرو مذهب امامیه و فرزندان یک پدرند معذکک اختلاف میان آنان به حدی است که شهر را به ویرانی کشیده‌اند).

(فلیپ کرملی) (۱۶۷۱ ۱۶۰۳ م) که جهانگرد فرانسوی بود، از کربلا دیدن کرده و اهالی آن را به شجاعت و مهربانی توصیف کرده و می‌گوید که اهالی شهر شدیداً دیندار و مؤمن هستند.

(تاک سر) جهانگرد اروپائی که در سال ۱۶۰۴ م از کربلا دیدن کرده و شهر کربلا را به نام (مشهد امام حسین) ذکر می‌کند. او از آب و هوای آن بسیار تعریف می‌کند و آن را بهتر از آب و هوای سایر شهرهای عراق می‌داند، او در شهر کربلا از آب‌انبارهای عمومی با آب گوارا سخن می‌گوید و اظهار می‌دارد که شهر کربلا درختان بسیاری دارد و میوه‌هایی از آن شبیه میوه‌های اروپایی است.

(دل‌وال) (۱۶۵۴ ۱۵۸۶ م) جهانگردی اروپائی که علاوه بر بابل و ذوالکفل از شهر کربلا دیدن کرده و مردم آن را به خوبی ستوده است. اما می‌گوید که مردم این شهر نسبت به غریبه‌ها با احتیاط بیشتری برخورد می‌کنند.

در سال ۱۱۵۴ ه ق عبدالکریم کشمیری که یکی از درباریان نادرشاه افشار بود از کربلا دیدن نموده و در سفرنامه خود که (بیان واقع) نام دارد درباره کربلا چنین می‌گوید:

روز سوم به خاک پاک کربلای معلی، شفا بخش بیماریهای ظاهری و باطنی رسیدیم. از بغداد تا کربلای معلی پانزده فرسخ است. چون مردم ایران بواسطه

ص: ۲۵۰

تعدی حکام جبار از وطن خود فرار نموده در آنجا موطن گزیدند، شهر بزرگی آباد گردیده. عامل دیگر آبادیهای بسیار، نهر آبی است که حسن پاشا حاکم بغداد قریب ده هزار تومان که دو لک روپیه هندوستان باشد صرف کرده، این نهر را از فرات آورده، اما هنوز به شهر نرسیده بود که حسن پاشا فوت شد. پس از وی میرزا اشرف جهان، از امرای شاه طهماسب، آب را به شهر رسانیده جاری ساخت. چنانکه به سبب آن آب شیرین بیرون شهر از بسیاری باغها و نخلستانها رشک جنه المأوی است. و گنبد مبارک روضه منوره حضرت سیدالشهدا رضی الله تعالی عنه در میان شهر است و قبر مبارک حضرت عبدالله بن الحسین رضی الله تعالی عنه در پایین پدر بزرگوارشان است و گنج شهدا جانب قدوم مبارک ایشان است و در میان گنج، مقبره و قطعه زمینی که در وقت شهادت پیکر مقدس حضرت امام در آنجا افتاده بود، بیرون گنبد است به فاصله بیست قدم از قبر مبارک متصل دریچه که به جانب شمال است و در آن مکان به مقدار پیکر مطهر به طور صندوق گودی ساخته‌اند و از خیمه گاه خاک پاک آورده، در آن گود می‌اندازند و بالای آن تخته می‌گذارند. هرگاه زائری به اراده زیارت و اخذ خاک شفا می‌آید، چیزی به خادم داده، قدری از آن خاک پاک می‌گیرد. خاک کربلا که به اطراف و اکناف عالم می‌برند، همین است و این را خاک شفا می‌گویند و خواص و برکات خاک شفا بسیار و بی شمار است؛ از آن جمله یکی این است که هرگاه جهازی در دریا از شدت باد و مخالفت هوا توفانی شود، می‌باید که مرد صالحی خاک مذکور را به

ص: ۲۵۱

سمت باد بیندازد، که به حکم قادر بر حق جل شأنه همان وقت باد از شدت رو به کمی خواهد آورد..
 گنبد و مرقد حضرت عباس بن علی ابن ابی طالب (رضی الله عنه) نیز در شهر است. مردم آنجا می گفتند:
 هر که در روضه ایشان آمده سوگند به دروغ بخورد، فی الحال به انواع بلاها مبتلا می گردد. گنبد حر شهید
 از شهر به فاصله یک فرسخ و قبر مادرش که مانع همراهی او با حضرت امام شده بود، بیرون گنبد چهل
 قدم دورتر است. هر کس به زیارت حر شهید برود، می باید سنگی چند به قبر مادرش بزند. حال اثری از قبر
 پیدا نیست، مگر همان سنگهایی که مردم به قبرش می زنند. از کربلا تا نجف اشرف از راه بیابان بی آب
 دوازده فرسخ است و از راه حلّه و ده ذی الکفل شانزده فرسخ است.

(کارستون نیپور) (۱۸۱۵ ۱۷۳۳ م) جهانگرد آلمانی که در سال ۱۷۶۵ م از کربلا دیدن کرده و این شهر را با
 شهر نجف مقایسه نموده و معتقد است که تعداد جمعیت کربلا و تعداد درختان این شهر از شهر نجف
 بیشتر است و از جمله مطالب جالبی که نقل می کند، فراوانی کبوتران در حرم مطهر امام حسین (ع) و سایر
 مساجد کربلا است و اینکه مردم به آنها توجه خاصی دارند.

(پیر زین) (۱۸۱۸ ۱۸۹۶ م) جهانگرد اروپائی که در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی و پس از سال ۱۸۴۳ م که
 در آن نجیب پاشا والی عثمانی عراق بعثت قیام مردم شهر کربلا بر علیه عثمانی ها آنجا را به خاک و خون
 کشیده بود از شهر کربلا دیدن

ص: ۲۵۲

کرده و ذکر می کند که این شهر با وسعت و بزرگی اش از مراکز استانهای ما بزرگتر است و جمعیت آن به مراتب از این شهرها بیشتر است.

(ژیرکوف) جهانگرد اروپائی که سال ۱۸۴۹ م از کربلا دیدن کرده، در این باره می گوید: دو شهر نجف و کربلا در نزد شیعیان به (عتبات ائمه) معروف است و هر ساله از همه شهرهای شیعه نشین گروه‌هائی برای زیارت عازم این شهرها می شوند که برآورد تعداد آنها ممکن نیست، این زوار هدایا و پول‌هائی را برای این دو مکان مقدس می آورند و این هدایا معمولاً هدایایی گرانبها می باشند. همچنین جنازه مردگان خود را جهت خاکسپاری به این دو شهر مقدس می برند.

(لوفتس) یکی از باستان شناسان معروف انگلیسی است که در سال ۱۸۵۳ م توانست از دو شهر نجف و کربلا دیدن نماید. او بطور مفصل از باغستانها و نخلستانهای موجود در مدخل شهر و گرداگرد آن سخن گفته و اظهار می دارد که ساختمانهای ساخته شده در بیرون باروی شهر نشان دهنده امنیت موجود در این شهر است.

(جون اشرف) جهانگردی انگلیسی که در سال ۱۸۶۴ م از کربلا دیدن کرد و مشاهده نمود که کربلا شهری شلوغ است که زوار از مناطق دور و نزدیک بسوی آن می روند تا به زیارت امام حسین (ع) مشرف شوند و این شهر از فعالیت تجاری آشکاری برخوردار است. او به شدت شیفته کربلا شده و می گوید در این شهر شاهد رکود و انحطاطی که بیشتر شهرهای اسلامی معروف آن روزگار را در برمی گرفته نبوده است.

ص: ۲۵۳

(فوک) جهانگردی آمریکایی است که ورودش به شهر کربلا مصادف با آغاز ماه رمضان بود و از اینکه مردم چقدر به رویت هلال ماه توجه می کنند متعجب شده است. وی همچنین شاهد ازدحام مردم در بازارها برای خرید مواد غذایی مورد نیاز ماه رمضان بوده است و ذکر می کند که در این ماه مساجد درهای خود را بعد از افطار بروی مردم باز می کند و او شبهای ماه رمضان در کربلا را یکی از زیباترین شبهایی که در جهان دیده است توصیف می کند.

(دیو لافوا) (۱۹۱۶-۱۸۵۱ م) بانوی نویسنده فرانسوی در سال ۱۸۸۱ م از شهر کربلا دیدن نموده و آن را یکی از مهمترین مراکز شیعه دانسته می گوید که این شهر پر از مدارس بزرگ مذهبی است که طلبه ها بیست سال و یا بیشتر از آن را بمنظور کسب علم در آنجا می گذرانند تا بعدها به مقام مرجعیت نائل شوند و بتوانند به سؤالات مذهبی مردم پاسخ گویند و مشکلات اجتماعی آنها را حل کنند.

در دوران قاجار سفرنامه های فراوانی نوشته شده است که در آنها از شهر کربلا نیز یاد می آید. از جمله این سفرنامه ها می توان سفرنامه (دختر فرهاد میرزای قاجار) را مثال زد که درباره کربلا چنین می گوید:

(صبح سه شنبه بیست و نهم شهر شوال ۱۲۹۷ روانه کربلای معلی شدیم. از جمعیت خدمه و گدایان چه بگویم که از حد تحریر بیرون است. تا وادی السلام نجف از دست جمعیت خلاصی نداشتم. از شدت ازدحام خلق روی تخت را نینداخته بودند. بیرون که آمدند ملتفت شدند و در صحرای وادی السلام مدتی معطل گشته، طلب مقبره حاجیه باجی کرده، پیدا نشد. فاتحه خوانده سوار گشته،

ص: ۲۵۴

وقت غروب کنار نهری که مرحوم محمد اسماعیل خان و کیل الملک از آب فرات جدا نموده و به نجف اشرف برده، نماز ظهر و عصر را گزارده سوار شدیم.

دو ساعت از شب گذشته، در یک فرسخی کاروانسرا هوا طوفانی گشته در این صحرای مخوف نعوذاً بالله طوری گشته که چشم چشم را نمی دید. اگر لطف الهی و توجه مولای مؤمنان نبود، جان به سلامت در نبرده بودیم. با هزار مشقت به کاروانسرا رسیدیم، در حالتی که به تحریر خارج است. قهوه چی و یک نفر کجاوه کش از ما مفقود گشته، شمع هم در نزد قهوه چی بود. با هزار زحمت از باد و طوفان پناه به دیواری برده و خود را به خدای مهربان سپردیم. قهوه چی پیدا نشد. لابداً دو نفر عسکر که همراه سوار بودند انعام مخصوص دادند، در آن بیابان فرستاده فریاد می کردند و قهوه چی را به اسم صدا می کردند. نزدیک صبح بود که آنها را پیدا نموده آوردند. احدی گمان حیات آنها را نداشت. خداوند نخواست که مقتول عرب‌های دزد بشوند. شب را هر طور بود به روز آورده، طلوع آفتاب سوار گشته به راه افتادیم. چهار ساعت به غروب مانده، روز چهارشنبه، سلخ شهر شوال المکرم، وارد کربلا شدیم. در دم خیمه گاه پیاده شده وضو ساخته، در آنجایی که شیبه حجله حضرت قاسم علیه السلام ساخته‌اند، نماز ظهر و عصر گزارده در نزد خیمه‌های حضرت چاهی که حضرت علیه السلام نیزه مبارک را فرو کرده آب بیرون آمده و صحابه غسل کرده به جهاد رفته‌اند. عربی بار کرده که برود از چاه آب بیاورد. همین که رفت از چاه پایین برود، دختر خاله گفت: مبادا در چاه بیفتی، از وسط چاه، شخص عرب در مقام حضرت گفت: عجب! یعنی من در چاه می‌افتم؛ تا از زبانش این مطلب جاری گشته، بی اختیار در چاه افتاد، بطوریکه خالی از

ص: ۲۵۵

خنده نبود. پس از اینکه از چاه بیرون آمده، به زبان فارسی و عربی گفت، تا توگفتی در چاه نیفتی، افتادم و الا نمی افتادم. بعد داخل خیمه گاه گشته، زیارت نموده، مراجعت به خانه کردیم.

روز پنج شنبه، غرّه (۱) ذی قعدة، صبحی به حرم مشرف گشته، در سر مقبره مرحوم شاهزاده یک سوره الرحمن خوانده و فاتحه خوانده برخاسته، به مقبره جان بی بی، والده نواب علیّه سرکار شاهزاده خانم رفته، قرآن را تا باز کردم، همان سوره الرحمن آمد، خوانده یک سوره عمّ هم به جهت مرحوم عمادالدوله و سوره یسبح لله به جهت مرحوم صارم الدوله خوانده برخاستم. در بی اعتباری دنیا از آن حالت به این حالت افتادن، قدری افسوس خورده و گریه کرده از خداوند طلب مغفرت نموده، به حرم مطهر حضرت عباس (ع) مشرف گشته. چون حرم مبارک دور است، هوا هم گرم بود، داخل حرم شده، همین قدر که بوسیدم دیگر حالت زیارت خواندن باقی نبود. در مسجد زنانه توقف نموده، دختر خاله عیال (شیخ الرئیس) که سه سال بود به جهت تحصیل در سامره بود و حال به عزم زیارت کعبه معظمه آمده است به کربلا، در حرم پیدا شد. قدری صحبت نموده از گرما آسوده گشته به حرم مشرف شدیم، زیارت نموده به منزل مراجعت کردیم. دیدم عمه شاهزاده آقاسید سعید و تاج الملوک و خانم و عروس عمه آقا سید سعید دیدن ما آمده، در منزل نشسته بودند. ساعتی با هم صحبت داشته، برخاستند. قدری کارهای آدمهایی

۱- روز اول ماه قمری (فرهنگ فارسی عمید ج سوم ص ۱۷۶۳) (ویراستار)

ص: ۲۵۶

که روانه طهران بودند، درست نموده، حساب آنها را پرداخته، نزدیک به غروب حمام رفته، به خدا پناه از این حمام که حمام معتبر کربلا است، خداوند اجر اخروی مرحمت فرماید.

دو ساعت از شب جمعه دوم گذشته، به حرم مطهر منور حضرت خامس آل عبا مشرف گشته، با وجودی که خلوت شده بود، به قدری جمعیت بود که راه نبود و دست به ضریح مبارک نمی رسید. زیارت و نماز زیارت خوانده، دعای کمیل را چون شب جمعه بود در همانجا خوانده معاودت به منزل کرده، صبح جمعه دویم بعضی ناتمامی کارها را صورت داده، همه اهل حاج بیرون رفته بودند. قریب ظهر وضو ساخته به حرم مشرف گشته آستان مبارک را بوسیده، نماز بجا آورده، بعد به حرم مبارک حضرت عباس مشرف شده، زیارت خوانده، آستانه را بوسیده، مرخصی حاصل نموده، با هزار مشقت از دست گدا و خادمها که به تحریر در نمی آید بیرون آمده و از ازدحام خلق به سلامت در رفته سوار شده روانه بیرون شدیم. در صحرا، جایی که چادرهای اهل حاج را زده بودند، چادر زده بودند. داخل چادر شده با حالت خستگی، چاپار در شرف حرکت بود. مشغول تحریر شدم.

ص: ۲۵۷

خلاصه درس فصل چهارم:

کربلا دومین شهر مقدس عراق است که در فاصله ۱۰۵ کیلومتری جنوب غربی بغداد و در حاشیه صحرا و در غرب رودخانه فرات و در سمت چپ آبراه (حسینیه) که از فرات منشعب شده قرار دارد. بنا به گفته مورخان، تاریخ این شهر به دوران بابلی‌ها می‌رسد و قبل از فتح اسلامی این منطقه گورستان مسیحیان بود. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که معنی کلمه (کربلا) که یک واژه قدیمی بابلی است، (نزدیکی به خدا) است و برخی دیگر معتقدند که این کلمه تحریف شده واژه عربی (کور بابل) به معنی روستاهای بابل است، برخی نام این منطقه را نینوا می‌دانند که در حال حاضر نام منطقه‌ای در شهرستان (سده الهندیه) در استان کربلا- است. از نامهای دیگر منطقه: غاضریه، عقر بابل، نواوویس، الطف، الروضه، الحائر والحیر است علت تسمیه این منطقه به الحائر این بوده است که در دوران المتوکل خلیفه عباسی، خلیفه دستور داد که قبر شریف امام حسین (ع) را به آب ببندند تا ویران گردد و هنگامیکه آب رودخانه را بدین سو سرازیر کردند آب تا نزدیک قبر رسید و تنها گرداگرد آن را فرا گرفت و از همان زمان به نام الحائر (آب سرگردان) نامیده شد. برخی نیز اعتقاد دارند که واژه کربلا از کلمه آشوری (کرب) به معنی معبد (ایل) به معنی خدا مشتق شده است و معنی آن (معبد الهی) است. گروهی دیگر بر این گمان هستند که این واژه فارسی بوده و ریشه آن دو کلمه (کار) و (بالا) به معنی (کاری برجسته و با ارزش) است. با این همه به نظر می‌رسد که ریشه کلمه کربلا از واژه عربی (الکربه) گرفته شده باشد که به معنی زمین نرم و سست است. مساحت کربلا در حدود ۵۲۸۵۶ کیلومتر مربع است و خاک این شهر نرم و بدون سنگ و شن می‌باشد. گرداگرد شهر را باغهایی فرا گرفته که آب آنها از رودخانه فرات تأمین می‌گردد. شهر کربلا- دارای دو راه ارتباطی است یکی از این راه‌ها، راه کربلا بغداد است که از شهر (مسیب) می‌گذرد و طول آن بالغ بر ۹۷ کیلومتر است و راه دوم نجف کربلا است و در هر دو مسیر باغها و نخلستان‌های متعدد گرداگرد کربلا و راه‌های ارتباطی را فرا گرفته است. شهر کربلا- به دو بخش (قدیمی) و (جدید) تقسیم می‌شود، قسمت قدیمی شامل هسته اولیه شهر است که تا حدودی همچنان بافت سنتی خود را حفظ کرده است و قسمت جدید شهر بعدها به آن اضافه شده و شامل خیابانهای پهن، ادارات دولتی، مدارس دینی و ساختمانهای جدید می‌شود. شهر کربلا در مسیر راه آهن بصره بغداد قرار دارد و شاخه‌ای از این راه آهن به کربلا رسیده و سپس به شهرستان (سده هندیه) که از توابع استان کربلا است منتهی می‌گردد و طول آن ۳۶ کیلومتر است.

ص: ۲۵۸

علاوه بر حرم مطهر امام حسین (ع) و حرم مطهر ابوالفضل (ع) زیارتگاه‌های دیگری در شهر کربلا وجود دارد که شیعیان به زیارت آن اماکن متبرکه مشرف می‌شوند. این زیارتگاه‌ها عبارتند از:

مرقد سید ابراهیم مجاب (ع)، مرقد حبیب بن مظاهر اسدی، مرقد سایر شهدای کربلا، مرقد قاسم بن الحسن (ع)، نخل مریم، مقام حربن یزید ریاحی (ع)، خیمه گاه امام حسین (ع)، مقام حضرت مهدی (ع) تل زینبیه، مقام کف دست راست حضرت ابوالفضل (ع)، مقام کف دست چپ حضرت ابوالفضل (ع)، مقام امام جعفر الصادق (ع)، مقام عون بن عبدالله، مقام ابن فهد حلی، مقام فضه، مقام امام علی (ع)، مقام موسی بن جعفر (ع)، مقام علی اکبر (ع)، مقام رأس الحسین (ع)، مقام ام البنین (ع)، مقام أخرس بن الکاظم (ع)، مقام ابن حمزه.

اماکن سیاحتی کربلا:

اماکن سیاحتی کربلا عبارتند از: دژالاحیضر، قلعه الهندی و خان العطشان

ص: ۲۵۹

فصل پنجم شهر مقدس کاظمین

اشاره

ص: ۲۶۱

شهر مقدس کاظمین

شهر مقدس کاظمین در سمت غربی شهر بغداد و در سوی دیگر رودخانه دجله قرار دارد. علت تسمیه این شهر به کاظمین وجود حرم مطهر امام موسی کاظم (ع) در این شهر است. عامه مردم عراق به این شهر (الکاظم) و (الکاظمیه) می گویند، برخی آن را (بلده الکاظم) و برخی دیگر (کاظمین) می نامند در گذشته های دور به این منطقه (المشهد الکاظمی) و گاهی نیز (مشهد موسی بن جعفر) و گورستان قریش نیز می گفته اند.

در آثار باستانی برجای مانده از دوره های مختلف تاریخی نظیر کلدانیها، بابلیها، آشوریها و ایرانیها اسمی از (منطقه کاظمیه) در میان نیست و تنها اسمی که از این منطقه برجای مانده اسمی شبیه به اسامی یونانی است که (قطربل (۱)) می باشد. این اسم در اواخر قرن چهارم قبل از میلاد یعنی پس از درگذشت اسکندر مقدونی و به قدرت رسیدن حکومت سلوکیها در منطقه، شایع گردید. برخی از مطالعات باستان شناسی نشان می دهد که سکه های قدیمی فراوانی در کنار سکه های دوران اسلامی در این منطقه یافت شده است، در سال ۶۴۷ ه ق المستعصم بالله دستور بازسازی مرقد کاظمین را داد و هنگامیکه کارگران مشغول کردن زمین بودند به کوزه ای برخوردند که در آن تعدادی سکه یونانی و سکه های اسلامی قرار داشت، هنگامیکه این سکه ها را به المستعصم نشان دادند، دستور داد آنها را خرج بازسازی حرم مطهر کنند و مردم این سکه ها را به قیمت های گزاف خریدند و مبلغ آن را که چندین برابر شده بود خرج بازسازی کردند. (۲)

۱- جعفر الخلیلی مؤسسه العتبات المقدسه قسم الکاظمین ۱: ۱۰

۲- (۲) الحوادث الجامعه، فی اخبار سنه ۶۴۷

ص: ۲۶۲

در دوره ساسانی نیز به این منطقه (طسوج قطربل) می‌گفتند که به معنی روستای قطربل بود و این منطقه توسط شاخه‌ای از رودخانه دجله که به (دجیل) معروف بود آبیاری می‌شد.

در سال ۱۴۵ هـ ق منصور عباسی شروع بساختن بغداد کرد و بنابر روایت خطیب بغدادی در سال ۱۴۶ هـ ق باروی شهر را ساخت و در سال ۱۴۹ هـ ق خندقی برای آن کند و بدین گونه شهر تقریباً کامل شد. پس از ساختن شهر (منصور عباسی) دستور داد تا قبرستانی در شمال شهر برای خود و خانواده‌اش بسازند و این قبرستان بعدها به نام قبرستان (قریش) و یا (قبرستان بنی هاشم) معروف شد و شیخ مفید روایت می‌کند که این مقبره مخصوص بنی هاشم و اشراف بود. اولین کسی که در این قبرستان، در سال ۱۵۰ هـ ق، به خاک سپرده شد (جعفر) پسر ابوجعفر منصور عباسی بود و پس از آن دفن کردن مردگان در این قبرستان شایع و متداول گردید (۱).

در ۲۵ رجب ۱۸۳ هـ ق امام موسی بن جعفر (ع) به دستور هارون الرشید و به دست سندی بن شاهک مسموم شد و جسد مطهر آن حضرت به گورستان (قریش) برده شد و در آن به خاک سپرده شد که مرقد شریف وی همچنان در آنجا می‌باشد. برخی از مورخین معتقدند که آن حضرت در جایی به خاک سپرده شد که قبلاً آن را خریداری کرده بود. پس از دفن آن حضرت، مرقد ایشان به نام (مشهد باب التبن) معروف شد زیرا که نزدیک

ص: ۲۶۳

دروازه شرقی شهر (باب التبن) قرار داشت و در کنار مرقد آن حضرت نیز مسجدی قرار داشت که به (باب التبن) معروف بود. (۱) در آخر ماه ذی قعدة ۲۲۰ هـ ق نیز امام محمد جواد (ع) به شهادت رسید و در کنار قبر جدش امام کاظم (ع) به خاک سپرده شد (۲). پس از شهادت دو امام مذکور، شیعیان به تدریج در کنار این دو قبر مطهر ساکن شدند تا بتوانند از آنها حمایت کرده و از زائران آنها پذیرائی کنند و در حقیقت این امر باعث شد که هسته اولیه شهر کاظمین تشکیل شود بویژه که این زمین بعثت نزدیکی به رودخانه دجله، مرغوبیت خاک، و نزدیکی اش به روستاها و مزارع و نخلستانهای بزرگ، مکانی مناسب برای سکونت به شمار می‌رفت.

از منابع تاریخی دوران عباسی در می‌یابیم که این منطقه بسرعت رشد نموده و بعنوان بخشی از بغداد و محله‌ای از محله‌های آن درآمد و جایگاه جرافیایی آن در دوران عباسی‌ها بین (منطقه حرابه) و (مقبره ابن حنبل) و (حریم طاهری) بود.

در سال ۳۳۴ هـ ق (معز الدوله بویه) بغداد را فتح کرد و از جمله کارهای عمرانی وی در بغداد اهتمام به مرقد امامان مذکور و ساختن مرقد و بارگاهی زیبا برای آنان بود. وی همچنین تعدادی از سربازان دلیر خود را برای خدمت به مردم و برقراری امنیت در این منطقه مستقر کرد و با توجه به برقراری امنیت در دوران آل بویه و نزدیکی مقابر قریش به

۱- یاقوت حموی معجم البلدان ماده ب

۲- (۲) ابن اثیر، الکامل فی التاریخ ج ۶ ص ۳۲۱

ص: ۲۶۴

بغداد بسیاری از شیعیان بغداد در روزهای معینی از سال نظیر عاشورا و یا عید غدیر به زیارت این منطقه می‌رفتند.

در سال ۳۵۳ ه ق در روز عاشورا عزای عمومی اعلام شد و مردم به نوحه و زاری پرداختند و در عصر همان روز درگیری بسیار شدیدی بین شیعیان و سنیان در منطقه (قطیعه ام جعفر) و در مسیر راه کاظمین روی داد و تعداد زیادی زخمی شدند و غارتهای فراوانی صورت گرفت.

در سال ۳۵۴ ه ق برای اولین بار عید غدیر در بغداد جشن اعلام گردید و مردم شادی کنان با صدای بوق و کرنا و دسته دسته به زیارت حرم مطهر کاظمین رفتند.

سال ۴۴۹ ه ق خانه شیخ طوسی در محله کرخ بغداد توسط گروهی از اوباش غارت شد و شیخ طوسی در اثر این کار به شهر نجف هجرت کرد. (۱) در طی سالهای متعدد شهر کاظمین بارها دچار سیل گردید، تاریخ قوع این سیلها عبارتند از سالهای ۳۶۷، ۴۶۶، ۵۵۴، ۵۶۹، ۶۱۴، ۶۴۶ و ۶۵۴ ه ق و از همه شدیدتر سیل سال ۶۱۴ ه ق بود که باعث ویرانی بخشی از حرم مطهر و ویرانی شدید شهر کاظمین شد بطوریکه خلیفه (ناصر لدین الله) دستور تعمیر خرابیها را صادر کرد و دستور داد باروئی گرداگرد شهر کاظمین بسازند.

در دوران خلافت عباسی شهر کاظمین بعنوان محله‌ای تقریباً مستقل از بغداد و پرجمعیت با باروئی مستقل بود که علاوه بر نقیب علوی‌ها، نقیب دیگری بر امور مرقد و شهر نظارت می‌نمود.

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ ج ۹ ص ۴۳۹

ص: ۲۶۵

در ماه محرم سال ۶۵۶ ه ق (۱۲۵۸ م) لشکریان مغول به رهبری هلاکو شهر بغداد را محاصره کردند، این شهر پس از چند روز محاصره عاقبت در روز هیجدهم محرم سقوط کرد و مغولها خرابی فراوانی به شهر وارد ساخته و تعداد زیادی از اهالی شهر را بقتل رساندند.

ابتدا قرار بود که عتبات مقدس شیعه از غارت مغولها در امان باشد اما واقعیت این بود که حرم مطهر کاظمین تنها حرم شیعه بود که مورد غارت و چپاول قرار گرفت و به آتش کشیده شد و لشکریان وحشی مغول غنائم فراوانی را از حرم مطهر غارت کردند، طلا و نقره و سنگهای گرانبهای به غارت رفته به حدی بود که سربازان آن را بر روی زین اسبهای خود می آویختند.

چندی بعد امیر قره‌تای به بغداد رسید و دستور داد عماد الدین عمر بن محمد قزوینی به اوقاف رسیدگی نماید و ساختمان حرم مطهر کاظمین و مسجد خلیفه را بازسازی نماید.

در قرن هشتم هجری، شهر کاظمین رشد زیادی کرد و از شهرهای شلوغ و پر زوار به شمار می‌رفت، (حمد الله مستوفی) اوایل قرن هشتم این شهر را چنین توصیف می‌کند: شهر کوچکی است که طول آن حدود شش هزار گام است و تعداد جمعیت آن حدود شش هزار نفر است.

در اوایل قرن دهم از لحاظ استقلال اداری شهر مستقلی به شمار می‌رفت. در سال ۹۲۶ ه ق که عراق تحت تصرف امپراتوری صفوی واقع شد، شاه اسماعیل صفوی به زیارت کاظمین مشرف شده و دستور داد اداره مخصوصی برای مدیریت شهر به وجود آید و دادگاهی شرعی به ریاست یک قاضی که لقب (شیخ الاسلام) را داشت تشکیل شود و همچنین دستور داد تا مرقد مطهر کاظمین تجدید بنا شود و حقوقی را برای خدام مرقد تعیین نمود.

ص: ۲۶۶

در سال ۱۲۸۶ ه ق (مدحت پاشا) والی عثمانی عراق در بازنگری ساختار اداری، کاظمین را به شهرستان تبدیل کرد و این شهرستان یکی از شهرستانهای استان بغداد شد.

در سال ۱۳۰۲ ه ق (هدایت پاشا) فرمانده لشکر ششم ترکان عثمانی در بغداد، دستور داد که پل چوبی شناوری بر روی رودخانه دجله زده شود تا دو بخش کاظمیه و اعظمیه را بهم متصل سازد و اینگونه بود که کاظمین به بخش شرقی بغداد متصل شد.

شهر کاظمین در طی عمر بلند خود بسیاری از علما، فقها، شعرا، پزشکان و اندیشمندان را به جامعه عرضه نمود، در این شهر مدارس علمی فراوانی وجود داشت که از همه مهمتر مدرسه سید محسن اعرجی است که اوایل قرن سیزدهم هجری تأسیس شده است. در شهر کاظمین کتابخانه‌های بسیاری وجود دارد که کتب خطی نفیسی در آنها نگهداری می‌شود. اولین چاپخانه عراق که یک چاپخانه سنگی بود در سال ۱۲۳۷ ه ق در شهر کاظمین راه اندازی گردید.

شهر کاظمین در طی جنگ جهانی اول نقش مهمی در برابر تجاوز انگلیسی‌ها ایفا نمود و در روز ۲۰ ذی‌حجه ۱۳۳۲ ه ق بزرگان بصره از علمای کاظمین درخواست کمک کردند و علمای بزرگ شهر کاظمین فتوایی در خصوص دفاع از شهرهای اسلامی در برابر تجاوز انگلیسی‌ها صادر کردند و در روز سه شنبه دوازدهم محرم ۱۳۳۳ ه ق سید مهدی حیدری به همراهی تعدادی از مجاهدان به منظور جنگ با انگلیسی‌ها از کاظمین عازم میدانهای جنگ شدند و در مراسم باشکوهی تمامی اهالی شهر به منظور تودیع مجاهدین از شهر بیرون آمدند. همچنین اهالی کاظمین توانستند کمکهای زیادی را به مجاهدینی که از نجف و کربلا عازم میدان جنگ می‌شدند، بنمایند. اما با تمام این تلاشها و فداکاری‌ها عاقبت انگلیسی‌ها موفق شدند در روز ۱۷ جمادی الاول ۱۳۳۵ ه ق شهر کاظمین را تصرف کنند و بدین گونه پایان تسلط عثمانی و آغاز تسلط انگلیسی در این شهر اعلام گردید.

ص: ۲۶۷

شهر کاظمین در طول مدت اشغال انگلیسی‌ها، هیچگاه از مقاومت دست نکشید و تمامی فرستادگان انگلیسی در نامه‌ها و یادداشتهای خود بر این مسأله صحه گذاشتند. از جمله در نامه‌های (میس بیل) چنین می‌خوانیم: (شهر کاظمین شهری افراطی در اعتقاد به وحدت اسلامی است و در نبرد با انگلیسی‌ها بسیار مصمم و پابرجاست). همچنین فلیب آیرلاند درباره این شهر می‌گوید: دشمنی با انگلیسی‌ها در شهر کاظمین بسیار شدید بود و علمای این شهر تهدید کرده بودند که اگر کسی در همه پرسى به نفع تجاوز انگلیسی‌ها رأی دهد او را کافر اعلام خواهند کرد).

اماکن زیارتی در شهر کاظمین

اشاره

اماکن زیارتی فراوانی در کاظمین قرار دارد که مهمترین آنها حرم مطهر امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) می‌باشد.

۱ مرقد مطهر کاظمین:

الف تاریخچه حرم مطهر کاظمین:

در سال ۱۸۳ هـ ق پس از دفن امام کاظم (ع) مرقد اولیه‌ای بر قبر ایشان ساخته شد. در سال ۳۳۶ هـ ق معزالدوله بویه به بغداد دست یافت و مرقد مطهر کاظمین را توسعه داده و بازسازی نمود. در سال ۳۷۳ هـ ق در روز عاشورا (عضد الدوله بویه) در گذشت و جنازه او به سمت غربی حرم مطهر کاظمین منتقل و در آنجا به خاک سپرده شد و بر روی سنگ قبر او نوشته شد: (این قبر عضدالدوله و تاج الملّه ابوشجاع بن رکن الدوله است که به امید خلاص در روز جزا مجاورت این امام همام (موسی الکاظم ع) را برگزید و الحمد لله و صلی الله علی محمد و عترته الطاهره). در سال ۴۰۲ هـ ق (فخر الملک) به اهالی کرخ و باب الطاق که دو محله

ص: ۲۶۸

شیعه نشین بغداد بودند اجازه برگزاری مراسم عاشورا را داد و شیعیان با سیاه پوش کردن خانه و مغازه‌ها به عزاداری پرداختند. در ماه‌های رجب و شعبان و رمضان نیز (فخر الملک) هدایای زیادی را به حرم‌های مطهر کاظمین و کربلا و نجف فرستاد و به بیچارگان لباس و جامه و غذا و پول داد.

در سال ۴۴۳ هـ ق در روز اول صفر آتش فتنه دوباره بین شیعیان و سنیان شعله‌ور گردید و در روز چهارشنبه ۲۳ صفر تعداد بیشماری از سنیان گرد آمده و به حرم مطهر کاظمین یورش بردند و تمامی زینت آلات آن را به غارت بردند و قبور برخی از افراد نظیر عوفی، ناشی و جدوعی را نبش نموده و جنازه‌های آنان را بیرون آورده و آتش زدند و برخی نیز جنازه‌های مدفون در آن حرم را بیرون کشیده و به گورستانهای دیگر شهر منتقل کردند و سپس پنجره چوبی حرم و گنبد را به آتش کشیدند و گروهی نیز قبر یکی از ائمه را کردند و تصمیم داشتند که یکی از امامان معصوم را از قبر بیرون آورند و او را به قبرستان سنیان برده و در کنار قبر احمد بن حنبل دفن کنند که در این هنگام نقیب علویان و گروهی از شیعیان پیا خاستند و آنان را از این کار منع کردند. اهالی کاظمین (کرخ) چون چنین دیدند دچار اندوه و حزن فراوان شدند و تمامی خانه‌ها و بازارها را سیاه پوش کردند. در این اغتشاشات مرقد مطهر دچار آتش سوزی شد و در سال ۴۵۰ هـ ق (بسایری) دوباره اقدام به بازسازی مرقد مطهر نمود.

در سال ۴۴۸ هـ ق دوباره اذان سنیان در حرم مطهر کاظمین و مساجد (عتیقه) و (برائا) متداول گردید و جمله (حی علی خیر العمل) حذف شده و بجای آن (الصلاه خیر من النوم) رایج شد. همچنین سنیان بغداد هر جا که کتیبه‌ای با مضمون (محمد و علی خیر البشر) یافتند، آن را کردند.

در سال ۴۹۰ هـ ق (مجد الملک قمی) اقدام به افزودن بخش‌هایی به مرقد مطهر نمود.

ص: ۲۶۹

سال ۵۰۲ ه ق در ماه شعبان شیعیان و سنیان بغداد با یکدیگر آشتی نمودند و شیعیان موفق شدند که پس از گذشت سالها برای اولین بار به مناسبت نیمه شعبان بیرون آمده و به حرم مطهر کاظمین مشرف شوند و کسی از سنیان معترض آنان نشود.

سال ۵۱۷ ه ق المسترشد بالله در روز عاشورا وارد بغداد شد و در این روز سنیان شهر بغداد سر به شورش برداشتند و بسوی حرم مطهر کاظمین یورش برده و درهای آن را کنده و به غارت بردند و چون این خبر به خلیفه رسید از اینکار برآشفت و دستور داد امیر الحاج به کاظمین رفته و شورشیان را مجازات نموده و اموال به غارت رفته را بجای خود بازگرداند و وی موفق شد که برخی از اثاث غارت شده را بازگرداند. (۱) در سال ۵۷۵ ه ق و در سالهای بعد از آن خلیفه (الناصر لدین الله) اقدام به بازسازی مرقد مطهر نموده و بخشهای زیادی را به آن اضافه کرد. در دوران خلافت (الناصر) شیعیان تا حدودی از مزاحمت سنیان در امان بودند، زیرا که الناصر بر خلاف پدران خود به مذهب شیعه گرایش داشت و دستور داد که حرم مطهر کاظمین بعنوان پناهگاهی برای حاجتمندان و بیچارگان باشد و کسانی را که به آنجا پناه می بردند به نزد خود می پذیرفت و حاجات آنان را برآورده می کرد. (۲) در روز سوم رجب سال ۶۳۴ ه ق (المستنصر بالله) خلیفه عباسی به زیارت مرقد مطهر کاظمین مشرف شد و چون از زیارت بازگشت، ابو عبدالله حسین بن اقساسی را که

۱- ابن الساعی الجامع المختصر فی عنوان التواریخ و عیون السیر

۲- (۲) ابن الطقطقی الفخری فی التاریخ

ص: ۲۷۰

(نقیب علویان) بود فرا خواند و سه هزار دینار به او داد و دستور داد که این مبلغ را به علویان نیازمند شهرهای نجف و کاظمین و کربلا بدهد. (۱) در سال ۶۴۱ ه ق (المستنصر بالله) خلیفه عباسی دستور داد که روضه امام حسین (ع) و مقتل آن حضرت، فقط در حرم مطهر کاظمین خوانده شود.

در سال ۶۴۷ ه ق (الحاکم) خلیفه عباسی دستور داد تا بارویی گرداگرد حرم مطهر کاظمین کشیده شود و هنگامیکه کارگران شروع به کندن زمین کردند، کوزه‌ای حاوی یک هزار درهم قدیمی از زیر خاک بیرون کشیدند که برخی از این سکه‌های یونانی و برخی اسلامی و ضرب شده در بغداد و واسط (کوت) بود. این سکه را به خلیفه عرضه کردند و خلیفه دستور داد تا سکه‌ها را فروخته و درآمد حاصل از آن را صرف بازسازی حرم مطهر نمایند.

در سال ۶۵۶ ه ق در روز پنجم صفر لشکر مغول به رهبری هلاکو به بغداد حمله کرده، خلافت عباسی را منقرض ساخته و سبب ویرانی بسیاری از اماکن نظیر (جامع الخلیفه)، حرم مطهر کاظمین و همچنین قبور خلفای بنی عباس شد.

در سال ۷۶۹ ه ق سلطان (اویس جلاثری) پس از آنکه سیلابهای پی‌درپی خسارات کلی به حرم وارد کرد، اقدام به بازسازی مرقد مطهر نمود.

در سال ۹۱۴ ه ق شاه اسماعیل صفوی پس از تصرف بغداد به زیارت مرقد مطهر کاظمین آمد و دستور داد تا امیر دیوان (خادم بیگ) به تعمیر و بازسازی حرم مطهر کاظمین پردازد و روضه مطهر را بزرگتر نماید و کف رواقها را سنگ مرمر کند همچنین دو صندوق ساخته روی دو قبر مطهر قرار دهند و سپس حرم و بیرون آن را

ص: ۲۷۱

کاشیکاری نموده و با آیات قرآنی و نوشته‌های تاریخی مزین کنند و بجای دو گلدسته موجود چهار گلدسته ساخته شود و مسجد بزرگی در سمت شمالی حرم ساخته شود که این مسجد بعدها به نام (مسجد صفوی) معروف شد و همچنین دستور داد تا حرم مطهر را فرش نموده و چلچراغ‌هایی در آن نصب شود و خدام و محافظین و اذان‌گویانی بر آن گماشت. برخی از آثار صفوی تا روزگار ما باقی مانده است. در روز ۲۴ جمادی الاول سال ۹۴۱ هـ ق سلطان عثمانی (سلیمان قانونی) وارد شهر بغداد شد. وی در روز ۲۸ جمادی به بازدید اماکن زیارتی عراق در کاظمین و کربلا- و نجف پرداخت و هنگام زیارت حرم مطهر کاظمین حقوقی را برای خدام حرم در نظر گرفت و سپس دستور داد تا بنای حرم و مسجد را که شاه اسماعیل صفوی آغاز کرده بود، ادامه دهند.

در سال ۱۰۳۲ هـ ق شاه عباس کبیر دوباره بغداد را تصرف کرد و به زیارت مرقد مطهر کاظمین رفت و دستور داد که آثار ناشی از جنگ و اهمال را تعمیر کنند و ضریح بزرگی از فولاد بسازند و آن را روی دو صندوق موجود بر قبرها نهاده تا قبور مطهر هنگام درگیری و غارت و جنگ آسیب نبینند، اما بعلت بدی روابط بین ایران و ترکیه، ضریح مذکور عاقبت در سال ۱۱۱۵ هـ ق به کاظمین رسید و نصب گردید. در سال ۱۰۴۲ هـ ق سیلاب شهر بغداد را فراگرفت و دیوارهای حرم را سست کرد، پس شاه صفی به (قزاق خان) امیرالامراء سابق شیروان دستور داد تا خرابی ناشی از سیل را تعمیر و بازسازی کند. در سال ۱۰۴۵ هـ ق شاه صفی پسر شاه عباس کبیر بازسازی‌هایی در حرم مطهر کاظمین انجام داد وی دستور داد تا گلدسته‌های حرم مطهر کاظمین و جاهای دیگری از صحن شریف بازسازی و تعمیر شود.

ص: ۲۷۲

در سال ۱۱۵۳ ه ق نادر شاه افشار هدایای گرانبها و با ارزشی را برای عتبات عالیات و از آن جمله حرم مطهر کاظمین (ع) فرستاد.

در سال ۱۲۰۷ ه ق آقا محمد خان قاجار دستور تکمیل اصلاحات صفوی‌ها را صادر کرد. همچنین دستور داد تا گلدسته‌ها ساخته شوند و سه صحن وسیع در سمت شرق، جنوب و غرب حرم بنا شوند و اینگونه بود که صحن امروزی ساخته شد.

در سال ۱۲۱۶ ه ق گنجینه حرم مطهر حضرت علی (ع) از نجف به کاظمین منتقل شد تا از حمله و غارت وهابی‌ها در امان باشد و مراتب به اطلاع حکومت ایران نیز رسید (۱).

فتح علی شاه نیز در دوران سلطنت خود دستور داد که داخل گنبدها را آب طلا و میناکاری و آئینه کاری کنند وی همچنین دیوارهای روضه مطهر را آئینه کاری نمود و گنبدها و مناره‌های چهارگانه را طلاکاری کرد.

در سال ۱۲۲۹ ه ق متمرّدین و شورشیان به سمت غربی بغداد یورش برده و سعی کردند تا به حرم مطهر کاظمین نزدیک شوند و حکومت محلی عراق نیز کاری برای ممانعت از تعدیات آنان انجام نداد، در این شرایط خطرناک بالغ بر چهل هزار نفر زائر ایرانی وارد عراق شده بودند که شورشیان به برخی از آنان حمله کردند و زوار مذکور از روی ناچاری در عتبات مقدسه مستقر شدند تا امنیت برقرار شود، در بین زوار ایرانی یکی از حکمرانان ایران به همراهی خانواده‌اش و تعدادی از صاحب‌منصبان ایرانی حضور داشتند و چون کار دشوار شد حکمران ایرانی مستقیماً با حکومت محلی عراق صحبت کرد و از آنان خواست تا کاری کنند که زوار ایرانی بتوانند پس از زیارت با امنیت کامل به

ص: ۲۷۳

کشورشان بازگردند و حکومت عراق نیز شخصی به نام (داود أفندی) را بعنوان فرمانده نظامی برگزید و لشکریانی را برای تنبیه متجاوزین گسیل کرد.

در سال ۱۲۵۵ ه ق منوچهر خان ملقب به (معمد الدوله) ایوان کوچک را در رواق جنوبی طلاکاری کرد. در سال ۱۲۵۵ ه ق نیز سلطان محمود ثانی پادشاه عثمانی پرده‌ای زربفت و گرانبها را که قبلاً بر روی قبر پیامبر قرار داشت به حرم مطهر کاظمین هدیه کرد. این پرده در یکی از شبهای قدر ماه رمضان بر روی ضریح مطهر قرار داده شد.

در سال ۱۲۷۰ ه ق ناصرالدین شاه قاجار یکی از علمای معروف آن روزگار را که شیخ عبد الحسین طهرانی نام داشت به عراق فرستاد و به وی که معروف به (شیخ العراقین) بود اختیارات وسیعی داد تا در طرحهای توسعه و عمران عتبات مقدسه در عراق فعالیت کند.

در سال ۱۲۸۱ ه ق برنامه توسعه عمرانی حرم مطهر کاظمین آغاز شد و اینکار تا سال ۱۲۸۵ ه ق ادامه یافت و در این توسعه، اصلاحات بسیاری در روضه، رواقها و ایوانهای حرم مطهر داده شد.

در سال ۱۳۰۱ ه ق شاهزاده فرهاد میرزا قاجار پروژه عمرانی وسیعی را در کاظمین به اجرا درآورد که طی آن زیرزمین‌هایی برای دفن مردگان ساخته شد و گلدسته‌های حرم از محل وقوف مؤذن تا نوک آن طلاکاری شد و باروی مرتفع دو طبقه‌ای برای حرم ساخته شد و دو ساعت بزرگ بر روی دو در اصلی حرم نصب گردید.

ب. بزرگان مدفون در حرم مطهر کاظمین:

بسیاری از بزرگان و علما در حرم مطهر کاظمین مدفونند که برخی از آنها عبارتند از:

ص: ۲۷۴

۱. ابومنصور محمد بن محمد مبارک کرخی (متوفی سال ۵۹۸ ه ق)
۲. ابوالفتح نصر الله بن محمد معروف به (ابن اثیر) (متوفی سال ۵۵۸ ه ق)
۳. مؤیدالدین ابوالحسن محمد بن محمد قمی وزیر (متوفی سال ۶۴۳ ه ق)
۴. خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی سال ۶۷۱ ه ق)
۵. امیر عضدالدوله بویه (متوفی سال ۳۷۳ ه ق)
۶. یحیی بن محمد نقیب علوین بصره (متوفی سال ۶۱۳ ه ق)

۲. مسجد برائا:

یکی از زیارتگاه‌های شیعیان در بغداد مسجد برائا است، این مسجد در حقیقت مسجدی است که حضرت علی پس از بازگشت از جنگ نهروان در آن نماز خواند. جابر بن عبدالله انصاری روایت می‌کند که: حضرت علی (ع) پس از بازگشت از جنگ خوارج به‌مراه یکصد هزار نفر در مسجد برائا نماز خواند. در این میان راهبی نصرانی که در آن نزدیکی بود از صومعه خود بیرون آمد و پرسید: فرمانده این لشکر کیست؟ گفتیم: این مرد است. پس جلو آمد و سلام داد و عرض کرد: ای سرور من! آیا شما پیامبرید؟ حضرت فرمود: نه، پیامبر سرور و مولای من بود که مدتی پیش در گذشت. راهب پرسید: آیا شما وصی و جانشین او هستید؟ حضرت فرمود: بله سپس حضرت او را به نشستن دعوت کرد و از او پرسید که چرا این سؤال‌ها را می‌پرسد؟ راهب عرض کرد: من این صومعه را به خاطر این مکان که به آن (برائا) می‌گویند ساختم و در کتابهای وحی الهی خوانده‌ام که پیامبری از پیامبران خدا و یا وصی پیامبری با جمع انبوهی در اینجا فرود خواهد آمد و نماز خواهد خواند و اکنون آمده‌ام که اسلام بیاورم. پس آن راهب اسلام آورد و همراه ما به کوفه آمد و چون به کوفه رسیدیم حضرت علی (ع) به او فرمود: آیا می‌دانی که چه کسی در اینجا

ص: ۲۷۵

نماز خوانده است؟ راهب گفت: حضرت عیسی و مادرش مریم (ع) حضرت علی فرمود: آیا می‌خواهی بدانی چه کسی دیگر در اینجا نماز خوانده است؟ گفت: آری. حضرت فرمود: حضرت ابراهیم (ع). مسجد براهنا در محله براهنا بغداد قرار گرفته است، و قبل از بنای بغداد در منطقه مذکور روستایی به نام (براهنا) قرار داشت و حضرت علی (ع) در بازگشت از جنگ نهروان در کنار این روستا توقف نمود و در این منطقه نماز خواند. (۱) این مسجد بارها و بارها از طرف خلفای عباسی مورد تخریب قرار گرفت، چرا که شیعیان در آن گرد می‌آمدند و محل تجمعی برای آنان به شمار می‌رفت. خلیفه الراضی (۲) بالله عباسی این مسجد را کاملاً با خاک یکسان کرد ولی مدتی بعد بنا به دستور (بجکم ماکانی) امیرالامرای بغداد آن را بازسازی کردند. (۳) پس از ضعف روز افزون خلافت عباسی و قدرت گرفتن خاندان شیعی آل‌بویه و بنی حمدان، شیعیان عراق دوباره قدرت گرفتند و مدرسه بزرگی در بغداد به وجود آمد و بزرگانی نظیر شیخ مفید، سید رضی و سید مرتضی و شیخ طوسی در آن به تدریس اشتغال ورزیدند و گویند که شیخ مفید در مسجد براهنا تدریس می‌کرد.

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ماده (ب)

۲- (۲) عبدالحق بغدادی، مرصد الاطلاع

۳- (۳) خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱ ص ۱۰۹۱۱۱

ص: ۲۷۶

گفته می شود شیعیان عراق تا اواسط قرن پنجم هجری نمازهای جمعه خود را در مسجد برائا اقامه می کردند تا اینکه عاقبت یکی از علمای شیعه به نام ابن ادریس حلی فتوا داد که نماز جمعه باید فقط بشرط حضور امام عادل و یا اجازه او برپا شود و بدین گونه بود که شیعیان از خواندن نماز جمعه خودداری کردند.

۳ مسجد المنطقه:

این مسجد در محله (المنطقه) کاظمین قرار دارد و به نام (مسجد العتیقه) نیز شهرت دارد. بنا به گفته روایات، امیرالمومنین (ع) در یکی از سفرهای خود، در این مسجد نماز گزارده است. (۱)

۴. آرامگاه شیخ مفید:

مقبره شیخ مفید در شرق رواق جنوبی حرم مطهر قرار دارد. وی یکی از بزرگان شیعه و فقها و متکلمان چیره دست و توانا بود که در سال ۴۱۳ هجری درگذشت. بر روی قبر او ضریحی فولادی و قدیمی قرار دارد. قطعه شعری بر سنگ مرمر بالای قبرش نوشته شده که امام زمان (ع) در رثای فوت او سروده است:

لاصوت للناعی بفقدك انه يوم علی آل الرسول عظیم

۵. آرامگاه ابن قولویه:

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه از بزرگان و فقها و محدثین امامیه است. وی در سال ۳۶۸ هجری قمری درگذشت و آرامگاهش در شرق رواق جنوبی به همراه شیخ مفید است. (۲)

۱- عبدالحق بغدادی، مرصد الاطلاع

۲- (۲) وی استاد شیخ مفید است و کتاب کامل الزیارات وی مشهور است (ویراستار)

ص: ۲۷۷

۶. آرامگاه خواجه نصیرالدین طوسی:

خواجه نصیرالدین طوسی از بزرگان جهان علم و دانش و از مشاهیر دانشمندان است که دوست و دشمن بر جلالت قدر و عظمت مقام او اتفاق نظر دارند. او در سال ۶۷۱ ه ق درگذشت و در گور یکی از خلفای بنی عباس که در جوار حرم مطهر کنده و آماده شده بود مدفون گردید. بر روی مقبره او ضریحی فولادی و قدیمی قرار دارد.

۷. مرقد امامزاده موسی بن ابراهیم:

وی موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر (ع) و برادر زاده امام رضا (ع) بود و مأمون او را برای تسخیر یمن و سرکوب شورش آن نواحی فرستاد وی نیز پس از تسخیر یمن، مردم آنجا را به امامت حضرت رضا (ع) دعوت کرد.

۸. آرامگاه سید رضی و سید مرتضی:

(۱) این دو برادر از اعیان و مشاهیر بزرگ امامیه در قرن پنجم هجری به شمار می آیند و هردو از شاگردان شیخ مفید بودند. آنان فرزندان حسین بن موسی بن ابراهیم بن موسی کاظم (ع) بودند. سید رضی در سن چهل سالگی درگذشت اما برادرش سید مرتضی عمری طولانی یافت و در سن هشتاد سالگی درگذشت. قبر این دو بزرگوار در دو ساختمان جداگانه بیرون صحن مطهر و در نزدیکی یکدیگر در جنوب شرقی دیوار صحن قرار دارد.

۱- این دو بزرگوار در ابتدا در این مکان دفن شدند و پس از آن به کربلا منتقل شدند و در آنجا به خاک سپرده شدند و لذا این مکان محل دفن اولیه این عزیزان است (ویراستار)

ص: ۲۷۸

۹. آرامگاه ابو یوسف قاضی:

وی در سال ۱۶۶ ه ق به منصب قضاوت در بغداد، پایتخت خلافت بنی عباس برگزیده شد و نخستین کس در اسلام است که بعنوان (قاضی القضاة) شهرت یافت. قبر او در جنوب شرقی صحن مطهر درون یکی از حجره‌ها می‌باشد.

شهر کاظمین از دید جهانگردان

در سال ۵۸۰ ه ق (ابن جبیر) جهانگرد معروف از بغداد دیدن کرده است و درباره دو بخش غربی و شرقی آن سخن گفته است، وی در این باره چنین می‌گوید:

(در یکی از محلات بغداد قبر معروف کرخی واقع است و او یکی از مشهورترین صالحین است و در راهی که به محله باب البصره منتهی می‌شود مرقدی با شکوه وجود دارد که در آن قبری است که بر روی آن نوشته شده این قبر عون و معین فرزندان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) هستند و همچنین در سمت غربی بغداد قبر امام موسی بن جعفر (ع) قرار دارد و همچنین در این بخش قبور بسیاری از صلحا و اولیاء و بزرگان گذشته وجود دارد و در سمت شرقی بغداد در منطقه رصافه محله باب الطاق قرار دارد و در این محله گنبدی سفید وجود دارد که گنبد قبر ابوحنیفه است و محله به نام او معروف است و در نزدیکی این محله قبر احمد بن حنبل است و در همان سمت نیز قبر ابوبکر شبلی و حسین بن منصور حلاج و بسیاری دیگر از بزرگان متصوفه قرار دارد. قسمت غربی بغداد پر از باغهای میوه است و به همین علت تأمین کننده میوه بخش شرقی است). (۱)

۱- ابن جبیر، سفرنامه ابن جبیر

ص: ۲۷۹

(ابن بطوطه) جهانگرد معروف در سال ۷۲۶ ه ق از کاظمین دیدن کرده و درباره آن چنین می گوید: (قسمت غربی بغداد پیش از سایر نقاط آن آباد گردیده و اکنون بیشتر آن خراب است معذلک سیزده محله این قسمت هنوز هم دایر می باشد. هریک از این محله ها مانند یک شهر مستقلی است که دو یا سه حمام دارد و در هشت تا از آنها مسجد جامع هست. از جمله این محله ها باب البصره است که جامع منصور خلیفه در آن قرار دارد و بیمارستان بغداد که نخست بصورت کاخ بزرگی بوده و اکنون ویرانه ای بیش نیست در کنار دجله بین باب البصره و محله شارع واقع شده است. قبر معروف کرخی که از زیارتگاه های بغداد است در محله باب البصره واقع است. در راه باب البصره زیارتگاه معتبر دیگری وجود دارد که در داخل آن روی قبر بزرگی این عبارت نوشته شده است: (این قبر عون از فرزندان علی بن ابی طالب (ع) است) و قدری آن طرف تر قبر موسی کاظم (ع) پسر امام صادق (ع) و پدر امام رضا (ع) قرار دارد که قبر جواد (ع) هم در کنار آن می باشد روی این دو قبر ضریح چوبین کار گذاشته شده که سطح آن را با ورق نقره پوشانیده اند و هر دو قبر در داخل حرم قرار دارد). (۱) در سال ۱۷۶۵ م جهانگرد معروف آلمانی (کارستون نیپور) در سفر خود به کشورهای عربی که هزینه آن را پادشاه دانمارک متقبل شده بود به خاورمیانه سفر کرد و مدتی نه چندان کوتاه را در شهرهای عراق به سر برد وی در یادداشتهای خود درباره کاظمین چنین می گوید:

(در شمال غربی بغداد و در فاصله چهل و پنج دقیقه راه، در غرب رودخانه دجله، روستای بزرگی قرار دارد که به آن کاظمین می گویند و در آنجا مسجد بزرگی واقع شده

۱- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه ترجمه محمد علی موحد

ص: ۲۸۰

است که قبر دو امام از ائمه شیعه یعنی امام کاظم (ع) و نواده‌اش امام جواد (ع) در آنجا قرار دارد و این مسجد اسلامی بسیار افتخار آفرین است و گنبد و گلدسته‌های آن با معماری اسلامی مزین شده است و شیعیان معتقدند که امام کاظم سرور شهیدان است و گروه گروه به زیارت او می‌روند. اکثریت ساکنین روستای کاظمین از شیعیان هستند و این طایفه آزادی چندانی برای تبلیغ مذهب خود در بغداد ندارند، و هر روز گروهی از آنها به زیارت حرم مطهر کاظمین مشرف می‌شوند و چنانچه میسر نشود که مردگان خود را برای خاکسپاری به شهر نجف ببرند، این مردگان را در کنار قبر مطهر امام کاظم (ع) به خاک می‌سپارند. (۱) جهانگرد و باستانشناس انگلیسی (کیو پورتر) در سال ۱۸۱۸ م که عازم ایران بود در مسیر راه خود از بغداد عبور کرده و در سفرنامه خود که آن را در سال ۱۸۲۲ م منتشر کرد درباره کاظمین چنین می‌گوید:

(شهر جدید بغداد در سمت ساحل شرقی رودخانه دجله (در سمت رصافه) قرار گرفته و در آنسوی رودخانه دجله محله (قلعه الطیور) قرار دارد و در شمال این محله مرقد امام موسی کاظم (ع) یکی از امامان دوازده گانه و شهید شیعه واقع شده است و نواده‌اش امام نهم یعنی محمد تقی (ع) نیز در کنار او مدفون است.

وی سپس ادامه داده و می‌گوید: پس از غارت و چپاولگری وهابی‌ها در سال ۱۸۰۱ م و حمله آنان به شهرهای شیعه نشین وسط عراق، بسیاری از شیعیان از ترس به شهر کاظمین

۱- کارستون نیپور، یاداشتها، ترجمه مصطفی جواد، مجله سومر شماره ۱ و ۲، سال ۱۹۶۴ بغداد

ص: ۲۸۱

نقل مکان نمودند و به همین علت جمعیت این شهر فزونی گرفت و در حال حاضر به شهر بزرگی تبدیل شده است که روزانه پذیرای تعداد زیادی از زوار می باشد. (۱) در نوامبر سال ۱۸۳۴ م جهانگرد انگلیسی (جیمز بیلی فریزر) موفق شد که از بغداد دیدن نماید. وی در سفرنامه خود که به سفرنامه فریزر معروف است درباره کاظمین چنین می گوید:

(شبانۀ بسوی کاظمین حرکت کردیم، کاظمین روستایی است که در فاصله سه میلی شمال بغداد قرار دارد و در آن ضریح امام شیعیان حضرت موسی کاظم (ع) که هارون الرشید پس از مدتی طولانی که وی را زندانی کرد عاقبت او را به شهادت رساند و زندان وی تا روزگار ما باقی مانده است. حرم مطهر ظاهراً خیلی بزرگ است و دو گنبد طلایی و چهار گلدسته دارد) (۲).

در سال ۱۸۵۰ م (جیمز فلیکس جونز) به منظور مساحی و بررسی علمی شمال بغداد و غرب دجله به عراق آمد و یادداشتهایی در این باره نوشت که این یادداشتهای در سال ۱۸۵۷ م در مجموعه برگزیده سجلات حکومت بمبئی جلد چهل و سوم منتشر گردید. او درباره کاظمین چنین می گوید:

۱- کیوپورتر، سفرنامه

۲- (۲) جیمز بیلی فریزر، سفرنامه فریزر به بغداد در سال ۱۸۳۴

ص: ۲۸۲

(بعد از اینکه از بغداد خارج شدیم و باروهای ویران شده آن (در سمت کرخ) را پشت سر گذاشتیم و بمدت ۵۰ دقیقه راه سپردیم تا به کاظمین رسیدیم که از دور منظره گنبد طلایی و گلدسته‌های آن در بین نخلستانها جلوه‌ای بسیار زیبا به آن داده بود).

وی سپس ادامه داده می‌گوید: (صحن پیرامون حرم مطهر مربع شکل بود و بوسیله کاشیکاری بسیار زیبا و هنرمندانه‌ای مزین شده بود و بر روی دیوارها نیز لوحه‌هایی از آیات قرآن و سخنان مذهبی با حروف عربی زیبایی نقش بسته بود در مسیر راه ما به مردمی برخوردیم که از همه سو عازم کاظمین بودند، این افراد از هر ملت و طایفه‌ای بودند و برخی از آنان تبتی و برخی کشمیری و افغانی و ایرانی و عرب بودند و تعدادی از آنها سواره و تعدادی دیگر نیز پیاده عازم زیارت بودند و برخی دیگر را دیدیم که در کنار جاده سجاده‌های خود را رو به قبله پهن کرده بودند و با خلوص نیت مشغول عبادت بودند ... و شاید کمتر جایی را بتوان سراغ کرد که مردم از هر قوم و طایفه‌ای چنین مخلصانه در آن جمع شوند و به عبادت مشغول گردند).

سپس جونز ادامه داده می‌گوید: (کمی که از کاظمین دور می‌شویم، به منطقه تاجی می‌رسیم که صحرای عراق از کنار آن آغاز می‌شود و پس از تاجی دریاچه عقرقوف قرار دارد که آب آن از سیلابهای رودخانه فرات تأمین می‌شود و رودخانه فرات پنجاه میل تا اینجا فاصله دارد و این رودخانه از همین طریق به رودخانه دجله متصل می‌گردد و بدین گونه می‌توان گفت که شهر کاظمین و نخلستانها و باغهای آن از همه سو با آب احاطه شده است و گویی جزیره‌ای در بین دریای متلاطم است). (۱)

۱- جیمز فلیکس جونز، تتبعات فی جوار سورا عیدین سلسله مختارات من سجلات حکومت بومبی، المجد

ص: ۲۸۳

در سال ۱۸۶۶ م جهانگرد هلندی (نایهولت) به عراق سفر کرد و مدت طولانی در عراق ماند و به مطالعه جامعه شناسی مردم عراق پرداخت و سفرنامه جالبی در مورد عراق نوشت که بعدها این سفرنامه به انگلیسی ترجمه شد. وی در این سفرنامه درباره کاظمین چنین می گوید:

(یکی از زیباترین و دل‌انگیزترین جاهایی که در بغداد به دیدن آن رفتم زیارت کاظمین بود و کاظمین شهر کوچکی است که شیعیان مخلص و وفادار در اطراف مرقد امام موسی کاظم (ع) برپا کرده‌اند و در حدود یک فرسخ با بغداد فاصله دارد. برای رفتن به کاظمین ما از بازار بزرگ بغداد بسوی ساحل سمت راست دجله رفتیم و سپس مسیر منحنی رودخانه را بسوی بالا پیمودیم، که از آنجا منظره بغداد به زیبایی نمایان بود، و پس از نیم ساعت راهپیمایی در ساحل غربی رودخانه دجله به نخلستان بسیار زیبایی رسیدیم و در مسیر با افراد زیادی از عرب‌ها و فارس‌ها و هندی‌ها برخورد کردیم که بیشترشان سواره عازم کاظمین بودند و چون از نخلستان بیرون آمدیم و رودخانه دجله در پشت سر ما قرار گرفت از دور دو گنبد طلایی حرم مطهر امام موسی بن جعفر (ع) نمایان شد و نیم ساعتی نگذشت که اولین خانه‌های کاظمین پدیدار شدند. شهر کاظمین شهر کوچک و زیبایی است که بازار مجهز و بسیار خوبی دارد و درهای حرم با قفل و زنجیر بسته می‌شود و زوار در هنگام ورود به حرم و یا خروج از آن با احترام زنجیرها و قفلها را می‌بوسند و تا آنجایی که به من اجازه داده شد از آن دیدن کنم این بود که حرم مطهر از مسجد بزرگی ساخته شده که چهار گلدسته در چهار سوی آن قرار دارد و در اطراف صحن اتاقها و حجره‌هایی برای تدریس و یا سکونت طلاب علوم دینی ساخته شده است). (۱)

۱- نایهولت، الرحله، ترجمه میربصری، بغداد

ص: ۲۸۴

در سال ۱۸۸۱ م جهانگرد فرانسوی خانم (مادام دی لافوا) به همراهی همسرش مهندس (مارسل دی لافوا) از ایران به عراق سفر کرده و از اماکن زیارتی کاظمین و کربلا دیدن نمود و مطالب زیادی را درباره این دو شهر در سفرنامه خود ذکر می‌کند. این سفرنامه بعدها به زبان فارسی ترجمه و در ایران به چاپ رسید و قسمتی از آنکه مربوط به عراق بود به عربی ترجمه و در سال ۱۹۵۸ م در بغداد منتشر شد.

مادام دی لافوا به همراهی همسرش و یکی از کارمندان کنسولگری فرانسه در بغداد سوار تراموای شهر شد و در مسیرش از باغها و بوستانهای شهر دیدن کرد و در وصف این باغها قلم فرسایی نمود و سپس از دور به توصیف گنبدهای طلایی و گلدسته‌های کاظمین می‌پردازد و چون به شهر کاظمین می‌رسد اولین چیزی که توجه او را به خود معطوف می‌کند، این است که کوچه‌های کاظمین از کوچه‌های بغداد تمیزتر است و میدان بزرگ کنار در حرم مطهر پر از دکانهای متعدد میوه فروشی و سبزیجات است و سپس به توصیف حرم مطهر پرداخته و اظهار می‌کند که درهای حرم به صحن بزرگی منتهی می‌گردند و در چهارگوشه صحن چهار گلدسته بلند وجود دارد که بالای آنها طلاکاری شده و پایین آنها با کاشیهای فیروزه فام کاشیکاری شده است. در دو سوی گنبدها برج‌های کوچی قرار داشت که همانند برج‌های جنگی بنظر می‌آمد. در کنار حرم مطهر و مسجد، مدرسه و حمام‌ها و حجره‌هایی برای استفاده زوار قرار داشت. (۱) سپس مادام دی لافوا اظهار می‌کند که: (قافله‌های زوار که از خارج شهر برای زیارت کاظمین می‌آمدند مجبور بودند که در مسیر خود از وسط شهر بغداد عبور کنند و در

۱- مادام دی لافوا: الجزء الخاص بالعراق من الرحلة

ص: ۲۸۵

هنگام عبور از شهر بچه‌های بغداد از دور به آنان سنگ پرتاب کرده و به آنان دشنام می‌دادند و سپس بسوی بارهای آنان که بر پشت چهارپایان نهاده بودند یورش برده و هرچه را می‌توانستند به سرقت می‌بردند و سپس بسوی کوچه‌های تنگ و باریک بغداد فرار می‌کردند و زوار بیچاره ناچار بودند که این همه اذیت و آزار را تحمل کنند و لب به شکایت نگشایند، چراکه می‌دانستند مسئولین ترک عثمانی هیچ توجهی به شکایتهای آنان ننموده و آنها هستند که بچه‌ها را به این کارهای زشت و ناپسند تحریک می‌کنند).

در سال ۱۸۸۸ م باستانشناس انگلیسی (سر ارنست والیس) از عراق دیدن کرد و چندین ماه در عراق ماند تا آثار باستانی این کشور را مورد مطالعه قرار دهد. وی پس از بازگشت سفرنامه مفصلی درباره عراق نوشت و در دو جلد در سال ۱۹۲۰ م به چاپ رساند و نام این سفرنامه را (در ساحل دجله و فرات) گذاشت. او در این کتاب درباره کاظمین چنین می‌نویسد که توانسته است با عبور از بازار به حرم مطهر برسد و به شدت تحت تأثیر گنبد‌های طلایی و گلدسته‌ها و کاشیکاری زیبای دیوارهای صحن و روضه شریف قرار گرفت، وی معتقد است که زیبایی و رنگ آمیزی این اماکن چیز بسیار زیبایی است که تا بحال نظیر آن را ندیده است. سپس (ارنست والیس) به ساعت بزرگی اشاره می‌کند که در صحن شریف نصب شده است و اظهار می‌کند که به خانه میرزا صفوی رفته و از پشت بام خانه صحن شریف و حرم مطهر را بدقت تماشا کرده و از اینکار لذت برده است، و اینکه میرزا صفوی مذکور مطالب زیادی درباره نفایس و ذخایر موجود در گنبد حرم مطهر برای وی تعریف کرده است). (۱)

ص: ۲۸۶

شهر بغداد

اشاره

شهر بغداد پایتخت عراق و بزرگترین شهر آن است این شهر در کنار رودخانه دجله قرار دارد و فاصله چندانی با شهر باستانی تیسفون که پایتخت امپراتوری ساسانی بود ندارد. شهر بغداد مشهورترین شهر جهان اسلام است و بیش از پنج قرن پایتخت خلافت عباسیان بود که بر بخش عظیمی از جهان اسلام حکمرانی نمودند. بنا به قولی این شهر در حال حاضر بعد از شهرهای قاهره، جاکارتا و تهران چهارمین پایتخت بزرگ جهان اسلام است. جمعیت این شهر در حال حاضر در حدود شش میلیون نفر است و زبان رسمی آن زبان عربی است و اکثریت ساکنین این شهر را عربها تشکیل می دهند و اقلیتهای مذهبی یهودی و مسیحی اندکی نیز در شهر ساکن هستند، و اقلیتهای نژادی دیگر نظیر کردها و ترکمانها و ایرانیها نیز در این شهر ساکن می باشند.

شهر بغداد پس از تأسیس به شدت رشد کرد بطوریکه تنها سه سال پس از ساخته شدن جمعیت آن به بیش از نیم میلیون نفر رسید که در مساحتی معادل ۳۲۰۰ هکتار پراکنده بودند.

این شهر را ابو جعفر منصور دوانیقی در سال ۱۴۵ ه ق (۷۶۲ م) بنا نهاد و در دوران خلافت هارون الرشید به اوج عظمت رسید بطوریکه در سال ۱۸۴ ه ق جمعیت آن به بیش از یک میلیون نفر رسید اما از سال ۲۵۷ ه ق به بعد و پس از حمله ایرانیها، مغولها، تاتارها و بالاخره عثمانیها و همچنین بر اثر سیلابهای مکرر رودخانه دجله و بروز بیماری وبا، به تدریج از اهمیت و عظمت شهر کاسته شد. این شهر در سال ۱۹۲۱ م مجدداً بعنوان پایتخت عراق انتخاب شد.

ص: ۲۸۷

اماکن زیارتی و دیدنی بغداد**۱. مرقد نواب اربعه امام زمان (ع):**

نواب اربعه به چهارتن از بزرگان و معتمدان شیعه بغداد گویند که طی هفتاد سال دوران غیبت صغری، عهده‌دار ارتباط میان امام زمان (ع) و شیعیان بوده‌اند و اموال و نامه‌های شیعیان را به امام (ع) و پاسخ آن حضرت را به آنها منتقل می‌نمودند. این چهار تن عبارت بودند از:

۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمری اسدی**۲. ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید معروف به شیخ خلانی**

آرامگاه این پدر و پسر در یکی از میدانی مهم و مرکزی شهر بغداد به نام (ساحه الخلانی)، درون مسجدی به نام (جامع الخلانی) قرار دارد. بر روی قبر آن دو، ضریحی نقره‌ای و گنبدی بلند با کاشیهای سبز قرار گرفته است.

۳. شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (متوفای ۳۲۶ هـ ق)

آرامگاه او در میان بازار کهن و قدیمی بغداد، معروف به (سوق العطارین) واقع شده و دارای صحن و سرا و گنبد و ضریح است و زیارتگاه شیعیان می‌باشد.

۴. شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمد سمی

آرامگاهی درون بازار مشهور به (سوق الخفافین) کمی پایین‌تر از مدرسه المستنصریه دارد.

ص: ۲۸۸

۲. مرقد شیخ کلینی:

وی بزرگترین محدث و روایت نگار شیعه به شمار می‌رود و کتاب کافی او یکی از چهار کتب روایی معتبر شیعه می‌باشد. وی در سال ۳۲۹ هـ ق در بغداد درگذشت، امروزه مشهور میان مردم آن است که قبر وی در مسجد صفوی معروف به تکیه مولوی خانه در شرق بغداد (رصافه) و در نزدیکی پل شهدا می‌باشد.

۳. مرقد ادریس حسنی:

وی نواده حسن مثنی فرزند امام حسن مجتبی (ع) است و امامزاده جلیل القدری است. قبر وی در محله (کراده) واقع شده و دارای بقعه و بارگاهی است و مردم بدو اعتقاد فراوانی دارند.

۴. آرامگاه بشر حافی:

وی از اعیان متصوفه است و بنا به نقل مورخان مردی فاسق بود که لحظاتی چند شرف حضور امام کاظم (ع) را درک نمود و هدایت گردید. آرامگاهش در محله اعظمیه بغداد است.

۵. آرامگاه بهلول:

او پسر عموی هارون الرشید و از شیعیان پاک و وفادار بود و داستانهای او با منحرفین مشهور است. آرامگاهش در محله کرخ در نزدیکی قبر مشهور به (ست زبیده) می‌باشد.

۶. قبر سید سلطان علی:

او علی بن اسماعیل فرزند امام صادق (ع) است و به گفته روایات، کسی است که شکایت عمویش حضرت امام موسی بن جعفر (ع) را نزد هارون کرد لیکن بزودی به نفرین

ص: ۲۸۹

حضرت گرفتار آمد و به هلاکت رسید، قبر او در (محلہ الفضل) واقع در شارع الرشید بغداد است و سنیان برای او و برادرش محمد مزاری ساخته‌اند.

۷. قبر قنبر علی:

او خادم امام دهم (ع) بود. امروزه آرامگاهش در شرق بغداد در محلہ (قنبر علی) است. (۱)

۸. مدرسه مستنصریہ:

دانشگاهی است جهت تدریس علوم دینی مذاهب چهارگانه اهل سنت که به دستور مستنصر بالله عباسی در سال ۶۳۱ هـ ق ساخته شد و ساختمان آن تاکنون باقی است. این مدرسه نمایانگر نمونه مدارس آن دوره است و از ساختمان عظیم و بزرگ و شبستانها و اتاقهای تدریس فراوان برخوردار است. امروزه این مدرسه در سمت شرق بغداد (رصافه) و در بازار خفافین، در نزدیکی پل الشهداء قرار دارد.

۹. مسجد صفویہ:

این مسجد امروزه به نام (الاصفیہ) شهرت دارد و قبلاً به نام (دار القرآن المستنصریہ) مشهور بود و همزمان با مدرسه المستنصریہ ساخته شده است. این بنا در فاصله کوتاهی از مدرسه مستنصریہ قرار دارد. در یکی از اتاقهای این مسجد که پنجره آن به بازار باز

۱- حضرت علی (ع) نیز غلامی بدین نام داشته است که نام اصلی وی ابوالشعثاء مولی بن معمرست و علی (ع) خود نام قنبر بر وی نهاد به هر روی شاید این نام متشابه بین دو نفر باشد لازم به یاد آوری است که قبری به همین نام در حمص سوریه نیز وجود دارد (ویراستار)

ص: ۲۹۰

می شود، آرامگاه مرحوم شیخ کلینی و قاضی ابوالفتح کراچکی از بزرگان امامیه و متوفای سال ۴۴۹ ه ق قرار دارد.

۱۰. قصر عباسی:

قصر عباسی یکی از کاخهای دوره اخیر عباسیها در بغداد است که شرق بغداد و نزدیک رودخانه دجله قرار دارد. این کاخ دارای تالارها و ایوانهایی است با گچبریهای زیبا و دیدنی.

۱۱. مسجد خفافین:

مسجدی برجای مانده از دوره عباسیها که در سال ۵۹۹ ه ق به دستور زمرد خاتون ساخته شد. این مسجد در مجاورت مدرسه مشهور نظامیه است که توسط نظام الملک طوسی ساخته شده و امروزه اثری از آن باقی نمانده است.

۱۲. مسجد الخلفا:

این مسجد در وسط شارع الرشید، معروفترین خیابان بغداد، قرار دارد. ساختمان اصلی آن، که به دستور المکتفی بالله عباسی در سال ۲۹۰ ه ق ساخته شده بود، از بین رفته است و تنها گلدسته آجری آن باقی مانده و ساختمان کنونی به سبک معماری آن دوره ساخته شده است.

۱۳. قبر ابوحنیفه:

ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی پیشوا و مؤسس مذهب حنفی است که جد او از مردم کابل بوده و در دوره‌ای، از شاگردان امام صادق (ع) به شمار می آمده است. وی در سال ۱۵۰ ه ق درگذشت و در مقبره‌ای مشهور به (مقبره خیزران) که در شمال شرقی دجله است دفن گردید. امروزه قبرش در نزدیکی پلی است که بغداد را به شهر کاظمین وصل می کند و

ص: ۲۹۱

خلفای عثمانی صحن و سرا برای او ساخته‌اند و باتوجه به اینکه اکثریت سنی‌های عراق پیرو مذهب حنفی هستند، این محل زیارتگاه مهم سنی‌های عراق نیز به شمار می‌رود.

۱۴. قبر عبدالقادر گیلانی:

وی مؤسس یکی از فرقه‌های مهم تصوف است که در شهر گیلان غرب کرمانشاه بدنیا آمد و در بغداد به تحصیل پرداخت و در سال ۵۶۱ هـ ق درگذشت و در یکی از مدارس بغداد دفن گردید. بعدها صوفیان معجزات و خرق عاداتی به او نسبت دادند و قبر او را توسعه و ترمیم نمودند. امروزه آرامگاه او در محله‌ای به نام (باب الشیخ) قرار دارد.

۱۵. قبر شیخ عمر سهروردی:

وی یکی از صوفیان شافعی مذهب بود که در سال ۵۳۹ هـ ق در روستایی به نام (سهرورد) که یکی از قرای ماوراءالنهر است بدنیا آمد و در سال ۶۳۲ هـ ق درگذشت و در یکی از مقابر عمومی بغداد دفن گردید. معجزاتی به وی نسبت داده‌اند و عوام الناس برای او صحن و سرایی ساختند. قبر وی امروزه در محله‌ای به نام (شیخ عمر) در شرق بغداد واقع است.

در شهر حلب سوریه نیز قبری منسوب به شیخ سهروردی است که نگارنده از آن دیدن نموده است این قبر در مسجدی به نام مسجد سهروردی در وسط شهر حلب قرار دارد، اما صحت انتساب آن به سهروردی مورد شک و تردید است.

ص: ۲۹۲

۱۶. قبر زبیده خاتون:

در سمت غربی دجله (کرخ) گوری است منسوب به زبیده خاتون همسر هارون الرشید و برخی از محققان را عقیده دارند که این گور متعلق به زبیده خاتون نیست بلکه قبر زمرد خاتون مادر خلیفه عباسی الناصر لدین الله است.

۱۷. قبر شیخ معروف کرخی:

وی یکی از بزرگان صوفیه بغداد است که در سال ۲۰۰ ه ق در گذشت و آرامگاه وی در نزدیکی قبر زبیده خاتون در محله کرخ می باشد.

۱۸. باب الطلسم:

این دروازه تنها دروازه باقیمانده از برج و باروی کهن بغداد است که در سمت شرق دجله (رصافه) می باشد.

۱۹. آرامگاه احمد بن حنبل:

در نزدیکی رصافه همچنین قبر عبدالله احمد بن حنبل پیشوا و مؤسس مذهب حنبلی واقع شده است که گنبد ندارد و می گویند بارها روی آن گنبد ساخته اند ولی بعدها آن گنبد تخریب شده است و جالب است بدانیم که پیروان ابن حنبل ساختن گنبد و بارگاه بر قبور مردگان را حرام و بدعت می دانند.

۲۰. قبور برخی از بزرگان صوفیه:

نزدیک قبر ابن حنبل قبر ابوبکر شبلی واقع شده که از بزرگان متصوفه بوده است. تربت صوفی نامدار (سری سقطی) و (بشر حافی) و (داود طائی) و (ابوالقاسم جنید بغدادی) نیز در همین مکان می باشند.

ص: ۲۹۳

خلاصه درس فصل پنجم:

شهر مقدس کاظمین در سمت غربی شهر بغداد و در سوی دیگر رودخانه دجله قرار دارد. علت تسمیه این شهر به کاظمین وجود حرم مطهر امام موسی کاظم در این شهر است. عامه مردم عراق به این شهر (الکاظم) و (الکاظمیه) می گویند، برخی آن را (بلده الکاظم) و برخی دیگر (کاظمین) می نامند در گذشته های دور به این منطقه (المشهد الکاظمی) و گاهی نیز (مشهد موسی بن جعفر) و گورستان قریش نیز می گفته اند. در آثار باستانی برجای مانده از دوره های مختلف تاریخی نظیر کلدانیها، بابلیها، آشوریها و ایرانیها اسمی از (منطقه کاظمیه) در میان نیست و تنها اسمی که از این منطقه برجای مانده اسمی شبیه به اسامی یونانی است که (قطربل) می باشد. این اسم در اواخر قرن چهارم قبل از میلاد یعنی پس از درگذشت اسکندر مقدونی و به قدرت رسیدن حکومت سلوکیها در منطقه، شایع گردید. برخی از مطالعات باستان شناسی نشان می دهد که سکه های قدیمی فراوانی در کنار سکه های دوران اسلامی در این منطقه یافت شده است، در سال ۶۴۷ ه. ق المستعصم بالله دستور بازسازی مرقد کاظمین را داد و هنگامیکه کارگران مشغول کندن زمین بودند به کوزه ای برخوردند که در آن تعدادی سکه یونانی و سکه های اسلامی قرار داشت، هنگامیکه این سکه ها را به المستعصم نشان دادند، دستور داد آنها را خرج بازسازی حرم مطهر کنند و مردم این سکه ها را به قیمت های گزاف خریدند و مبلغ آن را که چندین برابر شده بود خرج بازسازی کردند. در دوره ساسانی نیز به این منطقه (طسوج قطربل) می گفتند که به معنی روستای قطربل بود و این منطقه توسط شاخه ای از رودخانه دجله که به (دجیل) معروف بود آبیاری می شد. در سال ۱۴۵ ه. ق منصور عباسی شروع بساختن بغداد کرد و بنابر روایت خطیب بغدادی در سال ۱۴۶ ه. ق باروی شهر را ساخت و در سال ۱۴۹ ه. ق خندقی برای آن کند و بدین گونه شهر تقریباً کامل شد. پس از ساختن شهر (منصور عباسی) دستور داد تا قبرستانی در شمال شهر برای خود و خانواده اش بسازند و این قبرستان بعدها به نام قبرستان (قریش) و یا (قبرستان بنی هاشم) معروف شد و شیخ مفید روایت می کند که این مقبره مخصوص بنی هاشم و اشراف بود. اولین کسی که در این قبرستان، در سال ۱۵۰ ه. ق به خاک سپرده شد (جعفر) پسر ابو جعفر منصور عباسی بود و پس از دفن کردن مردگان در این قبرستان شایع و متداول گردید. در ۲۵ رجب ۱۸۳ ه. ق امام موسی بن جعفر (ع) به دستور هارون الرشید و به دست سندی بن شاهک مسموم شد و جسد مطهر آن حضرت به گورستان (قریش) برده شد و در آن به خاک سپرده شد که مرقد شریف وی همچنان در آنجا می باشد. برخی از مورخین معتقدند

ص: ۲۹۴

که آن حضرت در جایی به خاک سپرده شد که قبلاً آن را خریداری کرده بود. پس از دفن آن حضرت، مرقد ایشان به نام (مشهد باب التبن) معروف شد زیرا که نزدیک دروازه شرقی شهر (باب التبن) قرار داشت و در کنار مرقد آن حضرت نیز مسجدی قرار داشت که به (باب التبن) معروف بود. در آخر ماه ذی قعدة ۲۲۰ هـ. ق نیز امام محمد جواد (ع) به شهادت رسید و در کنار قبر جدش امام کاظم (ع) به خاک سپرده شد.

ص: ۲۹۹

فصل ششم شهر مقدس سامرا

اشاره

ص: ۳۰۱

شهر مقدس سامرا

شهر مقدس سامرا در ساحل شرقی رودخانه دجله و در فاصله ۱۱۸ کیلومتری شمال بغداد قرار دارد. این شهر روی طول جغرافیایی ۴۳ درجه و ۴۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۳۵ دقیقه واقع شده است. سامرا از شمال به تکریت و از جنوب به بغداد و از غرب به رمادی و از شمال غربی به موصل و از جنوب شرقی به دیالی محدود می‌شود. در این شهر مرقد دو امام همام علی الهادی (ع) و حسن العسکری (ع) قرار دارد. تولد و غیبت امام زمان (عج) در شهر سامرا بوده و محل غیبت آن حضرت (عج) زیارتگاه هزاران نفر از شیعیان دلسوخته می‌باشد. اکثر اهالی شهر از برادران اهل تسنن می‌باشند. در گذشته گرداگرد شهر را بارویی از آجر و گچ بشکل دایره‌ای و به قطر ۶۸۰ متر فراگرفته بود که محیط آن به ۲ کیلومتر و ارتفاع آن به ۷ متر می‌رسید. این بارو ۱۹ برج و چهار دروازه داشت که عبارتند از: باب القاطول، باب الناصریه، باب الملطوش و باب بغداد. این بارو تا سال ۱۳۵۶ ه ق (۱۹۳۶ م) پابرجا بود. بیشتر خانه‌های سامرا از آجر ساخته شده و باغهای عمومی و خصوصی فراوانی دارد. این شهر موزه‌ای دارد که حاوی آثار خطی و کتابهای فراوانی است. برحسب تقسیمات اداری و کشوری شهر سامرا مرکز شهرستان سامرا و بخشی از استان صلاح الدین عراق می‌باشد.

ص: ۳۰۲

شهرستانهای استان صلاح الدین (سامرا):

استان صلاح الدین دارای هشت شهرستان است که عبارتند از: تکریت، الدور، سامرا، بلد، الطوز، الفارس، الشرقاط و بالاخره شهرستان بیجی.

تاریخچه شهر سامرا

امپراتوری ایران در سال ۳۶۳ م (قبل از ظهور اسلام) پس از کشته شدن ژولیان امپراتور روم شرقی، موفق شد که این منطقه را از دست رومی‌ها خارج کرده و در آن دژی بسیار محکم به نام (سومیر) بنا کند. این شهر بعدها بعنوان پایتخت خلافت عباسی انتخاب شد و المعتصم بالله عباسی اولین خلیفه عباسی است که پایتخت خود را از بغداد به این شهر منتقل کرد و نقل است وقتیکه المعتصم بقصد یافتن محل مناسبی برای ساختن پایتخت به شمال بغداد سفر کرد، پس از پیمودن راهی طولانی عاقبت به دیری مسیحی رسید و سه روز در آن اقامت کرد و آب و هوای منطقه را مناسب دید، لذا دیر را بقیمت چهار هزار دینار از مسیحیان خرید و در سال ۲۲۱ ه ق نقشه شهر را کشید و شروع بساختن اماکن مختلف شهر نمود و پس از مدتی فرماندهان نظامی و لشکریان خود را به شهر منتقل کرد و به تدریج مردم از اطراف و اکناف بسوی شهر مذکور روانه شدند. این شهر در آغاز به نام (عسکر) و بعدها به نام (سرمین رأی) یا (سامرا) معروف گردید و از سال ۲۲۰ ه ق تا ۲۷۹ ه ق و در دوران خلافت شش خلیفه عباسی (معتصم، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، مهتدی و معتمد) بمدت ۵۸ سال پایتخت عباسی به شمار می‌رفت. (۱)

۱- طاهر مظفر الحمید، العماره العباسیه فی سامراء

ص: ۳۰۳

در سال ۲۲۳ ه ق افشین فرمانده نظامی المعتصم، در حالیکه بابک خرمدین و برادرش را دستگیر کرده بود وارد شهر سامرا شد.

در سال ۲۴۵ ه ق متوکل عباسی شهر متوکلیه و مسجد جامع با مناره ماریچ آن را که به (ملویه) معروف شد، بنا نمود و این شهر را بعنوان مقر خلافت خود اعلام کرد، مهاجرت مردم به این شهر که در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا بود باعث خالی شدن شهر سامرا از سکنه شد (۱).

در سال ۲۵۴ ه ق امام هادی (ع) به شهادت رسید و در سامرا مدفون شد.

در سال ۲۵۵ ه ق امام زمان در سامرا متولد شد

در سال ۲۶۰ ه ق امام حسن العسکری (ع) به شهادت رسید و در کنار مرقد پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد و به تدریج در اطراف این مرقد مطهر خانه‌ها و بازارها بنا گردید و شهر سامرا رونق گرفت و این رونق خود را حتی بعد از سقوط دولت عباسی بوسیله مغولها حفظ کرد.

در سال ۲۷۹ ه ق معتمد عباسی شش ماه قبل از وفاتش این شهر را بقصد انتقال مجدد پایتخت به شهر بغداد ترک کرد و از آن پس شهر بغداد دوباره بعنوان پایتخت خلفای عباسی انتخاب شد و این امر باعث از رونق افتادن شهر سامرا شد.

در سال ۳۳۳ ه ق امیر ناصرالدوله حمدانی که از امرای شیعه بود و خلیفه عباسی دست نشانده او به شمار می‌رفت اقدام به توسعه سامرا نمود و بارویی دورتادور شهر بنا کرد.

۱- یونس شیخ ابراهیم السامرائی، تاریخ مدینه سامرا المجلد الاول و الثانی

ص: ۳۰۴

در سال ۴۴۵ ه ق یکی از فرماندهان به نام بساسیری علیه سلجوقی‌ها در این شهر قیام کرد.

در سال ۱۲۵۰ ه ق به همت و سرمایه یکی از پادشاهان هندوستان، جناب شیخ زین العابدین سلماسی اقدام به تعمیر باروی شهر نمود.

در سال ۱۲۵۸ ه ق به همت یکی دیگر از پادشاهان هند به نام أمجد علی شاه، سید ابراهیم قزوینی اقدام به تجدید بنای باروی شهر نمود.

در سال ۱۲۸۶ ه ق)

۹۶۸۱

(م) والی عثمانی عراق (مدحت پاشا) شهر سامرا را بعنوان شهرستانی وابسته به بغداد اعلام کرد و اولین قائم مقام وی در این شهرستان شخصی به نام (علی بیگ) بود.

در سال ۱۲۹۲ ه ق میرزای بزرگ محمد حسن شیرازی از شهر نجف به شهر سامرا مهاجرت کرد و مدت بیست و یک سال در این شهر زندگی کرد و عاقبت در سال ۱۳۱۲ ه ق در این شهر درگذشت. میرزای شیرازی اقدام به بازسازی بخشهای مختلف شهر نموده و مدرسه علمی بزرگی در آن بنا کرد و طلاب علوم دینی را به این شهر دعوت نمود.

در سال ۱۲۹۴ ه ق (۱۸۷۸ م) در دوران حکومت عثمانی اولین پل بر روی رودخانه فرات زده شد و باعث شد که این شهر با ساحل دیگر رودخانه مرتبط شود.

در سال ۱۲۹۶ ه ق (۱۸۷۹ م) گروهی از کردها به نام (هماوند) به شهر سامرا یورش برده و آن را تاراج کردند.

در سال ۱۲۹۹ ه ق (۱۸۸۱ م) اولین مدرسه ابتدایی در شهر سامرا بنا شد.

ص: ۳۰۵

در سال ۱۳۱۸ ه ق میرزای شیرزای درحالیکه در شهر سامرا مستقر بودند فتوای معروف خود مبنی بر تحریم تنباکو را صادر کردند.

در سال ۱۳۳۵ ه ق (۱۹۱۷ م) انگلیسی‌ها در خلال جنگ جهانی اول شهر سامرا را تصرف کردند.

در سال ۱۳۳۵ ه ق (۱۹۱۷ م) تعدادی از دزدان به بالای گنبد مطهر مرقد امامان معصوم (ع) رفته و ۲۵ آجر طلاکاری شده گنبد را بسرقت بردند.

در سال ۱۳۳۹ ه ق (۱۹۲۰ م) دامنه قیام عراقیها علیه انگلیس (انقلاب سال ۱۹۲۰) به کربلا رسید و با تلاش سید محمد صدر اهالی سامرا نیز در این انقلاب مردمی شرکت نمودند.

در سال ۱۳۴۳ ه ق (۱۹۲۴ م) شهر سامرا دچار اپیدمی وبا شد و بر اثر میزان بالای ابتلا، تعداد زیادی از اهالی شهر تلف شدند و بسیاری نیز جهت گریز از بیماری شهر را ترک نمودند.

در سال ۱۳۵۹ ه ق (۱۹۴۱ م) اهالی شهر مجدداً بر علیه انگلیسی‌ها قیام کردند و این واقعه در دوران حکومت رشید عالی گیلانی اتفاق افتاد و هنگامی روی داد که استاندار بغداد اعلام کرد انگلیسی‌ها قصد تصرف ایستگاه راه آهن سامرا را دارند.

در سال ۱۳۷۵ ه ق (۱۹۵۵ م) دولت اقدام بساختن خیابانی کرد که از دروازه (قاپول) آغاز می‌شد و به در مرقد مطهر امام حسن عسکری (ع) منتهی می‌گردید. دولت همچنین اقدام به بنای ساختمان شهرداری، بیمارستان، مدرسه، اداره برق و اداره پست و تلگراف در شهر نمود.

ص: ۳۰۶

در سال ۱۹۵۲ م پروژه آبرسانی (ثرثار) افتتاح شد تا بتواند مزارع اطراف شهر را آبیاری نماید. در سال ۱۹۷۶ م شهر سامرا که تا آن روز بعنوان مرکز شهرستان سامرا وابسته به استان بغداد بود، از این استان جدا شده و به استان صلاح الدین پیوست.

محلله‌های شهر سامرا:

محلله‌های شهر سامرا عبارتند از: محلله العابد، محلله البوجول، محلله البو بدری، محلله البو نیشان، محلله الغربیه، محلله القاطول، محلله القلعه، محلله الشریقه.

خیابانهای شهر سامرا:

خیابانهای مهم سامرا عبارتند از: شارع الخلیج، شارع السریحه (معروف به شارع الاعظم)، شارع الحیر الاول، شارع ابي احمد بن الرشید، شارع برغمش الترقی.

مساجد شهر سامرا:

مساجد مهم سامرا عبارتند از: مسجد جامع (این مسجد را المعتصم خلیفه عباسی در سال ۲۲۱ ه ق بنا کرد)، مسجد القلعه، مسجد حسن پاشا، مسجد حمید حسون، مسجد سید درویش، مسجد البو رحمان، مسجد علی بن ابي طالب (ع)، مسجد حاج صالح رحمانی، مسجد الارقم، مسجد اولاد الحسن (ع)، مسجد فاروق. همچنین مسجد ابودلف و مناره ماریچ آن (در فاصله پانزده کیلومتری شمال سامرا قرار دارد) از آثار باستانی مهم این شهر به شمار می‌رود.

ص: ۳۰۷

آثار باستانی سامرا:

مناره مارپیچ (ملویه)، قصر بلکورا (در سال ۲۴۷ ه ق بوسیله المعتز عباسی ساخته شد)، قصر العاشق و المعشوق (در سال ۲۶۴ ه ق بوسیله معتمد عباسی ساخته شد)، قصر المعتصم (یا جوسق خاقانی که بوسیله المعتصم عباسی ساخته شد)، قصر المختار، قصر الوزیری، قصر العروس، قصر الجعفری، شهر متوکلیه (در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا قرار دارد) قصر الجص، گنبد صلیبیه، دار العامه، تپه الصوان و بالاخره باروی شهر سامرا.

مدارس دینی سامرا:

شامل مدرسه علمیه جعفریه و مدرسه علمیه اهل تسنن است.

کتابخانه‌های سامرا:

کتابخانه‌های عمومی و خصوصی سامرا عبارتند از: کتابخانه محمد بن عبدالملک زیات، کتابخانه فتح بن خاقان، کتابخانه عمومی عسکرین، کتابخانه امام محمد مهدی (ع)، کتابخانه عمومی سامرا، کتابخانه ابن بطوطه، کتابخانه عمومی نسخ خطی عسکری در مدرسه آیت الله شیرازی.

شخصیت‌های مهم تاریخی سامرا:

در سامرا شخصیت‌های مهمی نظیر آیت الله سید محمد حسن شیرازی (متوفی سال ۱۳۱۲ ه ق)، ابراهیم بن محمد بن منصور سامری، ابراهیم بن ابی العباس سامری، احمد بن حسن بن حسان سامری، احمد بن سری بن سنان اطروش، محمد بن ادريس سامری، محمد بن حسن زید سامری، احمد محمد امین راوی، آیوب توفیق خطیب می‌زیستند.

ص: ۳۰۸

اماکن زیارتی سامرا

۱. مرقد مطهر عسکرین:

مهمترین زیارتگاه شهر سامرا مرقد مطهر دو امام همام یعنی حضرت علی الهادی (ع) و فرزند برومندشان حسن العسکری (ع) می باشد که دارای حرم و بارگاهی مجلل با گنبدی طلایی است که از دور دستها قابل مشاهده است و کنار این گنبد طلایی گنبد دیگری قرار دارد که کاشیکاری شده است و آن محل مشهد صاحب الزمان (ع) و سرداب غیبت آن حضرت است و در زیر گنبد مذکور مسجد بزرگی قرار دارد.

در حرم مطهر عسکرین که بصورت شش گوشه ساخته شده است علاوه بر دو امام هادی (ع) و عسکری (ع) نرجس خاتون همسرگرامی امام حسن عسکری (ع) و والده مکرمه امام زمان (ع) و حکیمه خاتون دختر امام جواد (ع) و امامزاده حسین فرزند امام هادی (ع) و تعدادی دیگر از اهل بیت (ع) مدفون شده اند و گنبد طلایی در وسط صحن شریف قرار گرفته است. دو امام همام پس از شهادت در منزلشان به خاک سپرده شدند و تا سالها شیعیان برای زیارت به این خانه می آمدند، این خانه در کنار مسجدی بود که گویند محل نماز خواندن آن دو امام (ع) بود و وقتی که در خانه مذکور بسته بود شیعیان در پشت پنجره خانه تجمع می کردند و آن حضرات را زیارت می کردند و سپس به مسجد مذکور می رفتند و نماز زیارت می خواندند و سالها این وضعیت ادامه داشت و گویند اولین کسی که بر سر قبور مطهر این امامان گنبدی ساخت، ناصر الدوله حمدانی بود که در سال ۳۳۳ ه ق گنبدی بر سر قبر آنان بنا نمود و این گنبد بارها تجدید بنا و ترمیم گردید تا

ص: ۳۰۹

اینکه عاقبت در قرن دوازدهم به همت حکمران خوی (احمد دنبلی خوئی، متوفی سال ۱۲۰۰ ه ق) و با هزینه زیادی صحن این دو امام (ع) بطوریکه امروز موجود است بنا شد و برای آن روضه، رواق، گنبدی عالی و گلدسته ساخت، برای سرداب مطهر نیز صحن جداگانه‌ای با ایوان و راه و پله‌ای جدا همچنین برای زنان دهلیز و سردابی مستقل ساخت. در سال ۱۲۸۵ ه ق ناصرالدین شاه دستور داد تا گنبد حرم مطهر را طلاکاری کنند که این امر بر روی گنبد نیز نوشته شده است. گنبد حرم مطهر عسکرین بزرگترین گنبد اماکن مقدس شیعه است بطوریکه محیط آن ۶۸ متر و قطر آن ۲۲ متر و ۴۳ سانتی متر می‌باشد و تعداد آجرهای طلای آن بالغ بر هفتاد و دو هزار عدد آجر است. در کنار این گنبد دو گلدسته طلایی قرار دارند که ارتفاع هر کدام از آنها از سطح زمین ۳۶ متر و از سطح بام صحن بالغ بر ۲۵ متر می‌باشد. در زیر گنبد حرم مطهر، ضریح نقره‌ای زیبایی قرار دارد که ساخته هنرمندان اصفهانی در دهه شصت میلادی است. درون حرم و قسمتهایی از رواقها بطرز زیبایی آئینه کاری شده و از یادگارهای ملک فیصل اول پادشاه هاشمی عراق است و بوسیله ایوانی فراخ و سقف‌دار به صحنی که گرداگرد حرم را فرا گرفته راه می‌یابد. داخل صحن شریف ۴۵ ایوان وجود دارد که ۱۶ ایوان سمت غرب و ۹ ایوان سمت جنوب و ۲۰ ایوان سمت شرق قرار گرفته‌اند و یکی از ویژگیهای این صحن آن است که فاقد حجره می‌باشد.

۲. مرقد مطهر نرجس خاتون:

نرجس خاتون همسر امام حسن عسکری (ع) و مادر مکرمه حضرت مهدی (ع) می‌باشد و قبر مطهر آن بانوی بزرگوار در پشت ضریح امام حسن عسکری (ع) قرار گرفته و پس از زیارت دو امام همام شایسته است که به زیارت این بانوی پرهیزگار رفت.

ص: ۳۱۰

۳. مرقد حکیمه فاطون:

حضرت حکیمه دختر امام جواد (ع) و عمه امام حسن عسکری (ع) از زنان پرهیزگار دوران خویش بود و آن حضرت حرمت فراوانی نزد برادرش امام هادی (ع) و برادر زاده اش امام حسن عسکری (ع) داشت. وی شاهد تولد امام زمان بود و او را در قنطاق پیچیده به نزد امام حسن عسکری (ع) آورد. قبر شریف این بانوی پرهیزگار پایین پا و چسبیده به ضریح عسکرین است و شیخ عباس قمی گوید برای این بانوی فاضله در کتب مزار زیارتنامه مخصوصی ذکر نشده است و سزاوار است که او را با همان زیارتنامه حضرت معصومه قم زیارت کنند. حکیمه فاطون در سال ۲۶۰ ه ق درگذشت.

۴. قبر مطهر حسین بن علی الهادی (ع):

وی سیدی جلیل القدر و عظیم الشأن بوده و در بعضی از روایات، از امام حسن عسکری (ع) و برادرش حسین بن علی به سبطین تعبیر شده است و آنان را به اجداد طاهرشان یعنی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) تشبیه کرده اند، همچنین در روایتی آمده است که صدای حضرت حجت شبیه صدای عمویشان حسین بوده است و سید احمد اردکانی یزدی در شجره الاولیاء گوید که حسین فرزند حضرت هادی (ع) از زاهدان و عابدان روزگار بود و به امامت برادر خود اعتراف داشت.

۵. سرداب غیبت:

مشهد صاحب الزمان و سرداب غیبت از زیارتگاه های مهم سامرا است و در حقیقت سرداب بخشی از خانه مسکونی حضرت عسکری (ع) بود که در آن به عبادت می پرداخت و پس از او محل سکونت امام زمان (ع) بوده است. این محل از دیر باز مورد توجه شیعه بوده است و از آنجا که عبادتگاه سه امام بوده، قداست و احترام ویژه ای دارد. گفتنی است که بوسیله پله هایی می توان به زیرزمین رسید. فضای اصلی و کهن زیرزمین عبارت است از

ص: ۳۱۱

تالاری مربع مستطیل به ابعاد ۳*۵ متر. در شرق این تالار فضایی است که پنجره‌ای از چوب دارد و محل عبادت امام (ع) بوده است. پنجره این نمازخانه یکی از ارزشمندترین قطعات باقیمانده از دوران عباسی‌ها است و دارای کتیبه‌ای کهن می‌باشد. این پنجره به دستور الناصر لدین الله عباسی (از خلفای علاقمند به اهل بیت (ع) بود) در سال ۶۰۶ ه ق ساخته شده است. در کاشیکاری درون این بقعه نام ناصر الدین شاه قاجار ثبت شده است که در سفر عتبات خود به زیارت این جایگاه تشریف یافته است. خادمان سرداب در این بقعه کوچک حفره‌ای تعبیه کرده‌اند و از آن به زائران خاک می‌دهند که فاقد هرگونه توجیه و دلیل شرعی است. کاشیکاری‌های صحن و سردر ورودی‌ها از دوره قاجاریه می‌باشند.

۶. مرقد سید محمد (ع)

سید محمد فرزند بزرگوار امام علی النقی (ع) است که در سال ۲۵۲ ه ق درگذشت و مرقد ایشان در شهر بلد در جاده اصلی کاظمین سامرا و در فاصله هشت فرسنگی شهر سامرا قرار دارد. این امامزاده مورد احترام فراوان شیعیان عراق بوده و آنان را نسبت به وی اعتقادی عظیم است و معمولاً تمامی کسانی که به زیارت امامان معصوم سامرا می‌روند، به زیارت این جناب نیز نائل می‌گردند. کرامات بسیاری از این بزرگوار نقل شده است و در بزرگواری ایشان همین بس که ایشان قابلیت و صلاحیت امامت را داشتند و فرزند بزرگ امام هادی (ع) بودند و در فوت او، حضرت امام حسن عسکری (ع) گریبان خود را چاک نمود و شیخ نوری اعتقاد عظیمی به زیارت آن بزرگوار داشته و در تعمیر بقعه و ضریح مبارکش سعی نمود.

ص: ۳۱۲

کتیبه‌ای بدین صورت بر ضریح شریفش نوشته شده است (هذا مرقد السيد الجليل ابی جعفر محمد بن الامام ابی الحسن علی الهادی (ع) عظیم الشأن جلیل القدر کانت الشیعه تزعم انه الامام بعد ابيه (ع) فلما توفي نص ابوه علی اخیه ابی محمد الزکی وقال له احدث الله شکرًا فقد احدث فيک امرًا خلفه ابوه فی المدینه طفلاً وقدم علیه فی سامرا مشتدًا و نهض الی الرجوع الی الحجاز ولما بلغ بلد علی تسعه فراسخ مرض و توفي و مشهده هناك ولما توفي شق ابو محمد علیه ثوبه و قال فی جواب من عابه علیه قد شق موسی علی اخیه هارون و کانت وفاته فی حدود اثنین و خمسين بعد المأتین) یعنی این مرقد سید جلیل ابوجعفر محمد فرزند امام هادی است که فردی عظیم الشأن است و شیعیان را این گمان بود که او پس از امام هادی به امامت خواهد رسید و چون درگذشت امام هادی (ع) بر امامت حسن عسکری (ع) اشاره فرمود، هنگامیکه امام هادی (ع) از مدینه به سامرا می‌رفت سید محمد کودکی بیش نبود و بعدها چون به بلوغ رسید راهی سامرا شد و چندی در سامرا بود تا آنکه تصمیم گرفت به مدینه برگردد و چون نه فرسنگی از سامرا دور شد و به بلد رسید در همین جا بیمار شده و درگذشت و چون این خبر به امام حسن عسکری (ع) رسید از شدت اندوه گریبان خود را چاک کرد و چون بر این کار او خرده گرفتند فرمود که حضرت موسی نیز در مرگ برادرش هارون گریبان خود را پاره کرد)

۷. قبر امامزاده محمد دری

از نوادگان امام کاظم (ع) (متوفی سال ۳۰۰ ه ق)

ص: ۳۱۸

خلاصه درس فصل ششم:

شهر مقدس سامرا در ساحل شرقی رودخانه دجله و در فاصله ۱۱۸ کیلومتری شمال بغداد قرار دارد. این شهر روی طول جغرافیایی ۴۳ درجه و ۴۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۳۵ دقیقه واقع شده است. سامرا از شمال به تکریت و از جنوب به بغداد و از غرب به رمادی و از شمال غربی به موصل و از جنوب شرقی به یالی محدود می شود. در این شهر مرقد دو امام همام علی الهادی (ع) و حسن العسکری (ع) قرار دارد. تولد و غیبت امام زمان (عج) در شهر سامرا بوده و محل غیبت آن حضرت (عج) زیارتگاه هزاران نفر از شیعیان دلسوخته می باشد. اکثر اهالی شهر از برادران اهل تسنن می باشند. در گذشته گرداگرد شهر را بارویی از آجر و گچ بشکل دایره ای و به قطر ۶۸۰ متر فرا گرفته بود که محیط آن به ۲ کیلومتر و ارتفاع آن به ۷ متر می رسید. این بارو ۱۹ برج و چهار دروازه داشت که عبارتند از: باب القاطول، باب الناصریه، باب الملطوش و باب بغداد. این بارو تا سال ۱۳۵۶ ه. ق (۱۹۳۶ م) پابرجا بود. بیشتر خانه های سامرا از آجر ساخته شده و باغهای عمومی و خصوصی فراوانی دارد. این شهر موزه ای دارد که حاوی آثار خطی و کتابهای فراوانی است. برحسب تقسیمات اداری و کشوری شهر سامرا مرکز شهرستان سامرا و بخشی از استان صلاح الدین عراق می باشد. شهرستانهای استان صلاح الدین (سامرا): استان صلاح الدین دارای هشت شهرستان است که عبارتند از: تکریت، الدور، سامرا، بلد، الطوز، الفارس، الشرقاط و بلاخره شهرستان بیجی.

آثار باستانی سامرا: مناره ماریچ (ملویه)، قصر بلکورا (در سال ۲۴۷ ه. ق بوسیله المعتز عباسی ساخته شد)، قصر العاشق و المعشوق (در سال ۲۶۴ ه. ق بوسیله معتمد عباسی ساخته شد)، قصر المعتصم (یا جوسق خاقانی که بوسیله المعتصم عباسی ساخته شد)، قصر المختار، قصر الوزیری، قصر العروس، قصر الجعفری، شهر متوکلیه (در فاصله ده کیلومتری شمال سامرا قرار دارد) قصر الجص، گنبد صلیبیه، دار العامه، تپه الصوان و بلاخره باروی شهر سامرا

ص: ۳۲۰

فصل هفتم

اشاره

ص: ۳۲۱

شهر حله

اشاره

شهر حله شهری قدیمی در میانه عراق و مرکز استان بابل می‌باشد این شهر بین راه بغداد به نجف و در فاصله هشتاد کیلومتری جنوب شرقی بغداد قرار دارد. این شهر کهن، یکی از مراکز مهم حوزه‌های علمی شیعه است و بسیاری از بزرگان شیعه مانند، علامه حلی و محقق حلی از این شهر برخاسته‌اند و امروزه استان بابل یکی از استانهای شیعه‌نشین مهم عراق است. در نزدیکی حله شهر باستانی (هاشمیه) قرار دارد که روزگاری پایتخت اولیه عباسی‌ها بود. در این شهر ابوالعباس سفاح و ابوجعفر منصور دوانیقی خلافت کردند و منصور پس از ساختن بغداد پایتخت خود را به بغداد منتقل کرد. دهها نفر از سادات جلیل القدر بنی الحسن (ع) به دست این دو تن در این شهر به شهادت رسیدند. برخی از آنها را از مدینه بدین شهر آورده، زندان نموده و سپس در گورهای دسته‌جمعی دفن کردند و یا در دیوارها و ستونها جای دادند و بر آنها ساختمان بنا کردند.

اماکن زیارتی و تاریخی حله

۱. مرقد امامزاده حمزه:

این امامزاده به (حمزه الغربی) شهرت دارد، وی ابو یعلی حمزه بن القاسم بن علی بن حمزه بن الحسن بن عبیدالله بن ابی الفضل العباس (ع) است. او از راویان حدیث و از علمای بزرگوار شیعه بوده و آرامگاهش در روستای (مزیدیه) در نزدیکی حله می‌باشد. بر قبر او گنبد و ضریح و رواق و صحن بزرگی ساخته شده و زیارتگاه مردم است.

ص: ۳۲۲

۲. مرقد امامزاده قاسم:

فرزند بزرگوار امام موسی بن جعفر (ع) و برادر تنی امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) است. او پس از شهادت پدرش از بغداد گریخت و در میان عشایر منطقه (سورا) در اطراف حله مخفی گردید و پس از وفات در آرامگاه کنونی اش دفن شد. امروزه قبر او زیارتگاه مردم است و صحن و سرا و بارگاه باشکوهی دارد و میان مردم به استجاب دعا و نذر مشهور است.

این دو امامزاده بزرگوار و صحیح النسب، مشهورترین امامزادگان این منطقه هستند و شهرت این دو به گونه‌ای است که نام شهر مدفن آنان، از نام اصلی به نام این دو تن تغییر یافت و در میان مردم به شهر (حمزه و قاسم) مشهور شده است.

۳. مسجد رد الشمس:

در آغاز بزرگراه کربلا- به حله بقعه‌ای است با گنبد مخروطی که بنا بر روایات تاریخی، امیرالمؤمنین (ع) هنگام بازگشت از جنگ صفین در این بقعه نماز ظهر و عصر را پس از آنکه خورشید به اراده پروردگار و خواست حضرت (ع) از وضعیت غروب به ظهر بازگشت، بجای آورد. این واقعه پیشینه تاریخی کهنی دارد و تمامی مورخان و محدثان درباره آن سخن گفته و آن را یکی از معجزات حضرت علی (ع) شمرده‌اند (۱).

۴. تپه حراقه:

جایگاه و تپه‌ای است که حضرت ابراهیم (ع) را در زمان نمرود بر منجیق نهادند و به آتش افکندند. امروزه فضای باز روبروی تپه به گونه‌ای است که گویی آثار برافروختن آتشی

۱- برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به الکافی ج ۴ ص ۵۶۱، وسائل الشیعه، ج ۵ ص ۱۸۰

ص: ۳۲۳

عظیم بر روی زمین نمایان است. این جایگاه در دهکده‌ای به نام (برس) در شمال حله واقع است.

۵. آرامگاه ابراهیم امیر العینین:

وی ابراهیم بن عبدالله المحض بن الحسن المثنی فرزند امام حسن مجتبی (ع) است. او عالم، عابد، زاهد و شجاع بود و در سال ۱۴۵ ه ق علیه ابوجعفر منصور قیام کرد و پس از جنگ و خونریزی به دست لشکریان منصور به شهادت رسید و سر او را بردند و به هاشمیه پایتخت منصور بردند. امروزه در محل دفن سر او در هاشمیه، در نزدیکی رودخانه (الجربوعیه) آرامگاهی ساخته‌اند.

۶. آرامگاه ابو دمیعه:

او محمد بن علی بن الحسین فرزند زید بن علی بن الحسین (ع) است که آرامگاهش در (محل الطاق) است. وی امامزاده‌ای والامقام است و در سال ۱۴۰ ه ق درگذشت، قبر او از زیارتگاه‌های مشهور شهر حله است.

۷. آرامگاه حسن الاسمر:

ابومحمد حسن الاسمر از نوادگان زید شهید است و آرامگاهش در روستای (زبید) در حومه حله قرار دارد.

۸. آرامگاه محمد الادرع:

ابوجعفر محمد الادرع از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) است و آرامگاهش در روستایی در جنوب حله واقع است.

ص: ۳۲۴

۹. آرامگاه اسماء بنت عمیس:

اسماء بنت عمیس از زنان پیشتاز در اسلام است که به‌مراه شوهرش جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت کرد و پس از شهادت جعفر به همسری ابوبکر درآمد و محمد بن ابی بکر را برایش بدنیا آورد و پس از مرگ ابوبکر و شهادت حضرت فاطمه (س) به همسری امیرالمؤمنین علی (ع) درآمد و برایش یحیی را بدنیا آورد. آرامگاهی در حومه شهر هاشمیه به او نسبت داده می‌شود و در نزدیکی این آرامگاه قبر فرزندش یحیی قرار دارد.

۱۰. آرامگاه اسماعیل طباطبا:

او نواده حسن مثنی فرزند امام حسن (ع) است و آرامگاهش در هاشمیه است.

۱۱. مرقد حضرت ایوب:

این پیامبر عظیم الشان یکی از انبیای بنی اسرائیل است که خداوند به منظور آزمایش، وی را به انواع بلاهای دنیوی مبتلا ساخت و آن حضرت در تمامی آن بلاها صابر و شکیبا بود. وی در سرزمین عراق وفات یافت و آرامگاهش در چهار فرسنگی جنوب شهر حله، به سمت کوفه، در منطقه‌ای به نام (الرازنجیه) قرار دارد.

۱۲. مرقد بکر بن علی:

این مرقد در اطراف حله و در سمت راست جاده شهر (کفل) به حله و نزدیک جاده اصلی کوفه به حله، در فاصله شش کیلومتری حله واقع شده است. مرقد دارای گنبدی کوچک و بنای آن به اواخر دوران عثمانی‌ها در عراق باز می‌گردد. مرقد در سال ۱۳۸۷ ه ق تجدید بنا شده و روی آن گنبد بزرگتری از آجر ساختند که ارتفاع آن به ۹ متر می‌رسد. مساحت حرم زیر گنبد ۲۵ متر مربع است و روی قبر مطهرش ضریحی از آهن قرار دارد و بر قبر

ص: ۳۲۵

وی لوحی با این متن وجود دارد: (این قبر بکر بن ابی طالب است که مادرش لیلی دختر مسعود بن خالد تمیمی است)

در بررسیهای بعمل آمده در خصوص این اسم، متأسفانه هیچگونه اثری از آن یافت نشده است و برخی از محققین معتقدند که منظور از بکر همان ابوبکر بن علی بن ابی طالب است که در مورد اسم او اختلاف نظر است، برخی او را عبدالله و برخی عبید الله و برخی محمد می دانند و همچنین درباره نام مادرش برخی معتقدند که مادرش لیلی دختر مسعود بن خالد دارمی است و برخی می گویند که مادرش (أم ولد) است. بهرحال بررسی عمیق در این خصوص را باید به صاحب نظران مربوطه محول نمود.

حرم مرقد در سال ۱۴۱۲ ه ق تجدید بنا شد و تعدادی از رواقها به آن افزوده شد و در سال ۱۴۱۶ ه ق نیز ایوانی به حرم اضافه شد.

ضریح در سمت شمالی حرم واقع شده و از آهن آبکاری شده با آلومنیوم ساخته شده و مساحت آن ۱/۵*۲ متر و بلندی آن ۵/۲ متر است. بخش جلویی ضریح از سه پنجره تشکیل شده که روی آن سوره حمد نقش بسته است. دیوار اطراف ضریح دیوار آجری سیمانی بوده و روی آن نام ائمه اطهار نقش بسته است. حرم دارای سه رواق است که در سال ۱۴۱۲ ه ق ساخته شده‌اند، دو رواق آن متعلق به زنان و یک رواق متعلق به مردان است. رواق مردان در سمت راست حرم قرار دارد و محرابی نیز در آن تعبیه شده است و دو رواق سمت چپ و شمال حرم متعلق به زنان می باشد.

مرقد ایوانی دارد که مساحت آن از رواقها کوچکتر است و بوسیله دری چوبی به طول دو متر و عرض دو و نیم متر از حرم جدا می گردد که روی در مذکور آیه (بسم الله الرحمن الرحیم ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل أحياء عند ربهم يرزقون) نقش بسته و

ص: ۳۲۶

زیر آن نوشته شده است: (السلام عليك يا من فدى لأخيه الحسين بنفسه. السلام عليك أيها الشهيد أبوبكر بن علي بن أبي طالب).

مرقد دارای صحنی به طول ۶۰ و عرض ۴۰ متر است و باتوجه به این امر باید مساحت کل مرقد ۲۴۰ متر مربع باشد. صحن دو اتاق دارد که یکی متعلق به خدام مرقد و دیگری بعنوان انبار مورد استفاده قرار می گیرد. بخشی از کف صحن موزاییک و بخش دیگر آن سیمانی است.

۱۳. قبر ابوالعباس سفاح:

ابوالعباس سفاح اولین خلیفه عباسی است. او در سال ۱۳۶ ه ق درگذشت و گور او درون مخروبه‌ای در شهر قاسم است.

۱۴. آرامگاه عبدالله المحض:

او نوه امام حسن (ع) است که در سال ۱۴۵ ه ق زنده بگورگردید و آرامگاهش در هاشمیه است.

۱۵. آرامگاه عبدالله بن زید:

او برادر یحیی بن زید شهید است. مدفنش در ۱۷ کیلومتری شهر کفل و در حومه هاشمیه است.

۱۶. آرامگاه عمران بن علی (ع):

عمران بن علی بن ابی طالب (ع) یکی از فرزندان حضرت علی (ع) است که بنا به نقل مورخان در جنگ نهروان مجروح شد و هنگام انتقال به کوفه در نزدیکی حله شهید شده، و در همانجا دفن گردید. آرامگاهش در یک کیلومتری شمال حله واقع است.

۱۷. آرامگاه عون بن علی:

از امامزاده‌های مدفون در حومه شهر هاشمیه است.

ص: ۳۲۷

۱۸. آرامگاه قاسم بن موسی کاظم (ع):

آرامگاهش در جنوب شهر حله واقع است.

۱۹. آرامگاه محمد الدیباج:

محمد دیباج و چهارتن دیگر از سادات بنی الحسن (ع) در بقعه‌ای در هاشمیه مدفونند.

۲۰. آرامگاه ابن ادريس حلی:

ابن ادريس حلی از بزرگان فقهای امامیه است و از وی کتاب مشهوری به نام (السرائر) بر جای مانده است که خود نیز بدین نام شهرت یافته و به (صاحب السرائر) معروف شد. ابن ادريس در سال ۵۹۸ هـ ق درگذشت و آرامگاه باشکوهش اینک درون شهر حله واقع است.

۲۱. آرامگاه ابن حماد واسطی:

ابن حماد از بزرگان فقهای امامیه است که قبرش در (محلہ الجامعین) حله می‌باشد.

۲۲. آرامگاه ابن سعید حلی:

شیخ نجیب الدین یحی بن احمد حلی یکی از فقهای نامدار شیعه است و نویسنده کتاب (جامع الشرائع) است. او در سال ۶۸۹ هـ ق در حله درگذشت و در خانه خود مدفون شد. آرامگاه وی امروزه در (محلہ الطاق) شهر حله قرار دارد و بر قبرش گنبد و سرایی ساخته‌اند. در پیرامون قبر او، آرامگاه گروهی از بزرگان شیعه نیز قرار دارد.

۲۱. آرامگاه محقق حلی:

محقق حلی یکی از علمای بزرگ امامیه و نویسنده کتاب (شرائع الاسلام) است. او در سال ۶۷۶ هـ ق در حله درگذشت و آرامگاهش در حله مشهور است.

ص: ۳۲۸

شهر بصره

اشاره

شهر بصره نخستین شهر اسلامی ساخته شده در عراق است که در سال ۱۴ هـ ق تأسیس شد و زمان ساختن آن شش ماه قبل از تأسیس کوفه بوده است. این شهر در آغاز محل استقرار لشکریان اسلام بود و گویند که این شهر بر بقایای پادگان ایرانیان، در منطقه‌ای به نام (الخریبه) ساخته شده است و در کنار آن بقایای شهر کهن (طریدون) قرار دارد و ظاهراً یکی از شهرهای تمدن بابل و یا آشور بوده است. شهر بصره نقش مهمی در تاریخ و علوم اسلامی ایفا کرده و مرکز یکی از مدارس مهم فقه و کلام و زبان عربی به شمار می‌رفته است.

اماکن دیدنی بصره

۱. مسجد جامع بصره:

این مسجد به مسجد امام علی (ع) نیز شهرت دارد و نخستین مسجد ساخته شده در عراق است. حضرت علی (ع) پس از واقعه جمل در این مسجد نماز گزارد و درباره آن پیشگویی نمود که سیل عظیمی این مسجد را غرق خواهد کرد که صدها سال بعد این سیل بوقوع پیوست و این حادثه جزو غیبگویی‌های آن حضرت شمرده شد. امروزه از این مسجد تنها قسمتی از گلدسته و باروی آن باقی مانده است.

۲. آرامگاه زید بن صوحان:

او از یاران با وفای امیرالمؤمنین (ع) بود که در سال ۳۶ هـ ق در جنگ جمل به شهادت رسید و آرامگاهش در (کوت الزین) بصره قرار دارد.

ص: ۳۲۹

۳. قبر حسن بصری:

او از تابعین و مشایخ معروف صوفیه است که سال ۲۱ هـ ق در مدینه بدنیا آمد و سال ۱۱۰ هـ ق در بصره درگذشت و بر قبر او بنای کهنی از قرن هفتم با گنبدی مخروطی قرار دارد.

۴. آرامگاه ملاصدرا:

صدر الدین شیرازی یکی از علمای برجسته شیعه و از فلاسفه معروف است که در حین سفر حج درگذشت و در یکی از اتاقهای پیرامون قبر حسن بصری به خاک سپرده شد.

۵. قبر زبیر بن عوام:

زبیر بن عوام عمه زاده پیامبر (ع) و یکی از رهبران جنگ جمل بود که بهمراهی طلحه غائله جمل را برپا کرد، اما در میانه جنگ پشیمان شد و هنگام فرار از میدان جنگ به دست مردی به نام (ابن جرموز) بقتل رسید. حکومت عثمانی برای گور او که در بیابان بود ساختمانی ساخت که امروزه اطراف آن شهری به نام (الزبیر) ساخته شده است و این شهر تا بصره ۳۰ کیلومتر فاصله دارد.

ص: ۳۳۰

خلاصه درس فصل هفتم:

شهر حله شهری قدیمی در میانه عراق و مرکز استان بابل می‌باشد این شهر بین راه بغداد به نجف و در فاصله هشتاد کیلومتری جنوب شرقی بغداد قرار دارد. این شهر کهن، یکی از مراکز مهم حوزه‌های علمی شیعه است و بسیاری از بزرگان شیعه مانند، علامه حلی و محقق حلی از این شهر برخاسته‌اند و امروزه استان بابل یکی از استان‌های شیعه‌نشین مهم عراق است. در نزدیکی حله شهر باستانی (هاشمیه) قرار دارد که روزگاری پایتخت اولیه عباسی‌ها بود. در این شهر ابوالعباس سفاح و ابوجعفر منصور دوانیقی خلافت کردند و منصور پس از ساختن بغداد پایتخت خود را به بغداد منتقل کرد. دهها نفر از سادات جلیل‌القدر بنی‌الحسن (ع) به دست این دو تن در این شهر به شهادت رسیدند. برخی از آنها را از مدینه بدین شهر آورده، زندان نموده و سپس در گورهای دسته‌جمعی دفن کردند و یا در دیوارها و ستون‌ها جای دادند و بر آنها ساختمان بنا کردند.

اماکن زیارتی و تاریخی حله:

۱ مرقد امامزاده حمزه: این امامزاده به (حمزه الغربی) شهرت دارد، وی ابو یعلی حمزه بن القاسم بن علی بن حمزه بن الحسن بن عبیدالله بن ابی الفضل العباس (ع) است. او از راویان حدیث و از علمای بزرگوار شیعه بوده و آرامگاهش در روستای (مزیدیه) در نزدیکی حله می‌باشد. بر قبر او گنبد، ضریح، رواق، و صحن بزرگی ساخته شده و زیارتگاه مردم است.

ص: ۳۳۲

۲ مرقد امامزاده قاسم: فرزند بزرگوار امام موسی بن جعفر و برادر تنی امام رضا (ع) و حضرت معصومه (س) است. او پس از شهادت پدرش از بغداد گریخت و در میان عشایر منطقه (سورا) در اطراف حله مخفی گردید و پس از وفات در آرامگاه کنونی اش دفن شد. امروزه قبر او زیارتگاه مردم است و صحن و سرا و بارگاه باشکوهی دارد و در میان مردم به استجابت دعا و نذر مشهور است. این دو امامزاده بزرگوار و صحیح النسب، مشهورترین امامزادگان این منطقه هستند و شهرت این دو به گونه‌ای است که نام شهر مدفن آنان، از نام اصلی به نام این دو تن تغییر یافت و در میان مردم به شهر (حمزه و قاسم) مشهور شده است. سایر اماکن زیارتی عبارتند از: مسجد ردالشمس، تپه حراقه، آرامگاه ابودمیعه، آرامگاه حسن الاسمر، آرامگاه اسماء بنت عمیس، محمد الادرع، آرامگاه اسماعیل طباطبا، مرقد ایوب نبی و غیره.

ص: ۳۳۴

فصل هشتم دیگر اماکن زیارتی و سیاحتی عراق

اشاره

ص: ۳۳۵

دیگر اماکن زیارتی در عراق**۱. مرقد سلمان فارسی**

مرقد سلمان فارسی یا (سلمان پاک) در شهر مدائن فعلی است و بنا برگفته شیخ عباس قمی از تکالیف زوار در کاظمین رفتن به مدائن به منظور زیارت عبد صالح الهی جناب سلمان فارسی می باشد که اول ارکان اربعه شیعه به شمار می رود و رسول اکرم (ص) او را از اهل بیت (ع) خود شمرده است. پس از رحلت رسول اکرم (ص)، سلمان به عنوان فرماندار مدائن برگزیده شد و پس از کسب اجازه از امیرمؤمنان علی (ع) بدین منطقه رهسپار شد و تا آخر عمر در شهر مدائن زیسته و در همان جا فوت کرده و به خاک سپرده شد.

۲. مرقد حذیفه یمانی

حذیفه یمانی از بزرگان اصحاب رسول خدا (ص) و از یاران خاص امیرالمؤمنین (ع) است که مرقد وی نیز در مدائن می باشد. حذیفه از جانب خلیفه دوم سالها والی مدائن بود، سپس او را عزل کرد و جناب سلمان والی آنجا شد و چون سلمان وفات کرد، حذیفه مجدداً والی آنجا شد تا آنکه خلافت به امیرالمؤمنین (ع) رسید و آن حضرت او را بر حکمرانی مدائن ابقا فرمود و هنگامیکه حضرت علی (ع) برای جنگ جمل از مدینه راهی بصره گردید، حذیفه وفات یافت و در همان شهر مدائن به خاک سپرده شد.

۳. مرقد ابراهیم اشتر

ابراهیم بن مالک اشتر نخعی در ماه جمادی الثانی سال ۷۱ هجری قمری در جنگ با لشکریان بنی امیه به فرماندهی (محمد بن مروان) به شهادت رسید و در منطقه ای به نام

ص: ۳۳۶

مسکن در نزدیکی رودخانه دجیل در فاصله یکصد کیلومتری شمال غربی بغداد به خاک سپرده شد. ابراهیم اشتر همانند پدرش مالک اشتر سوار کاری دلاور و یکی از پیروان مخلص و وفادار اهل بیت بود. هنگامیکه مختار ثقفی در سال ۶۶ ه ق به خون خواهی امام حسین (ع) در کوفه قیام کرد. ابراهیم اشتر به او پیوسته و با او بیعت نمود و هنگامیکه لشکر بنی امیه به فرماندهی (عبید الله بن زیاد) برای سرکوب قیام مختار به عراق گسیل شد ابراهیم اشتر نیز در رأس لشکری برای مقابله با آنان برخاست و دو لشکر در منطقه‌ای بین اربیل و موصل به نام (خازر) بهم رسیدند و جنگ سختی بین آنان در گرفت و ابراهیم اشتر توانست در این جنگ تعدادی از فرماندهان برجسته بنی امیه را به قتل برساند که مهمترین آنها عبارت بودند از: عبید الله بن زیاد، حصین بن نمیر، شرحبیل بن ذی الکلاع، ابن حوشب، غالب باهلی.

در هنگام کشته شدن مختار در سال ۶۷ هجری قمری بوسیله مصعب بن زبیر، ابراهیم اشتر حاکم موصل و جزیره بود و مصعب نیز او را بر پست خود باقی گذاشت تا بتواند جلوی حمله امویان را بگیرد.

عبدالملک بن مروان در طی نامه‌ای به ابراهیم اشتر از او خواست که به بنی امیه بپیوندد تا وی را به حکومت عراق برگزینند اما اشتر این پیشنهاد را رد کرد و در نتیجه عبدالملک لشکری را به فرماندهی (محمد بن مروان) به مقابله با او فرستاد و جنگ سختی بین آنها در منطقه مسکن در گرفت و ابراهیم اشتر در این جنگ به شهادت رسید و بنا به نقل مسعودی در کتاب مروج الذهب پس از شهادت ابراهیم اشتر سرش را بریده، به نزد عبدالملک فرستادند و جسد او را آتش زدند.

ص: ۳۳۷

مرقد کنونی ابراهیم اشتر ظاهراً همان مکانی است که جسد مطهرش را آتش زدند و این مرقد امروزه در صحرای مابین بغداد و سامرا روی زمین مرتفعی بصورت ساختمانی مربعی شکل با گنبدی فیروزه‌ای قرار گرفته است و مردم این مرقد را به نام مرقد (شیخ ابراهیم) می‌نامند.

مرقد ابراهیم اشتر امروزه در شهرستان فارس استان صلاح الدین و در فاصله ۴۵ کیلومتری کاظمین واقع شده است. این مرقد در خیابانی خاکی، منشعب از جاده اصلی سامرا کاظمین و در کنار پل اسحاقی قرار دارد. گنبد مرقد از بیرون با کاشیهای فیروزه فام پوشانده شده و از درون با کاشیکاری و کاشی‌نوشته‌هایی از آیات قرآن تزیین شده است. در پایین گنبد دوازده پنجره قرار دارد و گنبد روی شش ستون هفت متری بنا شده که تا ارتفاع دو متری با مرمر پوشانده شده‌اند. ضریح مرقد از جنس برنز زرد بوده و قبلاً در حرم امامزاده سید محمد فرزند امام هادی قرار داشت که در سال ۱۳۸۵ ه ق به این مکان منتقل شده است ابعاد ضریح ۳* ۲۵/۴ متر و ارتفاع آن ۵/۲ متر می‌باشد. گرداگرد ضریح را حرمی مربعی شکل به ابعاد هیجده متر و با چهار در بزرگ آهنی فراگرفته است. صحن خاکی بوده و اطراف آن را دیواری مستطیلی شکل به طول ۱۰۰ متر و عرض ۸۰ متر احاطه کرده که از بلوکهای سیمانی ساخته شده است. مرقد دارای برق و وسایل خنک کننده می‌باشد و تعداد خادمان آن سیزده نفر است که بصورت شیفتی خدمت می‌کنند.

ص: ۳۳۸

۴. مرقد دو طفلان مسلم بن عقیل

این مرقد در فاصله سه کیلومتری شرق (مسیب) (۱) قرار دارد. و علی رغم آنکه روایت شیخ صدوق تنها روایتی است که قصه شهادت آنان را به تفصیل نقل کرده است اما برخی از علمای شیعه در صحت انتساب آن به فرزندان مسلم تردید داشته‌اند با این وجود بسیاری معتقدند که این محل مرقد طفلان مسلم بن عقیل است که محمد اصغر و ابراهیم نامیده می‌شدند و در حادثه کربلا موفق شدند که از معرکه جان سالم به در برده و پس از مدتی راهپیمائی راه را گم کرده و توسط دشمنان اسیر شده و به زندان می‌افتند اما زندانبان آنان را فراری داده و آن دو به خانه زنی از شیعیان پناهنده می‌شوند اما حارث بن عروه طائی که از سرکردگان عبید الله بن زیاد بود آنان را دستگیر نموده و در کنار شط فرات در سال ۶۲ هـ ق به شهادت می‌رساند و نیز در همین روایت آمده است که محمد اصغر در سال ۵۲ هـ ق و ابراهیم در سال ۵۳ هـ ق بدنیا آمده بودند.

بنابر روایات موجود ظاهراً مرقد فعلی محل شهادت آنان بوده است و قاتل پس از کشتن این دو طفل و جدا کردن سر آنها و ارسال سرها برای ابن زیاد جسد مطهرشان را در رودخانه فرات انداخت. اجساد بنا به روایتی توسط مردم از آب گرفته شده و در همان جا مدفون شدند و برخی نیز معتقدند که این محل زندان آن دو بوده است.

۱- مسیب نام شهری در ساحل رودخانه فرات است که در حدود ۴۲ کیلومتر از «حله» فاصله دارد، این شهر بر روی زمینهای: «مسیب بن نجبه فزاری» بنا گردید، شخص مذکور یکی از رهبران جماعت توابین بود که بعد از شهادت امام حسین (ع) به خونخواهی او برخواستند، وی نیز در نبرد «عین الورد» در سال ۶۵ هـ ق به شهادت رسید.

ص: ۳۳۹

دربندی در کتاب خود (اسرار الشهاده) می گوید: (قبر آن دو در مکانی مشهور در نزدیکی شهر مسیب است، هرچند که ما تا کنون حتی یک روایت در مورد تعیین محل دقیق دفن آنها نیافته ایم اما اجماع علمای شیعه بر این است که آنها در این مکان به شهادت رسیده، دفن شده اند. به تواتر نقل شده که فضلا و علمای شیعه بقصد زیارت آنها به این مرقد مطهر مشرف می شده اند. (۱) حرزالدین در کتاب خود مراقد المعارف در این باره می گوید: (قرنها می گذرد و این محل در طی قرون گذشته بعنوان مرقد طفلان مسلم مطرح بوده است و بجز گروه بسیار اندک، هیچکدام از مشاهیر بزرگ و علمای امامیه بدین امر معترض نشده اند. در دوران ما نیز بسیاری از علمای محقق و پژوهشگر شیعه به زیارت آن مرقد مشرف شده اند. تمام شیعیان ساکن در عراق این مرقد را متعلق به طفلان مسلم بن عقیل می دانند، همچنین شیعیان ایران و تمامی زائران عتبات عالیات نیز به این امر معتقد می باشند و به زیارت مرقد رفته و برای آن هدایا و نذوراتی برده اند و این امور خود بهترین دلیل در صحت انتساب آن به فرزندان مسلم بن عقیل است) (۲).

بنابر شواهد مذکور اولین بنایی که در این محل ساخته شده بوسیله سلطان اسماعیل صفوی و در حدود سالهای ۹۲۰ تا ۹۳۰ ه ق بود که شامل دو گنبد و یک حرم کوچک بوده است

۱- اسرار الشهاده تالیف آغا بن عابد دربندی، ص ۲۴۲

۲- اسرار الشهاده تالیف آغا بن عابد دربندی، ص ۲۴۲

ص: ۳۴۰

. براساس اظهارات شیخ علی قسام نماینده آقای حکیم در شهر (مسیب) بنای فعلی مرقد توسط حاج محمد حسین صدر وزیر سلطان فتحعلی قاجار در سال ۱۲۲۰ ه ق (۱۸۰۵ م) احداث شد. وی علاوه بر حرم صحن بزرگی برای مرقد ساخت که از وسط به دو بخش تقسیم شده بود، قسمت اول مخصوص استراحت زائران و قسمت بعدی مخصوص نگهداری چهارپایان آنان بود. در سال ۱۳۵۵ ه ق گروهی از تجار ایرانی بخش مخصوص چهارپایان را پس از ویران کردن به صحن مرقد افزودند و در آن اتاقهایی برای استراحت زوار ساختند. در سال ۱۳۷۶ ه ق نیز دولت عراق مبلغی را برای نوسازی صحن اختصاص داد که با آن بخش غربی صحن ساخته شد. در سال ۱۳۸۱ ه ق تجار فوق الذکر ایرانی مرقد را به آب لوله کشی تجهیز نمودند و برخی دیگر از مؤمنین در سال ۱۳۸۴ ه ق هزینه برق‌رسانی آن را تأمین کردند. در سال ۱۳۹۴ ه ق مرقد تجدید بنا شد و با نقوش و خطوط زیبای اسلامی مزین گردید. مقبره کنار مرقد نیز به پارکینگ ماشین تبدیل شد تا زائران از آن استفاده کنند.

در داخل حرم دو ضریح قرار دارند که ضریح شرقی متعلق به ابراهیم بن مسلم بن عقیل و ضریح غربی متعلق به برادرش محمد بن مسلم بن عقیل است و فاصله بین دو ضریح شش متر است و هر کدام از آنها ۳ متر طول، ۲ متر عرض و ۲۵/۲ متر ارتفاع دارند و در تاریخ ۱۳۰۱ ه ق از برنز زرد ساخته شده‌اند و ضریحی چوبی داخل هر کدامشان قرار دارد که توسط اداره اوقاف استان بابل عراق در سال ۱۳۹۵ ه ق (۱۹۷۵ م) نصب گردیده است.

ص: ۳۴۱

بر بالای دو ضریح دو گنبد بزرگ قرار گرفته که با کاشیکاریهای فیروزه‌ای رنگ و کتیبه‌ای از آیات قرآنی تزیین شده‌اند و در پایین آیات قرآنی هر گنبد پانزده پنجره کوچک وجود دارد که نور از آنها به داخل حرم می‌تابد.

طول حرم ۲۴ متر و عرض آن از سمت جنوب به شمال بیش از ۱۲ متر است و در حرم شمعدان کوچکی وجود دارد که بر روی آن به زبان فارسی متن زیر کنده کاری شده است: (وقف مرقد مطهر طفلان جناب مسلم (ع) نمود نواب علیّه عالیّه شمس الدوله حرم محترم پادشاه به تاریخ شهر صفر سنه ۱۲۸۷ ه.ق). (۱)

۱- هنگامیکه حاج علی بن حسین هلال (متوفی، ۱۳۵۲ ه.ق) قبر دو طفلان مسلم را بازسازی می‌کرد به دو سنگ قبر برخورد که نوشته بود محمد بن مسلم و ابراهیم بن مسلم (ویراستار به نقل قول از ره توشه عتبات عالیات ص ۳۲۱)

ص: ۳۴۲

آثار باستانی مهم عراق

اشاره

عراق پیشینه تاریخی بسیار کهنی دارد و این امر باعث شده است که آثار باستانی فراوانی را در خود جای دهد که از آنجمله می‌توان به شهرهای باستانی بابل، اورک، اریدو، نینوی و غیره اشاره کرد. ما در این فصل بصورت مختصر برخی از مهمترین این آثار را معرفی می‌کنیم.

۱. مسجد جامع سامرا (المتوکل):

این مسجد در کنار رودخانه دجله و در شمال غربی بغداد قرار دارد. مسجد مستطیلی شکل بوده و مساحت کلی آن بالغ بر ۳۸۰۰۰ متر مربع می‌باشد، یعنی در حدود چهار هکتار است که نیمی از آن با سقفی چوبین متکی بر ۴۶۴ ستون پوشیده می‌شده است. امروزه همه آن به اضافه موزاییک کاریهای سطح دیوارها کلاً از بین رفته است و فقط مناره مشهور این مسجد که به نام ملویه بوده و با پلکانی مارپیچی به قسمت مسطح نوک منتهی می‌شود، پابرجاست.

این مسجد در فاصله سالهای ۸۴۸ و ۸۵۲ میلادی ساخته شده و امروزه بصورت مخروبه درآمده است. در ضلع شمالی مسجد مناره تک و بزرگی ساخته شده است که آوای مؤذن از فراز آن مؤمنان را به نماز فرا می‌خواند. با آنکه شکل این مناره یادآور زیگوراتهای باستانی بین النهرین است، سازنده‌اش طرح آن را احتمالاً نه از زیگوراتهای یاد شده بلکه از گونه‌ای برج حلزونی در ایران ساسانی که هدف از آن تاکنون بر کسی روشن نشده، الهام گرفته است. برخی تصور دارند که متوکل خلیفه عباسی پس از نوشیدن شراب با اسب از این مناره بالا می‌رفت، هرچند که پهنای پله‌های این مناره امکان انجام چنین کاری را می‌دهد، اما به هر حال از صحت انتساب چنین اسطوره‌ای به متوکل اطلاع چندانی در دست نیست.

ص: ۳۴۳

مناره مذکور بیرون مسجد در فاصله بیست و هفت متری شمال آن قرار گرفته و بر خط محوری محراب مسجد واقع است. بدنه حلزونی مناره بر روی قاعده‌ای دو طبقه و مربعی شکل قرار گرفته که اضلاع طبقه پایین آن ۸/۳۱ متر و اضلاع طبقه بالایی آن ۵/۳۰ متر می‌باشد، ارتفاع این قاعده تزیین شده از سطح زمین ۲/۴ متر است. این گلدسته بدنه استوانه‌ای شکلی دارد که پلکانی مارپیچ و مخالف جهت عقربه‌های ساعت گرداگرد آن را گرفته و به بالاترین قسمت مناره ختم می‌شود. قطر انتهای این مناره مارپیچ ۳ متر و ارتفاع آن از سطح زمین ۵۰ متر است. بنا به روایت مورخان متوکل مبلغ پنج میلیون دینار عباسی برای ساختن این مسجد هزینه کرده است.

۲. قصر اخضر:

کاخ اخضر یکی از نخستین کاخهای سالم مانده مسلمانان در عراق است که در نیمه دوم سده هشتم میلادی ساخته شده است. این کاخ که احتمالاً بزرگترین کاخ اسلامی است، در جنوب کربلا و در فاصله ۴۸ کیلومتری آن قرار دارد، و در قرن گذشته سالم از زیر خاک بیرون آورده شد. دیوارهای بلند و برج دار آن از بیرون بیشتر به دیوارهای مسجد بزرگ سامرا شباهت دارد. این تشابه، بازتابی از انعطاف‌پذیری مختص نخستین بناهای بزرگ اسلامی است، زیرا با تغییراتی نسبتاً جزئی می‌شد آنها را متناسب با هدف خاصی از نو به کار گرفت. از بیرون به ندرت می‌توان تفاوت‌های موجود میان یک مسجد، کاخ و یا کاروانسرا را تشخیص داد: وجه مشترک این بناها عموماً ظاهر عبوس و مستحکم آنها بود که حکایت از ضعف نظامی آنها می‌کرد. دیوارهای بلند را احتمالاً برای حفاظت در برابر قبایل چادرنشین غارتگر می‌ساختند.

ص: ۳۴۴

در نقشه ساختمانی کاخ اخضر کار کرد دو گانه مسکونی و اداری آن دیده می شود. مجموعه با شکوه ورودی، شامل یک دروازه عظیم و تالاری بزرگ بین اتاقهای گنبددار کوچک که به یک حیاط بزرگ منتهی می شود و در پشت آن یک تالار پذیرایی وجود دارد که اتاقهایی در چهار طرف آن ساخته شده است. در دو جناح این محور تشریفاتی، چهار حیاط کوچکتر واقع شده که جملگی در هر یک از دو ضلع شمالی و جنوبی خود سه اتاق دارند. این اتاقهای مجتمع، ظاهراً مستقلاً و احتمالاً بعنوان واحدهایی برای زندگی چند خانواده یا مهمانخانه مورد استفاده قرار می گرفتند. در سمت راست تالار ورودی، یکی از اجزای ثابت این گونه کاخهای اولیه یعنی مسجد دیده می شود که به پیکره کل کاخ چسبیده است، البته مسجد را گاهی جدا گانه می ساختند. در بیشتر کاخها حمامهای بسیار زیبا و با شکوه ساخته می شد، که پاره ای از مشخصات و اجزای فنی آنها مانند شبکه های گرمایش به تقلید از حمامهای سنتی رومی می باشد. حمام های کاخ اخضر در نزدیکی مسجد قرار دارند و مانند حمامهای روزگار کلاسیک کهن، احتمالاً کارهایی جز وظایف بهداشتی داشته اند. غالباً تالارهایی متصل به این حمامها ساخته می شدند که احتمالاً بعنوان مکانهای خوش گذرانی و سرگرمی مورد استفاده قرار می گرفتند.

تزیینات کاخ اخضر خیلی ساده بوده و به گچکاری و آجرکاری تزیینی بسیار ساده محدود می شود. از این لحاظ آثار به دست آمده از کاخهای غربی در سوریه و فلسطین به مراتب غنی تر بوده اند.

۳. شهر اور:

بنا به گفته باستان شناسان این شهر که (اور کلدانیین) نام دارد کهن ترین شهر جهان به شمار می رود و در پنج هزار سال قبل از میلاد ساخته شده است. نام کنونی اور (الورقاء) است و نام سومری آن (اورک) است که در تورات با نام (ارک) ذکر شده است.

ص: ۳۴۵

این شهر امروزه در سمت غرب رودخانه فرات و در پانزده کیلومتری جنوب شهر ناصریه مرکز استان قادسیه قرار دارد و از مهمترین آثار باقیمانده این شهر برج زیگورات آن است که نخستین نمونه از این گونه برجها در جهان کهن می باشد. این زیگورات کمی بیش از ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده و چند قرن از نخستین هرم مصری قدیمی تر است. در نگاه نخست کوهی از خشت خام را می بینیم که در اثر عواملی همچون زمان، آب و هوا و تاخت و تاز دشمنان تقریباً بصورتی بی شکل در آمده است. ساختمان زیگورات از دو طبقه ساخته شده است و پشته ای که پایه زیگورات محسوب می شود و سطوح جانبی آن با آجر مستحکم شده است، بیش از دوازده متر ارتفاع دارد. پله های متعدد این پشته به سطح وسیعی منتهی می شود که محل بنای پرستشگاه است. سه پلکان خرپشته ای، هر یک با یکصد پله در یک نقطه به دروازه برج دار زیگورات می رسند و از آنجا احتمالاً پلکان دیگری به زیارتگاه یا پرستشگاه منتهی می شود.

این پرستشگاه سومری به نام (معبد سفید) معروف شده زیرا بدنه آجری آن سراسر گچ اندود بوده است. محوطه درونی و اصلی ساختمان یا مقصوره آنجا که پیشکش و نذر نثار پای پیکره خداوند می گردید تالار باریک و بلندی است که در طول تمام معبد ادامه یافته و دو طرفش را اتاقهای کوچکتری متعاقب یکدیگر فرا گرفته است. اما ورودی اصلی مقصوره در سمت جنوب غربی قرار دارد و برخلاف انتظاری که داریم، در جهت مقابل پله ها و یا در یکی از جناحهای باریک معبد قرار نگرفته است. برای پی بردن بعثت این وضع باید زیگورات و معبد را همچون مجموعه واحدی در نظر آورد: بدین معنی که نقشه مجتمع ساختمانی آن به نحوی طرح شده بود که هر پرستنده برای صعود از پله های سمت مشرق به درون مقصوره می بایستی تا حد امکان از پیچهای بیشتری عبور کند. به عبارت دیگر راه عبور عابدان بسوی معبد شبیه به نوعی مارپیچ حلزونی زاویه دار بوده است، این خاصیت راه ورود به پرستشگاه از مختصات بناهای دینی بین النهرین است. پس از این و

ص: ۳۴۶

در طی ۲۵۰۰ سال بعد ساختمانها پیوسته بصورت زیگوراتهای برج مانند بلندتر و با طبقات بیشتر تکامل یافت. نمونه برجسته‌ای از آنها که به طرز استثنائی محفوظ برجای مانده، زیگوراتی است که توسط عیلامی‌ها در (دور اوتاشی) نزدیک شوش باستان (چغازنبیل امروزی در ایران) ساخته شده است و معیاری کامل از عظمت و تفصیل این گونه بناهای دینی را نشان می‌دهد.

بتی که معبد سفید برای پرستش آن ساخته شده بود از بین رفته است، اما به نظر می‌رسد که این معبد متعلق به خدای (آنو) خدای آسمان بوده است.

زیگورات اور نمونه مناسبی از معابد قدیمی دوره سومری نوین است. در این دوره معماران می‌کوشیدند بلندترین و کوه‌پیکرترین بنای ممکن را روی زمین برپا دارند. ساختمان این زیگورات، کوه محکمی از خشت خام با نما سازی ضخیمی از آجر پخته با ملات قیری است. آجر پخته را به این علت با ملات قیر در نما سازی بکار می‌بردند که بر قدرت و استحکام ساختمان در برابر سیلها و اثر سایر عوامل طبیعی بیفزایند. طبقات زیگورات، احتمالاً به رنگهای متفاوت با معنی نمادینی ساخته می‌شده‌اند و احتمالاً سطح پشته آنها را درختکاری و گیاهکاری می‌نمودند. ارتفاع زیاد این بنا و دشواری صعود و دستیابی به نوک زیارتگاه احتمالاً مانند مذاهب دیگر، نمادی از گونه‌ای تدارک دشوار روح برای روشنایی گرفتن از خدا به شمار می‌رفته است. بدون تردید بلندی زیگوراتهای بزرگ که ظاهراً به قلب آسمان می‌رسیدند، تأثیر ژرفی بر مردمان کهن داشت و دلیل آن وجود زیگورات بلندی در بابل به نام برج بابل که ارتفاع آن نشانه‌ای از غرور بلند پروازانه نوع بشر است.

ص: ۳۴۷

۴. قلعه اربیل:

این قلعه در وسط شهر اربیل در شمال عراق قرار دارد و مساحت آن حدود یکصد و ده هزار متر مربع است و ارتفاع کلی قلعه از سطح شهر حدود ده متر است. بازدید کننده از دو طریق می تواند به داخل قلعه راه یابد یکی بوسیله پله ها و دیگری راه باریک و شیبداری است که ماشین رو نیز می باشد. باستان شناسان علت ارتفاع قلعه را اینگونه توجیه می کنند که طی قرون متمادی این قلعه مسکونی بوده و نسلها یکی پس از دیگری بر خرابه های نسل قبلی خانه ساختند و این امر منجر به مرتفع شدن قلعه شده است. بررسی ها نشان می دهد که نام شهر و قلعه آن در آثار برجای مانده از چهار هزار سال قبل آمده است و این قلعه مقر اصلی عبادت الهه عشق و باروری (عشتار) بوده است. یکی از مشهورترین ساکنین شهر و قلعه مذکور پادشاه قدرتمند آشوری (سنحاریب) بود که توانست آب آشامیدنی را با کانال کشی شهر و قلعه به آنجا برساند. در الواح گلی برجای مانده از آن روزگار آمده است که سنحاریب می گوید: من سنحاریب پادشاه جهان و پادشاه آشور هستم، سه کانال در کوههای خانی که از کوههای شهر اربیل است حفر کردم، آب چشمه های چپ و راست را به شهر هدایت کردم سپس کانالی کشیدم که آب را به وسط شهر زادگاه الهه (عشتار) می رساند.

پس از سقوط بابل، شهر اربیل همانند سایر شهرهای بین النهرین به تصرف پادشاهان هخامنشی درآمد و سالها تحت تصرف ایرانیان باقی ماند و عاقبت یکی از پادشاهان ایران در این شهر به قتل رسید و گویند که وی گنجهای خود را در قلعه اربیل مخفی کرده بود.

ص: ۳۴۸

اسکندر مقدونی هنگام حمله به شرق در دشتهای شهر اربیل با ارتش ایران درگیر شد و جنگی بزرگ در این منطقه در گرفت که عاقبت به پیروزی اسکندر مقدونی انجامید. یکی از ساکنان قلعه این حادثه تاریخی را بصورت نقاشی ترسیم کرد و این لوحه ارزشمند تاریخی بعدها از اربیل به بمبئی هندوستان و از آنجا به موزه ناپل در ایتالیا منتقل شد. گفته می شود که نقاش برجسته (لوبرون) شاهکار خود را از این نقاشی الهام گرفت و امروزه اثر وی در موزه قصر ورسای فرانسه قرار دارد.

شهر اربیل در روزگار عباسی ها بسیار شکوفا شد. از جمله مورخین عرب که از قلعه اربیل یاد کرده اند یاقوت حموی است که می گوید: در طرفی از شهر اربیل قلعه ای استوار با خندقی عمیق وجود دارد که زمینهای وسیعی را در بر گرفته است. این قلعه بر روی تپه خاکی بزرگی قرار گرفته و در آن بازارها و خانه های رعیتها و مسجدی قرار دارد و بسیار شبیه قلعه حلب است اما از آن بزرگتر و زمینهای آن وسیعتر است.

۵. طاق کسری:

طاق کسری قسمتی از قصر سلطنتی پادشاهان ساسانی است که در شهر تیسفون یا مدائن پایتخت قدیمی ایران قرار دارد و در حقیقت بلندترین طاق آجری است که از روزگار کهن تا کنون برجای مانده است. این قصر مسکن بسیاری از پادشاهان ساسانی بود و از آن همه جلال و جبروت، امروزه تنها ایوان عظیم آن باقی مانده است که بر فراز آن شکافی عمیق نمایان است و گفته می شود که هنگام تولد رسول اکرم (ص) این شکاف پدید آمده است. این طاق در ۳۰ کیلومتری جنوب بغداد و در سمت غرب رودخانه دجله قرار دارد. بلندی این طاق آجری ۳۰ متر و عرض آن ۴۸ متر و قطر دیوارهای آن ۷ متر است. در این قصر بود که در سال ۵۳۲ ق. م پیمان صلح ایران و روم معروف به صلح پایدار میان دو دولت

ص: ۳۴۹

ایران و روم شرقی منعقد شد. در هنگام سقوط این شهر، وقتی که اعراب وارد آن شدند از عظمت آن در شگفت ماندند و چون شهر بنا به روایتی از دوازده شهر تشکیل می‌شد، نام آن را مدائن گذاشتند که در زبان عربی جمع مدینه و به معنی (شهرها) است. کاخ عظیم مدائن را ابتدا شاپور ذوالاکتاف در قرن سوم میلادی بنا نمود و بعدها انوشیروان آن را توسعه داد.

بسیاری از شاعران عرب و ایرانی به دیدار بقایای این قصر شتافته و احساسات خود را در قالب قصیده و یا غزل بیان کرده‌اند و از مهمترین آنها خاقانی است که قصیده معروف خود (ایوان مدائن) را سروده است و در مطلع آن چنین گوید:

هان ای دل عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مدائن را آینه عبرت دان

در کنار طاق کسری قبر دوتن از صحابه رسول اکرم (ص) قرار دارد که یکی از آنها سلمان فارسی و دیگری حذیفه یمانی است.

ص: ۳۵۰

۶. شهر باستانی بابل:

شهر باستانی بابل یکی از مهمترین آثار باستانی عراق است. این شهر در سال ۲۳۵۰ ق. م تشکیل شد. خرابه‌های این شهر در نزدیکی شهر حله قرار دارند. معنی کلمه بابل در زبان اکدی (باب الاله) یا دروازه خدایان است و پیشینیان آن را به نامهای مختلفی از جمله (بابلونیا) می‌خواندند نام این شهر در قرآن نیز آمده است. (۱) این شهر بعد از سقوط تمدن سومری بعنوان پایتخت امپراتوری بزرگ بابل بر صحنه روزگار ظاهر شد امپراتوری بزرگی که حمورابی آن را در ۲۱۰۰ سال قبل از میلاد پایه گذاری کرد و از خلیج فارس در جنوب تا شمال رودخانه دجله امتداد داشت مدت پادشاهی حمورابی ۴۳ سال بود و در این مدت بابل به اوج شکوفایی خود رسید.

شهر بابل در دو سوی رودخانه فرات قرار داشت و از جمله آثار مهم این شهر باغهای معلق بابل بود که یکی از عجائب هفتگانه جهان باستان به شمار می‌رفت و اکنون ویرانه‌ای بیش نیست. از دیگر آثار این شهر دروازه‌ای معروف به دروازه عشتار و معبد بزرگ مردوک می‌باشد. اقتصاد شهر بابل بیشتر متکی بر کشاورزی و دامداری بود. شهر بابل حاوی طبقات متعدد اجتماعی بود از جمله طبقه اشراف، عامه مردم و بردگان و بعلت عدم دسترسی منطقه به سنگ و درخت بابلی‌ها خانه‌ها و معابد خود را از گل پخته و یا آجر می‌ساختند. در حال حاضر غالب آثار باستانی شهر بابل در موزه‌های آمریکا و انگلستان و

ص: ۳۵۱

سایر کشورهای اروپایی نگهداری می‌شود و تنها تعداد اندکی از آنها در موزه بغداد نگهداری می‌شود. این شهر تا سال ۵۳۸ ق. م رونق داشت و در این سال که به تسخیر کورش درآمد، به تدریج رونق و اعتبار گذشته خود را از دست داد. امروزه این شهر در ۹۰ کیلومتری جنوب بغداد و در فاصله چند کیلومتری شمال شهر حله قرار گرفته است.

۷. شهر باستانی متوکلویه:

این شهر توسط متوکل خلیفه عباسی ساخته شد، شهر مذکور در فاصله ۲۰ کیلومتری سامرا به سمت شهر تکریت قرار دارد و گفته می‌شود متوکل برای ساختن این شهر یک میلیون و پانصد هزار دینار طلا هزینه نمود و دستور داد که خیابانهای آن را پهن بگیرند و در آن قصرهای متعددی برای خود و درباریان بسازند. وی در این شهر مسجدی به نام ابو دلف با گلدسته‌ای مارپیچ ساخت که بسیار شبیه مسجد جامع سامرا بود اما مساحت آن و ارتفاع گلدسته مارپیچ آن بسیار کمتر بود. همچنین دستور داد قناتی از نزدیکی رودخانه دجله بسوی شهر مذکور کشیده شود تا بتوان بدین وسیله آب شهر را تأمین نمود. وی دستور داد تا علاوه بر ساختن بازار بزرگ شهر برای هر محله نیز بازاری ساخته شود. کار بنای شهر در سال ۲۴۵ هـ ق آغاز شد و شهر شامل سه بخش عمده بود: بخش اول محله جنوبی شهر بود که (عربایا) نام داشت و محل سکونت مردم معمولی و عادی شهر بود، بخش دوم شهر محله میانی بود که مخصوص سکونت فرماندهان نظامی بود و در شمال آن مسجد ابودلف قرار داشت و بخش سوم شهر محله شمالی آن بود که مخصوص قصر دارالخلافة، دیوانهای دولتی و قصرهای متوکل بود. این قسمت بوسیله بارویی کاملاً از سایر قسمتهای شهر جدا می‌شد، این بارو سه دروازه بزرگ داشت که سواره با نیزه‌اش می‌توانست به راحتی از آنها عبور کند. پس از اتمام ساخت شهر، متوکل و درباریان در اول ماه محرم

ص: ۳۵۲

سال ۲۴۷ ه ق به شهر متوکلیه منتقل شدند اما متوکل نتوانست مدت زیادی را در این شهر بگذراند، و عاقبت در روز چهارم شوال سال ۲۴۷ ه ق بر اثر توطئه پسرش (منتصر) توسط تعدادی از غلامان ترک به قتل رسید و پس از آن پسرش منتصر به خلافت رسید و چند روز بعد منتصر دستور داد که محل خلافت مجدداً به سامرا منتقل شود و خود و لشکریانش به شهر سامرا بازگشتند و شهر متوکلیه غیر مسکونی شد. در حال حاضر آثار برجای مانده از شهر متوکلیه در کنار رودخانه دجله و در ۱۰ کیلومتری شمال سامرای امروزی همچنان پابرجاست و می توان باروی بزرگ و ۵/۴ کیلومتری آن را براحتی مشاهده کرد. مساحت این شهر در حدود ۵۴۰ هکتار بوده است و از مهمترین آثار باقیمانده در این شهر مسجد ابودلف است که نقشه آن شباهت بسیاری به مسجد جامع سامرا دارد. ابودلف از معدود فرماندهان عرب لشکر متوکل بود که (قاسم بن عیسی بن ادیس بن معقل عجلی) نام داشت و در سال ۲۲۶ ه ق وفات یافت. وی و فرزندان از شیعیان معتقد و از سران حکومت عباسی در زمان هارون الرشید و پس از آن بودند. مسجد ابودلف در حقیقت نمونه کوچکتتر مسجد جامع متوکل است و ابعاد آن ۱۳۸ * ۲۱۵ متر بوده و بارویی به ضخامت ۶/۱ متر دارد. این مسجد دارای هیجده دروازه است و گلدسته آن شبیه ملویه است، با این تفاوت که ارتفاع آن ۱۹ متر است.

۸. قصر عاشق و معشوق

یکی از قصرهای معروف دوران عباسی است. آثار برجای مانده از این قصر در نزدیکی شهر سامرا قرار دارد. این قصر را معتمد عباسی در سال ۲۶۴ ه ق بنا نمود. این قصر آجری برجها و باروهای متعددی داشته که امروزه قسمتهایی از این برج و باروها برجای مانده است.

ص: ۳۵۳

البته گفتنی است که قصرهای باستانی سامرا، مجموعه‌ای متعدد از قصرها است که خلفای هوسران عباسی پس از انتقال پایتخت به شهر سامرا آنها را برای خوشگذرانی و برگزاری مجالس جشن و سرور و شادمانی خود بنا کردند و قصر عاشق و معشوق یکی از این مجموعه قصرها می‌باشد و نام دیگر قصرهای عباسی که در سمت شمال غربی مسجد جامع متوکل و در شهر متوکلیه بنا گردید عبارتست از:

قصر الجعفری، قصر العروس، قصر المختار، قصر الوحید، قصر الجعفری المحدث، قصر الغریب، قصر الصبح، قصر الملیح، قصر بستان الایتاخیه، قصر التل، قصر الجوسق، قصر بر کوآرا، قصر القلائد، قصر الغرد، قصر المتوکلیه، قصر البهو، قصر اللؤلؤه و غیره.

۹. شهر حیره:

در چند کیلومتری شهر کوفه آثار و خرابه‌های شهر حیره، پایتخت پادشاهان سلسله منازره قرار دارد. این سلسله از پادشاهان، دست‌نشانده امپراتوری ساسانی بودند و از مرزهای غربی امپراتوری در برابر اعراب بادیه نشین و رومیان دفاع می‌کردند. گفته می‌شود ساختمانهای کوفه پس از ظهور اسلام و فتح عراق از آجرهای این شهر ساخته شده است. امروزه می‌توان آثار مخروبه‌ای از یک شهر کامل با خیابانها و کوچه‌ها و کلیساها و غیره در آن مشاهده کرد.

۱۰. شهر آشور:

در یکصد کیلومتری جنوب شهر موصل و در سمت راست رودخانه دجله، خرابه‌های شهر آشور، پایتخت باستانی امپراتوری آشور قرار دارد. قلعه این شهر با کاوش‌های باستان‌شناسان سر از خاک درآورده و امروزه به نام (قلعه شرقاط) مشهور است. علاوه بر

ص: ۳۵۴

این تعدادی معبد و بویژه معبد با برج گردان که شهرت ویژه‌ای دارد، در این شهر وجود دارند.

۱۱. شهر کالج:

شهر کالج دومین پایتخت امپراتوری آشور است که سمت چپ رودخانه دجله و در فاصله ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر موصل واقع است. خرابه‌های این شهر باستانی، امروزه به نام (خرائب نمرود) شهرت دارد و در نیمه قرن نوزدهم از زیر خاک بیرون آورده شد. از این شهر آثار باستانی مهمی کشف شده که بسیاری از قطعات آن زینت بخش موزه‌های جهان است.

۱۲. شهر نینوا:

شهر نینوا آخرین پایتخت امپراتوری آشور است که خرابه‌هایش سمت چپ رودخانه دجله و مقابل شهر موصل کنونی قرار دارد، بگونه‌ای که هنگام ورود به شهر موصل باید از میان دیوارهای قطور برج و باروی آن گذشت. این شهر در سال ۱۰۸۰ ق. م پایتخت شد و به سرعت رو به توسعه و عمران نهاد و در آن می‌توان آثار معابد و کاخها و قلعه‌های عظیم و مجسمه‌های خدایان باستانی آشور را مشاهده کرد.

۱۳. شهر حضر:

شهر حضر در آغاز یک پادگان نظامی بود و بعدها به تدریج به شهر مهمی تبدیل گردید. این شهر در قرن اول پیش از میلاد در فاصله یکصد و چهل کیلومتری جنوب غربی موصل و در دشت محصور بین دو رودخانه دجله و فرات ساخته شد. در این شهر امروزه می‌توان

ص: ۳۵۵

آثار باستانی جالب توجهی را دید که عبارتند از: قلعه‌های سنگی، کاخها، معابد، مقابر حکام و پادشاهان و مجسمه‌های خدایان و غیره.

ص: ۳۵۶

۱۴. شهر بوسنیا:

در پانزده کیلومتری جنوب غربی حله به سمت نجف، تپه‌ای مصنوعی از آجر به ارتفاع ۴۴ متر دیده می‌شود که به (برس نمرود) با (برج نمرود) شهرت دارد و گفته می‌شود این تپه برج مانند جایگاهی است که نمرود از روی آن حضرت ابراهیم (ع) را به آتش افکند. در دشت روبروی این تپه، زمین بسیار وسیعی دیده می‌شود که همچون آجر پخته می‌باشد و گفته می‌شود که بر روی این زمین آتش نمرود برای سوزاندن ابراهیم (ع) افروخته شده است.

ص: ۳۶۰

خلاصه درس فصل هشتم:

شهر مدائن یکی از شهرهای باستانی عراق است. این شهر پایتخت دولت ساسانیان بود و پس از سقوط آن در حمله اعراب به ایران به تصرف مسلمانان درآمده و امروزه مرقد دو تن از یاران پیامبر (ص) در این شهر قرار دارد. در شهر مدائن مرقد سلمان فارسی و مرقد حذیفه یمانی قرار گرفته و یکی از زیارتگاه‌های شیعیان به‌شمار می‌رود. در این شهر علاوه بر مراقد فوق‌الذکر باقیمانده طاق کسری نیز وجود دارد که بخشی از قصر یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی می‌باشد. نام قدیمی مدائن تیسفون است و نام مدائن بعد از تصرف شهر توسط اعراب بر آن نهاده شد.

شهر مسیب یکی دیگر از شهرهای زیارتی عراق است که در آن قبر دو طفلان مسلم واقع شده است. که یکی ابراهیم و دیگری محمد نام داشتند.

عراق آثار باستانی فراوانی دارد که از جمله این آثار می‌توان موارد ذیل را ذکر نمود:

۱. مسجد جامع سامرا

۲. قصر اخضر

۳. شهر اور

۴. قلعه اربیل

۵. شهر باستانی بابل

۶. شهر باستانی متوکلیه

۷. قصر عاشق و عشوق

۸. شهر حیره

۹. شهر آشور

۱۰. شهر کالج

۱۱. شهر نینوا

۱۲. شر حضر

۱۳. شهر بورسیبا

ص: ۳۶۱

مجموعه سؤالات کتاب:

۱. واژه عراق از چه زمانی در شعر جاهلی عرب ظهور کرده است؟
۲. معنی واژه (ایراک) در زبان فارسی قدیم چیست؟
۳. مساحت جغرافیایی عراق چقدر است؟
۴. عراق با جمهوری اسلامی ایران چند کیلومتر مرز مشترک دارد؟
۵. دو رودخانه مهم عراق را ذکر نمایید و بگویید که از کجا سرچشمه می گیرند؟
۶. سه دریاچه عراق را نام ببرید؟
۷. مرکز تجمع ترکمان‌های عراق در چه شهری است؟
۸. صابئه عراق در کجای این کشور سکونت دارند؟
۹. خلاصه‌ای از انقلاب سال ۱۹۲۰ م عراق علیه انگلیس‌ها بنویسید؟
۱۰. عراق چند استان دارد؟ پنج استان آن را نام ببرید؟
۱۱. مرکز استان التامیم چیست؟
۱۲. قبرهای منسوب به نبی یونس و نبی شیت در کدام استان قرار دارند؟
۱۳. قبرهای منسوب به نبی هود و نبی صالح در کدام استان قرار دارند؟
۱۴. شهر واسط در عراق توسط چه کسی ساخته شد؟
۱۵. فاصله شهر نجف اشرف تا کربلای معلی چند کیلومتر است؟
۱۶. معنی لغوی نجف را بنویسید؟
۱۷. شاه عباس صفوی در چه زمانی بر شهر نجف و سایر شهرهای عراق دست یافت؟
۱۸. نام سه محله از محله‌های نجف را نام ببرید؟
۱۹. حرم مطهر حضرت علی (ع) چند در دارد؟ سه‌تای آن‌ها را نام ببرید؟
۲۰. سه مکان زیارتی دیگر در شهر نجف را نام ببرید؟
۲۱. مقام امام زین‌العابدین (ع) در کجا قرار دارد؟
۲۲. علت تسمیه مسجد حنانه بدین نام چه بوده است؟

ص: ۳۶۲

۲۳. قبرستان معروف نجف چه نام دارد؟

۲۴. محل بنای شهر کوفه بنا به پیشنهاد کدامیک از یاران پیامبر (ص) بوده است؟

۲۵. مسجد کوفه در چه سالی تأسیس شد؟

۲۶. مرقد مسلم بن عقیل در کجا قرار دارد؟

۲۷. هانی بن عروه کیست؟

۲۸. مهم‌ترین کار مختار ثقفی چه بود؟

۲۹. میثم تمار در چه سالی به شهادت رسید؟

۳۰. مسجد سهله در کجا واقع شده است و از چه جهت اهمیت دارد؟

۳۱. مسجد صعصعه منسوب به چه کسی است؟

۳۲. مرقد کمیل در کجا قرار دارد؟

۳۳. خانه امام علی (ع) در کوفه در اصل منزل چه کسی بوده است؟

۳۴. علامه مجلسی درباره مسجد حضرت یونس در کوفه چه نظری دارد؟

۳۵. فاصله شهر کربلا تا بغداد چند کیلومتر است؟

۳۶. کدام قبیله اقدام به دفن اجساد شهدای کربلا نمود؟

۳۷. اولین کسی که بر روی قبر مطهر امام حسین (ع) گنبدی از آجر و گچ ساخته که بود و در چه سالی؟

۳۸. استان کربلا چند شهرستان دارد؟ نام ببرید؟

۳۹. سه محله از محله‌های کربلا را نام ببرید؟

۴۰. سایر زیارتگاه‌های مهم کربلا را نام ببرید؟

۴۱. دژ الاخیضر از اماکن سیاحتی کدام استان عراق است؟

۴۲. صحن مطهر امام حسین (ع) چند در دارد؟ سه‌تای آنها را نام ببرید؟

۴۳. علت تسمیه در حرم مطهر امام حسین (ع) به باب‌السدره چه بوده است؟

۴۴. فاصله حرم مطهر حضرت ابوالفضل (ع) تا حرم مطهر امام حسین (ع) چقدر است؟

ص: ۳۶۳

۴۵. مرقد حر بن یزید ریاحی در کجا قرار دارد؟

۴۶. اولین کسی که به ساختن مرقد حر بن یزید ریاحی اهتمام ورزید چه کسی بود و در چه سالی؟

۴۷. علت تسمیه تل زینبیه بدین نام چه بوده است؟

۴۸. در مورد دو مقام کف دست راست و دست چپ حضرت ابوالفضل (ع) چه می دانید؟

۴۹. علت تسمیه شهر کاظمین بدین نام چیست؟

۵۰. نام قدیمی محلی که امام کاظم (ع) در آن مدفون شدند چه بود؟

۵۱. اولین پادشاهی که اقدام به ساختن مرقد و بارگاه بر روی قبر امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) نمود که بود؟

۵۲. سه مکان زیارتگاهی دیگر در شهر بغداد نام برید؟

۵۳. چه کسی در مسجد براتنا نماز خوانده است؟

۵۴. نواب اربعه امام زمان (ع) را نام برید؟

۵۵. مرقد شیخ کلینی مؤلف کتاب کافی در چه شهری است؟

۵۶. در حرم مطهر عسگریین در کنار مرقد امام هادی (ع) و امام عسگری (ع)، چه کسان دیگری از اهلیت مدفون هستند؟

۵۷. سه اثر باستانی موجود در استان صلاح الدین (سامرا) را نام ببرید؟

۵۸. شهر سامرا تا بغداد چقدر فاصله دارد؟

۵۹. در شهر بلد کدامیک از امامزادگان مهم شیعه مدفون هستند؟

۶۰. از سرداب غیبت چه می دانید؟

۶۱. سلمان فارسی در کجا مدفون است؟

۶۲. اولین ولی مدائن که در زمان خلیفه دوم به این مقام منصوب شد چه نام داشت؟

۶۳. مرقد ابراهیم پسر مالک اشتر در کجا قرار دارد؟

۶۴. نام دو طفلان مسلم چه بود؟ و در کجا مدفون هستند؟

۶۵. ذوالکفل کی بود و در کجا مدفون است؟

ص: ۳۶۵

۶۶. مهمترین مشخصه مسجد جامع سامرا، گلدسته آن است، این گلدسته چه خصوصیتی دارد؟
۶۷. زمان تقریبی ساخت زیگورات اور در چه بستر زمانی می باشد؟
۶۸. قلعه اربیل در گذشته مقر پرستش کدامیک از خدایان بوده است؟
۶۹. اثر باستانی طاق کسری در کجا قرار دارد؟
۷۰. بکر بن علی کیست و در کجا مدفون است؟
۷۱. شهر باستانی بابل در کجا قرار دارد و معنی کلمه بابل چیست؟
۷۲. شهر باستانی متو کلیه در کجا قرار دارد و توسط چه کسی ساخته شده است؟
۷۳. متوکل عباسی در چه سالی پایتخت خود را به شهر متو کلیه منتقل کرد؟
۷۴. قصر عاشق و معشوق توسط چه کسی و در چه سالی ساخته شد؟
۷۵. خلفای عباسی قبل از بغداد چه شهری را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند؟
۷۶. تپه حراقه کجاست و داستان آن چیست؟
۷۷. امامزاده حمزه کیست و در کجا مدفون است؟
۷۸. مسجد ردالشمس در کدام شهر واقع شده است؟
۷۹. آرامگاه ادریس حلی عالم بزرگ شیعه در چه شهری قرار دارد؟
۸۰. آرامگاه ملا صدرا در کدام یک از شهرهای عراق قرار دارد؟
۸۱. زبیر ابن العوام کیست و در کجا مدفون شده است؟
۸۲. قبر منسوب به اسماء بنت عمیس در چه شهری قرار دارد؟

ص: ۳۶۶

فهرست منابع و مآخذ

- ۱ قرآن کریم
- ۲ الارشاد، شیخ مفید
- ۳ الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی شهاب‌الدین ابی الفضل احمد بن علی، بیروت، نشر دار صادر
- ۴ الامالی، شیخ طوسی
- ۵ اماکن سیاحتی و زیارتی عراق، محمد رضا قمی، نشر مشعر، ۱۳۸۳
- ۶ الامام الحسین و اصحابه، شیخ فضل علی قزوینی، چاپ نجف
- ۷ اسرار الشهاده، آغابن عابد دربندی
- ۸ بحار الانوار، علامه مجلسی، ۱۱۰ جلدی، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق
- ۹ تهذیب الحکام، شیخ طوسی، ۱۰ جلدی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه. ش
- ۱۰ تاریخ مرقد الحسینی و العباس، سلمان هادی آل طعمه، الطبعة الاولى، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت
- ۱۱ تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۵۴
- ۱۲ تاریخ المراقده الحسینی و اهل بیته و انصاره، محمد صادق الکرباسی، المركز الحسینی للدراسات، لندن، الطبعة الاولى سنه ۱۹۹۸، رجوع کنید به کتاب عتبات عالیات عراق تألیف دکتر اصغر قائدان ص ۱۷۹
- ۱۳ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی
- ۱۴ تاریخ العراق بین احتلالین، عباس الغراوی، چاپ بغداد، ۱۹۳۵۶ م
- ۱۵ تتبعات فی جوار سور المیدین، جیمز فیلکس جونز، سلسله مختارات من سجلات حکومه بومبی، المجلد ۴۳، سنه ۱۸۵۷ بومبی الهند
- ۱۶ تاریخ مدینه سامرا، یونس شیخ ابراهیم السامرایی، المجلد الاول و الثاني، الطبعة الاولى، سنه ۱۹۷۱ م، بغداد

ص: ۳۶۷

- ۱۷ الجامع المختصر فی عنوان التواریخ و عیون السیر، مصطفی جواد، چاپ بغداد، ۱۹۳۴ م
- ۱۸ الحوادث الجامعه و التجارب النافعه فی المائه السابعه، کمال‌الدین عبد الرزاق ابن فوطی بغدادی، بغداد، مکتبه العربیه، ۱۳۵۱ ق
- ۱۹ الرحله، ترجمه میر بصری، بغداد
- ۲۰ الرحله، ابن جبیر محمد بن احمد، دار بیروت للطباعه، ۱۴۰۱ ه. ق
- ۲۱ دایره المعارف تشیع، زیر نظر سید جواد، مؤسسه دایره المعارف تشیع، ۱۳۶۹
- ۲۲ سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه دکتر محمد علی موحد، از: علمی و فرهنگی تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۱
- ۲۳ سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا، تالیف محمد صادق نجمی، دفتر انتشارات اسلامی قم
- ۲۴ سفرنامه کیو پورتر، چاپ ۱۸۲۲ م لندن
- ۲۵ سفرنامه فریزر به بغداد در سال ۱۸۳۴، جیمز بیلی فریزر، ۱۹۶۴، المعارف، بغداد
- ۲۶ العراق قديماً و حديثاً، عبدالرزاق حسینی، الطبعة السابعة، سنه ۱۹۸۲ م، بغداد
- ۲۷ عتبات عالیات عراق، دکتر اصغر قائدان، نشر مشعر، بهار ۱۳۸۳
- ۲۸ العماره العباسیه فی سامراء، طاهر مظفر الحمید، الطبعة الاولى عام ۱۹۷۶ بغداد
- ۲۹ علی ضفاف النيل و دجله، ارنست والیس، عام، ۱۹۲۰، لندن
- ۳۰ الغدير فی الكتاب و السنه و الأدب، علامه عبدالحسین امینی، (متوفی ۱۳۴۹ ش) دارالکتب الاسلامیه، طهران، الطبعة الثانیه، ۱۳۶۶ ش
- ۳۱ فرهنگ فارسی عمید، دوره ۳ جلدی، امیر کبیر، ۱۳۸۲
- ۳۲ الفخری فی الآداب السلطانیه و الدول الاسلامیه مصر رحمانیه، ابن الطقطقی، محمد بن طباطبائی تا
- ۳۳ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، بیروت، دارالصادر، ۱۹۶۵ م

ص: ۳۶۸

- ۳۴ کربلا و حرمهای مطهر، سلمان هادی آل طعمه، ترجمه حسین صابری، نشر مشعر، پاییز ۱۳۷۸
- ۳۵ الکافی، ثقة الاسلام کلینی، ۸ جلدی، دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۵ هجری
- ۳۶ موسوعه النجف الاشرف، جعفر الدجیلی، بیروت، الطبعة الاولى، سنه الاولى ۱۹۹۳ م
- ۳۷ مشهد الامام و مدینه النجف، محمد علی جعفر التیمی، الطبعة الاولى، عام ۱۹۵۸، مطبعة دار النشر و التألیف، نجف
- ۳۸ مراقد التعارف، محمد حسین حرزالدین، نجف، ۱۳۸۹
- ۳۹ ماضی النجف و حاضرها، الطبعة الاولى، سنه ۱۹۸۶
- ۴۰ موسوعه العتبات المقدسه، قسم النجف، المجلد الاول، الطبعة الثانيه، سنه ۱۹۸۷، بیروت
- ۴۱ مروج الذهب و معادن الجواهر، مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳
- ۴۲ مستدرک الوسائل، محدث نوری، ۱۸ جلدی، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۸ ه. ق
- ۴۳ المنتظم، ابن جوزی ابن قیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲ م
- ۴۴ وسایل الشیعه الی التحصیل السائل الشریعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۲۹ جلدی، ۱۴۰۹ ه. ق
- ۴۵ یادداشت‌ها، کارستن نیپور، ترجمه مصطفی جواد، مجله سومر، سال ۱۹۶۴ بغداد
- ۴۶ الرحله، مادام دی لافوا، بغداد، عام ۱۹۵۸



حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

www.hajj.ir

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

www.ghaemiyeh.com

